



Representation of women's social movements in movies (Suffrage, Northern Land, Iron Jaw Angels, Rosa Parks Story) from the decade (1920-2016) Charles Sanders Peirce Semiotics

*Elmira Sasanpour¹, Afsana Idrisi^{*2}, Majid Tusli³*
(Received date: 2023/12/01 - Accepted date: 2024/01/30)

Abstract:

In this article, the subject of representation of women's social movements in the films of suffrage, Northland, Angels of Iron Jaw, Rosa Parks story from the decade (1920-2016) is discussed. The women's movement is an organized movement to achieve women's rights and an ideology for the transformation of society, whose goal is the dream of eliminating all kinds of racial discrimination. And with Charles Tilly's theory of collective action and the fundamental theories of feminism, he wants to analyze how effective movies will be in representing women's social movements. It seems that movies play a prominent role in expressing and representing women's social movements in society. The findings of the research indicated that the meanings represented in the films include: negation of the status quo and our identity, having a plan and organized collective behavior, clarity of goals, having an ideology, commitment and obligation, opposition to violent behaviors, radical movement, value, Commitment has been unity.

Keywords: Social movements, representation, women's films, feminism, semiotics

¹ PhD student in Political Sociology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran
Elmirasasanpour@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author): Edrisiafsaneh@yahoo.com

³ Associate Professor, Political Science Department, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran. tavasoli@gmail.com



**بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی (حق رأی، سرزمین شمالی،
فرشته‌های آرواره آهنین، داستان رزا پارکس) از دهه (۲۰۱۶-۱۹۲۰) باروشن نشانه
شناسی چارلز سندرس پیرس**

ایلمیرا ساسانپور^۱، افسانه ادیسی^۲، مجید توسلی^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰)

چکیده:

در این مقاله به موضوع بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در فیلم‌های سینمایی حق رأی، سرزمین شمالی، فرشته‌های آرواره آهنین، داستان رزا پارکس از دهه (۲۰۱۶-۱۹۲۰)، پرداخته می‌شود. جنبش زنان، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان وایدئولوژی برای دگرگونی جامعه است که هدف آن رویای دفع انواع تبعیض وستم نژادی می‌باشد. در این مقاله نویسنده با بررسی چهار فیلم سینمایی با روش کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس و با نظریه کنش جمعی چارلز تیلی و نظریه‌های بنیادی فمینیسم می‌خواهد به این تحلیل برسد که فیلم‌های سینمایی تا چه حد در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان موثر خواهد بود. به نظر می‌رسد که فیلم‌های سینمایی نقش پررنگی در بیان و بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان در جامعه دارند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بودند که معنایی که در فیلم‌ها بازنمایی شده‌اند شامل: نفی وضع موجود و هویت ما محور، داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته، مشخص بودن اهداف، داشتن ایدئولوژی، تعهد الزام، مخالفت با رفتارهای خشونت‌آمیز، جنبش رادیکال، ارزشمندی، تعهد، وحدت بوده است.

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، بازنمایی، فیلم‌های سینمایی زنان، فمینیسم، نشانه شناسی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
^۲ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.



مقدمه:

تاریخ همواره شاهد وقوع کشمکش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی میان بخش‌هایی از مردم و دولت‌ها و حاکمان بوده است. اوج این گونه کشمکش‌ها وقوع انقلاب‌های لیبرالیستی در انگلستان و سایر انقلاب‌های مشروطه‌خواهی در قرن نوزدهم در کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی است. پس از آن در نتیجه ناکارآمدی نظام‌های سیاسی موجود خیزش‌ها و جنبش‌های هویتی بر محور منازعات ملی، قومی و نژادی شکل گرفت که پیامدهای آن وقوع جنبش‌های فاشیستی و نازیستی و نهایتاً جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ جهانی دوم موج جدیدی از جنبش‌های اجتماعی شکل گرفت که کاملاً برعکس جنبش‌های پیشین به دنبال دستیابی به قدرت نبودند. ویژگی این جنبش‌های اجتماعی جدید که از دهه ۱۹۶۰ به وجود آمدند عبارت بود از: عملکرد غیر ابزاری؛ جهت‌گیری آنها به سوی جامعه‌مدنی و نه دولت؛ توجه آنها به جنبه‌های نظیر فرهنگ، شیوه‌های زندگی و مشارکت در سیاست و اعتراض سمبلیک تا ادعای حقوق اجتماعی و اقتصادی؛ این جنبش‌ها بی‌تردید از گونه جنبش‌های هویت‌گرا بودند که هیچگاه در صدد دستیابی به قدرت برنیاوردند. از لحاظ تاریخی مباحث مربوط به جنبش‌های اجتماعی، نخست در نوشته‌های پیرامون رفتار جمعی آورده می‌شد و برخی از متفکران، این دو مفهوم را یکی می‌دانستند، اما جنبش‌های اجتماعی سازمان یافته‌اند و اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند. هرچند رفتارهای جمعی و جنبش‌های اجتماعی هر دو واکنش‌هایی جمعی در برابر شرایط مسئله‌داری هستند. بنابراین جنبش‌های اجتماعی عبارت از حرکت سازمان یافته مجموعه‌ای از انسانها در زمینه‌ای از امکانات و محدودیت‌ها، به دنبال یک رهبر یا مجموعه‌ای از رهبران و همراه با یک ایدئولوژی مشخص است، این حرکت می‌تواند بصورت حرکتی انقلابی برای ایجاد تغییری بنیادی یا حرکتی آرام برای ایجاد تغییری تدریجی باشد. (زاهد، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹). سرعت و شدت تغییرات اجتماعی منجر به پیدایش طبقات و گروه‌های نو ظهور با علائق، گفتمانها و خاستگاه‌های جدید، پیدایش نظام ارزشی هنجاری جدید، عقلانی شدن فرآیندهای اجتماعی و گشودگی فضای اجتماعی ناشی از ارتباط با جوامع دیگر شده و نیروهای اجتماعی جدید که حاملان اندیشه‌ها، ایده‌ها و باورهای جدید برای جامعه هستند خواسته و مطالبات مدرن را در قالب گفتمان جدید تئوریزه کرده و نظام اجتماعی حاکم را به چالش میکشاند. در این چالش گفتمانی اگر نظام سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه نخواهد و یا نتواند همگام با مطالبات جدید اجتماعی شود و یا به زعم مکتب رفتار جمعی زمانی که هنجارهای سنتی دیگر نتواند یک ساختار رضایت‌آمیز برای رفتار ارائه دهند، آحاد جامعه مجبور میشوند نظام اجتماعی را از طریق اشکال گوناگون ناسازگاری به چالش بکشانند. در این شرایط نیروهای اجتماعی با استفاده و ساماندهی نیروها و گروه‌های دیگر به تدریج سایر لایه‌های اجتماعی را با خود همراه و همگام نموده و در صدد گسترش اشکال گوناگون ناسازگاری در لایه‌های پایین جامعه شده تا با فراگیر کردن جنبش ایده‌ها، باورها و مطالبات نو ظهور را که در قالب گفتمانها و پارادایم‌های رهبران تئوریزه شده است محقق نمایند (Harvey, 1989:225) موفقیت نهایی یک جنبش اجتماعی زمانی محقق می‌شود که جنبش رفته



رفته جذب سیستمی شود که در اعتراض به آن مبادرت به بسیج هواداران کرده بود. (حشمت زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۷)

جنبش اجتماعی به شکلی از عمل جمعی اطلاق می‌شود که با هدف دگرگونی اجتماعی با تغییر بخشی از آن اجتماع صورت می‌گیرد و معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که شیوه‌ی توزیع قدرت، قوانین جامعه یا تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی سیاست‌گذاران و کسانی که در رأس قدرت‌اند، نتواند مسائل عمده‌ی جاری را حل و نیازهای اکثریت اعضای جامعه را برآورده سازد. (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) در بین جنبش‌ها، جنبش زنان، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان و آیدئولوژی برای دگرگونی جامعه است که هدف آن صرفاً تحقق برابری اجتماعی زنان نیست، بلکه رویای دفع انواع تبعیض و ستم نژادی رادر سر می‌پروراند. همه گرایش‌هایی که زیر چتر گسترده این جنبش گردآمده‌اند، براین باورند که زنان با بی‌عدالتی روبه رو شده‌اند، اما درباره علل ستم برآنان، تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌دهند و بر همین پایه، راهبردهای متفاوتی نیز پیشنهاد می‌کنند. بخشی از جریان اصلی کنش‌های جمعی زنان معطوف به جنبش‌های فمینیستی است. فمینیسم، جنبشی سازمان یافته برای دستیابی به حقوق زنان و آیدئولوژی‌ای برای دگرگونی تعریف شده است. در واقع، فمینیسم نه تنها در زمینه گسترش حقوق و نقش زن در جامعه فعالیت می‌کند که در حیطه عمل نیز وارد شده است. (امین صارمی، ۱۳۹۵: ۸) در مجموع، فمینیسم آیدئولوژی آزادی زنان است؛ چرا که در همه رویکردهای آن، این عقیده نهفته است که زنان به دلیل جنسیتشان، اسیر بی‌عدالتی هستند. جنبش زنان برای تغییر در ابتدا از سالن‌های اتحادیه و کارخانه‌ها بوجود آمد و به حوزه‌ی وزرا گسترش یافت. (Dorothy Sue Cobble, 2005, به نقل از سایت amazon.com). زنان بسیاری در سراسر تاریخ برای برابری مبارزه کرده‌اند. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، زنان خواستار حق رأی بودند. در دهه ۱۹۶۰، حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان - هم در خانه و هم در محل کار - حتی بیشتر بوده است. (DEBORAH HOPKINSON and WHO HQ Illustrated by LAURIE A, 2018, به نقل از سایت amazon.com)

یکی از رسانه‌هایی که در بازتولید اینگونه کلیشه‌ها و القای جنبش‌های اجتماعی نقشی اساسی دارد سینماست. این رسانه در قالب فیلم‌های سینمایی با داستان پردازی قوی براین نکته تاکید دارد که آنچه به مخاطب عرضه می‌کند، واقعیت دارد و مخاطب نزد خود اینگونه فرض می‌کند که آنچه بازنمایی شده است عین واقعیت است. فیلم و سینما عرصه اجتماعی - فرهنگی است و همانطور که در فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد، بر آن نیز اثر می‌گذارد، در این رابطه‌ای متقابل و دوسویه دارد، از این رو می‌تواند بابرجسته کردن مسایل و موانع هر قشر و گروهی از اعضا جامعه نقش مهمی ایفا نماید که هنرمندان بسیاری در هر کشور تکلیف خودشان می‌دانند که با استفاده از این ابزار رسالت ملی و فرهنگی خودشان را انجام دهند و با تولید آثار هنری ارزش‌ها و تاریخ مملکتشان را به نسل‌های بعدی بشناسانند و در درجه بالاتر آن را به جهان معرفی و



منتقل کنند. (اسمعیلی، ۲: ۱۳۹۱) لذا تحلیل فیلم به عنوان یکی از روشهای شناخت جنبش‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد. در علم ارتباطات و مطالعات رسانه، بازنمایی به معنای نوشته‌ها، تصاویر، داستان‌ها و اصوات و گفتارهایی است که ایده‌ها، احساسات و موارد دیگری از این دست را نشان می‌دهند. بازنمایی‌ها با استفاده از تلقی‌ات و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ و بر مبنای تقابل‌های تعریف شده در سیستم زبانی و معرفتی آن فرهنگ، عمل می‌کنند. در این پژوهش جنبش‌های اجتماعی زنان در چهار فیلم سینمایی تحلیل خواهد شد. برای این منظور با تحلیل محتوای کیفی فیلم‌های سینمایی، مقوله‌های مهم و مفاهیم کلیدی استخراج می‌گردد. لذا سوال اصلی پژوهش اینست که "بازتاب جنبش‌های اجتماعی زنان در دهه‌های ۱۸ و ۱۹ در فیلم‌های سینمایی چگونه بوده است؟"

پیشینه تحقیق

صدقی، رضا، (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی «جنبش‌های جدید اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به بررسی موردی جنبش زنان ایران در استفاده و خشنودی از اینترنت» پرداخته است. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به اثبات مشابهت ویژگی‌های جنبش زنان ایران با جنبش‌های جدید اجتماعی اشاره نموده و نیز اینکه در استفاده از اینترنت مجموعه‌ای از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری سبب گرایش به استفاده از اینترنت می‌شوند.

Danielle Thomas, Michael R Cope, Sarah Becker- (۲۰۱۶) در تحقیق خود به بررسی «پسافمینیسم برای کودکان: فمینیسم "با بسته‌بندی جدید" در فیلم‌های براتز (Bratz) پرداخته و به این نتیجه رسیده که پس از انتشار عروسک‌های براتز در سال ۲۰۰۱، این عروسک‌ها بخشی از سهم فروش عروسک‌های نوجوانان که پیش‌تر در انحصار عروسک باربی بود را به دست آوردند. در میان محبوبیت روزافزون عروسک‌های براتز، منتقدان فرهنگی نگرانی‌های بسیاری را نسبت به این عروسک‌ها به ویژه در مورد نحوه جنسی کردن نوجوانان توسط این عروسک‌ها ابراز کردند، اما خط تولید توسعه یافت به گونه‌ای که شامل شمار کثیری از محصولات مثل پوشاک، جعبه‌های آرایش، بازی‌ها، کتاب‌ها و فیلم‌های سینمایی می‌شد. این عروسک همچنین الهام بخش خطوط تولید عروسک‌های مشابه توسط سایر شرکت‌های اسباب‌بازی شد.

ادبیات نظری تحقیق

چارلز تیلی (Charles Tilly) از جمله نظریه‌پردازان تاثیرگذار در زمینه مطالعات جنبش‌های اجتماعی به شمار می‌آید. نظریه جنبش‌های اجتماعی تیلی ذیل عنوان نظریه‌های تعارض سیاسی که خود تحت نظریه‌های تعارض سیاسی سازماندهی و بسیج منابع قرار دارد، دسته‌بندی می‌شود. تیلی نقطه عزیمت نظری خود را مفهوم کنش جمعی قرار می‌دهد و آن را عبارت می‌داند از «کنش مردم با هم در تعقیب منافع مشترک».



کنش جمعی از دید وی ناشی از ترکیب‌های متنوع و متحول منافع، بسیج و فرصت است (تیلی، ۱۳۸۹: به تلخیص از ۱۶-۱۲) خطوط تحلیلی‌ای که او دنبال می‌کند، از سازمان تا بسیج تا کنش جمعی تا انقلاب است (Tilly, 1978: 7). تیلی، برای توضیح کنش جمعی از الگوی بسیج استفاده می‌کند. عناصر این الگو عبارتند از: منافع، سازمان، بسیج، فرصت و کنش جمعی. منافع، مجموعه امتیازات و محرومیت‌های مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید. سازمان، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است. بسیج، میزان منابعی است که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی در جهت نیل به هدف مشخصی است. فرصت، رابطه میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است به عقیده وی، «عناصر عمده تعیین کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت یا تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۴). تیلی در تعریف از سازمان، بر دو محور عمده اشاره می‌کند: ۱. میزان هویت مشترک ۲. ساختار وحدت بخش. برای توضیح این دو مفهوم از بحث روابط دسته‌ای و روابط شبکه‌ای بهره می‌گیرد. روابط دسته‌ای، روابط میان افراد حول ویژگی‌های مشترک است، همانند هویت جنسیتی، نژادی، ملی، سنی، مذهبی و ... روابط شبکه‌ای به ارتباط و پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم به واسطه نوع خاصی از پیوندهای بین افراد اشاره دارد. ترکیب روابط دسته‌ای و شبکه‌ای منجر به پیدایش گروه می‌شود. در نتیجه، به اعتقاد تیلی، «هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع تری برخوردار باشد، سازمان یافته‌تر است» (همان: ۹۵-۹۳). تیلی معتقد است که واژه بسیج به شکل متعارف معرفی کننده فرایندی است که بواسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. تیلی از سه شکل بسیج نام می‌برد: یکم بسیج تدافعی، دوم بسیج تهاجمی و سوم، بسیج تدارکی (همان: ۱۱۳-۱۰۴). سپس تیلی کنش‌های جمعی را که از سوی گروه‌های اجتماعی به عمل می‌آید به سه نوع تقسیم می‌کند:

۱- کنش رقابتی: نوعی کنش ابتدایی است که از سوی یک گروه به منظور به دست گرفتن امکانات یک گروه دیگر صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند شکل خشونت‌های جمعی ابتدایی را به خود می‌گیرند و اگر از سوی گروه‌های سازمان یافته باشند، به صورت میتینگ و راهپیمایی ظاهر می‌شود.

۲- کنش جمعی واکنشی یا تدافعی: این نوع کنش از سوی گروه‌هایی صورت می‌گیرد که منابع آنها توسط گروه‌های دیگر تهدید شده است. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند، معمولاً به صورت شورش‌های خودانگیخته و محلی ظاهر می‌شوند و اگر از سوی گروه‌های سازمان یافته باشند به صورت سرکوب‌های سازمان یافته وسیع جلوه می‌کند.



۳- کنش جمعی پیشقدمانه یا تهاجمی: این نوع واکنش از سوی گروه‌های معارضة جو به منظور ورود به هیأت حاکمه یا دولت صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند به صورت نهضت‌های تجدید حیات ظاهر می‌شود و اگر از سوی گروه‌های سازمان‌یافته باشند حیات تهاجمی به خود می‌گیرند (همان: ۵۷). به نظر تیلی، با افزایش تهدید احتمال شکل‌گیری کنش جمعی بیشتر می‌شود و با سازمان‌دهی و تشکل بیشتر، امکان جذب منابع برای گروه‌های مدعی قدرت افزایش می‌یابد و با تحدید گستره کنش و افزایش قدرت گروه، از احتمال سرکوب کاسته می‌شود (محمدکریمی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

تیلی توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان wunc می‌داند که از ارزشمندی (Worthiness)، وحدت (Unity)، تعداد (Numbers) و تعهد (Commitment) تشکیل یافته است. در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. تیلی ویژگی جنبش‌های جدید را استفاده از رسانه‌های ارتباطی جدیدتر مانند تلویزیون، رادیو و در دوره‌های اخیر، موبایل می‌داند. جنبش‌های اجتماعی سه نوع ادعا را با هم ترکیب می‌کنند: برنامه، هویت و جایگاه. ادعاهای مربوط به برنامه دربردارنده‌ی حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش است. ادعاهای مربوط به هویت دربردارنده‌ی تأکید بر این مطلب است که «ما» - مدعیان - نیرویی واحد را تشکیل می‌دهیم و باید ما را متحد در نظر بگیرید. اقدامات (WUNC) ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد ادعاهای مربوط به هویت را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. ادعاهای مربوط به جایگاه بر پیوندها و تشابهات با دیگر کنشگران سیاسی، مانند اقلیت‌های محروم، گروه‌های شهروندی به خوبی شکل یافته، یا حامیان وفادار رژیم، تأکید دارند (تیلی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۷).

از دیگر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه جنبش‌های اجتماعی می‌توان سیدنی تارو را نام برد. سیدنی تارو استدلال می‌کند که جنبش‌های اجتماعی بطور فردی رخ نمی‌نمایند بلکه بخشی از یک موج عمومی ناآرامی اجتماعی هستند که عموماً به وسیله بعضی از وقایع پیش‌بینی ناپذیر تسریع می‌گردند و به وسیله تغییر در ساختار فرصت‌های سیاسی تسهیل می‌شوند. وی در تشریح این فرایند از مفهوم «دوره‌های اعتراض (Protest courses)» استفاده می‌کند. به اعتقاد تارو، اگر از دور به هر یک از امواج عمل جمعی نگاه کنیم نمایانگر یک مخروط هستند، یعنی از یک منازعه نهادی شروع می‌شوند، به اوج شور و حرارت می‌رسند و به فروکش نهایی ختم می‌شوند. اقدامات جمعی پس از جلب توجه ملی و پاسخ دولت، به مرحله اوج منازعه می‌رسند که ویژگی این مرحله وجود سازمان دهندگان جنبش است که سعی در کشاندن شورش‌ها به طیف‌های گسترده‌تری از مردم دارند. هنگامی که مشارکت به کانال سازمان‌ها کشیده می‌شود جنبش‌ها یا بخشی از آنها منطق سیاسی تری پیدا می‌کنند و به چانه زنی ضمنی با دستگاه‌ها وارد می‌شوند. در نهایت هنگامی که چرخه اعتراض فروکش می‌کند ابتکار عمل به دست نخبگان و احزاب می‌-



افتند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۳: ۲۷۱-۲۷۰). در واقع، چرخه‌های اعتراض با برهه‌های شدت عمل جمعی همزمان هستند، اما باید توجه داشت که پایان هر چرخه اعتراض به معنی پایان کار جنبش نیست، بلکه در دوره زوال چرخه‌های اعتراض، سازمان‌های جنبش رویکردی معتدل‌تر و بلندمدتی را اتخاذ می‌کنند که منجر به قدرتمند شدن آنها برای آغاز چرخه اعتراضی جدیدی در آینده می‌شود (نش، ۱۳۸۴: ۱۵۲). سیدنی تارو جنبش‌های اجتماعی را در عرصه وسیع سیاست‌های مخالف، در ارتباط با دولت‌ها، احزاب سیاسی و بازیگران دیگر قرار می‌دهد. از دهقانان و کمونیست‌ها در دهه ۱۹۶۰، به حرکات و سیاست در سیاست‌های معاصر غرب، به جنبش عدالت جهانی در قرن جدید، که بازیگران متضاد نه در خارج از سیاست و نه کاملاً در سیاست، بلکه در قلمرو نا اطمینانی بین کل مخالفت و ادغام در سیاست هستند (Sidney Tarrow, 2012,) به نقل از سایت amazon.com).

جنبش‌های اجتماعی، اختلافات قومی، ملی‌گرایی و حقوق مدنی و جنبش‌های فراملیتی: این گونه سیاست‌های مخالف در سیاست‌های متضاد چارلز تیلی و سیدنی تارو ترکیب شده است. سیاست متضاد به عنوان تعاملی است که در آن بازیگران ادعا می‌کنند که منافع دیگر بازیگران منجر به تلاش‌های هماهنگ شده از سوی منافع مشترک یا برنامه‌ها می‌شود. سیاست‌های متضاد استفاده از تکنیک‌ها مخرب برای ایجاد یک نقطه سیاسی و یا تغییر سیاست دولت است. این دو نظریه پرداز به طور صریح ساختار فرصت سیاسی را در یک رژیم خاص را در مرکز هر تحلیلی یا پیش بینی‌های سیاسی قرار می‌دهند. انواع رژیم‌ها از محور ظرفیت و دموکراسی برای طبقه‌بندی رژیم استفاده میکنند. ظرفیت اشاره به توانایی دولت برای تنظیم زندگی، اقدامات و منابع موجود برای جمعیت در سرزمین آن است و دموکراسی به منظور تعریف حقوق و حمایت‌هایی که شهروندان در برابر قدرت نخبگان از آن استفاده میکنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین هنگامی که ظرفیت و دموکراسی تقاطع می‌شوند، آنها نتایج خاصی را تولید می‌کنند، بطوریکه رژیم‌های دموکراتیک با ظرفیت بالا، یک پدیده مدرن و غیر معمول هستند که در آن جنبش‌های اجتماعی شایع‌تر هستند (Charles Tilly, 2015,) به نقل از سایت amazon.com).

از آنجاییکه این پژوهش به جنبش‌های اجتماعی زنان پرداخته است از نظریه‌های فمینیستی نیز استفاده شده است. نظریه‌های بنیادی فمینیستی را بر مبنای پاسخ‌هایی که به پرسش چگونگی تحول وضعیت زنان ارائه می‌دهند، به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند:

۱- نظریه‌های تفاوت جنسیتی: این نظریه‌ها معتقد جایگاه و تجربه‌ی زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه‌ی مردان در همان موقعیت تفاوت دارد. مضمون اصلی این نظریه‌ها این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند که در سه بعد زیست‌شناختی، نمادی و اجتماعی - روان شناختی قابل تبیین می‌باشد.



۲- نظریه‌های نابرابری جنسیتی: براساس این نظریه‌ها جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد نه تنها از تفاوت زیست‌شناختی و شخصیتی. تبیین نابرابری‌ها بر پایه‌ی این دسته نظریه‌ها در قالب دو نوع نگرش فمینیستی لیبرال و مارکسیستی عرضه می‌گردد.

۳- نظریه‌های ستمگری جنسیتی: در این نظریه‌ها با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه‌ی قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ای تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوء استفاده و بدرفتاری مردان قرار دارند. (ریتزر، ۱۳۸۹: به تلخیص از صفحات ۴۷۴-۴۶۷)

روش پژوهش

در حوزه روش تحلیل، این مقاله از مفهوم بازنمایی بهره جسته است. این مفهوم در مطالعات فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و معمولاً «بازنمایی» را معناسازی از طریق به کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به جای چیز دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌کنند. معنا به صورت اجتماعی و از طریق نظام‌های نشانه‌شناختی و ایدئولوژیک زبان ساخته می‌شود». این ما هستیم که با استفاده از نظام‌های بازنمایی یعنی نظام مفاهیم و نظام زبان به بساخت معنا همت می‌گماریم. میدان سینمایی به طور عام و سینمای زن به طور خاص، ترکیبی از عناصر، نشانه‌ها، مفاهیم و نمادها را شامل می‌شود که هر کدام بیانگر یا به عبارتی بازنمایی کننده بُعدی از ابعادی از درک زن در جامعه است (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۲: ج ۲/ ۱۲۲-۱۲۱)

بازنمایی‌ها فرم‌هایی عینی و دال‌هایی هستند که بازنماینده و نمایانگر ایده‌ها و مفاهیم انتزاعی‌اند و به عبارت دیگر بر آن‌ها دلالت می‌کنند. امروزه مفهوم بازنمایی که به شدت و امدار آثار استوارت‌هال است و به ایده‌ای بنیادین در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای مبدل شده است، طبق این نظریه، بازنمایی یک عمل مرکزی است که فرهنگ را تولید می‌کند و یک مرحله کلیدی در چرخه فرهنگ محسوب می‌شود. تجلی و نمودار شدن بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد. رسانه‌های جمعی یکی از ابزارهای عمده بازنمایی جهان و انتقال آن به ماهستند. رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند زیرا رسانه‌ها واسطه و میانجی بین آگاهی فردی ساختارهای گسترده‌تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه برساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. براین اساس بازنمایی، ساخت رسانه‌ای واقعیت است. (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۹).



با توجه به موضوع و روش پژوهش نمونه‌گیری ما در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند همگون است. در این پژوهش فیلم‌های ساخته شده با مضامین جنبش‌های اجتماعی زنان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فیلم‌های منتخب تحقیق حاضر، جز ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما در مورد جنبش زنان می‌باشد که بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها (imdb) معرفی کرده است. (<http://www.imdb.com/chart/top>)

در این پژوهش ما از روش تحقیق کیفی استفاده کرده و با بهره‌گیری از رویکرد نظری بازنمایی به این تحلیل می‌رسیم که "فیلم‌های سینمایی" تا چه حد در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی زنان موثر خواهد بود. در روش تحقیق کیفی ما با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی "چالز سندرس پیرس" به نشانه‌شناسی فیلم‌های "جنبش‌های اجتماعی زنان" خواهیم پرداخت. تکنیک در پژوهش حاضر، نشانه‌شناسی می‌باشد. نشانه‌شناسی بر این فرض استوار است که هر پدیده یک نظام زیربنایی متناظر دارد که خاص بودگی و فهم‌پذیری آن پدیده را رقم می‌زند. بدون شک در روند نمونه‌گیری با توجه به روش نشانه‌شناسی پیرس که باید بر ۳ عنصر اصلی "۱- نمایه ۲- شمایل ۳- نماد" متکی باشد فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کنیم.

۱- شمایل: از طریق تقلید تصویری یا تشابه فیزیکی با مرجع. در اینجا رابطه نشانه و مفهوم آن بر تشابه استوار است. ۲- نمایه یا شاخص: نمایه یا شاخص از طریق برقراری ارتباط فیزیکی با چیزها بر آنها دلالت می‌کند. در این نوع نشانه، نوعی پیوستگی معنایی بین ابژه و نشانه وجود دارد. نشانه‌های نمایه-ای دل بخواهی نیستند، بلکه مستقیماً به طریقی به موضوعاتشان وابسته‌اند. ۳- نمادها یا نشانه‌های عام: در این نوع، دال شبیه مدلول نیست، بلکه بر اساس رابطه دل بخواهی یا کاملاً قراردادی بر موضوع دلالت می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

نشانه‌شناسی فیلم حق رای

فیلمی درام به کارگردانی سارا گورون و با نقش آفرینی کری مولیگان است که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد. این فیلم به جنبش طرفداران حق رای زنان در بریتانیا در اوایل قرن بیستم می‌پردازد. داستان زنی از طبقه کارگر که شرایط کاری سخت و استثمار کننده و آزار و اذیت جنسی است را شرح می‌دهد. زنی که در ابتدای امر به صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش حق رای زنان می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت‌آمیز دولت، به عنوان مبارزی جدی مشغول به کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی حق رای زنان می‌رسد.



10.30495/JSCC.2024.20015



جدول ۱: نشانه شناسی فیلم حق رای

ویژگی‌ها	نام فیلم: حق رای	نماد	شمایل	نمایه
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جنگیدن برای آزادی زنان، برابری، حق رای. تلاش برای آنکه هر دختری که به دنیا می‌آید شانس برابر با برادرانش داشته باشد. تلاش برای قانون سازی، انتقام از ظالمان، حق خواهی و عدالتجویی، تلاش برای اصلاح قوانین، شکستن پنجره‌ها تا قبل از اینکه بدن زنان شکسته شود.			✓
داشتن ایدئولوژی	استراتژی خاص، پایبندی به اهداف، اعلام برنامه از قبل و دعوت به سخنرانی و دوره‌هایی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر	✓		
تعهد و الزام	رهبر جنبش (خانم پادکست) در صدر و مابقی به صورت سلسله مراتبی و البته دموکراتیک، همدلانه و عملگرا در مراتب پایین‌تر. قلمرو و قدرت نفوذ جنبش، قدرت چانه زنی و حق خواهی برای زنان کم کم پدید می‌آید.		✓	
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	تسلیم نشدن، تحمل بدترین شکنجه‌ها، حبس و زندان، دوری از خانه و فرزندان، تعصب در زندان و سازش‌ناپذیری در جهت دستیابی به اهداف. شیوع سریع و همه‌گیری جنبش به واسطه تبلیغات و اصرار و التماس رودر روی خود زنان.		✓	
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مرد سالاری، سرکارگران هوسباز و ظالم، دولت، شخص وزیر، شخص پادشاه که در اخر فیلم توسط زنان کشته میشود	✓		
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها			✓



نفی وضع موجود	مو(شخص اول فیلم) شاهد تجاوز سرکارگر به دختران نوجوان است، حقوق ناچیز، از پول خودشان نمیتوانند برای آزادی خودشان وثیقه بگذارند، سوختگی روی بازوی مو نشان سختی و نا مناسب بودن شرایط کار و رخت شور خانه، تجاوز در زندان.		✓	
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	اعتراض و ایستادگی و دفاع از زنانی که تحت شکنجه و ضرب و جرح قرار میگیرند.	✓		
محرومیت نسبی	کار سخت در محیط کارخانه، حقوق کم، تضاد کار منزل و کارخانه، آلودگی محیط که سوء استفاده جنسی مردان سرکارگر، زنان حق قضاوت، وکالت و حق رای ندارند، از منظر دولت مردان توازن ذهنی برای مشاغل سیاسی ندارند، تصاحب حقوق ناچیزشان توسط شوهران		✓	
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش. شروع به مبارزه مصلحانه و حرکت‌های تخریبی و انفجار. چاپ روزنامه مخالف. سوء قصد به جان وزیر و در نهایت شخص پادشاه.		✓	
میتینگ‌های عمومی	تشکیل کمپینهای زنان مورد موافقت قرار نگرفتن بحث‌هایشان، جلسات مداوم تشکیل میدهند		✓	
رژه‌های رسمی	دعوت به گردهمایی و سخنرانی‌های پنهانی رهبران، یادبود برای جان باختگان جنبش، آتش‌زدن پرچم جلو دوربین‌های تلویزیون در مقابل پادشاه			✓

نشانه‌شناسی فیلم فرشته‌های آرواره آهنین

فیلمی به کارگردانی کاتیا فون گارنیه محصول ۲۰۰۴ ایالات متحده با بازی هیلاری سوانک است. فیلم به جنبش حق رأی زنان در ایالات متحده در دهه ۱۹۱۰ می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی زن است که



استراتژی‌های مدنی و بی‌خسونت را به کار می‌گیرند تا زنان را برای جنبش حق رأی زنان بسیج کنند، با پارلمان و ریس جمهور مذاکره کنند، کارناوال و راهپیمایی راه بیندازند، روبروی کاخ سفید تحصن کنند، زندان بروند، در مطبوعات بنویسند و سرانجام به هدف خود برسند.

جدول ۲: نشانه‌شناسی فیلم فرشته‌های آرواره آهنین

ویژگی‌ها	نام فیلم: فرشته‌های آرواره آهنین	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	تلاش برای عضوگیری زنان، افزایش متحدان از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات‌های رودر رو، چانه‌زنی و بحث برابری، حق خواهی محتمل‌تر، کسب قدرت بازدارندگی و ...			✓
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	گرفتن حق برابری، کسر خسارت‌های تحمیلی از کارگران، پرداخت حق الزحمه ساعات کار اضافی، ایجاد حق مذاکره، جلوگیری از اخراج‌های خودسرانه مدیران.	✓		
داشتن ایدئولوژی	حق خواهی، ظلم ستیزی، مقاومت، خطرپذیری، نوع دوستی، مقاومت و مبارزه	✓		
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری آیس پال برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی اهمیت		✓	
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	عضوگیری شخصی آیس پال و لوسی برنز و پافشاری شخصی برای یارگیری چهره به چهره		✓	
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مردها و مدیران کارخانجات و شرکت‌ها			✓
نفی وضع موجود	افزایش اعضا، افزایش قدرت زنان در حق رای داشتن،			✓



مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	دست کشیدن دسته جمعی از کار و نخوردن غذا در زندان و اعتصاب			✓
محرومیت نسبی	حقوق پایین، نداشتن بیمه، اخراج‌های بی مورد، عدم نهاد حامی، بد قولی دولت	✓		
میتینگ‌های عمومی	دعوت از زنان از آغاز فیلم به سخنرانی و جلسه و بحث و اجتماعی کردن بیش از پیش دغدغه‌ها و کمبودها و ظلم‌ها		✓	
رژه‌های رسمی	پیاده روی سراسری، تحصن جلو دفتر دولت با آرم مخصوص جنبش. تحصن در زندان			✓
شب‌زنده‌داری‌ها	جلسات زنان و تلاش برای افزایش بیش از پیش اعضا و گسترش حوزه فعالیت جنبش			✓

نشانه‌شناسی فیلم سرزمین شمالی

فیلمی آمریکایی درام به کارگردانی نیک کی کار و بازیگری شارلیز ترون محصول ۲۰۰۵ می‌باشد. داستان یک زن تحصیل کرده و حس مبارزه جویی است که وارد کارخانه سنگ آهن شده و تنها خواستش حفظ ارتزاق فرزندان کوچک خود می‌باشد. اما کار کردن در آن محیط و در کنار مردان، کار بسیار سختی است و با مشکلات زیادی چون تجاوز و اذیت کردن مردهای معدن رو به رو می‌شود و این شرایط در محیط کارش بر علیه اصول آن به پا می‌خیزد و با آن مبارزه می‌کند و سرانجام به هدف خویش می‌رسد.

جدول ۳: نشانه‌شناسی فیلم سرزمین شمالی

ویژگی‌ها	نام فیلم: سرزمین شمالی	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	جنگیدن برای آزادی، برابری، مستقل شدن، دنبال وکیل برای گرفتن حق قانونی و کار در معدن	✓		
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جمع کردن دوستان برای اتحاد و گرفتن حق، اعلام برنامه از قبل و دعوت برای سخنرانی و دوره‌هایی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر		✓	



داشتن ایدئولوژی	عدالتخواهی، آزادی، برابری، تغییر دادن سرنوشت به دست خود زنان، تسلیم ناپذیری، دست از مبارزه نکشیدن	✓		
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری جوی برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی اهمیت			✓
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	اسرار و التماس رودر رو، خواهش از دوستانش برای کمک به وی برای مقابله با زورگویی و تجاوز مردان در معدن			✓
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	مرد سالاری، کارگران هوس باز و ظالم	✓		
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها		✓	
نفی وضع موجود	جوی شاهد تجاوز کارگران به زنان است، مورد آزار و اذیت کارگر است، سختی و نامناسب بودن شرایط کار		✓	
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	کار سخت در محیط معدن، حقوق کم، تضاد کار منزل و معدن، آلودگی محیط کار، سوء استفاده جنسی مردان سرکارگر، تحقیر جنسی، نداشتن بیمه، اخراج‌های بی‌مورد، عدم نهاد حامی			✓
محرومیت نسبی	افزایش اعضا از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات رودررو و افزایش قدرت		✓	
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش علیه کارگران متجاوز در معدن		✓	



ستمگری جنسیتی	ساختار پدرسالاری در خانه، تجاوز واذیت کردن کارگران معدن			✓
تفاوت جنسیتی	تلاش برای آنکه هر دختری که به دنیا می‌آید شانس برابر با مردان داشته باشد، بی‌احترامی به کارگران زن توسط کارگران مرد		✓	
پوشش	تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف		✓	
ارزشمندی	رفتار موقر و متین؛ پوشش مرتب	✓		
برنامه	حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش		✓	
هویت	مدعیان (زنان کارگر) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند			✓
جایگاه	تاکید بر پیوندها و تشابهات کنشگران جنبش با دیگر کنشگران سیاسی		✓	

نشانه‌شناسی فیلم داستان رزا پارکس

فیلمی به کارگردانی جولی داش محصول ۲۰۰۲ با بازی آنجلا باست. این فیلم زندگینامه داستان فعال حقوق مدنی رزا پارکس خانم سیاهپوستی است که روزی سوار اتوبوس می‌شود که در قسمت وسط، جایی خالی پیدا می‌کند. در آن زمان، قانون چنان حکم میکرد که اگر حتی یک نفر سفیدپوست اراده کند که در قسمت وسط بنشیند، باید همه‌ی سیاهپوستانی که در آن صندلی‌ها نشسته‌اند، جای خود را ترک کنند. چند نفر سفید پوست وارد اتوبوس می‌شوند. راننده به «رزا پارکس» و سه نفر دیگر اشاره میکند که هرچه سریعتر صندلیها را به مسافری سفید پوست بدهند. اما زمانی که با مقاومت آن چند نفر مواجه میشود، تهدید میکند که آنها را به دست قانون خواهد سپرد «رزا پارکس» آشکارا اعلام می‌دارد که صندلی‌اش را ترک نخواهد کرد. او را دستگیر و بازداشت می‌کنند و به زندان می‌برند که این کار رزا پارکس در حقیقت جرقه اولیه برای اعتراضات و به تصویب رساندن قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ می‌شود که هرگونه تبعیض نژادی در آمریکا را ممنوع می‌کرد که بعداً توسط کنگره آمریکا به عنوان «مادر جنبش آزادی» و «بانوی اول جنبش حقوق مدنی» شناخته شد.



10.30495/JSCC.2024.20015



جدول ۴: نشانه شناسی فیلم داستان رزا پارکس

ویژگی‌ها	نام فیلم: داستان رزا پارکس	نماد	شمایل	نمایه
مشخص بودن اهداف	جنگیدن برای آزادی، برابری، مستقل شدن، تلاش برای بدست آوردن آزادی، تلاش برای ایجاد عدالت، پایبندی به اهداف خود، تلاش برای بدست آوردن حقوق نژادی سیاهان	✓		
داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته برای موقعیتهای عادلانه‌تر	جمع کردن دوستان برای اتحاد و گرفتن حق، اعلام برنامه از قبل و دعوت برای سخنرانی و دورهمی‌های منظم و پیوسته با وعده و وعید شرایط مناسب‌تر	✓		
داشتن ایدئولوژی	عدالتخواهی، آزادی، برابری، تغییر دادن سرنوشت به دست خود زنان، تسلیم ناپذیری، دست از مبارزه نکشیدن، تلاش برای اصلاح قانون حقوق مدنی نژادی سیاهان			✓
تعهد و الزام	لزوم پیوستن همه زنان به این جنبش و پافشاری رزا پارکس برای عضویت زنان در بحث‌های کوچک و در ظاهر بی‌اهمیت، حبس و زندانی شدن، دوری از خانه و فرزندان			
عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره	اسرار و التماس رودر رو، درخواست از دوستان و آشنایان برای کمک به وی برای مقابله با زورگویی سفیدپوستان			✓
حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش	زور گویی سفید پوستان برای سیاهپوستان			✓
هویت ما محور	به منافع تمام زنان می‌اندیشند. به دختران آینده و برابری‌ها			✓



نفی وضع موجود	رزا پارکس شاهد بی عدالتی سفیدپوستان به زنان سیاهپوست است، مورد آزار و اذیت سفیدپوستان در تمام امورات زندگی است، سختی و نامناسب بودن شرایط کار	✓		
مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز	اعتراض و ایستادگی و دفاع، سخنرانی در بین مردها تا از حق خویش دفاع کند			
محرومیت نسبی	نداشتن حق برابری سیاهان در انجام تمام امورات زندگی اعم از کار و سوارشدن در اتوبوس و مراکز عمومی			
جنبش رادیکال	دعوت از تمام زنان برای شورش علیه سیاه پوستان			
میتینگ‌های عمومی	دعوت از تمام سیاهپوستان برای دفاع از حق خود و حقوق اجتماعی خود			✓
پویش	تلاش عمومی پایدار و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل سیاهپوستان	✓		
ارزشمندی	رفتار موقر و متین؛ پوشش مرتب، برخورد مودبانه و صبورانه در برخورد با هرگونه رفتار نژادپرستانه و توهینی			
برنامه	حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش	✓		
هویت	مدعیان (زنان سیاهپوست) - نیرویی واحد را تشکیل دادند و بایکدیگر متحد شدند			
جایگاه	تأکید بر پیوندها و تشابهات [کنشگران جنبش] بادیگر کنشگران سیاسی			✓



نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی چهار فیلم پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد:

در فیلم حق رأی که داستان فیلم با محوریت نقش زنانه است، داستان زنی از طبقه کارگر که شرایط کاری سخت و استثمار کننده و مورد آزار و اذیت جنسی است را شرح می‌دهد. زنی که در ابتدای امر به صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش حق رأی زنان می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت آمیز دولت، به عنوان مبارزی جدی مشغول به کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی حق رأی زنان می‌رسد.

در فیلم سرزمین‌های شمالی، شارلیزترون یک زن تحصیل کرده که وارد کارخانه سنگ آهن شده و تنها خواستش حفظ ارتزاق فرزندان کوچک خود می‌باشد. اما کار کردن در آن محیط و در کنار مردان، کار بسیار سختی است و با مشکلات زیادی چون تجاوز و اذیت کردن مردهای معدن رو به رو می‌شود و با این شرایط در محیط کارش بر علیه اصول آن به پا می‌خیزد و با آن مبارزه میکند و سرانجام به هدف خویش می‌رسد.

در فیلم فرشته‌های آرواره آهنین فیلم به جنبش حق رأی زنان می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی زن است که استراتژی‌های مدنی و بی‌خشونت را به کار می‌گیرند تا زنان را برای جنبش حق رأی زنان بسیج کنند، با پارلمان و رییس جمهور مذاکره کنند، کارناوال و راهپیمایی راه بیندازند، روبروی کاخ سفید تحصن کنند، زندان بروند، در مطبوعات بنویسند، و سرانجام به هدف خود برسند.

در فیلم رزا پارکس شاهد زنی سیاهپوست هستیم که هرروز شاهد تبعیض زنان سیاهپوست در اطرافش بود که با آنها بدر رفتاری می‌شد روزی سوار اتوبوسی می‌شود. در آن زمان، قانون چنان حکم می‌کرد که اگر حتی یک نفر سفیدپوست اراده کند که در هر قسمت اتوبوس بنشیند، باید همه‌ی سیاهپوستانی که در آن صندلی‌ها نشسته‌اند، جای خود را ترک کنند. چند نفر سفید پوست



وارد اتوبوس می‌شوند. اما جایی برای نشستن آنها نیست. راننده به «رزا پارکس» سه نفر دیگر اشاره می‌کند که هرچه سریعتر صندلیها را به مسافری سفید پوست بدهند. اما زمانی که با مقاومت آن چند نفر مواجه می‌شود، تهدید می‌کند که آنها را به دست قانون خواهد سپرد «رزا پارکس» که از آن همه بی‌عدالتی به ستوه آمده است آشکارا اعلام می‌دارد که صندلی‌اش را ترک نخواهد کرد. او را به جرمی که مرتکب نشده و مقاومت در برابر نژادپرستانه دستگیر و بازداشت می‌کنند.

باتوجه به نظریه نابرابری جنسیتی که جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، که از آن کمتر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و نظریه تفاوت جنسیتی که مضمون اصلی این نظریه این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی، و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند و نظریه ستمگری جنسیتی که در این نظریه با مفروض انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه‌ی قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ی تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوء استفاده، و بدرفتاری مردان قرار دارند. این فیلم‌ها با این سه نظریه از نظریه‌های بنیادی فمینیستی ریتزروهمچنین نظریه چارلز تیلی که توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان wunc می‌داند که از ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد تشکیل یافته است. و در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. بطوریکه تجلیات WUNC می‌توانند به صورت بیانیه‌ها، شعارها، یا برچسب‌هایی که دلالت بر ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد بروز نمایند: شهروندانی که برای عدالت متحد شده‌اند، امضاکنندگان یک قسم‌نامه، حامیان قانون اساسی باشند، همخوانی و هم‌سوئی دارد.

بنابراین می‌توان از یک رابطه دوسویه کلان بین جامعه و سینما سخن گفت که با استفاده از نظریه‌ی بازنمایی در جامعه شناسی هنر قابل دفاع است. یعنی فرآیندی که در طی آن هم جامعه و مسائل و مشکلاتش در سینما منعکس می‌شود و هم سینما با ساختن واقعیاتی هر چند در حد



تصور عمومی و جهت دهی به افکار عمومی در سطح ذهنیت‌ها، بر نگرش‌ها و افکار و بالتبع آن رفتار افراد جامعه، تاثیرگذار است.

این پژوهش بر روی فیلم‌های سینمایی جنبش زنان، که در دهه‌های ۱۸ و ۱۹ اتفاق، انجام گرفته است و هدف از این پژوهش شناسایی تغییرات و تحولات اجتماعی در این آثار می‌باشد. در این پژوهش، مشخص شدن عناصری که در همه فیلمها وجود دارد تغییرات و تحولات و جنبش‌های اجتماعی است و مضمون اصلی فیلم‌های جنبش‌ها دغدغه هویت و مسائل اجتماعی بوده است. اما میزان و نوع این فیلم‌ها با توجه به اینکه در زمانهای مختلف انجام شده، متفاوت است. در واقع سینما به عنوان یکی از رسانه‌های جمعی که قادر به بازنمایی و ساختن واقعیت نماهاست، بر شکل‌گیری و تغییر هویت افراد جامعه موثر خواهد بود. در واقع آثار سینما گر مولف به عنوان بازنمایی و آئینه‌ی جامعه، همزمان با تغییرات اجتماعی-فرهنگی ایجاد شده در نگرش‌ها و هویت افراد در جامعه امروز که خود متأثر از تغییر و تحول نقش‌ها مختلف در جامعه و سایر عرصه‌های اجتماعی است. لذا سینما به عنوان یک هنر مدرن و «برتر» نسبت به دیگر هنرها «با زمینه اجتماعی‌اش رابطه تنگاتنگی دارد» و از این جهت می‌تواند بازنمای مسایل و واقعیات زندگی انسانی و شاخصی برای سنجش وضعیت فرهنگی و اجتماعی باشد؛ چرا که سینما به قول بنیامین «از یکسو فهم ضروریات حاکم بر زندگی‌مان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، فضای کنش گسترده و فارغ از انتظاری را برای ما فراهم می‌سازد». از این نظر، مطالعه‌ی سینما به عنوان یک عنصر فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی کنونی‌مان برساند. یکی از این لایه‌های قابل مشاهده در فیلم‌های سینمای، چنانکه این پژوهش درصدد پرداختن به آن بود، بررسی تحولات و تغییرات فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی است. چنانکه فیلمهای بررسی شده به دلیل آنکه از دو دوره‌ی تاریخ سینمای جنبش زنان و حق رأی زنان انتخاب شده‌اند حکایت از این روند تغییرات و تحولات اجتماعی در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی است.

**منابع****کتاب:**

- پی استون، برایان (۱۳۸۳). *مفاهیم مذهبی و کلامی در سینما*. ترجمه امید نیک فرجام، تهران بنیاد سینمایی فارابی
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۹). *جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۱*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دلپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی: محمدتقی دلفروز، چاپ اول تهران: انتشارات کبیر.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: چاپ پانزدهم.
- زاهد، سعید، صبوری، محمدحسین (۱۳۸۹) *جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران*، تهران: انتشارات سروش
- محمد پور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*، جلد ۲، تهران: نشر جامعه شناسان.
- نش، کیت (۱۳۸۰). *جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر.

مقاله‌ها:

- امین صارمی، نوذر (۱۳۹۵). «زمینه‌های گرایش زنان به جنبش‌های جدید اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد کرج)»، *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*، سال دهم، شماره ۲۵، از ص ۱۷-۵.
- حشمت زاده، محمدباقر، نوذری، محمداسماعیل (۱۳۹۲). «بازخوانی نظریه جنبش اجتماعی: چارچوبی برای تحلیل و شناخت بسیج جنبش‌های اسلامی»، *فصلنامه تخصصی (علمی-*



پژوهشی)، علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج :: بهار ۱۳۹۲، سال نهم - شماره ۲۲، (از ص ۲۴۸-۲۱۳).

عبداللهی، رضا؛ شورگشتی، محسن؛ اخوت پور، بابک (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌های نوین در جنبش‌های اجتماعی (مطالعه موردی جنبش تسخیر وال استریت)»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال ۱۳، شماره هجدهم، ۲۸ ص.

هزار جریبی، جعفر؛ امین صارمی، نوذر (۱۳۸۹). «جنبش‌های اجتماعی به مثابه قدرت نرم»، مجله: مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم؛ شماره ۳ علمی-پژوهشی (۱۸ صفحه - از ۴۸۶ تا ۵۰۳).

پایان نامه‌ها:

اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۱). «تاثیر تحولات اجتماعی ایران در آثار سینمایی ابراهیم حاتمی کیا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

صدقی، رضا (۱۳۸۸) «جنبش‌های جدید اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی مطالعه موردی موردی جنبش زنان ایران در استفاده و خشنودی از اینترنت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

محمد کریمی، شهربانو (۱۳۸۲) «بررسی تطبیقی جنبش زنان و عوامل موثر بر آن مورد کشورهای ترکیه آمریکا و ایران»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۹۸۵ ص.

مهدی زاده، سیدمحمد (۱۳۸۳) «بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل انتقادی گفتمان «نیویورک تایمز»، «گاردین»، «لوموند» و «دی رایت» ۲۰۰۰-۱۹۹۷م»، رساله دکتری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.

DEBORAH HOPKINSON and WHO HQ Illustrated by LAURIE A. CONLEY ,What Is the Women's Rights Movement? , October 16, 2018



10.30495/JSCC.2024.20015



Dorothy Sue Cobble , *The Other Women's Movement: Workplace Justice and Social Rights in Modern America (Politics and Society in Modern America)* Sep 1, 2005

Hall, Stuart (1997) "Representation, Meaning and language" In, S. Hall et al. (eds), *Representation and Signifying Practices*, London: Sage Publications Ltd.

Harvey, D. (1989), *The Condition of Postmodernity*, Cambridge: Basil Blackwell.

Nancy MacLean, *The American Women's Movement, 1945-2000: A Brief History With Documents* by Nancy MacLean. Bedford/St. Martins, 2008

Sidney Tarrow, *Strangers at the Gates: Movements and States in Contentious Politics*. March 26, 2012

Tilly ,C and Sidney Tarrow , *Contentious Politics*, Sep 15, 2015.

Tilly, C. *From Mobilization to Revouition* .Reading MA : Addison Wesley .1978.

Articels:

Sarah Becker , Danielle Thomas, Michael R Cope, *Media, Culture & Society*, vol. 38, 8: pp. 1218-1235. , First Published April 21, 2016.

<https://www.amazon.com>.

<http://www.imdb.com/chart/top>



Investigating the role of social and cultural factors in political development in Bandar Gaz city

Jafar Mallah¹, Abolghasem Hyderabad^{*2}, Saifullah Farzaneh³
(Received date: 2023/06/02 - Accepted date: 2023/09/24)

Abstract:

One of the most important dimensions of development in any society is political development. Political development is influenced by social, economic and cultural factors. The article was carried out with the sociological explanation of the political development of Bandar Gaz city. The research method was a survey and information was collected using a questionnaire. All people over 18 years of age were selected as the statistical population, which is equal to 36,785 people. The sampling method is a multi-stage cluster and the sample size is 380 people based on Cochran's formula.

The findings show that the average of the political development variable is equal to 2.01, which is a higher number than the average. The dimension of political participation with an average of 2.31 has the highest average and the dimension of political freedom with an average of 1.76 has the lowest average among the dimensions of political development. The variables of religiosity, social capital, political socialization, means of mass communication and political trust have a positive and direct relationship with the level of political development. The findings show that 40.5% of the changes in political development are explained by variables. Religiosity has the least effect and political trust has the greatest effect on political development. The result is that it is necessary to pay attention to the role of socialization and political trust and social capital indicators in increasing and accelerating the political development of Bandar Gaz.

Keywords: Political development, social capital, political trust, political .socialization

¹ PhD student in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran E-mail: jafar.mallah@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran (corresponding author): E-mail: ashahin2000@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran E-mail: mfilib@yahoo.com



بررسی نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز

جعفر ملاح^۱، ابوالقاسم حیدرآبادی^{۲*}، سیف‌الله فرزانه^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲)

چکیده:

یکی از مهمترین ابعاد توسعه در هر جامعه‌ای، توسعه سیاسی است. توسعه سیاسی متأثر از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. مقاله با هدف تبیین جامعه‌شناختی توسعه سیاسی شهرستان بندر گز انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه اطلاعات جمع‌آوری شد. کلیه افراد بالای ۱۸ ساله به عنوان جامعه آماری انتخاب شده که برابر ۳۶۷۸۵ نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین متغیر توسعه سیاسی برابر با ۲/۰۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد. بعد مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۳۱ بیشترین میانگین و بعد آزادی سیاسی با میانگین ۱/۷۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد توسعه سیاسی دارا می‌باشند. متغیرهای دینداری، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، وسایل ارتباط جمعی و اعتماد سیاسی با میزان توسعه سیاسی رابطه مثبت و مستقیمی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۰/۵ درصد از تغییرات میزان توسعه سیاسی توسط متغیرها تبیین می‌شود. دینداری کمترین و اعتماد سیاسی بیشترین اثر را بر توسعه سیاسی دارند. نتیجه این که توجه به نقش جامعه‌پذیری و اعتماد سیاسی و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در افزایش و تسریع توسعه سیاسی بندر گز الزامی است.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی.

E-mail: jafar.mallah@yahoo.com

E-mail: ashahin2000@yahoo.com

E-mail: mfilib@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول):

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران



طرح مسأله

یکی از مهمترین ابعاد توسعه در هر جامعه‌ای، توسعه سیاسی است. توسعه سیاسی می‌تواند سایر ابعاد توسعه مانند توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و توسعه روانی را تحت تأثیر خود قرار دهد. در نتیجه ارتباط نزدیکی بین توسعه سیاسی با سایر ابعاد توسعه قابل مشاهده است. مقوله توسعه سیاسی از اواخر دهه ۵۰ میلادی و اوایل دهه ۶۰ میلاد مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی قرار گرفت. نوسازی سیاسی با مشارکت سیاسی همراه است. نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سرو کار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۱۰). امروزه متفکران و صاحب نظران توسعه، مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند (علیخانی، ۱۳۸۷: ۶۹). برخی شاخص آن را رشد اقتصادی (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱)، رشد اقتصادی و شاخص روانی (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۳۴). فرهنگ سیاسی (روشه، ۱۳۷۶: ۶۵)، مشروعیت سیاسی (پای، ۱۳۸۰) و مشارکت سیاسی (معینی پور، ۱۳۸۹: ۳) می‌دانند.

در یک فرهنگ سیاسی مشارکتی، اعضای اجتماع، درصدد می‌باشند که صریحاً به سوی نظام، به عنوان کل و به سوی ساختهای سیاسی و اداری و روندها گرایش پیدا کنند (موتی و اشترن، ۱۳۷۱: ۱۰۲). در جوامع در حال توسعه، فرایند نوسازی و توسعه سیاسی به خوبی شکل نگرفته است و با توسعه سیاسی در کشورهای توسعه یافته اختلاف زیادی وجود دارد. هنوز در جوامع در حال توسعه‌ای مانند ایران، شاخص‌های توسعه سیاسی مانند مشارکت سیاسی و آزادی حق انتخاب و دموکراسی به طور کامل رخ نداده است و باید دید که مسأله اصلی جهت عدم توسعه سیاسی در جامعه چیست؟ یکی از مهمترین مسائل هر جامعه، رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد، که به لحاظ اهمیت و اعتبار خاصی که دارد، معمولاً در رأس دستور کار دولتها قرار می‌گیرد.

تاریخ تحولات ایران نشان می‌دهد که قوم ایرانی همواره مردمی آزادمش و آزادی‌خواه بوده است (برزگر، ۱۳۷۵، ۳۳). ایران به علت وضعیت جغرافیایی و سیاسی خود و قرار گرفتن در منطقه‌ای مهاجر پذیر، دارای انقطاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعددی بوده است. برخی سنت‌های سیاسی که در طول تاریخ به عادات رفتاری ایرانیان تبدیل شده است، یکی از موانع عمده توسعه سیاسی در ایران بوده است. این رفتارها شامل موارد نسبتاً متعددی مانند تسلیم‌پذیری یا سلطه فرهنگ تسلیم، سنت خودکامگی و استبداد، سنت خشونت توطئه و تزویر، سنت تکروی و فردگرایی و در نهایت سنت بی‌اعتمادی است (عیوضی و منصورزاده، ۱۳۹۰). فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی در ادوار گوناگون می‌باشد که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجربه‌های شخصی داشته و مطالعه دقیق آن، فرآیند تبدیل تقاضا و خواستها را به



تصمیمات، استراتژی‌ها و سیاستها نشان می‌دهد. بر این اساس، تحلیل ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی انعکاس دهنده رابطه اقتدار سیاسی و ارزشها بوده و ما را قادر می‌سازد میزان مشروعیت نظام سیاسی را مورد ارزیابی قرار دهیم و از آنجا که محیط نظام ارزشی است، فرهنگ سیاسی جهت‌گیری‌های مردم را نسبت به نهادها، ساختارها و نیز عملکردهای سیاسی مشخص می‌کند. کم و کیف مشارکت سیاسی، شیوه رأی دادن، پشتیبانی و بی‌اعتنایی نسبت به نظام سیاسی، تا حد قابل توجهی به، ارزشها، اعتقادات، انگاره‌ها و نهادهای نهادینه شده بستگی دارد (اینگلهارت ۱۳۷۴: ۲۱-۱۹).

بندر گز یکی از شهرهای استان گلستان است که بر اساس شواهد موجود در حوزه توسعه سیاسی، رشد چشمگیری نداشته است و میزان مشارکت سیاسی و فعالیت احزاب سیاسی در آن کم رنگ است. روند مشارکت سیاسی و ابعاد توسعه سیاسی در سال‌های گذشته در این شهرستان چشمگیر نبوده (طبق یافته‌های لطفی، ۱۳۹۶ و خوشفر و میرزاخانی، ۱۳۹۵) و این امر به عنوان مسأله تحقیق انتخاب شده و ضرورت دارد تا به بررسی علمی آن پرداخته شود. نتایج تحقیق نسترن و فتاحی (۱۳۸۸) نشان دهنده عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان‌های استان گلستان می‌باشد. به شکلی که شهرستان‌های گرگان، بندر گز و کردکوی از لحاظ برخورداری از جمیع امکانات و خدمات نسبت به دیگر شهرستان‌های استان در رتبه نخست و شهرستان‌های بندر ترکمن، مینودشت، آزادشهر و آق‌قلا در رتبه آخر قرار دارند. سعیدی و دیگران (۱۳۹۸) معتقدند که سطح زندگی انسان با رشد و پیشرفت علم و دانش بشری همواره در حال پیشرفت بوده است. با این حال، این رشد و توسعه در تمام مناطق و سکونتگاه‌های انسانی یکسان نبوده و در نتیجه آن جوامع مختلفی با سطح توسعه اجتماعی متفاوت ایجاد شده است. ارزیابی و سطح‌بندی توسعه اقتصادی اجتماعی شهرستان‌های استان گلستان با تاکید بر میزان توسعه‌یافتگی روستاها نشان داد که شهرستان گنبد با ضریب بهره‌مندی ۰/۹۲ رتبه اول و شهرستان بندر گز با ضریب بهره‌مندی ۰/۱۲ رتبه یازدهم (آخرین رتبه توسعه‌یافتگی) را بدست آورد. خوشفر و میرزاخانی هم سطح سرمایه اجتماعی و همچنین توسعه یافتگی بندر گز را در حد بالایی ارزیابی نمودند (خوشفر و میرزاخانی، ۱۳۹۵: ۲۱). اما لطفی (۱۳۹۶) نشان داد که توسعه سیاسی در بندر گز خیلی کم است (لطفی، ۱۳۹۶: ۶۹۵). بر این اساس، در این مقاله هدف بررسی و تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز است. در این راستا از یک سو به تاثیرات عوامل اجتماعی مانند اعتقادات دینی، سرمایه اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، اعتماد سیاسی و نقش جامعه‌پذیری سیاسی بر ابعاد توسعه سیاسی پرداخته شده و از سوی دیگر موانع توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه سیاسی شهرستان بندر گز چگونه است؟ و کدام یک از این عوامل می‌توانند تبیین دقیق‌تری از توسعه سیاسی داشته باشند؟



پیشینه تحقیق

ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۱) به مطالعه رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ پرداختند. مشارکت سیاسی از چشم‌اندازها و سیاست‌گذاری‌های جمعی است که بدون سرمایه اجتماعی محقق نمی‌شود. روش تحقیق از نوع فراتحلیل است. حجم جامعه ۲۸ سند پژوهشی-پیمایشی است. یافته‌ها نشان داد اندازه اثر کلی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی برابر با ۴۶ درصد است. بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق مذهبی، آگاهی اجتماعی، تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی و گروه مرجع نخبگان با مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. سرمایه اجتماعی می‌تواند پشتوانه‌ای محکم و تضمینی برای تحقق مشارکت سیاسی باشد. سرمایه اجتماعی در اجتماعات با ارتباط و انسجام اجتماعی اقوام با اقوام با نظام، و شهروندان با حکمرانان سیاسی تقویت می‌شود.

رزمجویی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی فرهنگ سیاسی مشارکتی و تاثیر آن بر تحقق توسعه سیاسی پرداختند. فرهنگ سیاسی مشارکتی و تاثیر آن بر تحقق توسعه سیاسی از دیر باز در شمار موضوعات مورد توجه علمای علم سیاست و جامعه‌شناسان بوده است. برای این منظور با تنظیم مدل مفهومی برگرفته از دیدگاه‌های هانتینگتون و جگورایب درباب توسعه سیاسی و نظریات پای، آلموند، پاول، وربا و اینگلههارت در باب فرهنگ سیاسی مشارکتی فرضیه‌های پژوهش تدوین و تنظیم شد. داده‌ها از نمونه آماری ۳۷۷ نفر از میان دانشجویان دانشگاه شیراز با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی، گردآوری شده است، جهت پایایی از شاخص آلفای کرونباخ و برای تجزیه و تحلیل از روش معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، فرهنگ سیاسی مشارکتی و مؤلفه‌های تاثیرگذار بر آن مانند اعتماد اجتماعی، فرهنگ گفتگو، فردگرایی، فرصت‌های برابر سیاسی و اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت کننده توسعه سیاسی باشد. ولی فرهنگ سیاسی تبعی و محدود به عنوان مانعی فراگیر برای توسعه سیاسی محسوب می‌شوند.

دمیری و ابطحی (۱۴۰۰) به بررسی پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین سرمایه اجتماعی با مولفه اعتماد و توسعه سیاسی با رویکرد بومی وجود دارد. پیش‌شرط توسعه سیاسی و کارآمدی حکومت‌ها به سرمایه اجتماعی هر کشوری برمی‌گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان پیوندها و هنجارهای مشترک و تعمیم اعتماد اجتماعی در سطح خرد و کلان نه تنها عامل تسهیل امور برای افراد و گروه‌هاست بلکه عامل مهم در شناسایی جامعه سیاسی نیز می‌باشد.



مرادی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی به این نتایج رسیدند که توسعه سیاسی بر سرمایه اجتماعی اثرگذار بوده است. به عبارتی، بین متغیرهای توسعه سیاسی (متغیر وابسته) و سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل) همبستگی معناداری وجود دارد. حدود ۴۲/۳٪ از تغییرات توسعه سیاسی (حق رأی و شرکت در انتخابات و اجتماعات) به کمک متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) قابل تبیین است. یافته‌های تکنیک دلفی فازی حکایت از توافق تقریباً کامل (بالای ۷۰ درصد) خبرگان در مورد تاثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی و اجتماعی در ایران دارد.

آذرشب و آسوده (۱۳۹۸) به بررسی جایگاه جامعه مدنی در توسعه سیاسی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که برای رسیدن به یک جامعه توسعه یافته سیاسی باید هم دولت توسعه‌گرا و هم جامعه مدنی توسعه‌گرا وجود داشته باشد، و جامعه مدنی یکی از عوامل اصلی توسعه سیاسی است.

ضمیری، صالحی امیری و فتحی (۱۳۹۸) به بررسی گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی نگرش به تأثیر تحزب بر رفتار حزبی) پرداختند. یافته‌ها نمایانگر وجود همبستگی محسوس میان نگرش مثبت به نقش احزاب در توسعه سیاسی، و گرایش به فعالیت حزبی است. بخش قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان مجلس ششم و هفتم، بر این باورند که احزاب و تحزب نقش مثبت و کارآمدی در فرایند توسعه سیاسی دارند، از سوی دیگر نگرش مثبت به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی، بر رفتار سیاسی نمایندگان نیز تأثیر مثبت نهاده و نمایندگانی که به نقش مثبت احزاب در فرایند توسعه سیاسی باور داشته‌اند در عمل نیز به فعالیت حزبی گرایش بیشتری نشان داده‌اند.

ارسیا و ساعی (۱۳۹۸) مقاله‌ای با عنوان بررسی تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر ابعاد سه گانه توسعه سیاسی دارند. نتایج حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تاثیر مثبت دارد. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی نیز تاثیر مثبت دارد. به لحاظ مطلوبیت نگرش شهروندان تهرانی به توسعه تنها بعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد، و ابعاد احساس آزادی سیاسی و رضایت از اوضاع سیاسی و همچنین متغیر نگرش به توسعه سیاسی در بین افراد در سطح مطلوبی قرار ندارند. در خصوص اولویت‌بندی ابعاد اعتماد اجتماعی نیز فقدان خشونت ساختاری در اولویت نخست، و ابعاد کنترل فساد اداری و مالی، تسهیل تعاملات سیاسی اجتماعی، شفافیت رفتاری، میزان انعطاف‌پذیری، عدالت در مجازات، شفافیت اطلاعاتی، اعتماد به رسانه، اعتماد به نهادهای حکومتی، عدالت اقتصادی و شفافیت گفتاری در اولویت‌های بعدی قرار دارند. همچنین



متغیر مشارکت اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی یعنی ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و احساس تعلق به جامعه نیز تاثیر مثبت دارد.

عقیلی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم پرداخت. اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، می‌تواند فضای مساعدی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی را فراهم آورد و به این ترتیب بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

محمدی‌مهر و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران می‌پردازند. رهیافت بیشتر کتاب‌ها مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون بوده و عامل اصلی توسعه نیافتگی سیاسی ایران، استبداد و اقتدارگرایی، مولفه‌های فرهنگ سیاسی و شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی عنوان شده است.

اخوان کاظمی و دیگران (۱۳۹۷) به بررسی روند پژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که با وجود زمان‌بر بودن دستیابی به فرایند توسعه سیاسی، به‌علت فراهم شدن تدریجی زیربنای توسعه و نهادینگی آن پس از انقلاب اسلامی تاکنون، امکان بازگشت به اقتدارگرایی و شکل‌گیری امواج ضدتوسعه‌ای در آینده در جامعه ایرانی به کمترین حد ممکن خود رسیده است.

زیباکلام و دیگران (۱۳۹۰) و کهرازه (۱۳۹۶) به نقش نخبگان فکری بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، عیوضی و منصورزاده (۱۳۹۰) به تأثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی، سیونگ یو (۱۳۷۷) به نقش فرهنگ سیاسی، قیومی (۱۳۹۰) به نقش نخبگان حاکم و ساختار قومیتی، مرادنژاد سرای و دیگران (۱۳۹۵) به نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه اشاره می‌کنند. صالحی امیری و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد توسعه پایدار پرداخته است. سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر، نظم، وفاق اجتماعی، تعهد و پیوند اجتماعی، انسجام اجتماعی، امنیت و مشارکت اجتماعی در نهایت ۷۰٪ بر بعد سیاسی توسعه پایدار اثر دارد. نظری؛ بشیری گیوی و جنتی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال) نشان داد بین متغیرهای اعتماد به رسانه‌های جمعی، اعتماد به افراد مذهبی، اعتماد به سیاسیون، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی با توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی نتایج حاصل از این یافته‌ها نشان دهنده تأثیر عواملی چون اعتماد به رسانه‌های گروهی، اعتماد به سیاسیون و اعتماد سیاسی و اعتماد به افراد مذهبی، مشارکت سیاسی بر میزان توسعه سیاسی است.



ایدا و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تحلیلی تجربی از کاربرد رسانه‌های اجتماعی، یادگیری سیاسی و مشارکت در بین جوانان: یک مطالعه تطبیقی اندونزی و پاکستان می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی جوانان را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تسهیل می‌کند و این فعالیت‌ها دانش آنها را تقویت می‌کند، فرصتی برای مشارکت و ایجاد ظرفیت کارآیی سیاسی فراهم می‌کند. هوی و پیکاک (۲۰۲۰) در مقاله خود قدرت رسانه در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی را بررسی کردند. متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌گر، اغلب قدرت روابط بین رسانه‌ها و نگرش‌های سیاسی را تعیین می‌کنند، و علت در تعیین جهت این روابط یک نکته اساسی است.

فنگ ژو و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای موضوع استفاده خلاق از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در جوانان: تعدیل و نقش میانجیگری بیان سیاسی آنلاین را بررسی کردند. نتایج نشان داد که رسانه‌های خلاق اجتماعی، با مداخله کامل بیان سیاسی پیشرفته آنلاین، مشارکت سیاسی را بطور غیرمستقیم پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌ها نقش تعدیل‌کننده بیان سیاسی آنلاین را در پیوند بین استفاده خلاقانه از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان ندادند. یافته‌ها سهم نظری مهمی در زمینه مرتبط با استفاده از رسانه‌های اجتماعی با تعامل سیاسی دارند. اسکوریا و پارک (۲۰۱۴) به نقش فرهنگ، رسانه و شبکه‌های اجتماعی و دموکراسی، فلاوین و کین (۲۰۱۲) به رضایت از زندگی و مشارکت سیاسی، کیربیش (۲۰۱۳) به سطوح مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، سبک زندگی، سنت‌گرایی، نقش جنسیت و ارتباط بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی اشاره دارد. الدین فامی (۲۰۰۶) متغیر سرمایه اجتماعی و آوزی و دیگران (۲۰۱۱) به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان عوامل توسعه سیاسی در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا اعتقاد دارند.

اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه توسعه سیاسی توسط متخصصان علوم سیاسی انجام شده و کمتر در حوزه جامعه‌شناسی به بحث توسعه سیاسی پرداخته شده است. محقق درصدد است تا با رویکردی جامعه‌شناختی و با استفاده از متغیرهای اجتماعی مانند باورهای دینی، سرمایه اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی، اعتماد سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی به تبیین توسعه سیاسی در شهرستان بندرگز بپردازد. اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه توسعه سیاسی توسط متخصصان علوم سیاسی انجام شده و کمتر در حوزه

1. Flavin & Keane

2 . Kirbiš

3 - Eldin famy



جامعه‌شناسی به بحث توسعه سیاسی پرداخته شده است. رابطه بین این متغیرها کمتر به صورت علمی و سیستماتیک مورد بررسی قرار گرفته و و این مزیت عمده این تحقیق نسبت به پژوهش‌های قبلی است.

مبانی نظری

نظریه‌های توسعه سیاسی را می‌توان به دو دسته نظریه‌های جامعه‌گرا و نظریه‌های دولت‌گرا تقسیم نمود. نظریه‌های جامعه‌گرا مبنای تحقق توسعه سیاسی را از پایین به بالا می‌داند که بر مدار جامعه مدنی سامان می‌یابد، اما نظریه‌های دولت‌گرا مبنای شکل‌گیری توسعه سیاسی را از بالا به پایین می‌داند که بر مدار دولت مشروع و مقتدر تعین می‌یابد. انتخاب هر یک از دو مبدا تابعی از مشخصات جامعه و دولت در جوامع گوناگون است (دبیری مهر، ۱۳۹۳: ۱۷۹). منظور از توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی است که دانشمندانی مانند رابرت دال، آیدم، دیوید اپتر و آیزنشتات، این شاخصه‌های را معیار توسعه سیاسی معرفی کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱). دانیل لرنر و لوسین پای نیز مشارکت در انتخابات را به‌عنوان شاخص مشارکت سیاسی معرفی کرده‌اند (بدیع، ۱۳۷۵، ۴۱ و ۷۹).

ساموئل هانتینگتون و نلسون، شرط اصلی تحقق توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی دانسته‌اند (معینی پور، ۱۳۸۹: ۳). عده‌ای دیگر از آنان ضمن تأیید این شاخص مهم، توانایی نظام سیاسی در پاسخگویی به بحرانهای سیاسی جامعه را، شرط تحقق توسعه سیاسی قلمداد کردند. در این باره، لوسین پای معتقد بود اگر یک نظام سیاسی بتواند از بحرانهای سیاسی و اجتماعی پیش روی خود به موفقیت عبور کند، ضمن آنکه مشروعیت خود را تحکیم می‌بخشد، فرآیند تحقق توسعه سیاسی را نیز هموارتر می‌کند (پای، ۱۳۸۰: ۶۴). از دیگر شاخص‌های مورد تأکید اندیشمندان علوم سیاسی، اعتماد متقابل بین جامعه و نظام سیاسی می‌باشد. این عده از متفکران از جمله آلموند و پاول، عقیده داشتند که اگر روابط سیاسی یک جامعه مبتنی بر اعتماد بین جامعه سیاسی و نظام سیاسی باشد، فرآیند توسعه سیاسی موفقیت آمیز خواهد بود (آلموند، ۱۳۷۵: ۷۹).

منظور از توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی است که دانشمندانی مانند رابرت دال، آیدم، دیوید اپتر و آیزنشتات، این شاخصه‌های را معیار توسعه سیاسی معرفی کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱). دانیل لرنر و لوسین پای نیز مشارکت در انتخابات را به‌عنوان شاخص مشارکت سیاسی معرفی کرده‌اند (بدیع، ۱۳۷۵، ۴۱ و ۷۹). توسعه سیاسی یکی از جنبه‌های اصلی توسعه یافتگی یک کشور محسوب می‌شود. از نظرها تینگتون مهمترین عامل توسعه سیاسی در کشورها، همانا مشارکت سیاسی است. آنان



مشارکت سیاسی را تابعی از فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی و تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آن‌ها می‌دانند؛ به عبارتی، نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و غیره مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۶). از نظرهانتینگتون، نوسازی روندی چندی بعدی متضمن تغییر در همه عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است، نوسازی سیاسی، تغییر نظام سیاسی را در نظر دارد و دربر گیرنده تغییرات در ساختار سیاسی، فرهنگ سیاسی و روندهای سیاسی است، نوسازی سیاسی روندی همانند توسعه سیاسی است (عالم، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۰).

گابریل آلموند نظریه‌ای را بر حسب قابلیت‌های عملکرد سیستم‌های سیاسی تدوین کرده است که طبق آن، سیستم‌های سیاسی پس از کسب قابلیت‌های جدید در ارتباط با محیط اجتماعی و بین‌المللی خود، تغییر یا توسعه پیدا می‌کنند. هر سیستم سیاسی با چهار مشکل و چالش مواجه بوده است و یا مواجه خواهد شد که عبارتند از: حکومت‌سازی، ملت‌سازی، مشارکت و توزیع یا رفاه (معمارزاده و پاک‌طینت، ۱۳۸۵). ایشان از لحاظ رفتاری، مصلحت‌گرایی، ارجح بودن فعالیت‌های دسته جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی، روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را به عنوان معیار توسعه سیاسی تلقی کرده و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فرعی تأکید می‌کنند (نظری و دیگران، ۱۳۹۲). آلموند و وربا (۱۹۷۵: ۲۱۱) بر این باورند که جوامع گوناگون را می‌توان بر پایه سه نوع فرهنگ کوتاه بینانه، ذهنی، و مشارکتی یا آمیزه‌ای از آنها شناسایی کرد؛ ویژگی فرهنگ کوتاه بینانه، شناخت اندک از حکومت است و غالباً در میان اقشار و طبقات پائین جامعه به لحاظ سطح تحصیلات، شغل و درآمد و آگاهی سیاسی دیده می‌شود.

علاوه بر این استدلال آلموند و وربا در نهایت این است که هر چقدر سه نهاد اجتماعی‌کننده یعنی خانواده، مدرسه و شغل، الگوی مشارکت قوی‌تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد اجتماعی‌کننده مشارکت بیشتری داشته باشد، در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود (عرفانی، ۱۳۸۳: ۷۶). در این نظریه بر نقش الگوی اقتدار در بیرون از نظام سیاسی، یا به عبارتی بر یادگیری سیاسی از الگوهای حاکم بر نهادهای اجتماعی - یا تجربه‌های سازنده برآمده از موقعیت‌های نهادی - و نخبگان سیاسی و تأثیر نهادها و نخبگان بر فرهنگ سیاسی مردم بسیار تأکید می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷۹). آلموند و وربا از داده‌های خود نتیجه می‌گیرند که الگوی مشارکت در درون گروه‌های طبقاتی مختلف تفاوت‌های معناداری دارد و

1. Almond & Verba



کسانی که در طبقات اجتماعی بالاتر قرار دارند، مشارکت بیشتری نیز دارند. به نظر آن‌ها، یکی از دلایل قابلیت سیاسی اندک کسانی که اطلاعات و آموزش مناسبی ندارند، این است که از نظر طبقاتی در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در آن‌ها انتظار و توقع این که هرکس با تصمیمی مخالف است، می‌تواند مخالفت‌اش را اعلام کند، پرورش نمی‌یابد (عرفانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). هرچه سطح مشارکت افزایش می‌یابد، نسبت افراد طبقات پایین‌تر کاهش می‌یابد (پناهی، ۱۳۸۶: ۳۳).

لئونارد بایندر توسعه سیاسی را در سه مفهوم برابری، ظرفیت و تفکیک وظایف خلاصه کرده است. بایندر معتقد است توسعه پایان‌ناپذیر است و مسیر توسعه کشورهای توسعه نیافته متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی است (اعتباریان خوراسگانی و قلی پور مقدم، ۱۳۹۶: ۱۳۱). او معتقد است بحران‌های سیاسی که در سر راه کشورهای در حال توسعه است عبارتند از: هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع. او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع به ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده‌اند (سیف زاده، ۱۳۶۸).

آیزنشتات توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخشها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد (مهدی‌خانی، ۱۳۸۰: ۱۸۳). آیزنشتات توسعه سیاسی را به ساختارسیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (آیزنشتات، ۱۹۶۴). آلفرد دیامنت نیز توسعه سیاسی را در عمده‌ترین شکل خود روندی می‌داند که به وسیله آن یک نظام سیاسی، قابلیت حفظ و تحمل موفقیت‌آمیز و مداوم انواع جدید اهداف و تقاضاها و ایجاد انواع جدید سازمان‌ها را به دست می‌آورد و آن را افزایش می‌دهد. وی می‌گوید برای اینکه این روند تداوم یابد به ساختار سیاسی مستقل و متمرکز نیاز است (امین زاده، ۱۳۷۶).

هانتینگتون ۱ مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی کرده و بر این اعتقاد است که از آنجا که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت، نظام با بی‌ثباتی و

1. Huntington



هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲) و امکان دارد جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب برخورد کند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۶). افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی به مفهوم افزایش سهم افراد در فراگرد توسعه جامعه است.

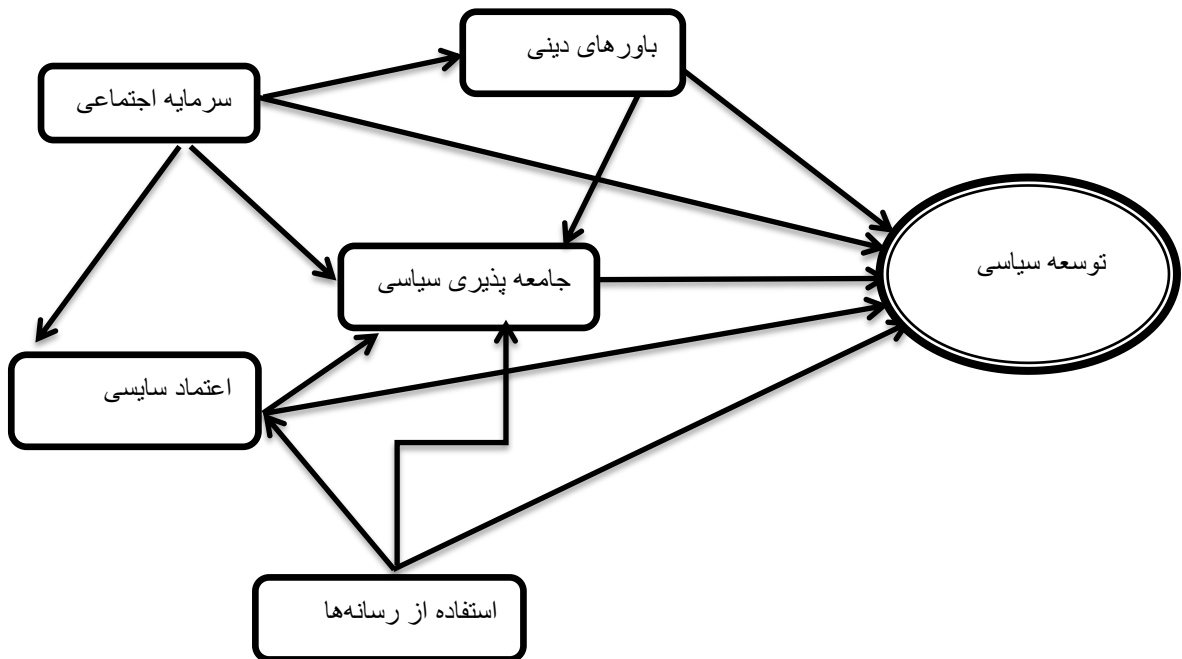
هانتینگتون معتقد است؛ بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنانچه افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پرمزالت تر یا کسب درآمد بیشتر به اهداف موردنظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف‌نظر می‌نمایند (ربیعی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴). از نظر هانتینگتون هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (نظری و دیگران، ۱۳۹۲). هانتینگتون نیز مانند جگورایب معتقد است ثبات هر حکومت در رابطه مناسب و تعادل بین نهادهای مختلف مشارکت سیاسی است. ثبات سیاسی زمانی به وجود می‌آید که با افزایش مشارکت سیاسی، مسائلی از قبیل پیچیدگی، استقلال، سازگاری و انسجام نهادهای سیاسی جامعه افزایش یابد. گسترش مشارکت سیاسی باید با ایجاد نهادهای قوی، پیچیده و مستقل همراه باشد.

لوسین پای توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می‌داند (قوام، ۱۳۷۱: ۹-۱۰). پای بر این نظر است که، برای تحقق توسعه مطلوب یک نظام سیاسی باید از یک سلسله بحران‌ها به صورت موفقیت‌آمیز عبور کند. وی تقدم و تاخیر را برای مقابله با بحران در نظر نمی‌گیرد؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع گوناگون از لحاظ قرار گرفتن در مسیر هریک از این بحران‌ها متفاوت است. وی سه ویژگی مهم مفهوم توسعه سیاسی شامل برابری، ظرفیت و تغییر تدریجی است. «آلبرت بندورا» در دیدگاه نظری که مطرح کرده است کنش سیاسی را متاثر از یک عامل فردی تحت عنوان «اعتماد به نفس» و یک ساختار به عنوان «اعتماد به محیط سیاسی» می‌داند. اعتماد سیاسی فرآیندی است مرکب از اعتماد به دولت و اعتماد به نفس سیاسی» (ربیعی، ۱۳۸۰: ۴۰).

در این پژوهش متغیرهای باورهای دینی، سرمایه اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، اعتماد سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان متغیر مستقل و متغیر توسعه سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در این مدل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته توسعه سیاسی به



صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. در ارائه فرضیات این تحقیق از نظریات مختلفی در حوزه توسعه سیاسی استفاده شده است که می‌توان به نظرات هانتینگتون، پارسونز و دیگران اشاره کرد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد بین باورهای دینی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین اعتماد سایسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین وسایل ارتباط جمعی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.



روش تحقیق

روش تحقیق از نوع کمی و روش جمع‌آوری از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. این روش اجازه می‌دهد تا درباره جمعیت آماری، اطلاعات یکنواختی به دست آورده و امکان مقایسه و مشاهده درست متغیرها را داشت. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه افراد بالای ۱۸ ساله شهرستان بندرگز می‌باشند که تعداد آنان برابر با گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۶۷۸۵ نفر اظهار شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حدود ۱۸۳۷۲ نفر مرد و ۱۸۴۱۳ نفر زن هستند. همچنین تعداد ۲۱۹۰۱ نفر (۵۹/۵ درصد) در نقاط شهری (شهرهای بندرگز و نوکنده) و تعداد ۱۴۸۸۴ نفر (۴۰/۵ درصد) در مناطق روستایی ساکن هستند. حجم نمونه پس از محاسبه با استفاده از فرمول کوکران، با توجه به خطای نمونه-گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، مقدار حجم نمونه ۳۸۰ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{(N-1)d^2 + t^2 pq}$$

$$n = \frac{36785 \times (1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(36785-1)(0/05)^2 + (1/96)^2 (0/5)(0/5)} = \frac{35329}{93} = 380$$

روش نمونه‌گیری در نقاط شهری و نقاط روستایی شهرستان بندرگز بصورت تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار صوری و محتوایی استفاده شد. پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ بدست آمد. به این طریق که پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از افراد بالای ۱۸ ساله شهرستان بندرگز قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته بین ۰/۷۳۲ تا ۰/۸۷۷ می‌باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه‌های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می‌باشد. به عبارت دیگر از پایایی و قابلیت اعتماد برخوردار است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیر مستقل میزان جامعه‌پذیری سیاسی برابر با ۰/۷۳۲ بوده و مقدار ضریب آلفای کرونباخ میزان توسعه سیاسی برابر با ۰/۷۹۰ می‌باشد که در حد بسیار بالایی است و گویه‌های آن توانسته‌اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند. مقدار آزمون کولموگورف اسمیرنوف متغیر توسعه سیاسی برابر با ۰/۶۷۳ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۷۵ است. از آنجایی که مقدار معناداری کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا پراکندگی داده‌ها نرمال بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از آماره‌های استنباطی پارامتریک استفاده شد.



جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ (پایایی) و نرمال بودن متغیرها

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ	آزمون کولموگوروف سمینوف	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۰/۷۶۵	۰/۵۴۲	۰/۹۳
دینداری	۰/۸۷۷	۰/۷۷۴	۰/۶۹
توسعه سیاسی	۰/۷۹۰	۰/۶۷۳	۰/۷۵
رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۸۱۴	۱/۱۴	۰/۱۴
جامعه پذیری سیاسی	۰/۷۳۲	۰/۷۱۵	۰/۷۰
اعتماد سیاسی	۰/۸۲۹	۰/۸۲۹	۰/۵۹

سنجش متغیرها (تعریف نظری و عملیاتی متغیرها)

دینداری: دینداری یا التزام دینی مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به طور کلی تبعیت از دستورهای دین و مجری آنها بودن اشاره دارد. این التزام در مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می زند، سامان می‌پذیرد (موسوی: ۱۳۸۸، ۱۷۹). دینداری در این تحقیق بر مبنای مقیاس گلاک و استارک و شامل چهار بعد اعتقادی ۱، بعد پیامدی ۲، بعد تجربی ۳ و بعد مناسکی ۴ است.

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است. اعتماد سیاسی، یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این که گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم به وسیله دولت بدون این که نیازی به دخالت مستقیم آنها باشد) (زاهدی، ۱۳۹۰: ۷۷). میزان اعتماد به نظام سیاسی، نوع نگرش پاسخگویان به اصل و اساس نظام، حمایت از آن، چگونگی حمایت از عملکرد سیستم سیاسی و قواعد و قوانین حاکم بر آن می‌باشد

1 Ideological

2 Consequential

3 Experimental

4 Ritual



(شایگان، ۱۳۸۷: ۱۶۴). در تعریف عملیاتی اعتماد سیاسی اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی مدنظر است.

جامعه‌پذیری سیاسی: روندی است که فرد در آن، با وظایف، حقوق و نقشهای سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شود. در این فرایند «فرهنگ سیاسی جامعه» از نسلی به نسل دیگر، یا از نهادی به گروههای مختلف جامعه انتقال می‌یابد. متغیر جامعه‌پذیری از طریق شاخصها و مولفه‌های زیر عملیاتی شده است: اعتماد کردن به دیگران، همکاری کردن، داشتن نظم و انضباط در زندگی، یادگیری هنجارهای جامعه، احترام گذاشتن به بزرگترها، افزایش یادگیری دانش و مهارتها، مشورت اعضا در درون خانواده در مورد مسائل سیاسی، اظهار نظر کردن در مورد مسائل سیاسی در خانه، احترام اعضا به یکدیگر در خانواده به ویژه در حوزه عقاید سیاسی، پیگیری مسائل سیاسی در خانواده، حضور خانوادگی در صحنه‌های سیاسی.

توسعه سیاسی: توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۱۰). متغیر وابسته توسعه سیاسی با مولفه‌هایی مانند مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی، برابری سیاسی، قابل سنجش است.

سرمایه اجتماعی ۱: وجوه گوناگون سازمانهای اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌تواند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). از نظر بوردیو، جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر، با عضویت در یک شبکه گروه - است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۴۷). این متغیر با مولفه‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، میزان آگاهی، شبکه‌های اجتماعی، نهادینه و قاعده‌مندسازی ارزشها و هنجارها سنجیده می‌شود. در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نظریه پاتنام، دو بعد شناختی و ساختاری برای سنجش سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است.

سرمایه اجتماعی ساختاری: سرمایه است که سبب تسهیل در تبادل اطلاعات، کنش جمعی و تصمیم‌گیر می‌شود. این نوع سرمایه اجتماعی ناشی از وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی قوی بوده و نسبتاً عینی و قابل مشاهده است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۶۷) و یا به عبارتی شامل ترکیب و شیوه عمل نهادهای محلی در سطح رسمی و غیر رسمی است که به عنوان وسیله‌ای برای توسعه اجتماع عمل می‌-

1 - Social Capital



کند. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی نشانگر جنبه کمی سرمایه اجتماعی است که ناشی از وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی قوی بوده و نسبتاً عینی و قابل مشاهده می‌باشد (شارع پور، ۱۳۸۵، ۱۶۷). در واقع، این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

سرمایه اجتماعی شناختی: بعد شناختی سرمایه اجتماعی بیانگر جنبه کیفی سرمایه اجتماعی می‌باشد که به هنجارها، ارزش‌های مشترک و اعتماد اشاره دارد و به همین جهت امری ذهنی و نامحسوس است (شارع پور، ۱۳۸۵، ۱۶۸). این بعد ناظر به ارزشها، اعتماد، گرایشها و عقاید مشترک باز می‌گردد. به همین خاطر بیشتر امری ذهنی و مفهومی نامحسوس است. بعد شناختی در واقع به شناخت افراد نسبت به دیگران مربوط می‌شود. به عنوان مثال، اعتماد یک فرد نسبت به همکارانش حاکی از شناخت او از ایشان می‌باشد. سرمایه‌ای است که از طریق همین امور، همکاری و فعالیتهای جمعی دارای منافع متقابل را ترغیب می‌کند (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۷).

رسانه‌های ارتباط جمعی: به معنای میزان استفاده از رسانه‌هاست که در این تحقیق، محدود به رسانه‌های جمعی شده است (شکریگی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). به تمام اشکال ارتباط نوشتاری، از قبیل روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و همه گونه‌های ارتباطات پخش، از قبیل رادیو، تلویزیون و سینما و غیره که برای عموم مردم هستند گفته می‌شود (مور، ۱۳۸۲: ۶۳). برای سنجش مصرف رسانه‌ای، میزان استفاده از رسانه‌هایی مانند روزنامه، مجله، اینترنت و ماهواره در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها نشان داد که ۴۵/۱ درصد مرد و ۵۴/۹ درصد زن می‌باشند. بنابراین، جنسیت اکثریت زن (۲۰۹ نفر معادل ۵۴/۹ درصد) است. حدود ۲۱.۸ درصد بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۵.۸ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال، ۱۸.۷ درصد بین ۳۵ تا ۴۴ سال، حدود ۱۱.۶ درصد بیش از ۵۵ ساله و حدود ۱۷.۱ درصد بین ۴۵ تا ۵۴ ساله هستند و ۵ درصد نیز سن خود را مشخص نکرده‌اند. بنابراین، سن اکثریت بین ۲۵ تا ۳۴ سال (۹۸ نفر معادل ۲۵.۸ درصد) است. حدود ۱۴/۷ درصد کمتر از دیپلم، تقریباً ۱۱/۳ درصد کاردانی، ۴۷/۰ درصد کارشناسی و در نهایت ۲۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. بنابراین، سطح تحصیلات اکثریت کارشناسی (۱۷۹ نفر معادل ۴۷/۰ درصد) می‌باشد. حدود ۴۸ درصد از پاسخگویان میزان درآمد خانواده را درآمدهای بین ۱.۵ تا ۲.۵ میلیون عنوان نموده‌اند. این طبقه به علاوه افرادی که بین ۲.۵ تا ۳.۵ میلیون درآمد دارند و ۱۳.۷ درصد (۵۲ نفر) هستند، جمعا طبقه متوسط محسوب می‌شوند. و لذا بیشتر افراد



از نظر درآمدی جزء طبقات متوسط محسوب می‌شوند. حدود ۴۰۲ درصد بیش از ۵.۵ میلیون تومان در ماه درآمد دارند. حدود ۲۵.۸ درصد از افراد مورد مطالعه مجرد می‌باشند و ۶۸.۹ درصد از متاهل بوده‌اند و حدود ۵.۳ درصد هم مطلقه یا همسر فوت شده می‌باشند. بررسی نحوه تصرف مسکن نشان می‌دهد که اکثر افراد (۷۷.۱ درصد) دارای مسکن شخصی بوده، حدود ۶.۳ درصد در منازل سازمانی و ۱۲.۹ درصد نیز در منازل استیجاری ساکن می‌باشند.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد بعد اعتقادی دینداری که به باورهای دینی بر می‌گردد با ۳۰/۴ درصد در پاسخگویان ضعیف است. همچنین بعد تجربی دینداری که به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی هم چون خدا بر می‌گردد با ۷۱/۸ درصد در پاسخگویان ضعیف است. همچنین بعد پیامدی دینداری که به باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین بر می‌گردد با ۷۱/۳ درصد در پاسخگویان ضعیف است. لیکن بعد مناسکی که عبادات و اعمال مشخصی است که دین اسلام به پیروان خود توصیه اکید و واجب برای انجام آن دارد با ۶۴/۲ درصد نسبت به سایر ابعاد قوی است. در مجموع میزان دینداری در حد متوسطی است و بعد مناسکی دینداری دارای بالاترین میانگین است اما بعد پیامدی از کمترین میانگین برخوردار می‌باشد.

جدول ۲: توزیع درصد شاخص‌های میزان دینداری پاسخگویان

ابعاد دینداری	ضعیف	متوسط	قوی	میانگین از ۳
اعتقادی	۳۰/۴	۲۹/۶	۴۰/۰	۱/۹۰
تجربی	۷۱/۸	۱۴/۴	۱۳/۸	۱/۳۵
مناسکی	۱۸/۹	۱۶/۹	۶۴/۲	۲/۴۶
پیامدی	۷۱/۳	۲۰/۰	۸/۷	۱/۲۸
میزان دینداری	۴۷/۷	۲۱/۲	۳۱/۱	۱/۶۵

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بعد کنشگران سیاسی با ۸۷/۳ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین بعد نهادهای سیاسی با ۶۹/۹ درصد در پاسخگویان نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است. همچنین بعد نظام سیاسی با ۷۸/۶ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین مقادیر میانگین هر یک از ابعاد اعتماد سیاسی نشان می‌دهد بعد کنشگران سیاسی با میانگین ۲/۸۷ بیشترین میانگین و بعد نهادهای سیاسی با میانگین ۱/۲۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد اعتماد سیاسی دارا می‌باشند. همچنین میانگین متغیر اعتماد سیاسی برابر با ۲/۲۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد.



جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص‌های میزان اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی

اعتماد و توسعه سیاسی	ضعیف	متوسط	قوی	میانگین از ۳
کنشگران سیاسی	۴.۳	۸.۵	۸۷.۳	۲.۸۷
نهادهای سیاسی	۶۹.۹	۱۸	۱۲.۱	۱.۲۶
نظام سیاسی	۶.۲	۱۵.۲	۷۸.۶	۲.۷۳
اعتماد سیاسی	۲۸.۲	۱۳.۵	۵۸.۳	۲.۲۱
مشارکت سیاسی	۳۰/۷	۳۲/۲	۳۷/۱	۲.۳۱
آزادی سیاسی	۴۸/۳	۱۷/۱	۳۴/۶	۱.۷۶
برابری سیاسی	۳۷/۶	۳۴/۶	۲۷/۸	۲.۱۲
توسعه سیاسی	۱۶/۶	۵۴/۱	۲۹/۳	۲.۰۱

یافته‌ها نشان می‌دهد بعد مشارکت سیاسی با ۳۷/۱ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین بعد برابری سیاسی با ۲۷/۸ درصد در پاسخگویان نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است. همچنین بعد آزادی سیاسی با ۳۴/۶ درصد در پاسخگویان نسبتاً قوی است. همچنین مقادیر میانگین هر یک از ابعاد توسعه سیاسی نشان می‌دهد بعد مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۳۱۸۷ بیشترین میانگین و بعد آزادی سیاسی با میانگین ۱/۷۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد توسعه سیاسی دارا می‌باشند. همچنین میانگین متغیر توسعه سیاسی برابر با ۲/۰۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان جامعه‌پذیری سیاسی

انحراف معیار	میانگین	میزان جامعه‌پذیری سیاسی						گویه‌ها
		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۷۹	۱/۷۵	۲۲	۴۵	۳۰/۷	۶۳	۴۷/۳	۹۷	در خانواده‌ام درباره امور سیاسی و حکومتی بحث و گفتگو می‌شود.
۰/۷۳	۱/۵۹	۱۴/۶	۳۰	۲۹/۸	۶۱	۵۵/۶	۱۱۴	خانواده ام از مسائل سیاسی متنفرند



۰/۶۳	۱/۳۰	۹/۳	۱۹	۱۱/۷	۲۴	۷۹	۱۶۲	خانواده‌ام با حزب سیاسی همکاری داشته است
۰/۷۳	۱/۵۸۱	۱۴/۱	۲۹	۲۹/۸	۶۱	۵۶/۱	۱۱۵	خانواده‌ام مسائل سیاسی را بیهوده می‌دانند
۰/۸۳	۲/۱۰	۴۰	۸۲	۳۰/۲	۶۲	۲۹/۸	۶۱	احساس آزادی در هنگام حرف زدن با دیگران داریم.
۰/۷۸	۲/۳۷	۵۵/۱	۱۱۳	۲۶/۳	۵۴	۱۸/۵	۳۸	احساس می‌کنم که در جامعه به من به عنوان یک شخص احترام می‌گذارند.
۰/۷۷	۱/۶۸	۱۸/۵	۳۸	۳۰/۷	۶۳	۵۰/۷	۱۰۴	چقدر با همکاران خود درباره امور سیاسی و حکومتی بحث داشته‌اید؟
۰/۷۷	۱/۸۹	۲۴/۴	۵۰	۴۰	۸۲	۳۵/۶	۷۳	در مسائل مختلف نظراتم به عنوان یک شهروند مورد توجه قرار می‌گیرد.
۰/۷۸	۲/۲۶	۴۶/۳	۹۵	۳۳/۲	۶۸	۲۰/۵	۴۲	به عقاید سیاسی دوستانم احترام می‌گذارم.
۰/۷۸	۱/۷۶	۲۱/۵	۴۴	۳۳/۲	۶۸	۴۵/۴	۹۳	دانش و مهارت‌های سیاسی را خانواده‌ام یاد گرفته‌ام.
	۱/۸۳							جمع

داده‌های موجود در جدول ۴ نشان می‌دهد که میزان جامعه‌پذیری سیاسی در بین پاسخگویان به نسبت پایین و تقریباً در حد متوسط (۱/۸۳) است. بیشترین فراوانی مربوط به گویه شماره سه (خانواده‌ام با حزب سیاسی همکاری داشته است) می‌باشد که ۷۹ درصد از پاسخگویان با آن مخالف می‌باشند. کمترین میزان فراوانی مربوط به گویه شماره شش (احساس می‌کنم که دیگران به من به عنوان یک شخص احترام می‌گذارند) می‌باشد که ۱۸/۵ درصد از پاسخگویان با آن مخالف می‌باشند.



جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی و استفاده رسانه‌های ارتباط جمعی

استفاده رسانه‌های ارتباط جمعی		سرمایه اجتماعی		میزان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۵.۵	۵۹	۱۰.۸	۴۱	خیلی زیاد
۲۴.۲	۹۲	۲۲.۹	۸۷	زیاد
۲۹.۵	۱۱۲	۱۱.۶	۴۴	متوسط
۱۱.۸	۴۵	۲۷.۹	۱۰۶	کم
۱۸.۹	۷۲	۱۹.۵	۷۴	خیلی کم
۰	۰	۷.۴	۲۸	بی پاسخ
۱۰۰	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰	کل

ملاحظه می‌گردد که ۱۱.۸ درصد افراد به میزان کمی از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده می‌کنند. حدود ۲۹.۵ درصد در حد متوسط و ۲۴.۲ درصد در حد زیادی از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده می‌کنند.

یکی از متغیرهای اصلی این پژوهش، متغیر سرمایه اجتماعی است. با توجه به نتایج جدول فوق، ۱۰/۸ درصد از افراد از سرمایه اجتماعی خیلی بالایی برخوردار بوده‌اند، ۲۲/۹ درصد در حد زیاد، ۱۱/۶ درصد از افراد از سرمایه اجتماعی متوسطی برخوردار بودند، همچنین حدود ۲۷/۹ درصد سرمایه اجتماعی شان کم بوده و ۱۹/۵ درصدشان سرمایه اجتماعی شان خیلی کم بوده است.



جدول ۶: توصیف میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	واریانس	میان
سرمایه اجتماعی	۲/۷۷	۱/۳۲	۰/۲۲۸	۱/۸۲	۲
سرمایه اجتماعی شناختی	۲/۹۴	۱/۳۰	۰/۲۹۴	۱/۶۹	۲
سرمایه اجتماعی ساختاری	۳/۲۸	۱/۳۳	۰/۲۲۳	۱/۷۷	۴
اعتماد بین فردی	۳/۶۳	۱/۰۹	۰/۱۸۳	۱/۲۰	۳
اعتماد تعمیم یافته	۳/۶۶	۱/۰۹	۰/۱۸۲	۱/۲۰	۴
اعتماد نهادی	۳/۱۸	۱/۱۵	۰/۱۸۸	۱/۳۴	۳
مشارکت رسمی	۳/۵۲	۱/۳۷	۰/۲۲۲	۱/۸۷	۵
مشارکت غیر رسمی	۳/۴۲	۱/۴۶	۰/۲۳۷	۲/۱۴	۵

میانگین نمرات متغیر سرمایه اجتماعی، کمتر از میانگین نظری ۳ و برابر با مقدار ۲/۷۷ گردیده است، بنابراین سرمایه اجتماعی کمتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین در میان ابعاد سرمایه اجتماعی به ترتیب میانگین ابعاد اعتماد تعمیم یافته، اعتماد شخصی، مشارکت رسمی، مشارکت غیر رسمی و اعتماد نهادی به میزان ۳/۶۶، ۳/۶۳، ۳/۵۲، ۳/۴۲، و ۳/۱۸ می‌باشد که در این میان بیشینه مقدار میانگین شامل بعد اعتماد تعمیم یافته و کمینه مقدار میانگین شامل بعد اعتماد نهادی گردیده است. میانگین بعد سرمایه ساختاری به مقدار ۳/۲۸ بوده که بالاتر از حد متوسط بوده ولی میانگین بعد شناختی کمتر از حد متوسط، به میزان ۲/۹۴ گردیده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا، رابطه هر یک از متغیرهای مستقل به طور جداگانه با توسعه سیاسی سنجیده می‌شود، تا چگونگی رابطه آنها روشن شود. با توجه به سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای دینداری و توسعه سیاسی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. یافته‌ها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و آماره آزمون، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه



را ۰/۲۷۸ ارزیابی کرده است. رابطه بین دینداری و توسعه سیاسی مستقیم و مثبت می باشد. بدین صورت که هر چه میزان دینداری بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی در بندر گز بیشتر می شود.

بین بعد اعتقادی دینداری و توسعه سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد. شدت ضریب همبستگی این رابطه ۰/۲۵۷ است. بین بعد تجربی دینداری و توسعه سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه را ۰/۱۷۷ ارزیابی شد. همچنین بین ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری با توسعه سیاسی رابطه مثبت و معناداری قابل مشاهده است.

جدول ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین میزان دینداری و توسعه سیاسی

متغیرها و ابعاد آن	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان دینداری	۰/۲۷۸	۰.۰۰۰
اعتقادی	۰/۲۵۷	۰.۰۰۰
تجربی	۰/۱۷۷	۰.۰۰۱
پیامدی	۰/۲۲۵	۰.۰۰۰
مناسکی	۰/۳۷۳	۰.۰۰۰

سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون صفر بوده که کمتر از ۰/۰۵ گردیده است، بنابراین بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی همبستگی متوسطی به میزان ۰/۴۵ و در جهت مثبت (با ۰/۹۹ اطمینان و ۰/۰۱ خطا) وجود دارد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که با افزایش سرمایه اجتماعی در بین ساکنین شهرستان بندر گز، میزان توسعه سیاسی در شهرستان آنان افزایش می یابد. با توجه به نتایج جدول توسعه سیاسی با ابعاد سرمایه اجتماعی؛ یعنی سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری رابطه معنادار دارد.



جدول ۸: آزمون ضریب همبستگی پیرسون سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی

متغیر	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی شناختی	سرمایه اجتماعی ساختاری
مقدار آماره پیرسون	۰/۴۵**	۰/۵۷**	۰/۳۷*
سطح معنی داری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲
حجم نمونه	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰
نتیجه	همبستگی مثبت و معنادار	همبستگی مثبت و معنادار	همبستگی مثبت و معنادار

یکی دیگر از فرضیه‌ها این است که بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. اعتماد سیاسی دارای سه مولفه است. بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و شدت همبستگی ۰/۳۲۴ است. مثبت بودن ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم و مثبت این دو مولفه است. یعنی هر چه میزان اعتماد سیاسی بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی بیشتر می‌شود. بین مولفه‌های اعتماد سیاسی با توسعه سیاسی نیز ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شد.

جدول ۹: ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی

متغیر	حجم نمونه	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد به کنشگران	۳۸۰	۰.۲۶۹	۰.۰۰۰
اعتماد به نهادهای سیاسی	۳۸۰	۰.۱۷۱	۰.۰۰۱
اعتماد به نظام سیاسی	۳۸۰	۰.۴۰۹	۰.۰۰۰
اعتماد سیاسی	۳۸۰	۰.۳۲۴	۰.۰۰۰

نتایج نشان داد بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و توسعه سیاسی رابطه وجود دارد. از طرفی این رابطه (ضریب همبستگی پیرسون) که برابر با ۰.۲۹۸ درصد است، به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد و موید این نکته است که هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی افزایش یابد سطح توسعه سیاسی کاهش می‌یابد. ضریب همبستگی بدست آمده رابطه ضعیف بین دو متغیر را نشان می‌دهد.



ضریب همبستگی اسپیرمن بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و توسعه سیاسی برابر با ۰/۲۵۶ است، که به صورت مثبت و مستقیم و ضعیف می‌باشد. هرچه پایگاه اقتصادی اجتماعی افزایش یابد سطح توسعه سیاسی کاهش می‌یابد.

ضریب همبستگی جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه سیاسی برابر با ۰/۲۲۳ است مثبت بودن ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم و مثبت این دو مولفه است. یعنی هر چه میزان جامعه‌پذیری سیاسی بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی بیشتر می‌شود. از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی پیرسون از ۰/۵ پایین‌تر می‌باشد، لذا این همبستگی نسبتاً ضعیف می‌باشد.

جدول ۱۰: ضریب همبستگی بین متغیرها و توسعه سیاسی

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
جامعه‌پذیری سیاسی	۰/۲۲۳	۰/۰۰۱	همبستگی مستقیم و مثبت معنادار
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰/۲۹۸	۰/۰۰۰	همبستگی مستقیم و مثبت معنادار
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۲۵۶	۰/۰۰۰	همبستگی مستقیم و مثبت معنادار

برای فهم تاثیر همزمان متغیرهای مختلف بر متغیر وابسته، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۶۳۷ بوده که نشان دهنده رابطه در حد متوسط بین عوامل اجتماعی و میزان توسعه سیاسی است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۴۰۵ است. یعنی حدود ۴۰ درصد از تغییرات میزان توسعه سیاسی به این عوامل اجتماعی بستگی دارد. نتایج آزمون دوربین واتسون نشانگر استقلال داده‌ها از یکدیگر بوده است. مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که همه متغیرهای اجتماعی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار است. به ازای هر واحد تغییر در میزان سرمایه اجتماعی، حدود ۰/۱۹۵ واحد در میزان توسعه سیاسی تغییر به وجود می‌آید. بر اساس مقادیر بتا می‌توان گفت که متغیر دینداری کمترین و اعتماد سیاسی بیشترین اثر را بر توسعه سیاسی دارند. نتایج رگرسیون چندمتغیره و مقدار آزمون آنالیز واریانس نیز بیان کننده وجود همبستگی و ارتباط معنادار بین متغیرهای اجتماعی و میزان توسعه است. آزمون‌های تولرانس و شاخص VIF نیز نشان می‌دهند که متغیرها از هم خطی لازم برخوردار هستند.



جدول ۱۱: نتایج تحلیل رگرسیونی میزان توسعه سیاسی

آزمون هم خطی		آزمون T		ضرایب رگرسیونی		متغیر
VIF	Tolerance	Sig	T	Beta	B	
		./۰۰۰	۳/۴۲		۲/۰۹۸	مقدار ثابت
۱/۲۲۱	./۸۱۲	./۰۰۰	۴/۲۵۵	./۱۹۵	./۲۶۳	سرمایه اجتماعی
۱/۲۳۲	./۸۳۲	./۰۰۰	۳/۷۵۹	./۱۵۷	./۳۴۳	دینداری
۱/۳۰۱	./۸۵۷	./۰۰۰	۵/۷۹۸	./۲۵۰	./۴۸۵	رسانه‌های ارتباط جمعی
۱/۸۷	./۹۰۵	./۰۰۰	۶/۵۵	./۳۶۴	./۷۸۵	جامعه‌پذیری سیاسی
۱/۶۰	./۷۳۴	./۰۰۰	۷/۱۶۳	./۴۴۹	./۳۳۶	اعتماد سیاسی
			تعدیل شده مجذور R	مجذور R	R	خلاصه مدل
			./۳۹۹	./۴۰۵	./۶۳۷	
			دوربین واتسون	Sig	F	ANOVA
			۲/۰۸	./۰۰۰	۵۹/۶۶	

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه سیاسی می‌تواند از عوامل مختلفی تأثیر بپذیرد. در این بین به نقش عواملی چون باورهای دینی، اعتماد سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی اشاره شد. قاعدتاً در جوامعی که میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، روحیه مشارکت سیاسی و همچنین توسعه سیاسی آن افزایش می‌یابد. در شهرستان بندر گز نیز رابطه مثبت بین عواملی مانند جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی مشاهده شده است. همچنین دینداری می‌تواند بر توسعه سیاسی افراد تأثیرگذار باشد. نتایج این تحقیق مشابه تحقیقات اونیل (۲۰۰۴) و پناهی و شایگان (۱۳۸۶) می‌باشد. نتایج نشان داد میزان دینداری پاسخگویان و نیز میزان اعتماد بنیادی آنان، رضایت از عملکرد نقطه تماس، برداشت از میزان تعهدات



مذهبی مسئولان و نیز تلاش دولت برای تامین رفاه اجتماعی اقتصادی مردم بر توسعه سیاسی تاثیر دارد. از دیدگاه دورکیم، در جوامع مدرن، نمادهای انتزاعی وحدت بخش، مثل پرچمهای ملی و نمادهای مشترک و تظاهرات جمعی هنجار و ارزشهای جامعه به افراد کمک می‌کنند که به چه کسی اعتماد کنند. در کل، از نظر دورکیم، در جامعه‌ای که انسجام بالا باشد، اعتماد هم بالا است و مهم، رعایت اصول اخلاقی و احترام به حقوق یکدیگر است که محیط را اعتمادآمیز می‌کند. مرادی، کواکیبیان و فلاحی پیشه (۱۳۹۶) در فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان دادند که اعتماد سیاسی کل شهروندان در حد متوسط می‌باشد. همچنین عوامل اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دینداری افراد در سطح خرد بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند. نتایج طالبی و دیگران (۱۳۸۷) نشان می‌دهد متغیرهای دینداری، ارزش‌های مادی و فرامادی، استفاده از رسانه‌ها رابطه معناداری با اعتماد سیاسی دانشجویان داشته‌اند.

فرضیه دوم، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی را نشان داد. این فرضیه تایید شد و نتایج با نظریات پاتنام همخوانی دارد. نتایج ارسیا و ساعی (۱۳۹۸) حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تاثیر مثبت دارد. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی نیز تاثیر مثبت دارد.

فرضیه سوم، بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد، با نظریه اعتماد سیاسی آلبرت بندورا همخوانی دارد. از نظر بندورا رفتار سیاسی شهروندان تابعی از میزان اعتماد به نفس سیاسی فرد و اعتماد به دولت با میزان پاسخگویی نظام سیاسی است. رفتار سیاسی مشارکت طلبانه که در آن شهروندان برای تعیین سرنوشت خویش و اثرگذاری بر نظام سیاسی با دلگرمی به عمل سیاسی مبادرت می‌ورزند زمانی هویدا و آشکار می‌گردد که هر دو مقوله اتکاء به نفس و اعتماد به انعطاف‌پذیری محیط سیاسی یا اعتماد به دولت با هم تلاقی یافته و این گونه رفتار را سبب می‌شوند. تحلیل کنش سیاسی را در سطح فردی می‌توان به شرایط جامعه‌پذیری فرد در درون خانواده و نظام آموزشی و فرهنگی مرتبط دانست و از نظر محیط بیرونی (محیط سیاسی) میزان اعتماد را می‌توان متاثر از نظام سیاسی و انعطاف آن از جمله پذیرش دیگری به عنوان واقعیتی اجتماعی و متفاوت قلمداد کرد. هر چه میزان پذیرش مخالف و هزینه فعالیت سیاسی کمتر باشد تبعاً اعتماد سیاسی به دولت (نظام سیاسی) بالاتر خواهد بود.

حاجی علی بیگی، تفاوت و چگنی (۱۳۹۵) نشان دادند که اعتماد مردم به یک نظام سیاسی ارتباط معناداری با باور شهروندان آن جامعه به کارآمدی دولت دارد. اعتمادی که به افزایش مقبولیت آن نظام سیاسی نزد مردم و در نتیجه افزایش سطح مشارکت سیاسی شهروندان منجر می‌گردد. و نیز سطح رفاه



یک ملت و توانایی آنان به رقابت با جوامع مطرح در این زمینه، خود معلول اعتماد مردم به نظام سیاسی می‌باشد. در اقتصاد، اعتماد موجب کاهش هزینه‌ها و به لحاظ روانشناختی باعث ایجاد آرامش، امنیت و سلامت روانی جامعه می‌گردد. برقراری اطمینان و تعامل میان دولت و شهروندان، دموکراسی، عدالت محوری دولت در توزیع امکانات و مناصب و وجود دغدغه‌مندی در ارکان دولت برای حل مشکلات شهروندان، افزایش سطح اعتماد عمومی را به همراه دارد و در نتیجه ارتقای سطح اعتماد عمومی در یک رابطه متقابل، موجب اعتماد سیاسی شهروندان به حکومت در سه سطح اعتماد به سیستم سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و به کارگزاران سیاسی می‌گردد که ارمغان آن به همان میزان ارتقای شاخص‌های رفاه و امنیت در جامعه است.

فرضیه چهارم به رابطه بین وسایل ارتباط جمعی و توسعه سیاسی می‌پردازد. نتایج این پژوهش مطابق با این فرضیه با تحقیق عقیلی (۱۳۹۷) سازگار است. توسعه جوامع به ویژه جوامعی که جهان سوم نامیده می‌شوند یکی از مقولات مهمی است که اینترنت در کند شدن یا تسریع آن تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد. صاحب‌نظران علوم سیاسی معتقدند که اینترنت در بعد توسعه سیاسی آثار مثبتی مانند انتشار و کسب آزادانه اطلاعات، تأثیر گسترده بر افکار عمومی و جهت‌دهی به آن، اصلاحات ساختاری کلی و جزئی در جوامع، دموکراسی الکترونیکی، ساماندهی انتخابات و غیره را به دنبال داشته است؛ البته اینترنت تبعات منفی همچون تهدید حاکمیت ملی، کوچک شدن حریم انسان و غیره را نیز دارد؛ اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، می‌تواند فضای مساعدی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی را فراهم آورد و به این ترتیب بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

فرضیه پنجم، بین جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد، با نظرات تالکوت پارسونز همخوانی دارد. از نظر تالکوت پارسونز در درون نظام سیاسی ارزشها و هنجارها اساس اطاعت سیاسی را تشکیل می‌دهند و در نتیجه پذیرش اساسی هنجارها و ارزشها زمینه استمرار سیاسی به شمار می‌رود. تقسیم وظائف در نظام سیاسی مبتنی بر تفاوت در نقشهای سیاسی است.

با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود مسئولین با بررسی میزان دینداری موجب ایجاد اعتماد سیاسی به نهادهای سیاسی در بین شهروندان و افزایش توسعه سیاسی شهرستان شوند. جنبه اعتماد یکی از اصلی‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی است که به دلیل حساسیت بالا همیشه در معرض تخریب قرار دارد و عنصری است که روابط اجتماعی و سایر ابعاد سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و زمینه‌ساز مشارکت



میان اعضای یک گروه کاری است. با افزایش اعتماد می‌توان اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی را افزایش داده و زمینه را برای توسعه سیاسی جامعه فراهم نمود.

منابع

- آذرشب، محمدتقی؛ آسوده، رضا (۱۳۹۸) جایگاه جامعه مدنی در توسعه سیاسی، راهبرد سیاسی، بهار ۱۳۹۸، شماره ۸، صفحه ۹۱ تا ۱۰۵.
- آلموند، گابریل و بینگن پاول (۱۳۷۵) جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، بهمن و اسفند، شماره ۱۱۴-۱۱۳.
- اخوان کاظمی، مسعود؛ سیدشمس‌الدین صادقی؛ ایوب پروندی (۱۳۹۷) روند پژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر، مجلس و راهبرد، دوره ۲۵، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۲۰۹-۲۴۶.
- ارسیا، بابک؛ ساعی، احمد (۱۳۹۸) تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی، دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۲۹، صفحه ۱ تا ۲۸.
- اعتباریان خوراسگانی، اکبر، قلی‌پور مقدم، فریده (۱۳۹۶). مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۱ (۳)، ۱۲۶-۱۳۹.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و آبرامسون، پل، آر (۱۳۷۸) امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. ترجمه شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش، شماره‌های ۱۴ و ۱۵، صص ۱۰۵-۵۹.
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳۸۹) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- بدیع، برتران (۱۳۷۵) توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- برزگر، علی (۱۳۷۵) «فرهنگ و توسعه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم، بهمن و اسفند.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸) جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین



پای، لوسین (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۷.

حاجی علی‌بیگی، علیرضا؛ مهدی، تفاوت، روح‌الله، چگنی (۱۳۹۵) نقش شاخص‌های اعتماد اجتماعی در ارتقاء اعتماد سیاسی مردم به دولت (با تکیه بر تاثیر پاسخگویی دولت در ارتقاء اعتماد سیاسی مردم و موفقیت دولت در سیاستگذاری)، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، بنیاد بین‌المللی غدیر گیلان.

خوش‌فر، غلامرضا، شهربانو، میرزاخانی (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی با سطح توسعه یافتگی (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان گلستان در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰)، مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳، صفحه ۱-۲۵.

دبیری‌مهر، امیر (۱۳۹۳) گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی از نظریه‌های جامعه محور تا نظریه‌های دولت‌گرا، راهبرد، بهار ۱۳۹۳، دوره ۲۳، شماره ۷۰، صفحه ۱۷۹-۲۰۹.

دمیری، محمدرضا، ابطحی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). توسعه یافتگی سیاسی از منظر سرمایه اجتماعی با تاکید بر اعتماد (با رویکرد اسلامی-ایرانی) مطالعه موردی شهر شیراز. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲ (۲)، ۲۳-۵۰.

ذوالفقاری، اکبر عشایری، طاهای، جهان پرور، طاهره؛ باقری دین‌آبادی، سمیرا (۱۴۰۱) رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹، مدیریت سرمایه اجتماعی، تابستان ۱۴۰۱، سال نهم، شماره ۲، صفحه ۲۳۳ تا ۲۶۰.

رزم‌جوئی، صدیقه؛ راسخ، کرامت‌اله؛ خدای، علیرضا (۱۴۰۱) بررسی جامعه‌شناختی تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر توسعه سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، بهمن ۱۴۰۱، شماره ۲۷، صفحه ۵۱۹۰ تا ۵۲۱۱.



زیباکلام، صادق؛ مهدی صبوحی؛ علی بهرامی، حسن رنجبر کهن (۱۳۹۰) نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی ایران، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۴۳-۵۶.

سعیدی، سحر، عبدالرسول، سلمان ماهینی و سپیده، سعیدی (۱۳۹۸) سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های استان گلستان با تاکید بر توسعه یافتگی روستاها با استفاده از روش آنتروپی و تاپسیس، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۸۰، فروردین ۱۳۹۸، صفحه ۱۲۳-۱۳۷.

سیونگ یو، دال (۱۳۷۷) فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مطالعه تطبیقی کره و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱۰۵۰، تابستان ۱۳۷۷.

شارع پور، محمود (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، مهندسين مشاور مازند طرح، طرح آمایش سرزمین.

صالحی امیری، سیدرضا، محسن، قدمی و یوسف، بیگ زاده (۱۳۹۱) طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد توسعه پایدار، مدیریت بهره‌وری، سال ششم زمستان ۱۳۹۱ شماره ۲۳.

ضمیری؛ عبدالحسین، سیدرضا، صالحی امیری، سروش، فتحی (۱۳۹۸) گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی‌نگرش به تأثیر تحزب بر رفتار حزبی)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۱، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۵۵-۷۴.

عقیلی، سید وحید (۱۳۹۷) نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم. توسعه اجتماعی، ۱۲ (۳)، شماره پیاپی ۴۷، بهار ۱۳۹۷، صفحه ۲۳۵-۲۴۶.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۷) مشارکت سیاسی، تهران، نشر سفیر.

عیبوسی، محمدرضا و منصورزاده، محمدباقر (۱۳۹۰) بررسی تأثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۹۰-۶۳.

قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۴) چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، قومس.



لطفی، حیدر (۱۳۹۶) تحلیل و بررسی نقش تحولات و تقسیمات سیاسی بر توسعه شهری با استفاده از مدل SAR (مطالعه موردی: استان گلستان)، پژوهش‌های برنامه‌ریزی جغرافیای شهری، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۵۱۵-۷۲۰.

مرادنژادسرای، سولماز؛ مجید توسلی رکن آبادی؛ سیدمصطفی ابطحی و علی اشرف نظری (۱۳۹۵) نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه، نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت، قم، دانشگاه جامع علمی کاربردی استانداری قم.

کهرازه، محمدگل (۱۳۹۶) نقش نخبگان فکری بلوچ بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بلوچستان، همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری و مطالعات فرهنگی اجتماعی، مشهد، ایران.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم،

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۷) مشارکت سیاسی، تهران، نشر سفیر.

محمدی‌مهر، غلامرضا؛ توسلی رکن آبادی، مجید؛ طاهری، ابوالقاسم؛ ادیسی، افسانه (۱۳۹۷) گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵۱، صفحه ۱۰۳ - ۱۳۴.

مرادی، مهدی، جعفری‌نژاد، مسعود، آذین، احمد، گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶ (۵۳)، ۷۹-۹۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان بندر گز، ۱۳۹۵.

نسترن، مهین و سارا، فتاحی (۱۳۸۸) سطح بندی شهرستانهای استان گلستان از نظر شاخص‌های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی، جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول پاییز ۱۳۸۸ شماره ۱.

نظری، سیدغنی، حسین بشیری‌گیوی؛ سعید، جنتی (۱۳۹۲) بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۴۶-۱۳۷.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹) درک توسعه سیاسی، مترجم دفتر پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، چاپ سوم.



10.30495/JSCC.2024.20015



- Alozie, Nicholas O. Patience Akpan-Obong, William A. Foster (2011) Sizing up information and communication technologies as agents of political development in sub-Saharan Africa, *Telecommunications Policy*, Volume 35, Issue 8, September 2011, Pages 752-763.
- Fahmy eldin (2006) " Social Capital Civic action study of you thin the united Kingdom" Vol 14. Pages 707-778.
- Feng Zhu, Alex Yue, Alex Lih Shing Chan, Kee LeeChou (2019) Creative social media use and political participation in young people: The moderation and mediation role of online political expression, *Journal of Adolescence*, Volume 77, December 2019, Pages 108-117.
- Flavin, P. & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13 (1), 63-78.
- Hoewe, Jennifer, Cynthia, Peacock (2020) The power of media in shaping political attitudes, *Current Opinion in Behavioral Sciences*, Volume 34, August 2020, Pages 19-24.
- Ida, Rachmah, Muhammad, Saud & Musta'in, Mashud (2020) An empirical analysis of social media usage, political learning and participation among youth: a comparative study of Indonesia and Pakistan, *Quality & Quantity, International Journal of Methodology*, Volume 54, Issue 3, June 2020.
- Kirbiš, A. (2013). Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries, *Democracy in Transition* (pp. 225-251): Springer.
- O'Neill, Brenda (2004). Gender, Religion, Social Capital and Political Participation. Prepared for delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association.
- Patulny roger (2005) " Social rights and Social Capital Welfare and cooperation in Complex global Society" *Australian review if public affairs*. Vol 6.no 7 pp 5975.
- Skorica, Marko M. Yong, Jin, Park (2014) Culture, technologies and democracy: A cross-national analysis of political development, *Telematics and Informatics*, Volume 31, Issue 3, August 2014, Pages 364-375.



10.30495/JSCC.2024.20015





Sociological analysis of tax evasion on the level of social welfare of taxpayers in Tehran metropolis

Raza Makhdoomi Javan¹, Mehrdad Mohammadiyan^{*2}, Mohammad Alipour³
(Received date: 2023/06/02 - Accepted date: 2024/04/18)

Abstract:

The present study was conducted with the aim of sociological analysis of tax evasion on the level of social welfare of taxpayers in Tehran metropolis. The present research method is descriptive. The statistical population of the research is all the taxpayers of Tehran city in region 12, which are more than 100,000 people, and based on Cochran's formula, 383 people were selected and answered the researcher's questionnaire based on cluster random sampling. The research instrument is a questionnaire made by the researcher, the validity of the questionnaire is determined by content validity (CVR), the construct validity of the research instrument is determined by the Keirs-Meir, Oklin test, and the reliability of the instrument is determined by Cronbach's alpha method. And after ensuring the existence of parametric conditions, i.e. normality of distribution, continuity of variables and equality of variances, parametric statistics such as regression were used. The obtained results indicate that the sociological factors of tax evasion, tax culture, tax transparency, tax justice, tax laws and regulations, demographic, cultural and social status of taxpayers have an effect on social welfare and its indicators.

Keywords: Tax evasion, social welfare, taxpayers.

¹ Doctoral student of social sciences, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran
makhdomijavan@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran (corresponding author): DR.MHM1350@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran
iranuniclass.alipour@gmail.com



تحلیل جامعه شناختی فرار مالیاتی بر سطح رفاه اجتماعی مودیان مالیاتی در کلان شهر تهران

رضا مخدومی جوان^۱، مهرداد محمدیان^{۲*}، محمد علی پور^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰)

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه شناختی فرار مالیاتی بر سطح رفاه اجتماعی مودیان مالیاتی در کلان شهر تهران انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعه آماری پژوهش تمامی مودیان مالیاتی شهر تهران در منطقه ۱۲ هستند که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌باشند و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر انتخاب و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به پرسشنامه پژوهشگر ساخته پاسخ دادند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته است که اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا (CVR)، اعتبار سازه ابزار پژوهش از طریق آزمون کیرز - میر، اوکلین و پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است. و بعد از اطمینان از وجود شرایط پارامتری یعنی نرمال بودن توزیع، پیوسته بودن متغیرها و برابری واریانس‌ها از آماره‌های پارامتری نظیر رگرسیون استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی فرهنگ سازی مالیاتی، شفاف سازی مالیاتی، عدالت مالیاتی، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی مودیان مالیاتی بر رفاه اجتماعی و شاخص‌های آن اثرگذار هستند.

واژگان کلیدی: فرار مالیاتی، رفاه اجتماعی، مودیان مالیاتی

makhdomijavan@yahoo.com
DR.MHM1350@gmail.com
uniclass.alipoor@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران
^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران (نویسنده مسئول):
^۳ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران



مقدمه و بیان مساله

شاید در نگاه اول مطالعه در حوزه مالیاتی و بررسی ابعاد فرار از آن صرفاً بعنوان یک موضوع اقتصادی مطرح گردد لیکن این فرآیند در بستر جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که مودیان مالیاتی بعنوان کنشگران اجتماعی می‌بایست مبالغی را بعنوان مالیات از درآمدهای کسب شده خود به صورت سالیانه به دولت پرداخت نمایند. با این توضیح می‌توانیم موضوع جامعه هدف را که همان مودیان مالیاتی می‌باشد مورد مطالعه قرار داد. تبیین جامعه شناختی فرار مالیاتی و اثر آن بر سطح رفاه اجتماعی در صدد است تا با نگاهی جامعه شناسانه و از طریق ابزارها و نظریات اجتماعی به علت‌های فرار این تکلیف مالی که همان پرداخت مالیات است، برسد. این موضوع از دو مولفه چرایی در فرار مالیاتی و اینکه چه تاثیری در سطح رفاه اجتماعی مودیان مالیاتی دارد تشکیل شده است که در چرایی به علت‌های عدم پرداخت مالیات و در تاثیرات به نتایج و آثار پرداخت و عدم پرداخت مالیات می‌پردازد.

یکی از منابع مالی مورد اهمیت دولت‌ها اخذ مالیات است که می‌تواند در انجام وظایف به توان مالی دولت کمک کند. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نگاه متفاوتی از نظر فرهنگی و اقتصادی در خصوص اخذ مالیات و نحوه تخصیص آن وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه به دلیل کسری مالی بودجه این امر اهمیت قابل توجهی دارد هر چند هزینه‌های جاری دولت‌ها با درآمدهای مالیاتی تامین می‌گردد، نیاز به توزیع عادلانه درآمد نیز بیشتر می‌شود و پایه‌های اقتصادی را مستحکم‌تر خواهد کرد. یکی از بزرگترین موانع در این استحکام فرار مالیاتی است که به دلیل مشکلات جمع آوری اطلاعات در حوزه‌های متعددی از جمله تولید و درآمد و ارث و اسناد مالکیت و ... می‌باشد. فرهنگ مالیاتی یکی از روش‌های نوین در دریافت مالیات می‌باشد که توجه به آن موجبات تعالی و کارایی دستگاه‌های مالیاتی و اخذ مالیات می‌گردد. ضعف فرهنگی در اخذ مالیات یک پدیده نا مطلوب تلقی شده و اغلب به سختی صورت می‌گیرد چنانچه توجه به موارد فرهنگی این امر بسیار جدی می‌باشد چرا که علت افزایش توجه به مالیات و فرهنگ آن، نگاه اقتصادی دولت‌ها به سیاست گذاری‌های بودجه‌ای خود می‌باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته در خصوص فرار مالیاتی که به سه دسته عمده عوامل موثر (لوین و ویدل، ۲۰۰۷؛ کای و لیو، ۲۰۰۹؛ فاگیمی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ناگی، ۲۰۱۱؛ وانگ، ۲۰۱۲؛ خان جان، ۱۳۸۵؛ موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جعفری صمیمی و حمزه‌ای، ۱۳۸۴؛ و زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹)، اثرات آن (عزیزخانی و افشاری، ۱۳۸۶؛ و سید نورانی، ۱۳۸۸) و محاسبه میزان آن (اینگشتروم و هولمند، ۲۰۰۶؛ صادقی و شکیبایی، ۱۳۸۸؛ و عبدالله میلانی و اکبرپور روشن، ۱۳۹۱) دسته بندی کرد. همانطور که مشاهده شد، هر چند مطالعات زیادی در سطح دنیا و کشور در خصوص فرار



مالیاتی و عوامل موثر و اثرات آن انجام شده است نشان می‌دهد این موضوع دارای اهمیت فراوانی است و بنابراین باید به این مهم پرداخته شود که چرا فرار مالیاتی صورت می‌گیرد و عوامل موثر بر آن کدامند و در نهایت این امر چه تاثیری بر جامعه می‌گذارد. از سویی دیگر این امر که بخشی از درآمد دولت از پرداخت مالیات‌ها صورت می‌گیرد و این درآمد صرف خدمات رسانی به شهروندان می‌شود که در جهت تامین رفاه آنها است اهمیت انجام چنین پژوهشی را برای ما روشن می‌سازد زیرا این فرار مالیاتی می‌تواند بر کاهش رفاه شهروندان منجر شود.

عدم پرداخت مالیات که از آن بعنوان فرار مالیاتی یاد می‌شود ضرورت اصلی تحقیق محسوب می‌شود که فرهنگ مالیاتی اهمیت بسزایی در شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر کارشناسان و جامعه‌ای که دریافت مالیات مورد انتظار از آن بعنوان یک تکلیف در جهت تکمیل بودجه دولت‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد می‌باشد. چرا که عدم پرداخت مالیات مقدمات بی‌نظمی مالیاتی در نظام اقتصادی را فراهم می‌کند و موجبات متوقف شدن اهداف و برنامه ریزی‌های از پیش تعیین شده کشور می‌شود. نرخ مالیات بیشتر منجر به یک افزایش قوی در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی شده و فرار مالیاتی را افزایش خواهد داد (بایر و سوتر، ۲۰۰۸). تشخیص وجود رابطه منفی و یا مثبت بین درآمد و فرار مالیاتی میان مالیات دهندگان یک مسئله تجربی است (امبایی: ۲۰۰۷). ایزدی، صامتی و اکبری (۱۳۹۹) در پژوهش خود با روش علل چندگانه - آثار چندگانه سری زمانی میزان نسبی فرار مالیاتی طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ را به دست آوردند. بر اساس نتیجه‌ی پژوهش آنها مشخص گردید که میزان فرار مالیاتی در سال ۱۳۵۵ از ۸.۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی شروه شده است و به کمترین مقدار خود یعنی ۳.۰۱ درصد در سال ۱۳۶۶ می‌رسد. بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۷۴، ۲۱.۹۷ درصد از تولید ناخالص داخلی می‌باشد. از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴ روند نزولی را طی کرده ولی دوباره در سال ۱۳۸۷ فرار مالیاتی زیاد شده که به رقم ۱۵.۰۸ رسیده و دوباره در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ فرار مالیاتی زیادی برقرار بوده است. سپس از سال ۱۳۹۲ به بعد روند کاهشی برقرار می‌شود. در نهایت در سال ۱۳۹۵ اندازه نسبی فرار مالیاتی به ۶.۹۵ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد. میانگین اندازه نسبی فرار مالیاتی در طی این ۴۱ سال برابر ۱۰.۹۹ می‌باشد که این رقم برای میزان فرار مالیاتی یک کشور، نشانه خوبی محسوب نمی‌شود. از این رو، ضرورت انجام چنین پژوهشی احساس می‌شود تا بتوان عوامل موثر بر فرار مالیاتی را شناسایی کرده و در جهت کاهش آن قدم برداشت.



پیشینه پژوهش

امین رشتی، ناریس، صیام، هدی، محرابیان، آزادی، سیفی پور، رویا (۱۴۰۲) به بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شرکت‌های سخت مالیات‌ده با استفاده از روش اثرگذاری غیرخطی پرداختند. نتایج آزمون غیرخطی بودن الگو نشان می‌دهد نرخ موثر مالیاتی به عنوان متغیر انتقال با یک حد آستانه‌ای، دارای رابطه غیرخطی با متغیر فرار مالیاتی می‌باشد. در بخش دوم اثرات نرخ موثر مالیاتی و نرخ قانونی مالیاتی بر تلاش مالیاتی طی دوره زمانی مورد مطالعه، قابل تفکیک به دو رژیم مورد بررسی قرار گرفت، یافته‌ها حاکی از آن است که رژیم دوم نسبت به رژیم اول از ثبات نسبت بیشتری برخوردار است و وقفه‌های اختلاف نرخ موثر مالیاتی و نرخ مالیاتی تاثیر منفی بر تلاش مالیاتی داشته است.

ساعی ارسی، ایرج، صید، محمد، رحمانی خلیلی، احسان (۱۴۰۱) به تبیین جامعه شناختی فرار مالیاتی در ایران (مورد مطالعه شهر تهران) پرداختند. یافته‌های بدست آمده نشان داد: بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی همبستگی معناداری وجود دارد. ولی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت عمومی با فرار مالیاتی رابطه معناداری مشاهده نشد. از سویی بین پایبندی دینی و فرار مالیاتی همبستگی منفی معناداری بدست آمد. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی به میزان ۶ درصد قادر به پیش بینی فرار مالیاتی می‌باشند.

امیری سلوشی، نیکو (۱۴۰۱) به بررسی تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌ها (مورد مطالعه: شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران) پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مسئولیت پذیری اجتماعی بر فرار مالیاتی در شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر منفی و معناداری دارد.

عالی پور، نعمت اله، زنگنه، مهسا (۱۴۰۱) به بررسی نظری عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی، تعهدات اخلاقی، هنجارهای ذهنی و نگرش مودیان به رفتار پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه بین متغیرهای مستقل مطالعه با متغیر وابسته مثبت و از نظر آماری معنادار است. تجزیه و تحلیل رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی و تعهدات اخلاقی به طور معناداری فرار مالیاتی مودیان مالیاتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حفظ تعهدات اخلاقی و هنجارهای ذهنی از نظر آماری به طور معناداری، فرار مالیاتی، را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد.

مهرآذین، علیرضا، پایدارمنش، نوید، عباس زاده، محمدرضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم (۱۴۰۱) به بررسی کنش انگیزه و فرصت برنامه‌ریزی فرار مالیاتی و ارائه مدل جدید از فرار مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد بین محدودیت‌های مالی و فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی با فرار مالیاتی



شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود ندارد؛ بین محدودیت‌های مالی و فرار مالیاتی در شرکت‌هایی که فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی دارند، رابطه‌ی مثبت وجود ندارد؛ در شرکت‌هایی که دارای بحران مالی هستند و در دوره بعد، فرار مالیاتی بیش‌تری دارند فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی بیشتر نمی‌باشد؛ بین محدودیت‌های مالی و فرار مالیاتی شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد. دانش‌افزایی این نتایج از دو بعد مورد نظر قرار می‌گیرد. در بعد اول توجه به شرایط بحرانی اقتصادی ایجاد شده برای کشور ایران به واسطه تحریم‌های بین‌المللی و نگاه ویژه به درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی به عنوان درآمد اول کشور در بودجه سال ۱۴۰۰؛ و بعد دوم به مسأله تخصصی در ارتباط با فرار مالیاتی برخی شرکت‌ها اشاره می‌گردد. نتایج این تحقیق به شناسایی شرکت‌هایی که با دارا بودن محدودیت مالی اقدام به فرار مالیاتی می‌نمایند به میزان مالیاتی نیز کمک می‌نماید.

زارع بهنمیری، محمدجواد، رحیمیان امیری، محمدحسین، تیرگان، محمد (۱۴۰۱) به بررسی اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی پرداختند. نتایج اولویت بندی متغیرهای تحقیق نشان داده است مهمترین عامل اصلی فرار مالیاتی، عامل اجرایی تعیین شده و عوامل اصلی اقتصادی-محیطی و قانونی در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

هرانز و تورینو^۱ (۲۰۲۳) به بررسی فرار مالیاتی، سیاست مالی و بدهی عمومی: شواهدی از اسپانیا پرداختند. از نقطه نظر سیاست مالی، نتایج برآورد شده نشان می‌دهد که وجود فرار مالیاتی باعث ایجاد مکانیسم تخصیص مجدد منابع می‌شود که اثرات بر فعالیت اقتصادی ناشی از افزایش مخارج دولت را کاهش می‌دهد، در حالی که اثرات ناشی از تغییرات در نرخ‌های مالیاتی را تقویت می‌کند. به دلیل این مکانیسم، نشان دادند که اگر اجرای مالیات ناقص باشد، طرح‌های تلفیق مبتنی بر مالیات ممکن است در کاهش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی کاملاً بی‌اثر شوند. علاوه بر این، با مشخص کردن منحنی لافر بلندمدت، نشان دادند که مالیات واقعی در اسپانیا به‌طور ناکارآمد بسیار بالاست، به این معنا که دولت ممکن است با کاهش نرخ‌های مالیات واقعی بر درآمد شرکت‌ها و شخصی، درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد.

عالم، موسی، عبدالهادی و یامن^۲ (۲۰۲۳) به بررسی فرهنگ ملی و فرار مالیاتی: نقش کیفیت محیط سازمانی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که IEQ یک اثر میانجی بر پیوند NC-TE دارد، و نشان می‌دهد که

¹ Herranz, M. M., Turino, F.

² Allam, A., Moussa, T., Abdelhady, M., Yamen, A.



سیاست‌گذاران باید بهبود کیفیت نهادهای ملی را برای کاهش تأثیر نامطلوب فرهنگ بر سطوح فرار مالیاتی هدف قرار دهند. به طور خاص، متوجه می‌شویم که حاکمیت قانون، کیفیت نظارتی و اثربخشی دولت، شاخص‌های IEQ هستند که به طور کامل رابطه NC-TE را واسطه می‌کنند. علاوه بر این، تقسیم نمونه به کشورهای قدیمی و جدیدتر اتحادیه اروپا یک اثر میانجیگری جزئی در کشورهای قدیمی اتحادیه اروپا و یک اثر میانجیگری کامل در کشورهای جدیدتر اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد. افزایش IEQ می‌تواند نقش برجسته‌تری در کشورهای جدیدتر اتحادیه اروپا ایفا کند تا تأثیر مخرب ارزش‌های فرهنگی بر فرار مالیاتی را کاهش دهد.

خلیل و سیدانی^۱ (۲۰۲۳) به بررسی ویژگی‌های شخصیتی، دینداری، درآمد و نگرش‌های فرار مالیاتی: یک مطالعه اکتشافی در لبنان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که وظیفه‌شناسی با نگرش‌های فرار مالیاتی ناشی از منافع شخصی (SITE) ارتباط منفی دارد. مشخص شد که دینداری رابطه بین برون‌گرایی و SITE و بین وظیفه‌شناسی و JSTE (عدالت فرار مالیاتی سیستم) را تعدیل می‌کند. به نظر می‌رسد درآمد رابطه بین برون‌گرایی و SITE را تعدیل می‌کند. به طور کلی، این مطالعه نشان می‌دهد که علت اصلی فرار مالیاتی ممکن است ناشی از درک مالیات دهندگان از عدالت نظام مالیاتی باشد نه صرفاً از ویژگی‌های جمعیت شناختی یا ویژگی‌های شخصیتی.

لانگن ماری و زیسکا^۲ (۲۰۲۳) به بررسی فرار از تبادل اطلاعات: فرار مالیاتی از طریق شهروندی سرمایه گذاری پرداختند. نشان دادند که افراد با درآمد بالا تابعیت جدیدی کسب می‌کنند تا احتمال تشخیص فرار مالیاتی آنها از طریق تبادل اطلاعات کاهش یابد. با استفاده از داده‌های سپرده‌های بانکی فرامرزی، متوجه می‌شویم که سپرده‌ها در بهشت‌های مالیاتی پس از اینکه کشوری شروع به ارائه برنامه شهروندی به سرمایه‌گذاری می‌کند، افزایش می‌یابد، و شواهد غیرمستقیمی را ارائه می‌کند که فراریان مالیاتی از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند.

باترانکا، کودلا، بلاسزاک و کویپت^۳ (۲۰۲۲) به بررسی تفاوت در نگرش فرار مالیاتی بین دانشجویان و کارآفرینان تحت چارچوب لغزنده پرداختند. نتایج نشان داد که دانشجویان بیشتر مستعد فرار مالیاتی

¹ Khalil, S., Sidani, Y.

² Langenmary, D., Zyska, L.

³ Batrancea, L. M., Kudla, J., Blaszcak, B., Kopyt, M.



هستند، اما می‌توان این تأثیر را با افزایش قدرت مقامات کاهش داد. برعکس، برای کارآفرینان، اعتماد به مقامات تأثیر قوی‌تری بر رعایت مالیات نسبت به اجرای قانون داشت. روحیه مالیاتی پایین پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای فرار مالیاتی بالا در هر دو گروه بود.

مبانی نظری

مبانی فرهنگی دولت رفاه: ایده جامعه خوب

از دیدگاه تطبیقی و تاریخی، پرسش اصلی در مورد بنیان‌های فرهنگی دولت رفاه، به نفوذی برمی‌گردد که ایده «جامعه خوب» در شکل‌گیری دولت رفاه داشته است، به‌ویژه در اروپای غربی که به عنوان مهد دولت رفاه مدرن شناخته شده است. ایده «جامعه خوب» ناشی از ساختارهای ارزشی منسجمی است که ریشه در ایدئولوژی‌های گسترده‌تری قرار دارد که در اروپا نهادینه شده‌اند. این ایدئولوژی‌ها عبارت‌اند از: لیبرالیسم، محافظه‌کاری و سوسیالیسم. با این دانش مشترک می‌توان بسیاری از ویژگی‌های دولت رفاه را در اروپا شناسایی کرد و تأثیر نسبی هر یک از این ایدئولوژی‌ها را مورد بررسی قرار داد که در مبارزات سیاسی منجر به تغییرات مهمی در مدل اجتماعی شده‌اند. از جهتی، این ارزش‌ها مبتنی بر مفاهیم مسلط و بنیادینی است که هر یک از این ایدئولوژی‌ها براساس آن‌ها قرار دارند. اما، مطمئناً همیشه آمیزه‌ای از این ارزش‌ها وجود داشته است. برای مثال، به تازگی «لیبرالیسم اجتماعی» در روند بازسازی و تغییر چهره دولت رفاه بریتانیا که تحت نفوذ حزب کارگر جدید قرار دارد، به عنوان یک ایده راهنما عمل کرده است، یا «نئو محافظه‌کاری» که تلفیقی از تفکرات لیبرالی و محافظه‌کارانه است، در دهه ۱۹۸۰ مسیر اصلاحات رفاهی آمریکای تحت رهبری رونالد ریگان را تحت تأثیر قرار داده است. می‌دانیم که در روند تاریخی شکل‌گیری دولت رفاه در اروپا، ایدئولوژی‌هایی که جهت‌گیری‌های آن‌ها دنیایی و نگرشی بیرونی داشته‌اند، به وسیله مذاهب دنیاگرایانه نظام‌های ارزشی مسیحی، به خصوص پروتستانتیسم و کاتولیک‌ها با چالش روبرو شده‌اند. به هر حال، مسائلی نظیر ارزش‌های بنیادین از جمله، «آزادی»، «برابری»، «همبستگی» و مانند آن وجود دارند که هر یک از این ایدئولوژی‌ها توجه [خاصی] بر آن‌ها دارند. با این اوصاف، سوال این است که تفاوت‌های اساسی ایده‌هی مختلف پیرامون «جامعه خوب» کجاست؟ سوال مهم دیگر این است که، تا چه حد جهت‌گیری‌های سنتی «دنیاه‌گرایانه» یک مذهب مثل مسیحیت، پیشینه و وضعیت کنونی خود را حفظ کرده است و چگونه می‌توان آن را با مذاهب و زمینه‌های رفاهی کشورهای غیرغربی مقایسه کرد؟ جولیا اوکانر و جیلیان رابینسون معتقدند که تفکر لیبرالی، همه دولت‌ها رفاه غربی را بدون توجه به طبقه‌بندی رژیم معمول خود تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، تفکر لیبرالی اهمیت خود را در رقابت با سایر جریان‌های فکری [رقیب] به دست



آورده است. در حال حاضر، علی‌رغم تسط‌تفکر نئولیبرالی، حقیقت این است که ریشه دولت‌های رفاه معاصر به اواخر قرن نوزدهم اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. اوکانر و رابینسون به نوبه خود به بررسی تفاوت بین لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم اجتماعی می‌پردازند و تصور لیبرال شهروندی و دخالت ایدئولوژی «نئولیبرالیسم» را به منظور بازسازی دولت رفاه مورد بحث قرار می‌دهند. آن‌ها به‌خصوص به اهمیت کاربرد و معانی لیبرالیسم اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، آن‌ها از یک طرف، به چگونگی ناکامی تفاوت بین لیبرالیسم سیاسی (اوکانر و رابینسون از لیبرالیسم «اجتماعی»، «جدید» و یا «اصلاح‌گر» صحبت به میان می‌آورند) با تاکید بر فردگرایی، مساوات‌طلبی اخلاقی، عام‌گرایی و بیشتر از همه حقوق شهروندی، به عنوان عناصر اصلی دولت رفاه اشاره می‌کنند. از طرف دیگر، لیبرالیسم اقتصادی با تاکید بر بازار آزاد و شیوه‌های تولید سرمایه‌داری و دارایی، مالکیت انحصارگرایانه و حقوق شخصی، به راحتی منجر به سردرگمی در پیام‌های فرهنگی لیبرالیسم برای توسعه دولت رفاه می‌شود.

استیرنو، نشان می‌دهد که برابری نتیجه هرگز یک ارزش کاملاً روشن برای محافظه‌کاران نبوده، چون برابری مفهومی همبسته و ملازم با عدالت اجتماعی بوده است که همواره در برابر بازتوزیع کمتر و نابرابری بیشتر قرار دارد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، تغییر ساختار ارزش بنیادین همبستگی، امر مهمی است که از نظر معنایی، مرزهای آن وسیع‌تر شده است. در ابتدا، کارگران صنعتی، با نگاهی عام‌گرایانه و در برخی مواقع بی‌هدف آن را دنبال می‌کردند که در این معنا «تقریباً شامل هر کسی می‌شد که فقیرتر یا محروم بود». رابینسون و استیرنو اشاره می‌کنند که معمولاً در مورد مفهوم برابری بین ارزش‌های بنیادین و سیاست‌های عملی، اتفاق نظر کمی دارند. درست مانند «آزادی»، ممکن است مفهوم «همبستگی» در جاهای مختلف و حتی به شیوه‌های متضادی به کار گرفته شود.

مایکل اپیلکا، این بحث را به حوزه مذهبی گسترش داد. پرسش‌های اصلی او این بود که آیا تفکرات مسیحی در دولت رفاه وجود دارد؛ آیا در یک رویکرد تطبیقی جهانی، سنت‌های مذهبی دیگری در ارتباط با سیاست‌های اجتماعی وجود دارند؛ و نیز نفوذ و اهمیت مذهبی که با جهت‌گیری‌های ارزشی سیاسی مقابله می‌کنند، چقدر است. تحلیل برگرفته از «نهادگرایی جدید» او را به این استدلال رساند که ورای ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی، همیشه رگه‌هایی از ارزش‌های مذهبی وجود دارند. در اروپا این ارزش‌ها هم مسیحی و هم اومانیست بودند، که از رهگذر، ارزش‌های اومانیستی به‌ویژه در سنت مارکسیستی ویژگی فرادینی به خود گرفتند. به همین ترتیب، اپیلکا نشان می‌دهد که ارزش‌های مسیحی نیز به وضوح تحت تاثیر سیاست‌های اجتماعی آمریکا بوده‌اند. پس از این مرحله، اپیلکا یک نوع‌شناسی تطبیقی از مذاهب جهان، از جمله ارزش‌های رفاهی رایج آن‌ها ارائه کرد. به نظر اپیلکا، فرهنگ‌های



رفاهی سمبل‌ها و دلالت‌های سیاسی و مذهبی خاصی دارند که از طریق نهادها و مناسک، تجارب این جهانی و آن جهانی را به هم پیوند می‌دهند (اورشات و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۵).

جهان‌های فرهنگ رفاه

اگر چه مهد دولت رفاه مدرن در غرب اروپا بود، اما امروزه نوع اروپایی دولت رفاه، تنها یک نوع خاص در بین سایر جهان‌های رفاهی است و تحولات اقتصادی و سیاسی شرایطی را برای شکل‌گیری دولت‌های رفاه در سایر مناطق جهان به وجود آورده است. از منظر فرهنگی، سوال مهم این است که تا چه حد بین فرهنگ‌های رفاهی دولت‌های رفاه اروپای غربی و مناطق دیگر تفاوت‌های اساسی وجود دارد؟ اگر جهان‌هایی مختلفی از فرهنگ رفاه وجود دارد، پس، تفاوت‌های فرهنگی خاص آن‌ها چگونه است؟ این تفاوت‌ها چگونه شکل گرفته‌اند و چگونه با رویکردها و ساختارهای رفاهی مختلف پیوند می‌خورند؟ این بخش از کتاب با توجه به ساز و کارهای مختلف رفاهی در دولت‌های غیرغربی، به بیان سوالاتی از این دست می‌پردازد. این دولت‌ها عبارت‌اند از: دولت رفاه آمریکای شمالی، دولت رفاهی پساسوسیالیستی مرکز و شرق اروپا و دولت رفاه آسیایی ژاپن و کره جنوبی.

مقایسه فرهنگی دولت رفاه آمریکا و اروپا، که به وسیله رابرت واکر انجام شد هدف اصلی این بخش است. واکر سه سطح از فرهنگ رفاه را از هم متمایز می‌کند: فدرال/ اتحادیه اروپا، دولت/ ملت و افکار عمومی. با مقایسه اظهارات سیاسی و استنادات موجود در این زمینه، او در نخستین سطح متوجه شد که مردم آمریکا و اروپا به وضوح از نظر اعتقادات، هنجارها و نهادهای رفاه متفاوت هستند. فرهنگ رفاه آمریکا بر مواردی چون اخلاق کاری، موفقیت اقتصادی، فردگرایی، فرصت‌های فردی و مفاهیم لیبرالی خوداتکایی تاکید دارد. معمولاً تامین اجتماعی منوط به بررسی استطاعت مالی افراد است و فرض بر این است که کمک‌های رفاهی مانع پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شوند. اما در اروپا، اعتقاد بر این است که ارائه رفاه جامع و گسترده، جزئی جدایی ناپذیر از پیشرفت اقتصادی است. ارزش‌های شهروندی اجتماعی و انسجام اجتماعی از اهداف سیاسی محسوب می‌شوند و این اهداف فعالانه توسط دولت و با مشارکت سازنده کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری پیگیری می‌شوند. با این حال، در این دو مدل کلی، در سطح دولت‌ها و ملت‌ها تفاوت‌هایی در فرهنگ رفاه آمریکا و اروپا وجود دارد. این تفاوت‌ها با مطالعه اصلاحات مزایای نقدی در آمریکا، انگلستان، سوئد و آلمان نشان داده شده است.

تمامی این اصلاحات برگرفته از مطالعات سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۹۴ بودند که گسترش مسئولیت‌پذیری شخصی در سیستم‌های رفاهی را پیشنهاد می‌کرد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۱۹۹۴)، اما شیوه‌های به کارگیری عملی این ایده‌ها، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در فرهنگ‌های



رفاهی مختلف، متفاوت است. واکر با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی دریافت که- در سطح افکار عمومی- تفاوت‌هایی در فرهنگ رفاهی اروپا و آمریکای شمالی وجود دارد. البته، اگرچه این داده‌ها از نظر تطبیقی خیلی قوی نیستند، اما نشان دهنده ذهنیت کلی افکار عمومی هستند. بنابراین، با توجه به نتایج بررسی‌ها، به نظر می‌رسد که فرهنگ رفاه ملی تا حد زیادی بازتاب ارزش‌های رای‌دهندگان می‌باشند.

در سال‌های اخیر، به صراحت بحث فرهنگ رفاهی با توجه به وضعیت جوامع پساسوسیالیستی، در مرکز و شرق اروپا مطرح شده است. سوزا فرگ در بحث خود در برابر این اتهام رایج می‌ایستد که مردم این کشورها پس از تحولات سیاسی حاکم بر آن‌ها، نوعی شهروندی از خود ارائه می‌دهند که ناشی از عمل دولت سوسیالیستی توتالیتراست. براساس این استدلال، مشخصه «انسان شوروی»^۱ احساس درماندگی آموخته شده است که منجر به وابستگی کامل به دولت (راه) می‌شود. فرگ استدلال می‌کند که این ایده گمراه کننده است، زیرا دولت سوسیالیستی در راستای رفاه شهروندان تغییرات قابل توجهی ایجاد نکرده است. بالعکس، ریشه‌های فرهنگی رفاه شهروندان در کشورهایی از آن نیز در دولت‌های اروپای غربی مشهود است (اورشات و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱-۲۸).

مالیات در مکاتب اقتصادی

از آنجا که مقوله مالیات به عنوان یک جزء مهم ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی، اجتماعی به حساب می‌آید، لازم است تا برای اعمال سیاست‌های مالیاتی، اصول و نظریاتی از سوی اندیشمندان نحله‌های گوناگون فکری تعریف شود تا نظام‌های مالیاتی فراخور شرایط اقتصادی و اجتماعی خود از آن‌ها بهره‌برند. از آن روی، بحث اصول و نظریات مالیاتی یکی از موارد بنیادین مطالعات مالیاتی است که می‌تواند در چارچوب اهداف باز توزیعی مالیات‌ها بسیار مهم تلقی شود.

اصول مالیاتی از نظر کلاسیک‌ها

آدام اسمیت معروف‌ترین اقتصاددان مکتب کلاسیک است. بنابراین اصول چهارگانه او به عنوان اصول مالیاتی مورد نظر مکتب کلاسیک به حساب می‌آید. اصل اول از دید او اصل عدالت و برابری است. براساس این اصل، بار مالیات باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت مالیات



دهنده بستگی دارد. وی مالیات تناسب را به عنوان مالیاتی عادلانه تلقی می‌کند (رنگریز و خورشیدی ۱۳۸۱: ۳۶).

اصل دوم، معین و مشخص بودن مالیات‌هاست. براساس این اصل باید مبلغ، مآخذ، زمان پرداخت و طریق پرداخت باید دقیقاً مشخص باشد (بوسکینی ۱۹۸۰).

اصل سوم، اصل سهولت است. براساس این اصل، کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت مالیات مدنظر است و تنظیم شرایط جهت پرداخت و طریق پرداخت باید با توجه به حداقل فشار امکان‌پذیر باشد (رنگریز و خورشیدی ۱۳۸۱: ۳۷).

اصل آخر به صرفه‌جویی بر می‌گردد. در جمع‌آوری مالیات باید حداکثر صرفه‌جویی به عمل آید و هزینه جمع‌آوری آن به حداقل تقلیل یابد. از آنجا که کلاسیک‌ها به وظایف سنتی دولت در قالب حفظ نظم و امنیت عمومی و برابری فرصت‌ها اعتقاد داشتند، قابل انتظار نبود که به موارد رفاهی در اصول مالیاتی خود اشاره کنند. آن‌ها طرفدار دولت کوچک و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد هستند. لیکن دقت در مواضع آدام اسمیت و همین‌طور اصل عدالت مالیاتی به عنوان اولین و مهم‌ترین رکن اصول مالیاتی، ما را به این نتیجه می‌رساند که کلاسیک‌ها هدف رفاه و توزیع مجدد درآمد را به عنوان یکی از نتایج سیستم مالیاتی انتظار داشتند. این انتظار معقول است چرا که کلاسیک‌ها به هر حال مالیات‌ها را بیش از هزینه‌های دولتی در انجام سیات‌های دولتی می‌پذیرفتند و به آن باور داشتند.

نمودار زیر، اصول یک نظام مالیاتی مطلوب از دید کلاسیک‌ها را نشان می‌دهد (رنگریز، خورشیدی ۱۳۸۱: ۳۷).

اصول مالیاتی از دید کینزین‌ها

آن‌ها در مورد مالیات‌ها اعتقاد به اصول زیر دارند:

اصل شخصی ساختن مالیات

براساس اصل مزبور هنگام تعیین و دریافت مالیات علاوه بر درآمد مبنای محاسبه، وضع شخصی مالیات دهنده از نقطه نظر تحصیل درآمد و وضعیت اجتماعی نیز ملاک عمل است. به عنوان مثال درآمد حاصل از کار با درآمد حاصل از سرمایه تفاوت دارد. از آنجا که گروه اول درآمد خود را از راه زحمت فیزیکی یا فکری به دست می‌آورد، رنج و مشقت بیشتری نسبت به گروه دوم که درآمد حاصل از سرمایه کسب می‌کند دارد. بنابراین هنگام پرداخت مالیات باید فداکاری بیشتری به خرج دهد. براساس این اصل، باید وضعی کاری و اجتماعی فرد مالیات دهنده مورد توجه قرار گیرد (مهدلو ۱۳۸۱: ۲۷).



اصل دخالت

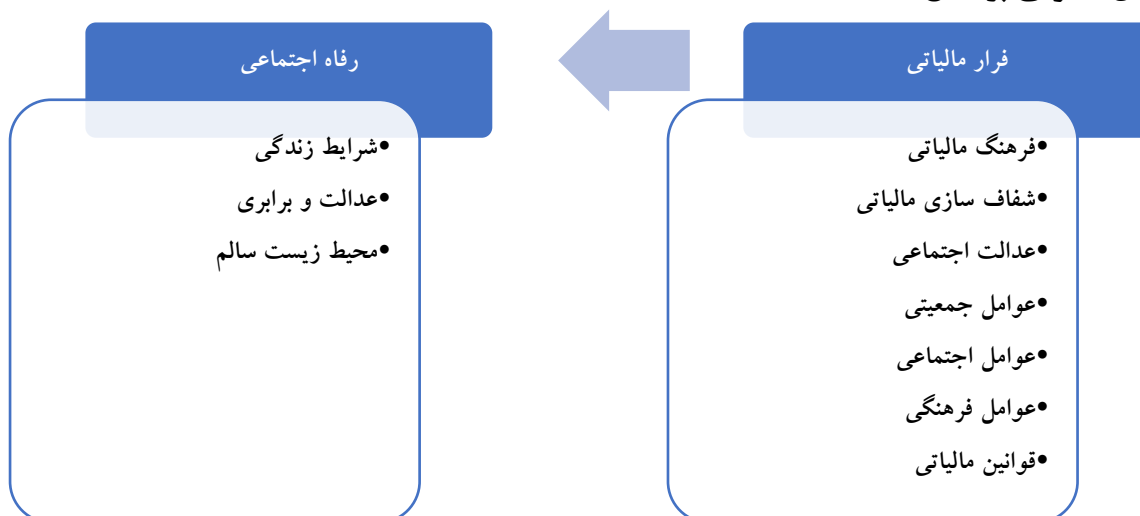
به عقیده کینز و پیروان او، دولت باید جهت ارشاد و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دخالت کند و بنای مالیات‌ها بی طرف باشند. به عنوان مثال، دولت باید جهت مبارزه با تورم از سیاست‌ها مالی انقباضی استفاده کرده و با افزایش نرخ مالیاتی، تورم را بکاهد. (مهملو ۱۳۸۱: ۲۸)

اصل مطلوبیت درآمد

مطلوبیت نهایی هر واحد پول یا درآمد برای افراد کم درآمد بیشتر از مطلوبیت نهایی پول یا درآمد برای افراد پر درآمد است. بنابراین اگر به نسبت برابر از درآمد هر دو گروه مالیات اخذ شود، افراد کم درآمد مقدار مطلوبیت بیشتری از دست می‌دهند و این موضوع عادلانه نیست. برای حل مشکل فوق باید براساس نرخ تصاعدی مالیات اخذ شود. (مهملو ۱۳۸۱: ۲۸)

کینزین‌ها معتقد به دخالت گسترده دولت در اقتصاد هستند و همین‌طور وظایف رفاهی و اجتماعی برای این نهاد تعیین می‌کنند، از این رو مالیات‌ها نقش پررنگی در اصول کینزین‌ها به عنوان یک مکتب اقتصادی دارد. اعتقاد به نرخ تصاعدی در مالیات ستانی - به عکس کلاسیک‌ها که به نرخ تناسبی باور داشتند - و همین‌طور تفاوت گذاردن بین مالیات ستانی با منشاء کار و سرمایه این نتیجه را می‌دهد که این گروه به توزیع درآمد از جانب مالیات‌ها باوری عمیق داشتند و یکی از راه‌های عمده ساماندهی منابع اجتماعی و رفع نابرابری را بهره‌گیری از سیاست‌های مالیاتی می‌دانستند.

مدل مفهومی پژوهش





فرضیه‌های پژوهش

- عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی تاثیر دارد.
- عوامل جامعه شناختی بر شرایط زندگی تاثیر دارد.
- عوامل جامعه شناختی بر عدالت و برابری تاثیر دارد.
- عوامل جامعه شناختی بر محیط زیست تاثیر دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر براساس نحوه گردآوری داده‌ها پژوهشی توصیفی قلمداد می‌شود. پس از طی کردن مراحل پژوهش در بخش کیفی، بر اساس یافته‌های به دست آمده از کدگذاری گزینشی مصاحبه‌های انجام شده پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته طراحی و تدوین و بر روی جامعه‌ی آماری اجرا گردید.

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری تمامی مودیان مالیاتی شهر تهران در منطقه ۱۲ هستند که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌باشند و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر انتخاب و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به پرسشنامه پژوهشگر ساخته پاسخ خواهند داد.

فن یا ابزار پژوهش

پرسشنامه استفاده شده در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته است که بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری آنها ساخته شده است. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا، اعتبار سازه ابزار پژوهش از طریق آزمون کیرز - میر، اوکلین و پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است.

جدول شماره ۱: اعتبار محتوا، اعتبار سازه، پایایی ابزار

متغیر	شاخص	گویه	نمره گذاری
عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی	فرهنگ سازی	۰.۸۵۷	۰.۸۶۳
	شفاف سازی		۰.۹۱۹



			عدالت اجتماعی	
			عوامل جمعیت شناختی	
			عوامل فرهنگی	
			عوامل اجتماعی	
			قوانین و مقررات	
۰.۹۱۸	۰.۸۹۶	۰.۸۳۳	شرایط زندگی	رفاه اجتماعی
			عدالت و برابری	
			محیط زیست	
۰.۹۲۵	۰.۸۴۶	۰.۸۷۵		کل ابزار

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بعد از اطمینان از وجود شرایط پارامتری یعنی نرمال بودن توزیع، پیوسته بودن متغیرها و برابری واریانس‌ها از آماره پارامتری رگرسیون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

- عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی تاثیر دارد.

جدول شماره ۲: خلاصه مدل

مدل	R	R مجذور	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای برآورد
۱	۰/۵۱۸ ^a	۰/۲۶۸	۰/۲۵۴	۵/۹۴۵

قوانین و مقررات، عدالت اجتماعی، فرهنگ سازی، وضعیت جمعیت شناختی، شفاف سازی، وضعیت فرهنگی، وضعیت
 Predictors: (Constant) . a, اجتماعی

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و رفاه اجتماعی، ۰.۵۱۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر رفاه اجتماعی همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۲۵۴ می‌باشد،



نشان می‌دهد که ۲۵.۴٪ از کل تغییرات رفاه اجتماعی وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود رفاه اجتماعی را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۳: تحلیل واریانس

ANOVA						
سطح معنی داری	F آزمون	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل	
۰/۰۰۰ ^b	۱۹/۶۱۸	۶۹۳/۳۲۱	۷	۴۸۵۳/۲۴۹	رگرسیون	۱
		۳۵/۳۴۱	۳۷۵	۱۳۲۵۲/۷۳۵	باقیمانده	
			۳۸۲	۱۸۱۰۵/۹۸۴	جمع	

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۱۹.۶۱۸) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر وابسته رفاه اجتماعی مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات رفاه اجتماعی را تبیین کند.

جدول شماره ۴: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
		بتا	Std.Error	B		
۰/۰۰۰	۶/۰۱۰		۲/۹۹۵	۱۸/۰۰۲	ثابت	۱
۰/۰۷۶	۱/۷۸۰	۰/۰۸۹	۰/۱۹۳	۰/۳۴۳	فرهنگ سازی	
۰/۱۴۷	۱/۴۵۳	۰/۰۸۶	۰/۱۸۰	۰/۲۶۱	شفاف سازی	
۰/۰۰۰	۵/۴۱۱	۰/۳۰۶	۰/۲۰۷	۱/۱۱۹	عدالت اجتماعی	



۰/۰۷۷	-۱/۷۷۲	-۰/۱۰۸	۰/۲۴۵	-۰/۴۳۳	وضعیت جمعیت شناختی
۰/۶۶۶	۰/۴۳۲	۰/۰۳۲	۰/۲۱۵	۰/۰۹۳	وضعیت فرهنگی
۰/۱۳۶	-۱/۴۹۴	-۰/۱۳۳	۰/۱۵۶	-۰/۲۳۳	وضعیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۵/۰۶۴	۰/۳۹۵	۰/۰۹۰	۰/۴۵۴	قوانین و مقررات

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی معنی‌دار است.
 - ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی، وضعیت جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی بر رفاه اجتماعی تأثیر معنی‌داری ندارد.
 - ۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات با ضریب تأثیر ۰.۳۰۶ و ۰.۳۹۵ بر روی متغیر رفاه اجتماعی تأثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد.
- عوامل جامعه شناختی بر شرایط زندگی تأثیر دارد.

جدول شماره ۵: خلاصه مدل

خلاصه مدل				
مدل	R	R مربع	مربع تنظیم شده	خطای برآورد
۱	۰/۴۹۱ ^a	۰/۲۴۱	۰/۲۲۷	۰/۴۶۶
a. Predictors: (Constant), وضعیت جمعیت, فرهنگ سازی, عدالت اجتماعی, قوانین و مقررات, شناختی, شفاف سازی, وضعیت فرهنگی, وضعیت اجتماعی				



جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و شرایط زندگی، ۰.۴۹۱ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر شرایط زندگی همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۲۲۷ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۲۲.۷٪ از کل تغییرات شرایط زندگی وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود شرایط زندگی را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۶: تحلیل واریانس

ANOVA					
سطح معنی داری	F آزمون	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰ ^b	۱۶/۹۸۴	۳/۶۹۴	۷	۲۵/۸۵۵	رگرسیون
		۰/۲۱۷	۳۷۵	۸۱/۵۵۰	باقیمانده
			۳۸۲	۱۰۷/۴۰۵	جمع

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۱۶.۹۸۴) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر شرایط زندگی مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات شرایط زندگی را تبیین کند.

جدول شماره ۷: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		بتا	Std.Error	B	
۰/۱۱۴	۱/۵۸۳		۰/۲۳۵	۰/۳۷۲	ثابت
۰/۵۳۹	۰/۶۱۵	۰/۰۳۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۹	فرهنگ سازی
۰/۰۶۱	۱/۸۷۶	۰/۱۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۲۶	شفاف سازی



۰/۰۰۰	۴/۵۳۷	۰/۲۶۱	۰/۰۱۶	۰/۰۷۴	عدالت اجتماعی	۱
۰/۹۲۲	-۰/۰۹۸	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۰۲	وضعیت جمعیت شناختی	
۰/۱۱۶	۱/۵۷۵	۰/۱۲۰	۰/۰۱۷	۰/۰۲۷	وضعیت فرهنگی	
۰/۱۰۶	-۱/۶۲۲	-۰/۱۴۷	۰/۰۱۳۲	-۰/۰۲۰	وضعیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۴/۴۶۷	۰/۳۵۵	۰/۰۰۷	۰/۰۳۱	قوانین و مقررات	

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر شرایط زندگی معنی دار است.
 - ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی، وضعیت جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی بر رفاه اجتماعی تأثیر معنی داری ندارد.
 - ۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات با ضریب تأثیر ۰.۲۶۱ و ۰.۳۵۵ بر روی متغیر رفاه اجتماعی تأثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد.
- عوامل جامعه شناختی بر عدالت و برابری تأثیر دارد.

جدول شماره ۸: خلاصه مدل

خلاصه مدل				
مدل	R	مربع R	مربع تنظیم شده	خطای برآورد
۱	۰/۳۱۷ ^a	۰/۱۰۰	۰/۰۸۴	۰/۵۰۳
a. Predictors: (Constant), وضعیت جمعیت، عدالت اجتماعی، فرهنگ سازی، وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی شناختی، شفاف سازی، وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی				



جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و عدالت و برابری، ۰.۳۱۷ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر عدالت و برابری همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۰۸۴ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۸.۴٪ از کل تغییرات عدالت و برابری وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود عدالت و برابری را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۹: تحلیل واریانس

ANOVA					
سطح معنی داری	آزمون F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰ ^b	۵/۹۷۶	۱/۵۱۰	۷	۱۰/۵۷۳	رگرسیون
		۰/۲۵۳	۳۷۵	۹۴/۷۷۹	باقیمانده
			۳۸۲	۱۰۵/۳۵۲	جمع
					۱

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۵.۹۷۶) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر عدالت و برابری مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات عدالت و برابری را تبیین کند.

جدول شماره ۱۰: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		بتا	Std.Error	B	
۰/۰۰۰	۷/۰۵۸		۰/۲۵۳	۱/۷۸۸	ثابت



۰/۲۹۴	-۱/۰۵۲	-۰/۰۵۹	۰/۰۱۶	-۰/۰۱۷	فرهنگ سازی	۱
۰/۱۹۶	۱/۲۹۴	۰/۰۸۵	۰/۰۱۵	۰/۰۲۰	شفاف سازی	
۰/۰۳۰	۲/۱۸۴	۰/۱۳۷	۰/۰۱۷	۰/۰۳۸	عدالت اجتماعی	
۰/۱۱۶	-۱/۰۵۷۶	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۱	-۰/۰۳۳	وضعیت جمعیت شناختی	
۰/۰۰۸	۲/۶۶۰	۰/۲۲۱	۰/۰۱۸	۰/۰۴۸	وضعیت فرهنگی	
۰/۰۰۲	-۳/۱۱۶	-۰/۳۰۸	۰/۰۱۳	۰/۰۴۱	وضعیت اجتماعی	
۰/۰۰۱	۳/۴۴۸	۰/۲۹۸	۰/۰۰۸	۰/۰۲۶	قوانین و مقررات	

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر عدالت و برابری معنی دار است.
- ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی و وضعیت جمعیت شناختی بر عدالت و برابری تأثیر معنی داری ندارد.
- ۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی، وضعیت فرهنگی و قوانین و مقررات با ضریب تاثیر ۰.۱۳۷، ۰.۲۲۱، ۰.۲۹۸ بر روی متغیر عدالت و برابری تأثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان عدالت و برابری را افزایش می‌دهد. اما، وضعیت اجتماعی با ضریب تاثیر ۰.۳۰۸- بر روی متغیر عدالت و برابری تأثیر معکوس داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه وضعیت اجتماعی میزان عدالت و برابری را کاهش می‌دهد.



- عوامل جامعه شناختی بر محیط زیست تاثیر دارد.

جدول شماره ۱۱: خلاصه مدل

مدل	R	R مربع	مربع تنظیم شده	خطای برآورد
۱	۰/۴۴۲ ^a	۰/۱۹۵	۰/۱۸۰	۰/۵۰۷

a. Predictors: (Constant), وضعیت جمعیت, فرهنگ سازی, عدالت اجتماعی, قوانین و مقررات, شفاف سازی, وضعیت فرهنگی, وضعیت اجتماعی

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و محیط زیست، ۰.۴۴۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر محیط زیست همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۱۸۰ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۱۸٪ از کل تغییرات محیط زیست وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود محیط زیست را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۱۲: تحلیل واریانس

ANOVA						
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری	
۱	۲۳/۳۵۹	۷	۳/۳۳۷	۱۳/۰۰۲	۰/۰۰۰ ^b	رگرسیون
	۹۶/۲۴۴	۳۷۵	۰/۲۵۷			باقیمانده
	۱۱۹/۶۰۳	۳۸۲				جمع

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۱۳.۰۰۲) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر



محیط زیست مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات محیط زیست را تبیین کند.

جدول شماره ۱۳: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		بتا	Std.Error	B	
۰/۰۲۲	۲/۲۹۵		۰/۲۵۵	۰/۵۸۶	ثابت
۰/۰۲۸	۲/۱۹۹	۰/۱۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۳۶	فرهنگ سازی
۰/۸۰۲	-۰/۲۵۱	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	-۰/۰۰۴	شفاف سازی
۰/۰۰۰	۵/۰۸۱	۰/۳۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۹۰	عدالت اجتماعی
۰/۵۶۴	۰/۵۷۸	۰/۰۳۷	۰/۰۲۱	۰/۰۱۲	وضعیت جمعیت شناختی
۰/۰۰۲	۳/۱۲۹	۰/۲۴۶	۰/۰۱۸	۰/۰۵۷	وضعیت فرهنگی
۰/۰۰۰	-۴/۰۵۱	-۰/۳۷۸	۰/۰۱۳	-۰/۰۵۴	وضعیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳/۷۲۶	۰/۳۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۲۸	قوانین و مقررات

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر محیط زیست معنی‌دار است.
- ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی و وضعیت جمعیت شناختی بر محیط زیست تاثیر معنی داری ندارد.



۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی، وضعیت فرهنگی و قوانین و مقررات با ضریب تاثیر ۰.۳۰۱، ۰.۲۶۶ و ۰.۳۰۵ بر روی متغیر محیط زیست تاثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان محیط زیست را افزایش می‌دهد. اما، وضعیت اجتماعی با ضریب تاثیر ۰.۳۷۸- بر روی متغیر محیط زیست تاثیر معکوس داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه وضعیت اجتماعی میزان محیط زیست را کاهش می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است که چه عواملی بودن و یا نبودنشان می‌تواند بر رفاه اجتماعی تاثیر بگذارد، تحلیل جامعه‌شناختی‌ای که در این پژوهش بر اساس نظر کارشناسان مشخص گردید عبارتند از فرهنگ سازی مالیاتی، شفاف سازی مالیاتی، عدالت اجتماعی، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت جمعیت شناختی، وضعیت فرهنگی و وضعیت اجتماعی. دولتی می‌تواند برنامه و اهداف خود را پیش ببرد که مردمش دارای فرهنگ مالیاتی باشند و اقدام به پرداخت مالیات نمایند. اشخاص حقیقی و حقوقی با پرداخت میزان مالیات متعلقه خود در موعد مقرر می‌توانند زمینه مناسبی جهت قوت بخشیدن به توان مالی دولت در راستای تحقق اهداف آن بوجود آوردند. حال اگر عکس قضیه را مجسم کنیم، اشخاص حقیقی و حقوقی از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند و همواره در صدد کشف و بکارگیری راه‌های فرار از مالیات باشند دولت که به منبع مهم درآمدهای مالیاتی برای اجرای طرح‌های عظیم اقتصادی خود در جهت توسعه، پیشرفت و رفاه جامعه چشم دوخته است از این مهم باز بماند و در نهایت اقتصاد کشور روزبه‌روز بیمار و فلج‌تر شده و دروه‌های هولناک و اسفباری در انتظار این اقتصاد می‌باشد. اما متأسفانه با توجه به اهمیت همکاری اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در پرداخت مالیات، افرادی وجود دارند که در فکر عدم انجام مسئولیت قانونی خود در قبال برخورداری از خدمات دولتی هستند و مالیات قانونی خود را پرداخت نمی‌کنند. همانطور که دجو و دیجو (۲۰۰۲) بیان می‌کنند، فرار مالیاتی در اکثر کشورهای مدرن و در حال توسعه یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران سازمان مالیاتی بوده و سیاست‌گذاران مالیاتی همیشه به دنبال راه‌کارهایی برای جلوگیری از فرار مالیاتی بوده‌اند و بر اساس نظر پارچینی (۱۳۸۸)، وصول بهینه و واقعی مالیات نه تنها درآمد مالیاتی دولت را افزایش می‌دهد بلکه عدالت اجتماعی را نیز باعث می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که درآمدهای مالیاتی بر افزایش رفاه اجتماعی نقش دارد و این امر با نتایج این پژوهش همسواست.



بنابراین داشتن فرهنگ مالیاتی، شفافیت مالیاتی، عدالت و برابری، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت اجتماعی و فرهنگی و جمعیت شناختی که منجر به پرداخت مالیات توسط صاحبان درآمد می‌شود باعث می‌گردد که توزیع درآمدها در جامعه متعادل‌تر گردد و از بروز تنش‌های سیاسی، اجتماعی جلوگیری شود. چنین فرآیندی به فعالان اقتصادی کمک می‌کند تا از امنیت لازم برای گسترش فعالیت‌هایشان بهره بگیرند و سطح تولید ناخالص داخلی‌شان را افزایش می‌دهند و در نتیجه فرصت‌های اشتغال جدید را به وجود می‌آورند و همچنین مالیات بخش قابل توجهی از هزینه‌های عمومی را تأمین می‌کند و دولت می‌تواند در راستای توسعه اقتصادی- اجتماعی قدم‌های لازم را بردارد. ظرفیت مالیاتی در هر اقتصادی متناسب با فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش و سهم آن در تأمین هزینه‌های عمومی گسترش می‌یابد. و همه این موارد منجر به رفاه اجتماعی در جامعه می‌گردد. همانگونه که مطرح شد فرهنگ سازی مالیاتی، شفاف سازی مالیاتی، عدالت اجتماعی، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت جمعیت شناختی، وضعیت فرهنگی و وضعیت اجتماعی از عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی یا عدم فرار مالیاتی است. وجود هر یک از این موارد بر افزایش رفاه اجتماعی نقش دارد و عدم وجود آن بر کاهش رفاه اجتماعی تاثیرگذار است که با توجه به بررسی انجام شده و بنابر نتایج به دست آمده، بین عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی و رفاه اجتماعی و شاخص‌های آن رابطه معنی دار وجود دارد. همچنین مشخص گردید مجموعه عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی تاثیرگذارند. بنابراین، با توجه به این امر که مالیات یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت‌ها به شمار می‌رود و بنابر نظر وولدریدج (۲۰۰۹)، "بعد از نفت، مالیات مهم‌ترین منبع تأمین درآمد دولت می‌باشد و با توجه به نقش روز افزونی که در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور برای مالیات در نظر گرفته می‌شود، لذا تحقق درآمدهای مالیاتی از اهداف مهم دولت می‌باشد" و از اعصار گذشته تاکنون با توجه به تحول و تطور وظایف دولت‌ها اهمیت روز افزونی داشته است، به طوریکه به مرور زمان و با تحولات به وجود آمده در وظایف دولت‌ها، مالیات به عنوان منبع مهمی از درآمد برای پوشش هزینه‌ها و ابزار مالی جهت اعمال تصدی و اعمال حاکمیت مطرح گردید. دولت با اخذ مالیات و جمع‌آوری و هدایت آن در جهت انجام سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی در واقع نقش زیربنایی را در توسعه اقتصادی ایفاء می‌کند و مکمل فعالیت بخش خصوصی از نظر سرمایه‌گذاری روبنایی است تا بتواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد که این امر موجب افزایش رفاه اجتماعی در جامعه می‌شود. بنابراین اگر به منابع اقتصادی سالم برای تأمین نیازهای دولت در جهت سرمایه‌گذاری فکر کنیم به منابع مالیاتی می‌رسیم. ممکن است گفته شود که از منابع زیرزمینی مثل نفت یا معادن و غیره استفاده شود. البته گاهی می‌توان از این منابع استفاده



کرد ولی این امر نمی‌تواند به‌عنوان یک حرکت سالم و بلندمدت باشد. در واقع برای این امر که میزان خرجی که دولت می‌کند با پولی که از جامعه می‌گیرد در یک حالت متعادل باشد لازمه‌اش این است که این سرمایه‌گذاری‌ها از محل مالیات صورت گیرد و الا اگر صحبت از عملیات یک طرفه‌ای باشد که دولت ماده خام را تبدیل به پول کند و سرمایه‌گذاری انجام دهد مطمئناً با افزایش نقدینگی روبرو خواهد بود و به‌هر حال جامعه از آثار سوء این امر که افزایش نقدینگی و تورم است متأثر خواهد بود. حال اگر دولت بتواند طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده خود مالیات را وصول کند آن طرف قضیه می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی خود را اجراء نماید و باعث شکوفایی و رشد اقتصادی کشور و در نتیجه رفاه اجتماعی گردد، که نقش و همکاری آحاد ملت در این امر که همان پرداخت مالیات است مشخص می‌گردد.

بورک به نقل از باری (۱۳۹۳: ۱۳-۱۲) از رفاه به عنوان مسئولیت‌های پایین دولت یاد می‌کنند به درجه‌ای که از لحاظ اهمیت با برقراری قانون، نظم، تداوم و وحدت اجتماعی برابری کند. پیرو این عمل اگر اقدام دولت نتواند نیازهای امور رفاهی را برآورده سازد، سرزنش کردن آن طبیعی است. آدام اسمیت به نقل از باری (۱۳۹۳: ۱۵-۱۴)، ارزیابی مستدلی از مفهوم رفاه دارد که برگرفته از کل روش‌های معمول در علم اقتصاد لیبرالی (آزادی‌خواهی) است. این حقیقت وجود دارد که نظام بازار آزاد یا تجارت آزاد که نظامی خودکامه به شمار می‌رود، خود به خود موقعیت‌هایی را به وجود می‌آورد که نسبت به سایر روش‌های شناخته شده ارجحیت دارند. یعنی در این روش کالاها و خدماتی ارائه می‌شود که منعکس کننده اختیارات شخصی افراد است. بنابر دیدگاه‌های اسمیت و بورک، رفاه یک ارزش سیاسی بسیار پیچیده است، و رفاه مفهومی است که توصیف کننده بهزیستی، تامین زندگی و فقرزدایی است. در افکار سیاسی معاصر، عدالت تقریباً جزء لاینفک رفاه است. جان رالز به نقل از باری (۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۰۴)، تأکید می‌کند که عدالت «اولین فضیلت» جامعه است و بدون شک یک مفهوم رفاه‌گراانه است، که به‌طور اخص به قانونی کردن توزیع منابع و درجات بهزیستی می‌پردازد. به‌راستی به‌رغم شیوه فردگرایانه آن، این یک نظریه اصولی است که برای جامعه عملکردی از رفاه را در نظر می‌گیرد که با دیگر عملکردهای رفاه مانند سودگرایی یا عمل پرتو از نظر محتوا و نه اصول متفاوت است. از سویی دیگر، فرهنگ (۱۳۵۱: ۱۲۷۶-۱۲۶۵)، به اهداف وصول مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم پرداخته است و «افزایش رفاه اقتصادی جامعه، از طریق کاهش نابرابری درآمد» و «کاهش یا افزایش قدرت خرید به‌وسیله افزایش یا کاهش مالیات‌های بر خرید کالا» را از جمله اهداف رفاه مطرح کرده است که می‌توان گفت این امر با نتایج به دست آمده در این پژوهش مطابقت دارد.



منابع

- امیری سلووشی، نیکو (۱۴۰۱). تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌ها (مورد مطالعه: شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران)، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۵۴، ص ۴۵۷-۴۶۴.
- امین رشتی، ناریسیس، صیام، هدی، محرابیان، آزادی، سیفی‌پور، رویا (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شرکت‌های سخت مالیات‌ده با استفاده از روش اثرگذاری غیرخطی، اقتصاد کاربردی، شماره ۴۴، ص ۱۹-۳۵.
- اورشات، ویم فون، آپلیکا، مایکل، فوافینگر، بریگیت (۱۳۹۶). فرهنگ و دولت رفاه، ترجمه ابوذر قاسمی نژاد، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- ایزدی، افسانه، صامتی، مجید، اکبری، نعمت اله (۱۳۹۹). برآورد میزان فرار مالیاتی در ایران با استفاده از روش MIMIC (طی دوره ۱۳۹۹-۱۳۵۵)، پژوهشنامه مالیات، شماره ۹۶: ۷-۳۲.
- باری، نورمن پی (۱۳۹۳). رفاه اجتماعی، ترجمه سید اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران: سمت.
- جعفری صمیمی، احمد، حمزه‌ای، علی اکبر (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلافروشان استان مازندران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴۳: ۲۲-۴.
- خان جان، علیرضا (۱۳۸۵). نقش نهادهای رسمی در فرار مالیاتی (مطالعه موردی شهرستان مشهد). پژوهشنامه مالیات و توسعه، پیش شماره ۹، صص ۲۱-۹۱.
- زارع بهنمیری، محمدجواد، رحیمیان امیری، محمدحسین، تیرگان، محمد (۱۴۰۱). اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، ص ۱۸۷-۲۰۱.
- زهی، نقی و محمدخانلی، شهرزاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)، پژوهشنامه مالیات، ش ۹ (۵۷)، ص ۶۰-۲۵.
- سید نورانی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- صادقی، حسین، شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰). فرار مالیاتی و اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران (با روش اقتصادسنجی فازی)، نامه مفید شماره ۲۲: ۱۱-۲۱.



عالی پور، نعمت اله، زنگنه، مهسا (۱۴۰۱). بررسی نظری عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی، تعهدات اخلاقی، هنجارهای ذهنی و نگرش مودیان به رفتار، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، شماره ۴، ص ۶۰-۴۷.

عبداله میلانی، مهنوش، اکبر پور روشن، نرگس (۱۳۹۱). فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیر رسمی در ایران. پژوهشنامه مالیات، سال ۲۲، شماره ۹۴ (پیاپی ۱۹)، بهار.

عزیزخانی، فاطمه، افشاری، غلامرضا (۹۴۳۱). فرار مالیاتی و تاثیر آن بر تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد. فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۱۲-۳۱: ۳۲۲-۴۱۱.

مهراذین، علیرضا، پایدارمنش، نوید، عباس زاده، محمدرضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم (۱۴۰۱). کنش انگیزه و فرصت برنامه ریزی فرار مالیاتی و ارائه مدل جدید از فرار مالیاتی شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۱۶۷-۱۲۸.

موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی بلداجی، فرهاد، خاکی، نرگس (۱۳۸۸). فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک الگو نظری. فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۱: ۴۳-۲۲.

Allam, A., Moussa, T., Abdelhady, M., Yamen, A. (2023). National culture and tax evasion: The role of the institutional environment quality, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 52: 100-559.

Batrancea, L. M., Kudla, J., Blaszczak, B., Kopyt, M. (2022). Differences in tax evasion attitudes between students and entrepreneurs under the slippery slope framework, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 200: 464-482.

Cai, H., and Liu Q. (2009). Competition and Corporate Tax Avoidance: Evidence From Chinese Industrial Firms. *The Economic Journal*. 119: 764-795.

Engström, P. and Holmlund, B. (2006). *Tax Evasion and Self-Employment in a High-Tax Country: Evidence from Sweden*. Uppsala University Working Paper.

Fagbemi, T. O., Uadiale, O. M., and Noah, A. O. (2010). The Ethics of Tax Evasion: Perceptual Evidence from Nigeria. *European Journal of Social Sciences*, 17: 360-371.

Herranz, M. M., Turino, F. (2023). Tax evasion, fiscal policy and public debt: Evidence from Spain, *Economic systems*, 7: 101-121.



- Khalil, S., Sidani, Y. (2023). Personality traits, religiosity, income, and tax evasion attitudes: An exploratory study in Lebanon, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 47: 100-469.
- Langenmary, D., Zyska, L. (2023). Escaping the exchange of information: Tax evasion via citizenship-by-investment, *Journal of Public Economics*, 221: 48-65.
- Levin, J. and Widell, L. M. (2007). Tax Evasion in Kenya and Tanzania: Evidence from Missing Imports. *Orebro University Working Paper*, No. 8.
- Nagy, Z. (2011). The Fight Against Income Tax Evasion in Hungary. *Acta Polytechnica Hungarica*, 8: 103-116.
- Wang, Y. (2012). Competition and Tax Evasion: A Cross Country Study. *Economic Analysis & Policy*, 42: 198-208.
- Bayer, R.C. & Sutter, M. (2008). The Excess Burden of Tax Evasion an Experimental Detection-Concealment Contest. *European Economic Review*: 1-17.



Identifying factors affecting the penetration of virtual social networks among students

Abdulazim Pouriosofi Gabieh ¹, Shahla Kazmipour ^{*2}, Iraj Sae Ersi ³

(Received date: 2023/08/16 - Accepted date: 2024/06/17)

Abstract:

Today's societies have undergone a huge transformation in the lives of people with a huge transformation in technology. Many definitions of individual and social life have taken a different form and been redefined with the advent of the Internet and virtual and Internet networks. Various issues and factors are effective in the influence of virtual social networks, which need to be studied and identified. Therefore, the aim of this research was to identify the factors affecting the influence of virtual social networks among students. The research method used in this study was Delphi. The statistical population of the research included all managers and related experts in politics, 13 people were selected as a sample in the available way. The findings of the data analysis showed that 5 dimensions of interactivity, structural characteristics, functional characteristics, audience knowledge and policy making in the field of management are effective on the influence of social networks.

Keywords: Social network, Telegram, Instagram, Delphi.

¹ PhD student in Political Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran
azim.pouryousefi@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author): skazemipour@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran.
saiearasi@gmail.com



شناسایی عوامل موثر بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانشجویان

عبدالعظیم پوریوسفی کابیه^۱، شهلا کاظمی پور^۲، ایرج ساعی ارسی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸)

چکیده:

جوامع امروز با یک تحول عظیم در فناوری، دچار دگرگونی بی حد و حصری در زندگی افراد شده‌اند. بسیاری از تعاریف زندگی فردی و اجتماعی با ظهور اینترنت و شبکه‌های مجازی و اینترنتی شکل دیگری به خود گرفته و باز تعریف شده‌اند. مسائل و عوامل مختلفی در نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی موثر هستند که نیاز به مطالعه و شناسایی دارد. لذا هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانشجویان بود. روش تحقیق بکار گرفته شده در این پژوهش دلفی بود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران و کارشناسان مرتبط در سیاست بود که ۱۳ نفر به شیوه در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد ۵ بعد تعاملی بودن، خصوصیات ساختی، خصوصیات کاربردی، مخاطب‌شناسی و سیاست‌گذاری در حوزه مدیریت بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی موثر هستند.

واژگان کلیدی: شبکه اجتماعی، تلگرام، اینستاگرام، دلفی

azim.pouryousefi@yahoo.com

skazemipour@gmail.com

saiearasi@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.



مقدمه:

امروزه، گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، بر ابعاد مختلف زندگی بشر (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی) تأثیر گذاشته است. با کمرنگ شدن اهمیت زمان و مکان و بی‌نیازی به مکان مشترک برای برقراری ارتباط، افراد به شکل بسیار آسان‌تری می‌توانند در فضای مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این شکل جدید برقراری ارتباط موجب تحول در فرهنگ و هویت جوامع می‌شود (نورمحمدی، ۱۳۸۸: ۸).

ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی دگرگونی بنیادینی را در ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. کاستلز معتقد است از آنجاکه انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می‌گیرد، حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید و رفتارها را شامل می‌شود، با ظهور تکنولوژی جدید دچار دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد. ورود فناوری‌های ارتباطی، دگرگونی در ساختار ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. بل^۱ معتقد است جهان مجازی و امکان برقراری ارتباطات هم‌زمان و بی‌شمار، منشأ ظهور فرهنگ‌های آنی و به دنبال آن ظهور هویت‌های خلق‌الساعه شده است که در دوره محدودی شکل می‌گیرد و با ظهور هویت‌های جدید به سرعت از بین می‌روند (نورمحمدی، ۱۳۸۸: ۳۸).

همچنین شبکه‌های اجتماعی به یکی از نیازهای کاربردی جوامع بشری تبدیل شده‌اند و به خاطر ویژگی‌ها و پوشش نیازهای انسان امروزی، هرروزه بر تعداد کاربران آن‌ها اضافه می‌شود. آزاد بودن از مکان و زمان، از مهم‌ترین ویژگی‌های این ابزار است. شبکه‌های اجتماعی، انسان عصر اطلاعات را توانمندتر کرده و تهدیدات و فرصت‌هایی در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌کنند.

از سوی دیگر در حال حاضر قریب نیمی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند. افزایش جمعیت جوانان و حضور آنان در دانشگاه و مراکز آموزش عالی به‌طور طبیعی ضرورت توجه به این قشر از جامعه و آگاهی از دیدگاه‌های آن‌ها را دوچندان ساخته است. مشارکت جوانان در دو دهه اخیر در بسیاری از دموکراسی‌های اروپای غربی به‌ویژه در استرالیا، انگلستان و ایالات متحده مهم تلقی شده و بیشتر افراد از مشارکت فعالانه جوانان به‌عنوان بخشی از گفتمان شهروندی مدرن پشتیبانی می‌کنند (سردار نیا، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

در حال حاضر دسترسی به اینترنت، یعنی دسترسی به دنیای مجازی است. دسترسی به اینترنت، کلید ورود به شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و دسترسی به هزاران سایت یا پایگاه الکترونیکی می‌باشد. اینترنت با تولد کودک نوظهور خود یعنی شبکه‌های اجتماعی، قابلیت‌های بیشتری به دست آورده که از جمله می‌توان به قابلیت دسترسی دائم، فرامکانی، فرازمانی، جهانی بودن، سیال بودن، تشدید شدن واقعیت، چندرسانه‌ای بودن و غیره، فضای مناسبی را برای بیان آراء و عقاید در اختیار کاربران قرار می‌دهند. البته امکان گذاشتن اظهارنظر بر روی مطالب این شبکه‌ها توسط دوستان، اهمیت اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی را

¹ Bell



دوچندان می‌کند. به همین خاطر عده‌ای از اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که شبکه‌های اجتماعی مجازی، ظرفیت و توان شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی را دارا هستند و کاربران آن‌ها می‌توانند از طریق شبکه‌های اینترنتی به گفتگو و تعامل پیرامون مسائل و موضوعات مختلف بپردازند و باعث شکل‌گیری افکار عمومی شوند. در ضمن کاربران می‌توانند در صورت مخالفت یا موافقت با یک مسئله و موضوع اجتماعی و سیاسی دست به کنش مناسب بزنند. به عبارتی نظرات کاربران می‌تواند با ایجاد فضای گفتگو بین افراد و در نهایت شکل دادن به افکار عمومی، منجر به شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی شوند.

گروه‌های اجتماعی بر اثر کنش‌های متقابل که واسطه‌ی آن‌ها وسایل ارتباط جمعی است همچون رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و سایت‌های خبری و ... تحرک پیدا می‌کنند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند، از هماهنگی و تجانسی که بدین ترتیب در رفتار افراد ظاهر می‌شود، افکار عمومی پدیدار می‌گردد. این افکار از فرهنگ جامعه یا از اطلاعاتی که به وسیله رسانه‌ها در جامعه پخش می‌شود نشأت می‌گیرد. همچنین ایجاد آگاهی سیاسی در میان افراد به‌ویژه در کشورهای دموکرات از دیگر پیامدهای مهم و برجسته فعالیت رسانه‌های ارتباط جمعی است. گسترش رسانه‌ها از نوع دوسویه به صورت فضای مجازی در جامعه شکل جدید از ارتباطات و انتقال اخبار و اطلاعات را در اختیار افراد قرار داده است.

رسانه‌های نوین با در دست گرفتن افکار عمومی و کنترل و هدایت آن، نقش جدیدی در عرضه سیاسی و اجتماعی بازی می‌کنند. به‌ویژه که امروزه، رسانه‌ها از نظر تعداد و کیفیت تنوع بسیاری پیدا کرده‌اند. اینترنت یکی از بانفوذترین فناوری‌های جدید ارتباطی است که همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر عظمت نفوذ خود قرار داده است. با ظهور فناوری‌های مدرن و به‌خصوص اینترنت ورود شبکه‌های اجتماعی به زندگی افراد، نوع جدیدی از روابط بین فردی شکل گرفته است که از آن به ارتباطات مجازی تعبیر می‌شود. در واقع، این ارتباطات مجازی بین فرد در قالب شبکه‌سازی اجتماعی^۱، بر پایه مشارکت همگانی بنا شده‌اند. از این رو، شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان فضایی در دنیای مجازی که برای ارتباط میان افراد مختلف، با سطوح گوناگون دسترسی به وجود آمده‌اند، به علت بی‌مکانی حاکم بر اینترنت بر علایق افراد و گروه‌ها بنیان نهاده شده‌اند. ایجاد ارتباطات جمعی و بین فردی، تشکیل اجتماعات مجازی، اطلاع‌رسانی، تبادل اطلاعات و نظرات از شناخته‌شده‌ترین کارکردهای این فضاها هستند (ضیایی پرور، ۱۳۸۸: ۲۴).

هرچند زمان زیادی از ظهور شبکه‌های اجتماعی فعال بر روی اینترنت نمی‌گذرد، اما از همان آغاز فعالیت این شبکه‌ها در سپهر مجازی و به‌ویژه از اواسط دهه ۱۹۹۰ بدین سو که کاربرد این شبکه‌ها عمومیت یافت، بحث‌های فراوانی پیرامون عملکرد آن‌ها و تأثیراتی که چنین شبکه‌هایی می‌توانند بر کاربرانشان بگذارند، در گرفته است. (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۱۰).

^۱. Social Networks



عوامل مختلفی می‌توانند در نفوذ شبکه‌های اجتماعی در بین آحاد مختلف جامعه موثر باشند که نیاز به مطالعه بیشتر و عمیق دارد. لذا در این تحقیق، با استفاده از روش دلفی و نظرات متخصصان این حوزه به شناسایی عوامل موثر بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانشجویان پرداخته می‌شود.

ادبیات نظری تحقیق

در دهه‌های اخیر با توجه به فرآیند پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات^۱ (ICT) بحث‌هایی از سوی اندیشمندان چون دانیل بل^۲، مانوئل کاستلز^۳ و یانون دایک^۴ درباره تأثیرپذیری جوامع از این فناوری‌ها مطرح می‌باشد. این نظریه‌ها حوزه شبکه‌های اجتماعی مجازی (که پایگاه‌های مبتنی بر اینترنت می‌باشند) را نیز شامل می‌شود. بررسی این تأثیر در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقطه محوری مباحث اندیشمندان ارتباطی است. این اندیشمندان اصطلاحاتی چون "جامعه اطلاعاتی" و "جامعه شبکه‌ای"^۵ را برای توصیف شرایط جامعه تحت تأثیر فناوری‌های نوین به کار برده‌اند (مک کی^۶، ۱۳۸۶؛ وبستر^۷، ۱۳۸۳).

استیونسن دو اصطلاح، "جامعه اطلاعاتی" و "جامعه شبکه‌ای" را یکی می‌داند و معتقد است که بر این مبنا استوارند که دانش و اطلاعات در حال تبدیل شدن به عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی‌اند (استیونسن، ۱۳۸۴). لیکن در مفهوم جامعه اطلاعاتی آنچه مورد تأکید است تغییر "جوهره" فعالیت‌ها و فرآیندهاست. اما در مفهوم جامعه شبکه‌ای، توجه به سوی تغییر "اشکال" سازمان‌دهی و زیرساخت‌های این جوامع است (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۷). همان‌طور که ملاحظه می‌نمایید اندیشمندان ارتباطی اصطلاحات "جامعه اطلاعاتی" و "جامعه شبکه‌ای" را برای توصیف وضعیت جوامع متأثر از فناوری‌های نوین به کار می‌برند. در ادامه نظریات این اندیشمندان بررسی می‌شود.

دانیل بل

بل در کتاب «جامعه فرا صنعتی آینده» که در سال ۱۹۷۳ انتشار یافت، با استناد به اطلاعات آماری گردآوری شده از طریق «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» و منابع دیگر، برتری رو به فزون معرفت‌های علمی و تکنیکی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را مطرح کرده و بر اساس آن، فرارسیدن جامعه فرا

¹ Information Communication Technology

² Daniel Bell

³ Manuel Castells

⁴ Yan Van dijk

⁵ Network Society

⁶ McKay

⁷ Webster



صنعتی را که در آثار بعدی او جامعه اطلاعاتی خوانده شده، مورد تأکید قرار داده است (معتد نژاد، ۱۳۸۴: ۵۱).

دانیل بل در کتاب جامعه فرا صنعتی آینده، درباره تفاوت جامعه صنعتی با جامعه فرا صنعتی، چنین خاطرنشان ساخته است: جامعه فرا صنعتی برخلاف جامعه صنعتی، که بر اساس "تکنولوژی ماشینی" پایه‌گذاری شده، بر مبنای «تکنولوژی فکری» شکل‌دهی گردیده است.

همچنین درحالی‌که سرمایه و کار، عناصر ساختاری عمده جامعه صنعتی را تشکیل می‌دهند، اطلاعات و معرفت، دو عنصر ساختاری اساسی جامعه اطلاعاتی به شمار می‌آیند. یکی از مهم‌ترین نکات موردنظر دانیل بل درباره تمایز دو نوع جامعه مذکور توجه خاص او به چگونگی انتقال از مرحله جامعه صنعتی به مرحله جامعه فرا صنعتی و به عبارت دیگر، تبدیل جامعه مبتنی بر تولید کالاها به یک جامعه مبتنی بر تولید و عرضه خدمات است. این جامعه خدماتی در مفهوم‌سازی‌های بعدی وی، به‌عنوان جامعه اطلاعاتی معرفی شده است.

بل جوامع اطلاعاتی را جوامعی می‌داند که فعالیت‌های اساسی‌شان در پردازش اطلاعات، بیش از تولیدات صنعتی و کشاورزی آن‌ها است (شکر خواه، ۱۳۸۴).

هربرت شیلر^۱

ویستر (۱۹۵۰) عناصر کلیدی بحث شیلر را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- توجه به ربط معیارهای تجاری با پیشرفت‌های اطلاعاتی. در این دیدگاه درک این امر ضرورت دارد که نوآوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی تحت تأثیر فشارهای تعیین‌کننده حاکم بر بازار خرید، فروش و تجارت به‌منظور به دست آوردن سود صورت می‌گیرد. از نظر شیلر و همسرش "آنیتا" مرکزیت اصول بازار یک اجبار نیرومند در کالا سازی اطلاعات و به معنای دسترسی فزاینده به اطلاعات تنها به شرط قابلیت فروش آن می‌باشد.

۲- شیلر استدلال می‌کند که: نابرابری طبقاتی عامل عمده پخش، دسترسی و قابلیت‌های تولید اطلاعات است. به‌طور ساده یعنی طبقه تعیین‌کننده این است که چه کسی، چه اطلاعاتی را به دست آورد و چه نوع اطلاعاتی را می‌تواند به دست آورد. بنابراین بسته به جایگاه فرد در سلسله مراتب طبقاتی، فرد ممکن است در "انقلاب اطلاعاتی" برنده یا بازنده باشد.

۳- سرمایه‌داری معاصر از طریق نهادهای شرکتی حاکمیت یافته و عمدتاً بر تولید محصولات توسط چند شرکت محدود و سازمان‌های که عمدتاً دارای ثروت‌های کلان ملی و بین‌المللی می‌باشند، استقرار یافته است.

¹ Herbert Schiller



در دیدگاه هربرت شیلراولویت های شرکت سرمایه‌داری، مخصوصاً در قلمرو اطلاعات دارای آثار مهمی است. در صدر فهرست اولویت‌های آن‌ها این اصل قرار دارد که اطلاعات و تکنولوژی‌های اطلاعاتی ترجیحاً برای اهداف خصوصی و نه عمومی توسعه خواهند یافت. نکته اساسی برای هربرت شیلر این است که، جنبه‌های دیر بنیاد سیستم سرمایه‌داری عناصر کلیدی معماری "جامعه به‌اصطلاح اطلاعاتی" هستند (وبستر، ۱۳۸۳: ۱۵۶-۱۶۳).

یورگن هابرماس^۱

یورگن هابرماس، با طرح تئوری خود درباره "گستره همگانی" یا "فضای عمومی" به مفهومی اشاره می‌کند که بسیاری از اندیشمندان کنونی به تشریح و توصیف ویژگی‌های آن پرداخته و اهمیت حیاتی‌اش را در حفظ طراوت و شادابی جوامع سرمایه‌داری مورد تأکید قرار داده‌اند. او معتقد است که اصولاً در سده‌های هیجده و نوزده در انگلستان گسترش سرمایه‌داری به ظهور "گستره همگانی" انجامیده است، اما متعاقباً در نیمه دوم و اواخر سده بیستم رو به نابودی گذاشته است. این گستره را باید میدانی تلقی کنیم مستقل از دولت (حتی اگر بر اساس بودجه دولت به وجود آمده باشد) و نیز برخوردار از خودمختاری نسبت به نیروهای اقتصادی که به مباحث عقلایی و فارغ از تعصب اختصاص یافته است. این مباحث، انتفاعی، ریاکارانه و دستکاری شده نیستند، در دسترس همگان قرار دارند و برای هر نوع پژوهش و کنکاش از سوی شهروندان و پژوهشگران آزادند. در این گستره همگانی است که فضایی از بحث، گفتگو و مفاهمه ایجاد گردیده و افکار عمومی شکل می‌گیرد تا منافع همگانی و خصوصی به صورتی عقلایی در چارچوب‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه مدنی با یکدیگر گره بخورند. اطلاعات، مرکز ثقل این گستره همگانی است. فرض این است که بازیگران نقش‌های اجتماعی گوناگون که از پایگاه‌های اجتماعی متفاوتی برخاسته‌اند با مواضعی کاملاً صریح و روشن به نقد مسائل اجتماعی پرداخته و در فرآیندی عقلایی، اطلاعات حاوی مطالب ارزشمند را به سراسر پیکره اجتماعی منتقل نمایند، تا پالایشی ضروری را در جامعه میسر سازند. به این ترتیب جریانی از پویایی، تحول و احساس رضایت از زندگی خصوصی و اجتماعی در روندی دموکراتیک و به‌منظور اداره هرچه خردمندانه‌تر امور عمومی و حفظ حریم خصوصی امکان‌پذیر و عقاید مردم عصر حاضر را در تعاملی آزاد و معقول شکل می‌دهد که از طریق نهادها و سازمان‌های دموکراتیک در عرصه همگانی نمود می‌یابد.

هابرماس، نقش رسانه‌های جمعی و سایر نهادهای اطلاعاتی را در جامعه به‌عنوان شرکای اصلی تشکیل‌دهنده، محافظ و سالم‌سازنده آن برمی‌شمارد و می‌گوید که در اواخر سده بیستم، حاکمیت مطلق اندیشه‌های مبتنی بر نفع پرستی بنگاه‌های اقتصادی، جهانی‌شدن اقتصاد، خصوصی‌سازی، مقررات زدایی و یک‌قطبی شدن حاکمیت قدرت‌های بین‌المللی، سبب نابودی این گستره گردیده است. وبستر معتقد است

¹ Jürgen Habermass



هابرماس بدبینی دلسردکننده و داوری تند در مورد دموکراسی دارد و آن را چیزی فریب آمیز می‌داند که توده‌های مردم قربانیان منفعل در برابر روندهای تبلیغاتی آن هستند، درحالی که مردم دارای خلاقیت‌های قابل ملاحظه‌ای بوده و ما شاهد استفاده جالب آنان از تکنولوژی‌های جدید نظیر کامپیوترهای شخصی، دستگاه‌های فاکسی مایل و دوربین‌های ویدئویی بوده‌ایم که آن‌ها را در راستای توسعه مبادله اطلاعات میان خود به کار می‌برند. با توجه به این امر ما باید موافق باشیم که چنین پیشرفت‌هایی به درک قابلیت دموکراتیک تکنولوژی‌های اطلاعاتی از طریق توسعه عرصه‌هایی از زندگی اجتماعی که میان دولت و خانواده واقع شده و ما آن را جامعه مدنی می‌نامیم و احتمالاً گستره همگانی در آن‌ها استقرار یافته است، کمک می‌کنند (همان: ۲۸۴-۲۱۲).

یان وان دایک^۱

وان دایک بر این باور است که زیرساخت‌های جامعه جدید فناوری‌هایی هستند که در تعاریف کلاسیک از جامعه، صرفاً یکی از ابعاد را شامل می‌شود. درحالی که امروزه جامعه معادل با فناوری است و همچنین بر این باور است که ترکیب شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، زیرساخت اصلی و بنیادی جهان معاصر را می‌سازد. وان دایک دو شکل یا دو نوع انقلاب را بر ظهور جامعه شبکه‌ای مؤثر می‌داند:

۱- انقلاب ارتباطات ساختاری^۲: در دوره انقلاب ارتباطات ساختاری یک سری تغییرات بنیادی در هماهنگ‌سازی زمان و مکان ایجاد می‌شوند. در این دوره، رسانه می‌تواند شکلی از ارتباط تثبیت شده در مکان باشد. به علاوه می‌توان یک لحظه‌ای ارتباطی^۳ را به یک‌زمان معین متصل ساخت. این انقلاب ما را قادر می‌سازد زمان را پل بزنیم. پل زدن زمان و مکان از مختصات مهم این دوره است.

۲- انقلاب ارتباطات تکنیکی^۴: در انقلاب ارتباطات تکنیکی دگرگونی‌های اصلی در ساختارهای ارتباطات، اتصالات، حافظه‌های مصنوعی، یا بازتولید محتوای آن‌ها رخ می‌دهد. این انقلاب از نیمه قرن نوزدهم به وقوع پیوست و مبتنی بر ابداع و ساخت ارتباطات راه دور به وسیله کابل‌ها و شبکه‌های کابلی است.

وان دایک بعد از ارائه این طبقه‌بندی، به ظرفیت‌های موجود در ارتباطات نوین می‌پردازد. از نظر وی مهم‌ترین خصوصیت رسانه‌های نوین یکپارچگی و ادغام است؛ یعنی فرآیند ایجاد همگرایی^۵. (محمد پور، ۱۳۸۵).

¹ Yan Van Dyke

² Structural Communication Revolution

³ Communicational Moment

⁴ Technical Communication Revolution

⁵ Convergence



روش پژوهش

پژوهش حاضر کیفی و از نوع دلفی است. از آنجایی که برای متغیر نفوذ شبکه‌ای فضاهای مجازی نیازمند شناسایی عوامل نفوذ شبکه‌های مجازی تلگرام و اینستاگرام هستیم، بنابراین در این تحقیق از روش دلفی استفاده شد. با کمک روش دلفی باهدف اصلی دستیابی به قابل اطمینان‌ترین اجماع گروهی از نظرات خبرگان به واسطه یک سری از پرسشنامه‌های متمرکز همراه با بازخورد کنترل‌شده، عوامل نفوذ شبکه‌های اجتماعی شناسایی شده است. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل‌شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد (آدلر و زیگو^۱، ۱۹۹۶). از نظر نوع این تحقیق در دسته تحقیقات کاربردی جای می‌گیرد.

جامعه مورد مطالعه شامل مدیران و کارشناسان مرتبط در سیاست هستند که شرایط زیر را داشته باشند.

۱- باید حداقل ۱۰ سال سابقه کاری در حوزه سیاست داشته باشند و روش‌های مؤثر در فعالیت سیاسی را به خوبی بشناسند.

۲- در مورد معیارهای ارزیابی و انتخاب (مانند رأی دادن، اخبار، احزاب، اطلاعات سیاسی داخلی، اطلاعات سیاسی منطقه و بین‌الملل و ...) اطلاعات کافی داشته باشند.

۳- در مورد سیاست ایران و ویژگی‌های و وضعیت آن در ایران و جهان مطلع باشند.

۴- در مورد نحوه ارزیابی و انتخاب سیاستمداران، مشارکت سیاسی مردم و نگرش سیاسی داشته باشند.

پس از تعریف ویژگی‌های فوق، وضعیت کلیه مدیران و کارشناسان مرتبط در سیاست توسط محقق با بهره‌گیری از اطلاعات موجود و برخی موارد مصاحبه با افراد، بررسی شد و تعداد ۱۳ نفر واجد شرایط بودند.

از نمونه‌گیری در دسترس استفاده می‌شود و ۱۳ نفر از جامعه مورد تحلیل از خبرگان به‌عنوان نمونه مشارکت نمودند.

یافته‌های تحقیق

نمونه مورد مطالعه، متشکل از ۱۳ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی، سیاسی و رسانه هستند که هم به لحاظ علمی و هم تجربی متخصص به شمار می‌آیند. از ۱۳ نفر افراد پاسخگو ۹ نفر مرد و ۴ نفر زن بوده‌اند. بیشترین رده سنی افراد پاسخگو بین ۳۲ تا ۴۴ سال قرار گرفته است که شامل ۱۱ نفر و کمترین رده سنی افراد پاسخگو بیشتر از ۴۵ سال است، که ۲ نفر می‌باشند. بالاترین میزان تحصیلات افراد پاسخگو و شاغل در خبرگان این حوزه در سطح دکترا بوده است که ۸ نفر و کمترین میزان تحصیلات نیز

¹ Adler And Zigo



مربوط به افراد مورد مصاحبه‌ای است که تحصیلات خود را فوق لیسانس اعلام کرده‌اند که این میزان برابر با ۵ نفر می‌باشد.

از مجموع ۱۳ نفر از افراد تحت نمونه در مجموع ۹ نفر میزان سابقه کاری خود را بالاتر از ۱۵ سال اعلام کرده‌اند که بیشترین فراوانی را در برداشته است. ۴ نفر سابقه کاری خود را بین ۱۰ تا ۱۵ سال اعلام کرده‌اند. مشروح تمامی اطلاعات دریافتی از مصاحبه شونده‌گان حاضر در نمونه آماری و درصد فراوانی آن‌ها، در جدول ۱ به‌طور کامل درج گردیده است:

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

توزیع درصد		ویژگی‌های جمعیت شناختی
زن	مرد	جنسیت
۳۰.۸ درصد	۶۹.۲ درصد	
۴۵ سال و بالاتر	۳۲ تا ۴۴	وضعیت سنی
۳۸.۴ درصد	۶۱.۵	
فوق لیسانس	دکتری	تحصیلات
۳۸.۵	۶۱.۵	
۱۵ سال و بیشتر	۱۰ تا ۱۵ سال	سابقه کار
۶۹.۲	۳۰.۸	

مهمترین یافته‌های بدست آمده از ادبیات تحقیق در مورد نفوذ شبکه‌های مجازی در جدول ۲- ارائه شده است.

جدول ۲- دسته‌بندی عوامل مورد اشاره در مصاحبه‌های اولیه با خبرگان

شاخص‌ها
بومی‌سازی فناوری موجود در فضای مجازی
میزان دسترسی مردم به ابزار هوشمند
مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی
ارتقای نظام تبادل دانش و فناوری در سطح بین‌الملل
انحصارطلبی شرکت‌های خاص
نظارت بر عملکرد کاربران مجازی برای جلوگیری از بروز تخلف و جرائم



شناسایی نیاز مخاطب و جامعه
توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب
آشنایی با سواد مخاطبان
افزایش تمایل به استفاده و وقت گذراندن در فضا
توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان
توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان
توجه به کاربری آسان
توجه به فرهنگ جامعه
روزآمدی شبکه‌های اجتماعی
امنیت بالا شبکه‌های اجتماعی
کسب‌وکار مجازی در شبکه‌های اجتماعی
تبلیغ مجازی در شبکه‌های اجتماعی

در این پژوهش، پس از انجام مرحله مطالعه ادبیات، تعدادی مصاحبه با اعضای جامعه هدف صورت گرفت. این مصاحبه‌ها به صورت ساختاریافته و هدفمند انجام گردید. یعنی بر اساس ساختار کلی عامل‌ها، از مصاحبه‌شوندگان نسبت به تجربیات خاص آن‌ها در هر زمینه مربوط، سوالاتی پرسیده شد و اساس روند مطالب مورد بحث در مصاحبه‌ها، بر اساس دسته‌بندی کلی صورت گرفته برای عوامل تأثیرگذار حاصله از مرحله مطالعه ادبیات بوده است. پس از اتمام مصاحبه‌های صورت گرفته، تعدادی از افراد گروه به نکاتی خارج از یافته‌های مرحله اول نیز اشاره کردند که محقق را بر آن داشت تا مجدداً سعی بر مرور منابع دیگر نماید و برای این عوامل مورد اشاره و استفاده توسط خبرگان نیز، منابع علمی شناسایی نماید. پس از دسته‌بندی عوامل، نفوذ شبکه‌های مجازی، پرسشنامه‌ی دلفی بر اساس این دسته‌بندی شامل ۳۲ گویه که هر یک معرفی کننده یکی از عوامل نفوذ شبکه‌های مجازی است، طراحی و مراحل دلفی برگزار شد. مقدار ضریب همابستگی کندال برای سنجش میزان اتفاق نظر خبرگان در دور اول ۰.۰۵۹۲ به دست آمد. خلاصه نکات و عوامل مورد اشاره توسط خبرگان که کمتر در ادبیات پژوهش به آن‌ها اشاره شده بود، در جدول ۳ دسته‌بندی گردید:

جدول ۳- نتایج دور اول دلفی

نام گروه عوامل	شماره	نام عامل اثرگذار	امتیاز	انحراف معیار
----------------	-------	------------------	--------	--------------



10.30495/JSCC.2024.20015



0.599	4.23	امکانات فناوری	۱	تاملی بودن
0.854	2.30	محیط ارتباطی	۲	
0.800	2.84	درک مخاطب	۳	
0.599	2.20	دیدگاه ترکیبی	۴	
0.375	2.15	فرامکانی و فرازمانی	۵	خصوصیات ساختی
0.438	2.15	سرعت در انجام اکور	۶	
0.559	2.23	آزادی اطلاعات و ارتباطات	۷	
0.862	4.07	پوشش انواع انتقال اطلاعات و ارتباطات	۸	
0.375	2.84	جذابیت و تنوع	۹	
0.688	2.85	روزآمدی	۱۰	
0.277	2.07	امنیت بالا	۱۱	خصوصیات کاربردی
0.506	2.38	انواع ارتباطات	۱۲	
0.960	2.61	تحصیل	۱۳	
0.751	3.30	تنوع و سرگرمی	۱۴	
0.554	4.15	تسهیل امور	۱۵	
0.438	2.23	تجارت الکترونیک	۱۶	
0.375	2.15	کسب و کار مجازی	۱۷	
0.960	2.61	تبلیغ مجازی	۱۸	
0.438	2.23	شناسایی نیاز مخاطب و جامعه	۱۹	مخاطب شناسی
0.277	2.07	توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب	۲۰	
0.921	1.53	آشنایی با سواد مخاطبان	۲۱	
0.560	4.30	افزایش تمایل به استفاده و وقت گذراندن در فضا	۲۲	
0.281	3	توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان	۲۳	
0.480	2	توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان	۲۴	
1	1.53	توجه به کاربری آسان	۲۵	
0.751	3.15	توجه به فرهنگ جوامع	۲۶	سیاست‌گذار مدیریتی
0.660	1.61	بومی‌سازی فناوری موجود در فضای مجازی	۲۷	
0.767	1.46	میزان دسترسی مردم به ابزار هوشمند	۲۸	
0.660	2.61	مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی	۲۹	



0.960	2.61	ارتقای نظام تبادل دانش و فناوری در سطح بین‌الملل	۳۰
0.967	2.53	انحصارطلبی شرکت‌های خاص	۳۱
0.277	4.07	نظارت بر عملکرد کاربران مجازی برای جلوگیری از بروز تخلف و جرائم	۳۲

در دور دوم دلفی، مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی که از پژوهش‌های قبلی شناسایی و در مرحله اول روش دلفی از سوی محقق در اختیار اعضای پانل قرار گرفته بود، تعداد ۳۲ عامل در پنج دسته تقسیم‌بندی گردید که به ترتیب ۴ عامل مربوط به عوامل مرتبط با تعاملی بودن، ۷ عامل مرتبط با خصوصیات ساختی، ۷ عامل مربوط به خصوصیات کاربردی، ۸ عامل مرتبط با مخاطب شناسی و درنهایت ۶ عامل مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریتی و حقوقی، تدوین شد. سپس، مجدداً پرسشنامه در اختیار اعضای پانل قرار گرفت اما با این تفاوت که این بار، امتیاز هر عامل نوشته شده بود تا افراد بتوانند با توجه به دید جمعی، مجدداً نظر خود را نسبت به عامل‌ها درج نمایند. نتایج رتبه‌بندی حاصل از جمع‌آوری دیدگاه‌های مذاکره‌کنندگان در دور دوم، مبین افزایش ضریب کندال است که به‌نوعی میزان توافق بیشتر را نشان می‌دهد، که برابر با ۰.۶۴۱ می‌باشد و بیانگر بهبود روند به میزان قابل توجهی می‌باشد، از این رو، نیاز است تا یک دور دیگر فرآیند ادامه یابد تا اختلاف نظر بین دو مرحله به حداقل برسد.

جدول ۴- رتبه‌بندی عوامل تعیین کننده نفوذ شبکه‌های مجازی در پایان دور دوم دلفی

شماره	نام عامل اثرگذار	امتیاز
۱	افزایش تمایل به استفاده و وقت گذراندن در فضا	4.30
۲	امکانات فناوری	4.23
۳	تسهیل امور	4.15
۴	پوشش انواع انتقال اطلاعات و ارتباطات	4.07
۵	نظارت بر عملکرد کاربران مجازی برای جلوگیری از بروز تخلف و جرائم	4.07
۶	تنوع و سرگرمی	3.30
۷	توجه به فرهنگ جوامع	3.15
۸	توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان	3
۹	روزآمدی	2.85
۱۰	درک مخاطب	2.84
۱۱	جذابیت و تنوع	2.84
۱۲	تحصیل	2.61



2.61	تبلیغ مجازی	۱۳
2.61	مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی	۱۴
2.61	ارتقای نظام تبادل دانش و فناوری در سطح بین الملل	۱۵
2.53	انحصارطلبی شرکت‌های خاص	۱۶
2.38	انواع ارتباطات	۱۷
2.30	محیط ارتباطی	۱۸
2.23	آزادی اطلاعات و ارتباطات	۱۹
2.23	تجارت الکترونیک	۲۰
2.23	شناسایی نیاز مخاطب و جامعه	۲۱
2.20	دیدگاه ترکیبی	۲۲
2.15	فرامکانی و فرازمانی	۲۳
2.15	سرعت در انجام اکور	۲۴
2.15	کسب و کار مجازی	۲۵
2.07	امنیت بالا	۲۶
2.07	توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب	۲۷
2	توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان	۲۸
1.61	بومی‌سازی فناوری موجود در فضای مجازی	۲۹
1.53	آشنایی با سواد مخاطبان	۳۰
1.53	توجه به کاربری آسان	۳۱
1.46	میزان دسترسی مردم به ابزار هوشمند	۳۲

در دور سوم، اعضای پنل مجدداً نظر خود را راجع به هر یک از مؤلفه‌ها و گویه‌های آن اعلام کردند. که ضریب هم‌هنگی کندال باز به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرد و به عدد ۰.۶۴۸ رسید. از آنجائی که مقدار ضریب هم‌هنگی در دور سوم نسبت به دور دوم تنها به میزان ۰.۷ افزایش پیدا کرد و با توجه به اینکه میزان اجماع و اتفاق نظر اعضاء در دو دور، رشد قابل توجهی را نشان نمی‌دهد، لذا می‌توان به تکرار دوره‌های دلفی پایان داد.

جدول ۵- نتایج دور سوم دلفی

نام گروه عوامل	شماره	نام عامل اثرگذار	امتیاز دور	امتیاز دور دوم	امتیاز دور	انحراف معیار
----------------	-------	------------------	------------	----------------	------------	--------------



10.30495/JSCC.2024.20015



	سوم	اول			
تاملی بودن	0.44	4.54	4.53	4.23	۱ امکانات فناوری
	0.72	2.90	2.63	2.30	۲ محیط ارتباطی
	0.70	3.1	2.80	2.84	۳ درک مخاطب
	0.86	2.60	2.90	2.20	۴ دیدگاه ترکیبی
خصوصیات ساختنی	0.69	2.88	2.84	2.15	۵ فرامکانی و فرازمانی
	0.75	2.95	2.76	2.15	۶ سرعت در انجام اکور
	0.77	3.28	3.15	2.23	۷ آزادی اطلاعات و ارتباطات
	0.68	4.50	4.46	4.07	۸ پوشش انواع انتقال اطلاعات و ارتباطات
	0.80	3.24	3.07	2.84	۹ جذابیت و تنوع
	0.66	3.34	3	2.85	۱۰ روزآمدی
	0.71	3	2.76	2.07	۱۱ امنیت بالا
	0.49	3.4	3	2.38	۱۲ انواع ارتباطات
	0.50	3.6	3.30	2.61	۱۳ تحصیل
	0.71	3.92	3.69	3.30	۱۴ تنوع و سرگرمی
خصوصیات کاربردی	0.50	4.47	4.38	4.15	۱۵ تسهیل امور
	0.71	2.82	2.76	2.23	۱۶ تجارت الکترونیک
	0.82	3.37	3.23	2.15	۱۷ کسب و کار مجازی
	0.74	3.47	2.84	2.61	۱۸ تبلیغ مجازی
	0.66	3.2	2.76	2.23	۱۹ شناسایی نیاز مخاطب و جامعه
	0.80	3.65	3.3	2.07	۲۰ توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب
	0.632	3.6	3.3	1.53	۲۱ آشنایی با سواد مخاطبان
	0.64	4.84	4.53	4.30	۲۲ افزایش تمایل به استفاده و وقت گذراندن در فضا
مخاطب شناسی	0.71	3.85	3.23	3	۲۳ توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان
	0.52	3.75	3.5	2	۲۴ توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان
	0.68	3.31	3.2	1.53	۲۵ توجه به کاربری آسان
	0.70	4.1	3.23	3.15	۲۶ توجه به فرهنگ جوامع
	0.74	2.3	2	1.61	۲۷ بومی‌سازی فناوری موجود در فضای



مجازی					
0.63	2.40	2.38	1.46	میزان دسترسی مردم به ابزار هوشمند	۲۸
0.832	3.34	3.23	2.61	مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی	۲۹
0.64	3	2.84	2.61	ارتقای نظام تبادل دانش و فناوری در سطح بین‌الملل	۳۰
0.71	3.4	3	2.53	انحصارطلبی شرکت‌های خاص	۳۱
0.72	4.82	4.80	4.07	نظارت بر عملکرد کاربران مجازی برای جلوگیری از بروز تخلف و جرائم	۳۲

مراحل روش دلفی در پژوهش حاضر در سه دور به انجام رسید، انحراف معیار پاسخ‌های اعضای پنل در دور اول در خصوص اهمیت عوامل تأثیرگذار بر نفوذ شبکه‌های مجازی ۰.۶۲ محاسبه گردید. همچنین مقدار ضریب هم‌هنگی کندال برای سنجش میزان اتفاق نظر خبرگان در دور اول ۰.۰۵۹۲ به دست آمد. در دور دوم و سوم معیار نظرات اعضای پنل درباره میزان اهمیت عوامل تأثیرگذار به ترتیب ۰.۵۷ و ۰.۴۶ محاسبه گردید. ضریب هم‌هنگی کندال نیز میزان توافق و اجماع خبرگان در دوره‌های دوم و سوم را به ترتیب ۰.۰۶۴۱ و ۰.۶۴۸ نشان داد.

جدول ۶- رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار در پایان دور سوم دلفی

شماره	نام عامل اثرگذار	امتیاز دور سوم
۱	افزایش تمایل به استفاده و وقت‌گذراندن در فضا	4.84
۲	نظارت بر عملکرد کاربران مجازی برای جلوگیری از بروز تخلف و جرائم	4.82
۳	امکانات فناوری	4.54
۴	پوشش انواع انتقال اطلاعات و ارتباطات	4.50
۵	تسهیل امور	4.47
۶	توجه به فرهنگ جوامع	4.1
۷	تنوع و سرگرمی	3.92
۸	توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان	3.85
۹	توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان	3.75
۱۰	توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب	3.65



3.6	تحصیل	۱۱
3.6	آشنایی باسواد مخاطبان	۱۲
3.47	تبلیغ مجازی	۱۳
3.4	انواع ارتباطات	۱۴
3.4	انحصارطلبی شرکت‌های خاص	۱۵
3.37	کسب‌وکار مجازی	۱۶
3.34	روزآمدی	۱۷
3.34	مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی	۱۸
3.31	توجه به کاربری آسان	۱۹
3.28	آزادی اطلاعات و ارتباطات	۲۰
3.24	جذابیت و تنوع	۲۱
3.2	شناسایی نیاز مخاطب و جامعه	۲۲
3.1	درک مخاطب	۲۳
3	امنیت بالا	۲۴
3	ارتقای نظام تبادل دانش و فناوری در سطح بین‌الملل	۲۵
2.95	سرعت در انجام اکور	۲۶
2.90	محیط ارتباطی	۲۷
2.88	فرامکانی و فرازمانی	۲۸
2.82	تجارت الکترونیک	۲۹
2.60	دیدگاه ترکیبی	۳۰
2.40	میزان دسترسی مردم به ابزار هوشمند	۳۱
2.3	بومی‌سازی فناوری موجود در فضای مجازی	۳۲

پس از پایان مراحل دلفی در جهت شناسایی امتیازها، عواملی که در دور سوم دلفی دارای امتیاز بالای ۳ بودند را به‌عنوان عوامل اثرگذار طبق جدول ۷ در گروه خود رتبه‌بندی نموده که درنهایت ۲۳ عامل دارای امتیاز بالای ۳ مشخص گردید که از این تعداد، ۲ عامل مربوط به تعاملی بودن، ۴ عامل مربوط به خصوصیات ساختی، ۶ عامل مربوط به خصوصیات کاربردی، ۸ عامل مربوط به مخاطب شناسی و ۳ عامل مربوط به سیاست‌گذاری مدیریتی و حقوقی مشخص گردید. عامل مخاطب شناسی بیشترین و مهم‌ترین تأثیر را بر فرآیند نفوذ شبکه‌های اجتماعی داشته است. این نکته بیانگر این واقعیت است که مخاطبین نقش سازنده‌ای بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی دارند.

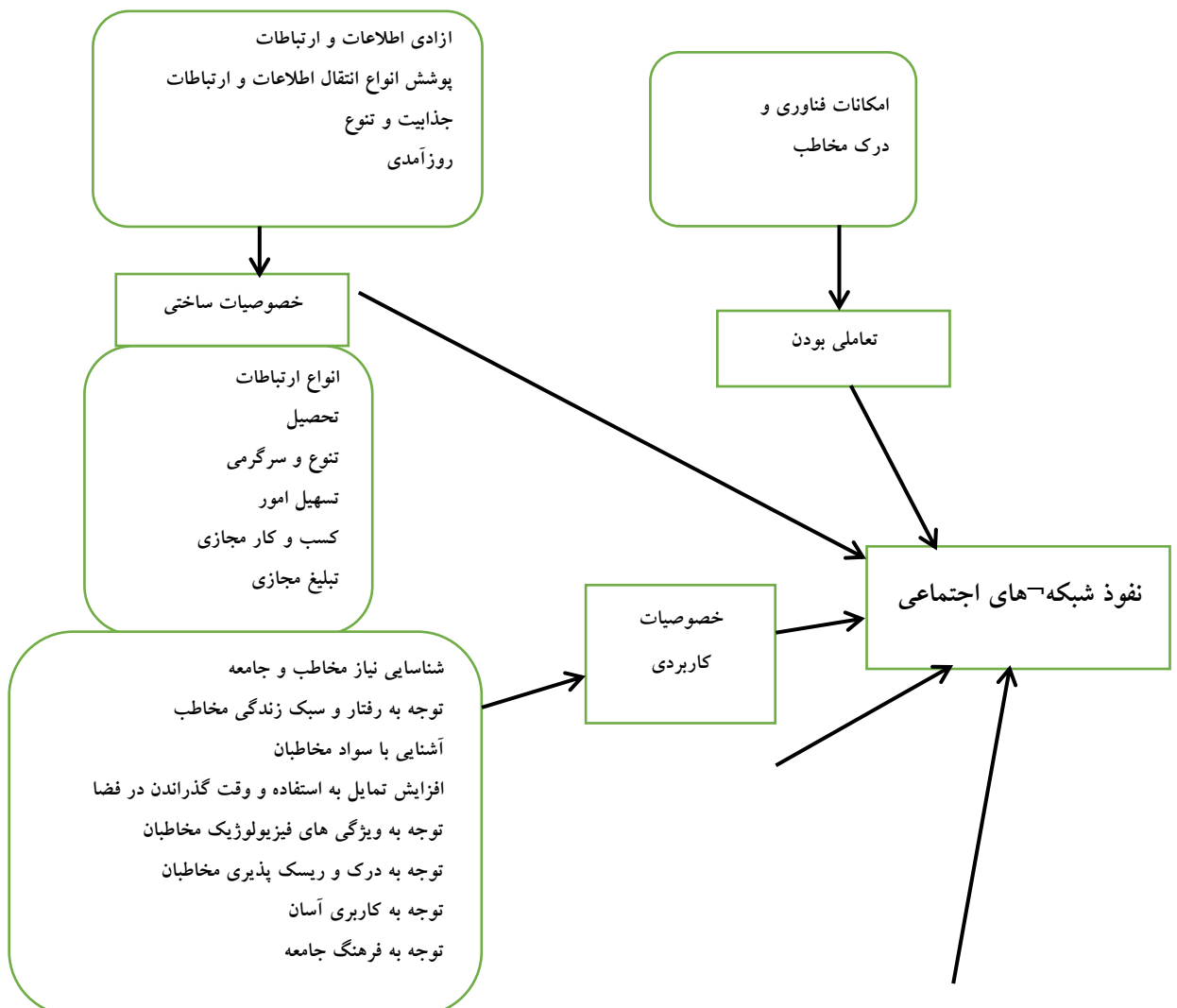


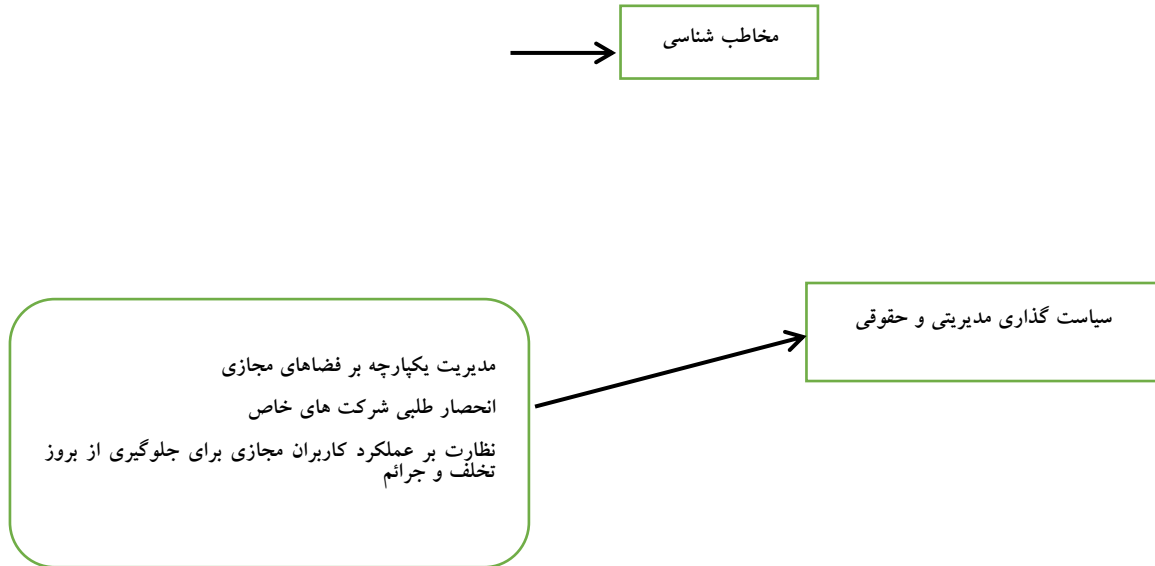
جدول ۷- رتبه‌بندی نهایی عوامل تأثیرگذار بر اساس امتیاز بالا

امتیاز دور سوم	نام عامل اثرگذار	شماره	
4.54	امکانات فناوری	۱	بودن تاملی
3.1	درک مخاطب	۲	
3.28	آزادی اطلاعات و ارتباطات	۱	ساختی خصوصیات
4.50	پوشش انواع انتقال اطلاعات و ارتباطات	۲	
3.24	جذابیت و تنوع	۳	
3.34	روزآمدی	۴	
3.4	انواع ارتباطات	۱	خصوصیات کاربردی
3.6	تحصیل	۲	
3.92	تنوع و سرگرمی	۳	
4.47	تسهیل امور	۴	
3.37	کسب و کار مجازی	۵	
3.47	تبلیغ مجازی	۶	
3.2	شناسایی نیاز مخاطب و جامعه	۱	مخاطب شناسی
3.65	توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب	۲	
3.6	آشنایی با سواد مخاطبان	۳	
4.84	افزایش تمایل به استفاده و وقت گذراندن در فضا	۴	
3.85	توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان	۵	
3.75	توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان	۶	
3.31	توجه به کاربری آسان	۷	
4.1	توجه به فرهنگ جوامع	۸	
3.34	مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی	۱	سیاست گذاری مدیریتی و حقوقی
3.4	انحصارطلبی شرکت‌های خاص	۲	
4.82	نظارت بر عملکرد کاربران مجازی برای جلوگیری از بروز تخلف و جرائم	۳	



بر اساس آنچه از تحلیل دلفی و دیدگاه خبرگان حاصل شده است طبق مدل اکتشافی زیر عوامل نفوذ شبکه های اجتماعی، عبارتند از: تعاملی بودن، خصوصیات ساختی، خصوصیات کاربردی، مخاطب شناسی، سیاست گذاری مدیریتی و حقوقی. بنابراین مدل شکل ۱ برای عوامل موثر بر نفوذ شبکه های اجتماعی مجازی ارائه گردید.





شکل ۱- مدل تحلیلی اکتشافی شناسایی عوامل نفوذ شبکه های اجتماعی

نتیجه گیری

این تحقیق با عنوان شناسایی عوامل نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانشجویان صورت پذیرفت. در این راستا محقق باهدف شناسایی عوامل نفوذ شبکه‌های اجتماعی با مصاحبه با جامعه خبرگان، شامل ۱۳ نفر که در حوزه علوم اجتماعی، سیاسی و رسانه بوده و به لحاظ علمی و تجربی متخصص به شمار می‌آیند مصاحبه نمود. از نمونه مورد مطالعه، ۸ نفر دارای مدرک دکتری و ۵ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند. ۹ نفر مرد و ۴ نفر زن بوده‌اند. بیشترین رده سنی افراد پاسخگو بین ۳۲ تا ۴۴ سال قرار گرفته است که شامل ۱۱ نفر و کمترین رده سنی افراد پاسخگو بیشتر از ۴۵ سال است، که ۲ نفر می‌باشند.

محقق بر اساس عوامل نفوذ شبکه‌های اجتماعی استخراج شده از نظریه‌ها و پیشینه تحقیق پرسشنامه‌ای را تدارک دیده و در مرحله اول تحلیل دلفی میان جامعه خبرگان توزیع نمود. پس از تحلیل نتایج پرسشنامه ۲ عامل دیگر به ۳ عامل شناخته شده در بخش مدل استخراجی از بخش نظری که شامل مخاطب شناسی و سیاست گذاری مدیریتی و حقوقی است به سه عامل تعاملی بودن، خصوصیات ساختی و کاربردی اضافه گردید.

سپس مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار بر نفوذ شبکه‌های اجتماعی که از پژوهش‌های قبلی شناسایی و از سوی محقق در اختیار اعضای پانل قرار گرفته بود، تعداد ۳۲ عامل در پنج دسته تقسیم‌بندی گردید که به ترتیب ۴ عامل مربوط به عوامل مرتبط با تعاملی بودن، ۷ عامل مرتبط با خصوصیات ساختی، ۷ عامل



مربوط به خصوصیات کاربردی، ۸ عامل مرتبط با مخاطب شناسی و درنهایت ۶ عامل مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریتی و حقوقی، تدوین شده است. در این دور با ۱۳ نفر پاسخگو با ضریب کندانال برابر با ۰.۵۹۲ برای دور اول، ۰.۶۴۱ برای دور دوم و ۰.۶۴۸ برای دور سوم رسید. از آنجائی که مقدار ضریب هماهنگی در دور سوم نسبت به دور دوم تنها به میزان ۰.۷ افزایش پیدا کرد و با توجه به اینکه میزان اجماع و اتفاق نظر اعضاء در دو دور، رشد قابل توجهی را نشان نداد، لذا به تکرار دوره‌های دلفی پایان داده شد.

درنهایت به اولویت بندی مطابق جدول ذیل دست پیدا کردیم:

جدول ۸- اولویت بندی عوامل

شماره	نام عامل اثرگذار	امتیاز دور سوم
۱	امکانات فناوری	4.54
	درک مخاطب	3.1
۲	آزادی اطلاعات و ارتباطات	3.28
	پوشش انواع انتقال اطلاعات و ارتباطات	4.50
	جذابیت و تنوع	3.24
	روزآمدی	3.34
۳	انواع ارتباطات	3.4
	تحصیل	3.6
	تنوع و سرگرمی	3.92
	تسهیل امور	4.47
	کسب و کار مجازی	3.37
	تبلیغ مجازی	3.47
۴	شناسایی نیاز مخاطب و جامعه	3.2
	توجه به رفتار و سبک زندگی مخاطب	3.65
	آشنایی با سواد مخاطبان	3.6
	افزایش تمایل به استفاده و وقت گذراندن در فضا	4.84
	توجه به ویژگی‌های فیزیولوژیک مخاطبان	3.85
	توجه به درک و ریسک‌پذیری مخاطبان	3.75
	توجه به کاربری آسان	3.31
	توجه به فرهنگ جوامع	4.1



3.34	مدیریت یکپارچه بر فضاهای مجازی	۱	سیاست گذار
3.4	انحصارطلبی شرکت‌های خاص	۲	

وسایل ارتباط جمعی در نهادینه ساختن پلورالیسم سیاسی، تبیین دیدگاه‌های احزاب مختلف و ترویج دموکراسی و... جایگاه ممتازی دارد، به‌خصوص در دوران گذار، کمک شایانی در پشت سر گذاشتن بحران می‌کنند. چراکه از مؤلفه‌های اصلی دوران گذار، وجود رسانه‌هایی همگانی با رویکرد جمع‌گرا به ارزش‌های مدرن سیاسی و اجتماعی می‌باشد، زیرا که تنوع و تکثر رسانه‌های همگانی، موجب ارائه راهکارهای کثرت‌گرایانه فرهنگی سیاسی بر دگردیسی بنیادهای سنتی جامعه، عمیقاً تأثیرگذار بوده و موجب تسریع در روند جدید سیاسی و نهادینگی هنجارهای مدرن اجتماعی می‌گردد. در واقع برجستگی و برازندگی نقش رسانه‌ها در پیشرفت دموکراسی و تثبیت آن به‌عنوان یک الگوی مدرن سیاسی دارای نیرویی دگرگون‌ساز در روابط و ارتباطات غیرقابل‌انکار است.



منابع

- استیونس، نیک، ۱۳۸۴، رسانه های جدید و جامعه اطلاعاتی، ترجمه پرویز ایزدی. فصل نامه رسانه، سال شانزدهم، ش (۲)، تابستان، ص ۷۸-۱۲۰.
- حمید ضیایی پرور، حمید؛ عقیلی، سید وحید، ۱۳۸۸، بررسی نفوذ شبکه های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، رسانه سال بیستم زمستان ۱۳۸۸ شماره ۴ (پیاپی ۸۰).
- ساروخانی، باقر، ۱۳۹۱، جامعه شناسی ارتباطات، چ هفدهم، تهران: نشر اطلاعات.
- سردارنیا، خلیل الله، ۱۳۸۸، «اینترنت، جنبش های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض ها: بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی»، پژوهش های ارتباطی، سال شانزدهم، ش ۴، ص ۱۶۷-۱۵۰.
- شکر خواه، یونس، ۱۳۸۴، سایبر ژورنالیسم، تهران: نشر ثانیه.
- محمد پور، احمد، ۱۳۸۵، جامعه شبکه ای: ابعاد اجتماعی رسانه جدید. نشریه جهانی رسانه (پایگاه نشریات الکترونیک دانشگاه تهران) . [WWW . globalmediajournal](http://WWW.globalmediajournal)
- معتمد نژاد، کاظم، ۱۳۸۴، جامعه اطلاعاتی اندیشه های بنیادی، دیدگاه های انتقادی و چشم اندازهای جهانی؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، مرکز پژوهش های ارتباطات.
- مک کی، هیوم، ۱۳۸۶، تحقیق در جامعه اطلاعاتی ترجمه رامین کریمیان. تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه ها
- مهدی زاده، سید محمد، ۱۳۸۹، نظریه های رسانه :اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی، تهران :نشر همشهری، چ اول.
- نورمحمدی، مرتضی، ۱۳۸۸، چالش فرهنگ و هویت در فضای مجازی، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۲.
- وبستر، فرانک، ۱۳۸۳، نظریه های جامعه اطلاعاتی، ترجمه: اسماعیل قدیمی، تهران، انتشارات قصیده سرا.



The effect of social health and social support components on the balanced distribution of power in the family

Abolhasan Difarakhsh¹, Ismail Jahanbakhsh^{*2}, Shapoor Behian, Saeed Irani^{3,4}

(Received date: 2023/09/08 - Accepted date: 2024/06/17)

Abstract:

Nowadays, studying the health, growth and excellence of the family and the flow of power in it, along with the development of other institutions of the society, has found great importance and necessity. Therefore, the aim of the research is to investigate the impact of social health and social support components on balanced power distribution in Behbahan families. This research is of quantitative type and descriptive-analytical method and is considered practical in terms of purpose. The statistical population includes households living in Behbahan city, which is a total of 36,245 households. To calculate the sample size, Cochran's formula was used and 588 households were selected by multi-stage cluster method. The tool for collecting information is a researcher-made questionnaire, the validity of the content was confirmed by the review of expert professors in this field. The reliability of the instrument was calculated and confirmed by Cronbach's alpha statistic. The findings showed that the path coefficient of social support on power distribution is equal to 0.351 and the value of t-statistic is equal to 4.870. Therefore, social health and its components have an effect on the balanced distribution of power in Behbahan city. Also, the results show that the coefficient of the path of social support on the balanced distribution of power is equal to 0.483 and the value of t-statistic is equal to 7.962. As a result, social health and its components have an effect on the balanced distribution of power in Behbahan city.

Keywords: Social health, social support, balanced distribution of power, Behbahan city, family.

¹ PhD in Sociology, Behbahan Faculty of Medical Sciences and Health Services, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Dehagan Branch, Dehagan, Iran (corresponding author): esmsiljahan@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Mobarakeh Branch, Mobarakeh, Iran. behyan@yahoo.com

⁴ PhD in Sociology Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran saeed.irani7@gmail.com



تاثیر مولفه‌های سلامت اجتماعی و حمایت اجتماعی در توزیع متوازن قدرت در خانواده

ابوالحسن دیفرخش^۱، اسماعیل جهانبخش*^۲، شاپور بهیان^۳، سعید ایرانی^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸)

چکیده:

امروزه مطالعه سلامت، رشد و تعالی خانواده و جریان قدرت در آن، همپای توسعه سایر نهادهای جامعه، اهمیت و ضرورت فراوان یافته است. لذا هدف پژوهش بررسی تاثیر مولفه‌های سلامت اجتماعی و حمایت اجتماعی بر توزیع قدرت متوازن در خانواده‌های شهر بهبهان می‌باشد. این پژوهش از نوع کمی و روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و از نظرهدف کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری شامل خانوارهای ساکن در شهر بهبهان می‌باشد، که جمعاً ۳۶۲۴۵ خانوار است. برای احتساب حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده و تعداد ۵۸۸ خانوار به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای گزینش گردید. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است که اعتبار محتوا به واسطه بررسی اساتید صاحب نظر در این حوزه مورد تایید قرار گرفت. پایایی ابزار با آماره آلفای کرونباخ محاسبه و تایید گردید. یافته‌ها نشان داد که ضریب مسیر حمایت اجتماعی بر توزیع قدرت برابر ۰/۳۵۱ و مقدار اماره t برابر ۴/۸۷۰ است. بنابراین سلامت اجتماعی و مولفه‌های آن بر توزیع متوازن قدرت در شهر بهبهان تاثیر دارد. همچنین نتایج نشان دهنده آن است که ضریب مسیر حمایت اجتماعی بر توزیع متوازن قدرت برابر ۰/۴۸۳ و مقدار اماره t برابر ۷/۹۶۲ است در نتیجه، سلامت اجتماعی و مولفه‌های آن بر توزیع متوازن قدرت در شهر بهبهان تاثیر دارد.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی، حمایت اجتماعی، توزیع متوازن قدرت، شهر بهبهان، خانواده.

-
۱. دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرستان بهبهان، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران
esmsiljahan@yahoo.com
 ۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران (نویسنده مسئول):
behyan@yahoo.com
 ۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، مبارکه، ایران.
 ۴. دکتری جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
saeed.irani7@gmail.com



مقدمه:

خانواده به عنوان اولین و پر اهمیت‌ترین نهاد جامعه و بستر رشد و تعالی نسل‌های آینده، دارای نقش پر رنگ و اساسی در اجتماعی کردن، نقش‌پذیری، نهادی سازی الگوها و منش‌های زیست مردمان پس از دوران بلوغ و تعیین و تکوین کیفیت گفتگوی قدرت در خانواده و تداوم چرخه‌ی قدرت در آینده‌ی جوامع، نقش اساسی دارد. همچنین با تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع پس از انقلاب صنعتی یکی از اثرات درخور توجه این دگرگونی‌های کلان اجتماعی، تغییر در نقش جنسیت است؛ در پی این تغییرات نقش‌هایی که مردان و زنان به شکل سنتی ایفا می‌کردند دچار تحول شد. قاعده کلی مبنی بر این که مردان در حکم نان‌آور خانه و صاحب قدرت باشند و زنان در حکم خانه‌دار، بچه‌دار و شوهردار و فرودست در خانه به هم خورد. گفتنی است که نقش زنان به مراتب بیش‌تر از نقش مردان دچار دگرگونی شد، تا آنجا که تغییر نقش جنسیت با تغییر نوع فعالیت و وظایف زن در جامعه مترادف شد. یکی از دلایل عمده این امر این است که با آمدن تغییر بزرگ، نقش مردان کم‌تر، اما نقش کیفی زنان به مراتب بیشتر دگرگون شد.

قدرت، متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد، گروه، و حتی روابط مرسوم بین افراد باید مورد توجه قرار گیرد و خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست و می‌توان نوع روابط قدرت را در آن مورد بررسی قرار داد. وبر، قدرت را امکان تحمیل اراده‌ی یک فرد بر رفتار دیگران تعریف می‌کند و از دیدگاه پارسونز، قدرت، امکان دست‌یابی به تسهیلاتی است که تصرف آن‌ها مطلوب، و عرضه‌ی آن‌ها نسبت به تقاضا محدود است. در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که از راه رفتارهای عینی اعضا قابل مشاهده است و معمولاً شاخص عمده‌ی تعیین میزان قدرت زن و شوهر در روابط متقابل‌شان، الگوی مشارکت در تصمیم‌گیری است. گاتسویین دل و مک مولین، تقسیم کار خانگی درون خانواده را شکلی از روابط قدرت بین زن و شوهر می‌دانند.

سلامت اجتماعی کیفیت روابط فرد با افراد دیگر، از جمله نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که فرد عضو آن‌ها است تعریف می‌کند و به نظر او مقیاس سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد را می‌سنجد که شامل آن دسته از پاسخ‌های درونی فرد است که نشان دهنده رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی و محیط اجتماعی او می‌باشد (لارسون، ۱۹۹۶: ۱۸۳). این در برگیرنده سطوح مهارت‌های اجتماعی و عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود، به عنوان عضوی از جامعه‌ی بزرگتر است. در واقع زندگی سالم، محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب‌های فرد از یک سو و محیط اجتماعی، اقتصادی احاطه کننده فرد از سوی دیگر است (زکی و خشوعی، ۱۳۹۲: ۸۰). افراد سالم در مورد شرایط و آینده جامعه امیدوار هستند، آن‌ها می‌توانند توانایی‌های خود را در جمعی که در آن قرار دارند شناسایی کنند (کییز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۳۵۴).

متغیر دیگر که به اساس آمار در شرایط کرونا به شدت متأثر شده است حمایت اجتماعی می‌باشد. به نظرکوهن (۲۰۰۴) حمایت اجتماعی، یک شبکه اجتماعی است که برای افراد منابع روان‌شناختی و محسوسی را فراهم می‌کند تا بتوانند با شرایط استرس‌زای زندگی و مشکلات روزانه کنار بیایند پژوهش‌ها



از جمله فلمینگ، مک گوان، رابینسون و اسپیتز (2019) به طور ثابت بر نقش تعدیل کننده حمایت اجتماعی بر استرس تأکید داشته‌اند. استروبی و همکاران (۲۰۰۵) اشاره کردند که حمایت اجتماعی به مثابه یک تعدیل کننده تجربه سوگ عمل می‌کند. افرادی که فقدان را تجربه می‌کنند وقتی از حمایت اجتماعی برخوردارند بهتر با آن کنار می‌آیند و بهبودی از تجربه سوگ با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. کوین (2013) نشان داد حمایت اجتماعی به گونه‌ای مثبت با کیفیت زندگی مرتبط است. کوب حمایت اجتماعی را به میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضاء خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف کرده است (به نقل از صدق‌پور و همکاران، ۱۳۸۹).

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی بعد اجتماعی سلامتی شامل سطوح مهارت‌های اجتماع، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به عنوان عضوی از جامعه بزرگتر است، به طور کلی، از دید سلامت اجتماعی هرکس عضوی از افراد خانواده و عضو یک جامعه بزرگتر به حساب می‌آید و بر شرایط اقتصادی و اجتماعی و رفاه «تمامیت شخص» در رابطه با شبکه ی اجتماعی، توجه می‌شود. ریشه سلامت اجتماعی در «محیط زیست مادی مثبت» (یعنی متوجه بر موضوعات اقتصادی و اقامتی) و «محیط زیست انسانی مثبت» است که شبکه‌ی اجتماعی مشخص را در نظر می‌گیرد. بعد اجتماعی سلامت از دو جنبه قابل بررسی است؛ یکی ارتباط سالم فرد با جامعه، خانواده، مدرسه و محیط سلامت اجتماعی و دیگری سلامتی کلی جامعه که با توجه به شاخص‌های بهداشتی قابل مقایسه می‌توان سلامت جامعه را تعیین و با هم مقایسه کرد (سید نوازی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). حمایت اجتماعی صورت گرفته به رفتارها یا اعمال خاصی اشاره دارد که توسط دیگران انجام می‌گیرد، بطوریکه آن‌ها عملاً اشکالی از حمایت و دستیاری را ارائه می‌دهند. رفتارهای حمایتی شامل فعالیت‌هایی چون گوش دادن، اظهار علاقه، قرض دادن پول، کمک در انجام دادن وظایف، مطرح کردن پیشنهادات، ارائه تدبیر و راهکار و اظهار محبت است. سنجش حمایت اجتماعی صورت گرفته بر آن چیزی تأکید دارد که افراد بطور واقعی در فراهم آوردن حمایت اجتماعی انجام می‌دهند (خیر اله پور، ۱۳۸۳).

خانواده (در کنار مدرسه و رسانه) به عنوان محل زیست و مبادله‌ی نقش‌های الگویی گروه مرجع و محل برخورد دیگران مهم و بازیگران اصلی عرصه‌ی زندگی اجتماعی، به لحاظ نقش تربیتی آن در درونی کردن رفتارهای مورد انتظار، نگرش‌ها، وظایف و جهان بینی‌هایی که یک جامعه به هر جنس نسبت می‌دهد و از سوی دیگر به نقش‌پذیری و تثبیت جایگاه قدرت در درجه‌ی اول اهمیت در بین سایر نهادها قرار دارد. از سوی دیگر در دوره‌ی مدرن و پسامدرن، در پی جنبش‌های مدنی برابر خواه مفهوم قدرت در جوامع همواره مورد تحلیل و کنکاش بوده و روز به روز بستر برابری و تعادل قدرت در شکل‌های مختلف آن فراهم‌تر می‌گردد. پوشش زنان، کسب تحصیلات زنان، کارکردن زنان در کنار مردان در خارج از خانه و کارکردن مردان در خانه در کنار زنان پیوسته باعث تنش و تعارضات فراوان شد. بدین ترتیب، ویژگی‌های زندگی



خانوادگی بیش تر از قبل در معرض دید قرار گرفت و زندگی مشترک بر اثر این تغییرات دچار بحران‌های بسیاری شد.

این فرایند در چارچوب جامعه‌شناسی شهری با مفهوم فضای شهر در هم تنیده است " فضای شهری آن بخش از فضا است که به وسیله شهر اشغال شده است و یا دست کم به ضرورت کارکرد درونی، کانون‌های جمعیتی مورد استفاده قرار گرفته است، این فضا مشتمل است بر محدوده‌های ساخته شده، شبکه راه‌های ارتباطی، قرارگاه‌ها مؤسسات صنعتی مؤسسات حمل و نقل، باغستان‌ها، اماکن ویژه سرگرمی و تفریح، محل‌های مخصوص گذران اوقات فراغت، یعنی آن بخش از فضا که در دسترس شهرنشینان قرار دارد فضای کاملاً مجهز که به سبب انبوهی و تراکم شدید مؤسسات و رقابت بسیار سخت در امر استفاده از زمین، فضایی گران قیمت به حساب می آید امری که به سبب لزوم دستیابی به حداکثر سودآوری، در نهایت به تمرکز فعالیت‌های بسیار فشرده و متراکم می انجامد که در متر مربع بیشترین میزان بازدهی را دارند. ایجاد دگرگونی در این فضا به مراتب دقیق تر و پرهزینه تر از فضاهای دیگر است و علت آن گسترش دامنه جریانها در بخش محدودی از فضاست. از این رو در اینجا سرو کار با فضایی است که در برابر دگرگونی‌ها و نوآوری‌ها، واکنشی مساعد از خود ابراز می‌دارد؛ فضایی که با این همه، بر اثر رویدادهای که خود عرصه آن بوده در چند دهه اخیر ناگزیر به تحمل دگرگونی‌های بسیار شدید شده است" (دولفوس، ۱۳۷۴؛ ۱۰۳).

قدرت در همه روابط متقابل بین افراد جاری است، شکل تصمیم‌گیری‌ها و انجام کارها در گروه، خانواده را متأثر می‌سازد. لذا قدرت، متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد، گروه، و حتی روابط مرسوم بین افراد باید مورد توجه قرار گیرد. ساختار قدرت در خانواده به معنی جریان روابط و سلسله مراتب بالاسری و پایین سری و کیفیت گفتگوی قدرت در درون خانواده را شامل می‌گردد. ساختار قدرت در خانواده از جمله مواردی است که حساسیت پژوهشگران و اندیشمندان را به لحاظ اهمیت روز افزون «خانواده» در حفظ و پایداری جوامع به عنوان امروزی‌ترین چشم‌اندازهای مطالعاتی جامعه‌شناسی خانواده، بر انگیخته است. بنظر می‌رسد ساختار قدرت، در رابطه با نوگرایی و عوامل مرتبط، دگرگونی‌های خاصی را به خود دیده باشد.

در ایران و خصوصاً " شهر بهبهان " با آغاز ورود فرآیند نوسازی و خصوصاً گسترش روند شهرنشینی، همگانی شدن نظام آموزشی در کشور، رشد ارتباطات اجتماعی و به دنبال آن آشنایی با تحولات ساختاری در سایر جوامع، خانواده‌ی ایرانی هم دست‌خوش تغییرات شد. تا چند دهه‌ی قبل، شکل مسلط خانواده در ایران، خانواده‌ی گسترده‌ی تابع سنت و مذهب بود، که ریاست اصلی آن در اختیار پدر بود و در ساختار سلسله مراتبی قدرت، شوهر یا پدر خانواده در رأس هرم قرار می‌گرفت، اما این شکل از روابط قدرت با ورود نوسازی به ایران، همانند غرب، دچار تغییر شد. لذا هدف پژوهش حاضر تاثیر مولفه‌های سلامت



اجتماعی و حمایت اجتماعی بر توزیع قدرت متوازن نسبی در خانواده مناطق مختلف شهر بهبهان می‌باشد. لذا برای دستیابی به هدف مذکور پاسخ به سوال زیر ضروری می‌نماید:

تاثیر مولفه‌های سلامت اجتماعی و حمایت اجتماعی بر توزیع قدرت متوازن نسبی در خانواده‌های شهر بهبهان چگونه است؟

چارچوب نظری:

از دیدگاه فوکو، قدرت چیزی است که در مالکیت دولت، طبقه حاکمه و یا شخص حاکم نیست، بر عکس قدرت یک استراتژی است: قدرت نه یک نهاد و نه یک ساختار بلکه "وضعیت استراتژیکی پیچیده" و "کثرت روابط میان نیروها" است. هر جا قدرت هست، مقاومت هم هست و قدرت در واقع برای برقراری خود نیازمند وجود شمار کثیری از نقاط مقاومت است. به عبارت دیگر شبکه روابط قدرت در عین حال همواره با مجموعه‌ای از اشکال مقاومت است. بر طبق تحلیل فوکو "قدرت" تنها بر روی افراد آزاد و اعمال آن‌ها اعمال می‌شود و آنان را برمی‌انگیزد تا از میان گزینه‌های مختلف دست به انتخاب بزنند. از همین رو شرط وجود قدرت، رابطه مستمر آن با مبارزه، مقاومت و آزادی است. اما هر جا نافرمانی و مقاومت به پایان برسد، رابطه قدرت هم پایان می‌یابد (فوکو، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۸).

چارچوب نظری پژوهش شامل تلفیق نظریه‌های مبادله بلاو و ولف، تفکیک نقش‌های پارسونز و قشربندی جنسیتی کالینز" می‌باشد. بلاو و ولف براین عقیده‌اند که تئوری منابع بر این فرض استوار است که قدرت تصمیم‌گیری هر یک از زوجین رابطه مستقیمی با میزان مشارکتی که هر یک از زوجین در تأمین نیازهای ارزشمند دارند. یک منبع با ارزش به عنوان چیزی تعریف می‌شود که «یک همسر ممکن است برای دیگری در دسترس قرار می‌دهد، رضایت او را در تأمین نیازها و رسیدن به اهدافش تأمین کند». نظریه منابع نوع خاص تر از نظریه مبادله است. بلاو و ولف به طور خاص بر منابع درآمد اشتغال و تحصیلات تمرکز می‌کنند و معتقدند بین این متغیرها و میزان قدرت در تصمیم‌گیری رابطه مثبت وجود دارد.

در تئوری تفکیک نقش‌ها که پارسونز معتقد است که دو عنصر عمده برای تشکیل خانواده وجود دارد که تفکیک بر مبنای جنسیت و تفکیک بر مبنای سن است. پارسونز معتقد است که تفکیک نقش‌ها با یکدیگر مرتبط است و قدرت، محور این تمایز است که حاوی درجه نفوذ کمی است. وی معتقد است که بزرگسالان در امور خانواده، به عنوان یک سیستم، بیش از کوچکترها تاثیر می‌گذارند و با بزرگ شدن فرزندان در خانواده کاهش می‌یابد.

از نظر کالینز، زمانی که یک جنس وسایل زور را کنترل می‌کند این جنس توان بهره‌گیری از این قدرت را برای تسلط بر جنس مقابل دارد و از این طریق می‌تواند یک نظام جنسیتی نابرابر را ایجاد کند و از طرفی



دیگر، وقتی یکی از دو جنس به طور نسبی منابع مادی را در کنترل خود دارد این جنس صاحب قدرتی خواهد شد که توان کنترل روابط جنسیتی را خواهد داشت و از این طریق می‌تواند این شکل از کنترل رابطه را به نظام خانواده سرایت دهد. در چنین مواقعی جنس با قدرت کم باید در پی اخذ منابعی باشد تا بر عدم برتری قدرت مادی و اقتصادی فائق شود.

از دیدگاه کالینز، این گونه فعالیت‌های عام نابرابری جنسیتی به لحاظ تاریخی مورد پذیرش مردان هستند چرا که مردان امکان بکارگیری سلطه و قدرت را در برخورد با زنان دارند و از این برتری کنترل منابع اقتصادی و تا حد زیادی، سیاسی و ایدئولوژیک به نفع خودشان بهره برداری می‌کنند.

در این میان سلامت اجتماعی به عملکرد افراد در جامعه اشاره دارد و فقدان یا نقصان سلامت اعضاء یک جامعه، از دیدگاه اجتماعی سبب ناتوانی افراد در ایفای نقش‌های اجتماعی، اختلال در نظم اجتماعی و ناتوانی جامعه در دستیابی جامعه به سطح معینی از توسعه می‌شود (فیروز بخت و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۹۰). زمانی فرد را می‌توان واجد سلامت اجتماعی دانست که بتواند فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف انجام دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال نماید (همتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). پس مفهوم سلامت اجتماعی به عنوان بعد مهمی از سلامت به معنای توانایی برقراری روابطی مثبت با دیگران استکسانی که در این زمینه عملکرد خوبی دارند همیشه نگران سلامت اجتماعی دیگران هستند و می‌توانند با آنها احساس همدردی کنند (افشانی و شیرینی محمد آباد، ۱۳۹۶: ۲). لایکوک، سلامت اجتماعی را به معنایشراط و رفاه افراد در شبکه روابط اجتماعی خانواده، اجتماع و ملت تعریف می‌کند (همتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). در تعاریفی که از سلامت اجتماعی گردیده، به جنبه‌های مختلف حیات فردی در جامعه توجه گردیده است؛ از این رو سلامت اجتماعی از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد که این عوامل هم در درون شخص و هم در بیرون از افراد قرار دارند و سلامت کل جامعه و افراد نتیجه تعامل‌هایی از جمله وراثت، محیط زیست، سبک زندگی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، درآمد سرانه و غیره است (جنا آبادی، ۱۳۹۶: ۴۶).

به نظر کیز (۲۰۰۶) مدل ترکیبی، سلامت اجتماعی شامل پنج بعد است که نشان می‌دهد که آیا عملکرد افراد در زندگی اجتماعی خوب است، این ابعاد عبارتند از: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، وابستگی یا انطباق اجتماعی (کیز، ۲۰۰۶: ۳۹۶).

الف) انسجام اجتماعی؛ یعنی ارزیابی فرد از کیفیت روابط متقابلش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. ب) مشارکت اجتماعی؛ که شامل ارزیابی فرد از ارزش اجتماعی خود است. ج) پذیرش اجتماعی؛ بیانگر درک فرد از خصوصیات و صفات افراد جامعه به عنوان یک کلیت است. د) شکوفایی اجتماعی؛ در برگیرنده ارزیابی پتانسیل‌ها و مسیر تکامل جامعه و باور به اینکه که اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد. ه) وابستگی یا انطباق اجتماعی؛ دانستن و علاقمند بودن به



جامعه و مفاهیم مربوط به این که اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش بینی است. افراد سالم و اجتماعی در مقابل مسائل اجتماعی مراقبت هستند و احساس می‌کنند که می‌تواند آنچه را که در اطرافشان رخ می‌دهد را درک کنند (راد و محمدزاده، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

در پژوهش احتشامی اکبری، شاخص‌های، انتظار زندگی، درآمد اشخاص در مقابل هزینه‌های اساسی و خط فقر، گرانی، تورم، سلامت خانوادگی و... مؤثر بر سلامت اجتماعی شناخته شده است (احتشامی اکبری، ۱۳۸۳: ۲۹). در مطالعه لوری و کریستین، عواملی که سلامت اجتماعی را تبیین می‌کنند، عبارتند از: زندگی در فقر، بیکاری مداوم، از دست دادن کار، نبود امکانات حمل و نقل، استرس، احساس محرومیت، نیاز به حمایت اجتماعی، استفاده از مواد مخدر، عدم مراقبت‌های بهداشتی (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵۴) گلد اسمیت، شاخص‌های سلامت اجتماعی را یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سلامت هر کشوری معرفی می‌کند و سلامت اجتماعی را ارزیابی رفتار معنی دار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران تعریف می‌نماید (یزدان پناه و نیک ورز، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

حمایت اجتماعی به این مسأله می‌پردازد که فرد در زندگی خود و هنگام مشکلات از هم‌فکری و مساعدت‌های اطرفیان خود (خانواده و دوستان و...) بهره‌مند شود و بتواند با آن‌ها احساس نزدیکی کند. در این تحقیق حمایت در برگیرنده کارکردهای حمایتی؛ یعنی شکل‌های متفاوت کمک و یاری است که فرد در صورت داشتن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منابع ساختاری حمایت اجتماعی مانند پیوند قوی، شبکه‌های اجتماعی و عضویت گروهی می‌تواند از انواع مساعدت‌ها و کمک‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی برخوردار شود. حمایت عاطفی کمک گرفتن از دیگران هنگام برخورد با دشواری‌ها است. با بررسی این شاخص به تأثیرگذاری حمایت عاطفی در توانمندی زنان توجه می‌شود. حمایت اجتماعی و میزان آن تابع روابط اجتماعی است فرد در قالب پیوند با دیگران یا عضویت در گروه‌ها و اجتماعات دارد. بستری که این روابط را برای فرد فراهم می‌کند جامعه است. جامعه زمینه‌ساز و بستر شکل‌گیری روابطی است که فرد می‌تواند داشته باشد. لذا برای داشتن رابطه می‌باید با جامعه ارتباط برقرار کرد، یکی از طریق روابط اجتماعی با دیگران و دیگری از طریق عضویت اجتماعی در اجتماعات که این دو نحوه ارتباط با جامعه، دامنه روابط اجتماعی فرد را برای به دست آوردن حمایت اجتماعی تعیین می‌کند (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱).

ساراسون (۲۰۱۸) و دیگران حمایت اجتماعی را دارای ابعاد پنج‌گانه می‌دانند: (۱) حمایت عاطفی: داشتن مهارت لازم در کمک گرفتن از دیگران هنگام برخورد با دشواری‌ها است؛ (۲) حمایت شبکه اجتماعی: به معنای دسترسی به عضویت در شبکه‌های اجتماعی است؛ (۳) حمایت خود ارزشمندی: این که دیگران در دشواری‌ها یا فشارهای روانی به وی بفهمانند که او فردی ارزشمند است و می‌تواند با به کارگیری توانایی‌های ویژه خود بر دشواری‌ها چیره شود؛ (۴) حمایت ابزاری: دسترسی داشتن به منابع مالی و خدماتی



در سختی‌ها و دشواری‌ها گفته می‌شود؛ ۵) حمایت اطلاعاتی: می‌تواند اطلاعات مورد نیاز خود را برای درک موقعیت به دست آورد.

روش تحقیق:

تحقیق موجود به لحاظ هدف یک مطالعه کاربردی و به لحاظ زمانی، چون به یک برهه زمانی خاص مربوط است؛ مقطعی است. از نظر گردآوری داده‌ها یک بررسی پیمایشی - میدانی است. چرا که این روش احتمالاً بهترین روش موجود برای تحقق هدف این تحقیق و آن دسته از پژوهندگان اجتماعی است که علاقه مند به جمع‌آوری داده‌های اصلی برای توصیف جمعیت‌های بزرگ هستند که نمی‌توان بطور مستقیم آن‌ها را مشاهده کرد. با نمونه‌گیری احتمالی دقیق می‌توان گروهی از پاسخگویان را فراهم کرد که ویژگی‌های آنان منعکس‌کننده ویژگی‌های جمعیت بزرگ تر باشد هم چنین این روش وسیله خوبی برای سنجش نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها است. می‌توان از پیمایش‌ها برای هدف‌های توصیفی و اکتشافی استفاده کرد. ابزارگردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است؛ که اعتبار آن از طریق اعتبار صوری و توسط متخصصان امر و پایایی از آلفای کرونباخ محاسبه و تایید می‌شود.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق:

توزیع قدرت در خانواده:

ساختار قدرت در خانواده به معنی جریان روابط و سلسله مراتب بالاسری و پایین سری و کیفیت گفتگوی قدرت در درون خانواده را است. ساختار قدرت در خانواده از جمله مواردی است که حساسیت پژوهشگران و اندیشمندان را به لحاظ اهمیت روز افزون (خانواده) در حفظ و پایداری جوامع به عنوان امری ترین چشم اندازهای مطالعاتی جامعه شناسی خانواده، بر انگیزته است. بنظر می‌رسد ساختار قدرت، در رابطه با نوگرایی و عوامل مرتبط، دگرگونی‌های خاصی را به خود دیده باشد.

توزیع نسبی قدرت در خانواده در ابعاد (میزان تقارن در روابط خانواده، شیوه اعمال قدرت در خانواده) میزان مجاب سازی)، حوزه و قلمرو قدرت زن و شوهر در خانواده (اشتراک عملی در تصمیم‌گیری) و در قالب طیف لیکرت پرسیده خواهد شد و مجموع نمرات، معیار ساختار قدرت است. پایایی به روش آلفای کرونباخ محاسبه و به صورت کلی و برای هر یک از عوامل جداگانه محاسبه گردید. بر اساس اطلاعات جدول و مطابق آزمون آلفای کرونباخ انجام شده، ملاحظه می‌شود که ضریب پایایی آلفا در همه موارد بالاتر از مقدار مطلوب ۰/۷ بالاتر است، بنابراین سوالات دارای پایایی لازم می‌باشند.



جدول ۱. آزمون آلفای کرونباخ

مقدار آلفا	متغیرها
۰/۷۷۶	سلامت اجتماعی
۰/۷۰۳	حمایت اجتماعی
۰/۷۵۳	توزیع قدرت متقارن نسبی

حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸)

برای سنجش حمایت اجتماعی از مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸) استفاده گردید. این مقیاس، مشتمل بر ۱۲ ماده است که سه مؤلفه: حمایت ادراک شده از سوی خانواده (۴ ماده)، حمایت ادراک شده از سوی افراد مهم (۴ ماده)، و حمایت ادراک شده از سوی دوستان (۴ ماده) را سنجش می‌کند. همه ماده‌های این مقیاس، بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافق، نظری ندارم، مخالف و کاملاً مخالف) درجه‌بندی شده‌اند. دامنه نمرات این مقیاس، ۱۲ الی ۶۰ است. این مقیاس با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی بر روی ۱۲ ماده در این پژوهش انجام شد. در این پژوهش با توجه به اهداف تحقیق تنها از خرده مقیاس‌های حمایت خانواده و حمایت افراد مهم که مجموع ۸ سؤال می‌شود، استفاده شد. ادواردز (۲۰۰۴) از پایایی و روایی این ابزار حمایت کرده است. همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب حمایت خانواده؟، حمایت افراد مهم؟ است.

معرفی پرسشنامه سلامت اجتماعی کییز (KSWBQ)

این پرسشنامه در سال ۲۰۰۴ توسط کییز ساخته شده است. سلامت اجتماعی دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، اقتصادی و سیاسی است و عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند.

جدول ۲. مؤلفه‌های پرسشنامه:

سؤالات	مؤلفه
2.9.110.12.16.21	انسجام اجتماعی
1.11.13.20.22.29.33	انطباق اجتماعی



32.3.4.24.26.28	مشارکت اجتماعی
5.7.15.17.18.25.30	شکوفایی اجتماعی
6.8.14.23.27.31	پذیرش اجتماعی

این پرسشنامه دارای ۲۰ سؤال است و جواب هر سؤال به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد.

تفسیر پرسشنامه سلامت اجتماعی کبیز

بنابراین پس از جمع بندی و محاسبه نمرات باید به شرح زیر عمل کرد

الف: چنانچه نمره محاسبه شده بین ۲۰ تا ۴۶ باشد، میزان سلامت اجتماعی افراد در حد پایین و ضعیف بوده و باید برنامه ریزی اساسی برای آن انجام شود

ب. چنانچه نمره محاسبه شده بین ۴۷ تا ۷۴ باشد، میزان سلامت اجتماعی افراد در حد متوسط و رو به رشد و باید تقویت شود

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل خانوارهای ساکن در شهر بهبهان می‌باشد، که جمعاً ۳۶۲۴۵ خانوار است. برای انتخاب نمونه از فرمول کوکران با ضریب خطای ۴ درصد استفاده شد. و تعداد ۵۸۸ خانوار به خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شد. پرسشنامه در بین سرپرستان متاهل خانوار پخش می‌گردد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

به شرح زیر می‌باشد:

n: حجم نمونه

N: جامعه آماری

۱/۹۶: ضریب اطمینان t ۹۶٪

۰/۰۴: دقت احتمالی مطلوب d

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq} = \frac{36245 \times (1.96)^2 \times 0.4 \times 0.4}{36245 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.4 \times 0.4} = 588$$



ساختار توزیع قدرت در خانواده (میزان دموکراتیک بودن) در این پژوهش در سه بعد زیر بیا ۴۴ ۱ گویه مورد توجه قرار گرفته است. 0: میزان تقارن در خانواده: منظور از تقارن الگوی میورد اسیتفاده خانواده برای تصمیمگیری در مورد امور مهم و روزمره زندگی است کیه آن را بیه دو بخیش عمیده ؛

یعنی رابطه از نوع متقارن (اشتراک زن و شوهر در تصمیمگیریها) و رابطه از نوع نامتقارن (تصمیم -گیری یکسویه و نابرابرانه) تقسیم کردهاند. ۱. شیوه اعمال قدرت در خانواده (اسیتراتیژی برخی ورد بیا میزان مجابسازی از سوی شوهر و پذیرش آن از سوی زن): منظور این اسیت کیه زن تصمیمات گرفتهشده از سوی شوهر در مورد امور زندگی مشترک و استدنتت وی برای اتخاذ آن تصمیمات را میبذیرد یا خیر؟ ۴. حوزه و قلمرو قدرت زن و شوهر در خانواده: منظور از حوزه و قلمیرو قیدرت، حوزه تصمیمگیری و عمل هریک از زوجین در امور زندگی (امور اقتصادی، روابط اجتماعی و تعیین موالید است.

یافته‌ها:

به منظور ارزیابی سوالات لازم است آماره‌های چولگی و کشیدگی متغیرها جهت ارزیابی نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد آزمون قرار گیرد.

جدول ۳: نتایج تحلیل توصیفی برای متغیرهای تحقیق

متغیر	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین
توزیع متوازن قدرت	-0/120	-0/257	0/083	2/199	2/377	1/971
میزان تقارن در روابط خانواده	-0/818	0/208	0/762	2/809	4/545	1/364
میزان مجاب سازی	-0/206	0/127	0/954	2/687	5/0	1/0
اشتراک عملی در تصمیم گیری	-0/106	0/072	0/866	2/723	5/000	1/000
سلامت اجتماعی	-0/276	-0/124	0/642	3/249	4/90	1/50
شکوفایی اجتماعی	-0/117	-0/038	0/633	3/195	4/75	1/50
همبستگی اجتماعی	-0/459	-0/104	0/958	3/210	5/000	1/000
انسجام اجتماعی	-0/695	-0/127	1/117	3/3170	5/000	1/000
پذیرش اجتماعی	-0/368	-0/103	0/898	3/270	5/0	1/0
مشارکت اجتماعی	-0/716	-0/135	0/836	3/254	5/0	1/2
حمایت اجتماعی	-0/084	-0/498	0/191	0/654	1/000	0/087
حمایت دوستان	-0/916	-0/623	0/335	0/652	1/000	0/000



0/000	1/000	0/658	0/220	-0/665	0/023	حمایت خانواده
0/000	1/000	0/652	0/248	-0/589	-0/202	حمایت دیگران

چولگی بر آورد شده برای کلیه متغیرها در یک بازه نرمال قرار دارد. جهت تحلیل یافته‌های فوق می توان این گونه بیان نمود که متغیرهای فوق از توزیع نرمال برخوردار بوده و می توان در تحلیل عاملی (معادلات ساختاری) بارویکرد کواریانس محور) از سوالات مورد نظر استفاده نمود.

نرمال بودن داده‌ها

از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی توزیع داده‌ها استفاده شده است. با توجه به اینکه داده‌ها نرمال هستند از آزمون‌های پارامتریک استفاده شد.

جدول ۴. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

نتیجه گیری	آماره آزمون	مولفه
نرمال است	0/068	توزیع متوازن قدرت
نرمال است	0/074	میزان تقارن در روابط خانواده
نرمال است	0/072	میزان معجب سازی
نرمال است	0/098	اشتراک عملی در تصمیم گیری
نرمال است	0/058	سلامت اجتماعی
نرمال است	0/128	شکوفایی اجتماعی
نرمال است	0/101	همبستگی اجتماعی
نرمال است	0/091	انسجام اجتماعی
نرمال است	0/051	پذیرش اجتماعی
نرمال است	0/077	مشارکت اجتماعی
نرمال است	0/098	حمایت اجتماعی
نرمال است	0/185	حمایت دوستان
نرمال است	0/174	حمایت خانواده
نرمال است	0/142	حمایت دیگران

با توجه به اینکه آماره کولموگروف اسمیرنوف در تمام متغیرها در بازه ی مورد قبول (-1.96 تا $+1.96$) قرار دارند داده‌ها نرمال بوده و از آنجاییکه سطح معناداری (sig) در تمام موارد از مقدار خطا (0.05) بزرگتر است می توان ادعا نمود که توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است.



ارزیابی مدل ساختاری پژوهش

روایی و پایایی مدل

قبل از تخمین مدل ساختاری باید روایی و پایایی سوالات جهت تخمین مدل اصلی مورد آزمون قرار گیرد. جهت تعیین پایایی در این پژوهش از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ معیار پایایی ترکیبی (CR) استفاده شده است. روایی سوالات با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مورد تایید قرار گرفت.

جدول ۵: روایی و پایایی سازه

متغیر	سطح آماره پایایی مرکب (CR)	ضریب آلفای کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
توزیع متوازن قدرت	0/745	0/773	0/502
میزان تقارن در روابط خانواده	0/777	0/784	0/507
میزان مجاب سازی	0/770	0/882	0/661
اشتراک عملی در تصمیم گیری	0/770	0/723	0/596
سلامت اجتماعی	0/887	0/890	0/524
شکوفایی اجتماعی	0/804	0/883	0/620
همبستگی اجتماعی	0/870	0/862	0/546
انسجام اجتماعی	0/834	0/851	0/634
پذیرش اجتماعی	0/754	0/855	0/689
مشارکت اجتماعی	0/714	0/839	0/514
حمایت اجتماعی	0/865	0/854	0/537
حمایت دوستان	0/888	0/017	0/564
حمایت خانواده	0/718	0/803	0/515
حمایت دیگران	0/738	0/750	0/581

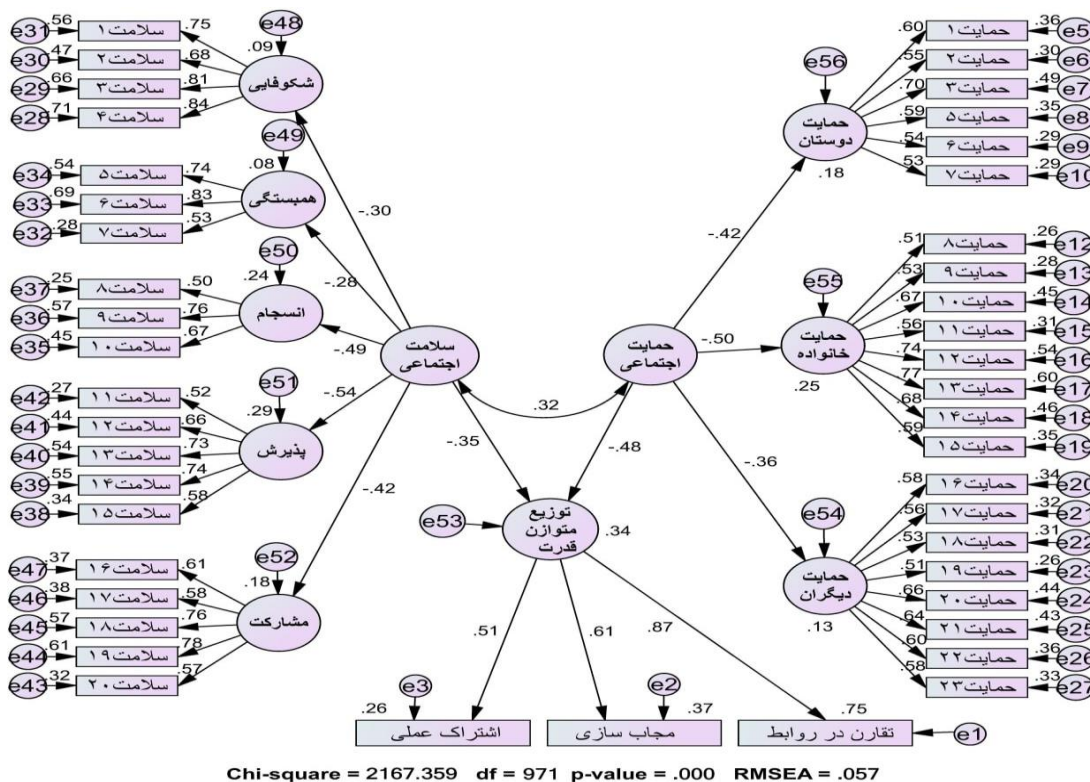
مقدار پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق با توجه به آنکه از مقدار استاندارد $0/7$ بزرگتر است مورد تایید قرار گرفته است. این امر بیانگر آن است که مدل از نظر اعتبار بیرونی قابل قبول است و می توان به ابعاد ساختاری مدل استناد نمود. مطابق با جدول بالا ضریب آلفای کرونباخ برای تمام سازه‌ها مورد نظر بالاتر از



۰/۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. لازم به ذکر است که روایی همگرایی مدل پژوهش با توجه به بزرگتر بودن مقادیر واریانس‌های استخراجی برای متغیرها از مقدار ۰/۵ تأیید شد.

تخمین استاندارد مدل

در این مرحله بار عاملی مربوط به شاخص‌های سنجیده شده هر متغیر پنهان (متغیرهای آشکار) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵ مطلوب هستند و کمتر از آن باید حذف شوند.



شکل ۱: ارزیابی بارهای عاملی مدل ساختاری

با توجه به شکل فوق مشاهده می‌نماییم که تمامی بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمامی گویه‌ها از روایی عاملی مناسبی برخوردار می‌باشند.

شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

جدول زیر شاخص‌های برازش مدل بعد از اصلاح را به همراه مقادیر مطلوب نشان می‌دهد.



جدول ۶. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

مقدار نمایش داده شده در مدل	مقدار مطلوب	نام شاخص
۹۷۱	-	درجه آزادی (df)
۲۱۶۷/۳۵۹	$2 df \leq \chi^2 \leq 3 df$	کای اسکوئر (χ^2)
2/232	از ۳ کم تر	کای اسکوئر بهینه شده (χ^2 ، df)
۰/۸۵۸	۰/۸ به بالا	نیکویی برازش (GFI)
۰/۸۳۷	زیر ۰/۰۹	ریشه میانگین مربعات باقی مانده (RMR)
۰/۹۱۶	۰/۹ به بالا	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
۰/۰۵۷	زیر ۰/۰۸	ریشه‌ی میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
۰/۶۵۹	بین ۰/۶ تا ۱	شاخص نیکویی برازش ایجازی (PCFI)
۰/۶۵۰	بین ۰/۶ تا ۱	شاخص برازش ایجازی هنجار شده (PNFI)

با توجه به نتایج جدول فوق، همان‌طور که مشاهده می‌گردد اکثر شاخص‌های نیکویی برازش در ناحیه پذیرش قرار دارند. بنابراین سوالات مدل ساختاری از برازش مناسب برخوردار است.

ارزیابی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول:

سلامت اجتماعی و مولفه‌های آن بر توزیع قدرت در خانواده‌های شهر بهبهان تاثیر دارد.

جدول ۷. ضریب تعیین و ضریب مسیر سلامت اجتماعی و مولفه‌های آن

p-value	R2	T	ضریب مسیر	متغیر
۰/۰۰۱	0/123	-4/870	0/351	سلامت اجتماعی <-----> توزیع قدرت
۰/۰۰۱	0/088	-3/463	-0/296	شکوفایی اجتماعی <-----> توزیع قدرت
۰/۰۰۱	0/105	-4/149	-0/324	همبستگی اجتماعی <-----> توزیع قدرت
۰/۰۰۱	0/244	-9/646	-0/494	انسجام اجتماعی <-----> توزیع قدرت
۰/۰۰۱	0/294	-11/611	-0/542	پذیرش اجتماعی <-----> توزیع قدرت
۰/۰۰۱	0/179	-7/072	-0/423	مشارکت اجتماعی <-----> توزیع قدرت



جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر حمایت اجتماعی --> توزیع قدرت برابر $0/351$ و مقدار اماره t برابر $4/870$ است که در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار بحرانی $1/96$ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار $0/05$ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات حمایت اجتماعی می تواند تغییر در توزیع قدرت را پیش بینی نماید. بنابراین فرضیه پژوهش تایید و در سطح اطمینان $0/95$ می توان ادعا نمود که: سلامت اجتماعی و مولفه های آن بر توزیع متوازن قدرت در خانواده های شهر بهبهان تاثیر دارد. جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر شکوفایی اجتماعی --> توزیع قدرت برابر $0/296$ و مقدار اماره t برابر $3/463$ است که در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار بحرانی $1/96$ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار $0/05$ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات شکوفایی اجتماعی می تواند تغییر در توزیع متوازن قدرت در خانواده ها را پیش بینی نماید.

جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر همبستگی اجتماعی --> توزیع قدرت برابر $0/324$ و مقدار اماره t برابر $4/149$ است که در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار بحرانی $1/96$ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار $0/05$ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات همبستگی اجتماعی می تواند تغییر در توزیع قدرت را پیش بینی نماید.

جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر انسجام اجتماعی --> توزیع قدرت برابر $0/494$ و مقدار اماره t برابر $9/646$ است که در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار بحرانی $1/96$ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار $0/05$ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات انسجام اجتماعی می تواند تغییر در توزیع قدرت را پیش بینی نماید.

جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر پذیرش اجتماعی --> توزیع قدرت برابر $0/423$ و مقدار اماره t برابر $7/072$ است که در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار بحرانی $1/96$ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان $0/95$ از مقدار $0/05$ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات پذیرش اجتماعی می تواند تغییر در توزیع قدرت در خانواده های شهر بهبهان را پیش بینی نماید.

فرضیه دوم:

حمایت اجتماعی و مولفه های آن بر توزیع قدرت در خانواده های شهر بهبهان تاثیر دارد.

جدول ۸. ضریب تعیین و ضریب مسیر حمایت اجتماعی و مولفه های آن

متغیر	ضریب مسیر	T	R2	p-value
حمایت اجتماعی	-0/483	-7/962	0/233	0/001
حمایت دوستان	-0/427	-6/223	0/182	0/001
حمایت خانواده	-0/507	-8/773	0/257	0/001



۰/۰۰۱	0/132	-4/497	-0/363	حمایت دیگران <-----> توزیع قدرت متوازن
-------	-------	--------	--------	--

جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر حمایت اجتماعی--< توزیع قدرت برابر ۰/۴۸۳ و مقدار اماره t برابر ۷/۹۶۲ است که در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار ۰/۰۵ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات حمایت اجتماعی می تواند تغییر در توزیع قدرت را پیش بینی نماید. بنابراین فرضیه پژوهش تایید و در سطح اطمینان ۰/۹۵ می توان ادعا نمود که : سلامت اجتماعی و مولفه های آن بر توزیع متوازن قدرت در خانواده های شهر بهبهان تاثیر دارد. جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر حمایت دوستان--< توزیع قدرت برابر ۰/۴۲۷ و مقدار اماره t برابر ۶/۲۲۳ است که در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار ۰/۰۵ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات حمایت دوستان می تواند تغییر در توزیع قدرت را پیش بینی نماید.

جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر حمایت خانواده --< توزیع قدرت برابر ۰/۵۰۷ و مقدار اماره t برابر ۸/۷۷۳ است که در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار ۰/۰۵ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات حمایت خانواده می تواند تغییر در توزیع قدرت را پیش بینی نماید.

جدول فوق نشان دهنده آن است که ضریب مسیر حمایت دیگران--< توزیع قدرت برابر ۰/۳۶۳ و مقدار اماره t برابر ۴/۴۹۷ است که در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر و مقدار خطای برآورد شده در سطح اطمینان ۰/۹۵ از مقدار ۰/۰۵ کوچکتر است. در نتیجه تغییرات حمایت دیگران می تواند تغییر در توزیع قدرت خانواده های بهبهان را پیش بینی نماید.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که، سلامت اجتماعی و مولفه های آن بر توزیع متوازن قدرت در خانواده های شهر بهبهان تاثیر دارد. این یافته ها با نتایج پژوهش، منظوری (۱۴۰۲)، اکابری (۱۴۰۱)، جهانبانی (۱۴۰۲)، سلیمی و چیت ساز (۱۳۹۹)، باوی؛ روشنی سالار (۱۳۹۹)، احسان الحق و همکاران (۲۰۲۲)، ام کی ناول و همکاران (۲۰۲۲) تا حدودی همخوانی دارد. همچنین نظریه کبیز (۲۰۰۶) یافته حاضر را تبیین میکند.

سلامت اجتماعی نوعی بهداشت روانی، فردی و اجتماعی است که در صورت تحقق آن در جامعه، شهروندان داری انگیزه و روحیه شاد می باشند و در نهایت جامعه شاداب و سلامت خواهد بود. در واقع زندگی سالم محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب های فردی از یک سو و محیط اجتماعی و اقتصادی افراد، از سوی دیگر است، سلامت اجتماعی در زندگی در واقع همان ارزیابی ها و نگرش های مثبت و منفی



افراد از دیگرانی می- باشد که در طی زندگی روزمره خود با آنان در تعامل اجتماعی هستند. سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد است که در عرصه اجتماع به ظهور می‌رسد، زمانی شخص را واجد سلامت اجتماعی می‌شمیریم که بتواند فعالیتها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف بروز دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال کند (سام آرام، ۱۳۹۱: ۲۴).

این مفهوم را چندین سال بعد دونالد و همکارانش در سال ۱۹۷۸ مطرح کردند و استدلال آنها این بود که سلامت امری فراتر از گزارش علائم بیماری، میزان بیماری‌ها و قابلیت‌های کار کردی فرد است. آن‌ها معتقد بودند که رفاه و آسایش فردی امری متمایز از سلامت جسمی و روانی است. بر اساس برداشت آنها سلامت اجتماعی در حقیقت هم بخشی از ارکان وضع سلامت محسوب می‌شود و هم می‌تواند تابعی از آن باشد (ارانی، ۱۳۸۹؛ تلخیص) طبق نظر کبیر، حلقه‌ی مفقوده در تاریخچه‌ی مطالعات مربوط به سلامت، پاسخ به این سؤال است: آیا ممکن است افراد، کیفیت زندگی و عملکرد شخصی خود را بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کنند؟ کبیر در پاسخ به این سؤال، مفهوم سلامت اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد سلامت مطرح می‌کند. طبق تعریف وس سلامت اجتماعی عبارت است از: ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضو آنهاست (کیس ۱، ۲۰۰۴).

مدل ترکیبی، سلامت اجتماعی کبیر شامل پنج بعد است که نشان می‌دهد که آیا عملکرد افراد در زندگی اجتماعی خوب است، این ابعاد عبارتند از: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، وابستگی یا انطباق اجتماعی (کبیر، ۲۰۰۶: ۳۹۶).

به عبارت دیگر قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب را داشته باشد. در نتیجه سلامت روانی فردی موجد این ویژگی‌هاست: اول فرد نسبت به خود، خانواده و دیگران بی تفاوت نیست و با دیگران سازگاری دارد. دوم به خود و دیگران احترام می‌گذارد و رابطه اش با دیگران سازنده است. سوم، انعطاف پذیر بوده و در مواجهه با مشکلات اجتماعی کنترل خود را از دست نمی‌دهد و چهارم اینکه شناخت او از واقعیت نسبتاً دقیق است و برای رسیدن به هدف‌های خود بر اساس عقل و احساس عمل می‌کند.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که، حمایت اجتماعی و مولفه‌های آن بر توزیع متوازن قدرت در خانواده‌های شهر بهبهان تاثیر دارد

¹ Keyes



این یافته با نتایج پژوهش‌های " منظوری (۱۴۰۲)، اکابری (۱۴۰۱)، جهانبانی (۱۴۰۲)، سلیمی و چیت ساز (۱۳۹۹)، باوی؛ روشنی سالار (۱۳۹۹)، کیانپور، معمار و سعیدی (۱۳۹۹)، یکه کار، آقا بخشی و حسینی (۱۳۹۸)، ملکی و نژاد سبزی (۱۳۸۸)، احسان الحق و همکاران (۲۰۲۲)، ام کی ناول و همکاران (۲۰۲۲) " تا حدودی همخوانی دارد.

حمایت اجتماعی عبارت است از " احساس فرد در مورد اینکه از سوی دیگران مراقبت می‌شود، دوست داشته می‌شود، مورد اعتماد بقیه است، برای وی ارزش قائلند و در نهایت بعنوان بخشی از شبکه ارتباطی محسوب می‌شود و دارای تعهدات متقابل است. " و بالاخره مطرح می‌کنند افراد داری تحصیلات بالا از حمایت اجتماعی برخوردارند و همین امر سلامت روانی (و اجتماعی آنان را ارتقا می‌دهد (خیر اله پور، ۱۳۸۳ به نقل از رز و وو، ۱۹۹۵).

تعریف براندت و وینت از حمایت اجتماعی شامل ایجاد تعلق، صمیمیت، یکپارچگی اجتماعی، فرصت و امکان رفتارهای مثر، ثمر، تضمین مجدد ارزش انسانها و ایفای نقش آنان، امکان کمکهای اطلاعاتی، عاطفی و مادی می‌باشد (خیر اله پور، ۱۳۸۳ به نقل از رانکلین و دیگران، ۲۰۰۰).

استری تر^۱ (۱۹۹۲) در مفهوم سازی‌اش از حمایت اجتماعی خاطر نشان می‌کند که غالب تحقیقات اجتماعی و فرمول بندی‌ها روی سه نوع حمایت اجتماعی تاکید دارند، " حمایت ادراکی^۲ "، " حمایت اجتماعی صورت گرفته^۳ " و " درهم فرورفتگی اجتماعی^۴ " اشاره به ارتباط واقعی افراد با دیگران مهم در زندگی‌شان اشاره دارد).

ابزارهایی که حمایت اجتماعی را بعنوان در هم فرورفتگی اجتماعی مفهوم سازی کرده‌اند بر شبکه اجتماعی^۵ تمرکز دارند یعنی ارتباطات غیر مستقیم و مستقیمی که افراد را با خانواده و دوستان و همسالان نشان پیوند می‌دهد. این ارتباطات معرف منابع اجتماعی است که کار کردهای حمایت اجتماعی را بالقوه در زمان بحران انجام می‌دهد. در هم فرورفتگی اجتماعی به احساس تعلق فرد به جامعه مربوط می‌شود و بر فقدان از خود بیگانگی و انزوای اجتماعی دلالت دارد.

حمایت اجتماعی ادراکی، حمایت را بعنوان (ارزیابی شناختی) روابط فرد با دیگران در نظر می‌گیرد. اندازه گیری حمایت اجتماعی ادراکی نشان می‌دهد که هر گونه رابطه فرد با محیطش به حمایت اجتماعی متجر

¹ Streeter, C.L

² Perceived Support

³ Enacted social support

⁴ Embedeness

⁵ Social Network



نمی‌شود مگر اینکه فرد آن حمایتها را برای ارضای نیازهایش مناسب و قابل دسترس بداند. آن با نیازها و انتظارات دریافت کننده حمایت با شکست مواجه می‌شود.

حمایت اجتماعی صورت گرفته به رفتارها یا اعمال خاصی اشاره دارد که توسط دیگران انجام می‌گیرد، بطوریکه آن‌ها عملاً اشکالی از حمایت و دستیاری را ارائه می‌دهند. رفتارهای حمایتی شامل فعالیت‌هایی چون گوش دادن، اظهار علاقه، قرض دادن پول، کمک در انجام دادن وظایف، مطرح کردن پیشنهادات، ارائه تدبیر و راهکار و اظهار محبت است. سنجش حمایت اجتماعی صورت گرفته بر آن چیزی تاکید دارد که افراد بطور واقعی در فراهم آوردن حمایت اجتماعی انجام می‌دهند.

قابل ذکر است هیچ تعریف جامعی از اینکه حمایت اجتماعی چه چیزی است و چه چیزی نیست وجود ندارد. بنا به اظهار محققان حمایت اجتماعی مفهومی پیچیده و چند بعدی است. "واکس" خاطر نشان می‌کند که هیچ تعریف منفرد و مجزایی از حمایت اجتماعی بوجود نمیاید زیرا حمایت اجتماعی یک "فراسازه" است (خیر اله پور، ۱۳۸۳).

همچنین نظریه کبیز (۲۰۰۶) یافته حاضر را تبیین میکند. مدل ترکیبی، سلامت اجتماعی کبیز شامل پنج بعد است که نشان می‌دهد که آیا عملکرد افراد در زندگی اجتماعی خوب است، این ابعاد عبارتند از: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، وابستگی یا انطباق اجتماعی (کبیز، ۲۰۰۶: ۳۹۶).



منابع و مأخذ:

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی زنان، نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- احمدی‌آهنگ، کاظم (۱۳۹۱). پایان‌نامه‌دولتی-وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه مازندران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی کارشناسی ارشد.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امیرپناهی، محمد (۱۳۸۴). پایان‌نامه کارشناسی ارشد ساختار قدرت در خانواده، مدرسه و بازتولید مشارکت اجتماعی، دانشگاه تهران.
- براون، کن (۱۳۸۵) "مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی" ترجمه داوود رویدل، قم، الف. لام. میم.
- برزین، سیده مریم (۱۳۹۲). رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی دبیران زن متأهل شهر دهدشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی .
- پاکزاده، حسین (۱۳۷۶). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دولفوس، اولیویه (۱۳۷۴). فضای جغرافیایی، ترجمه دکتر سیروس سهامی، انتشارات نیکا، مشهد، چاپ دوم، -دیلینی، تیم (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. ترجمه: بهرنگ صدیقی - وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
- ذوالفقار، محبوبه (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با رضایتمندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه الزهرا (س).
- روحانی، شهریار (۱۳۶۴) "خانواده موعود در مارکسیسم" تهران، انتشارات حکم.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) "نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر" ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ریتزر، جورج؛ گودمن، داگلاس جی (1390). نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول. زناشویی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۳۴.
- زو، پیتر؛ بیان، الکس (۲۰۰۵). مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، آوای نور، تهران.
- ساروخانی باقر، دودمان لیلا (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تاثیر آن بر مشارکت اجتماعی، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان : ۹، دوره ۱، شماره ۱، از صفحه 105 تا صفحه 129.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش.



- ساروخانی، باقر؛ امیرپناهی، محمد (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی، پژوهش زنان، دوره ۴.
- سرینی، واسن (۲۰۰۹). روش‌های پژوهش در زبان دوم ترجمه، خلیل میرزایی و حمید رضا فاطمی پور، تهران، ارسباران.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۹). جامعه شناسی شهری، سازمان سمت.
- شفیعی، فاطمه (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان از ساختار قدرت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، غیر دولتی - مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی - دانشگاه علم و فرهنگ تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- عادل نژاد، بتول (۱۳۹۳). رابطه ساختار قدرت در خانواده و رضایتمندی زناشویی در میان زنان شهرهای یزد و یاسوج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری - دانشگاه یزد - دانشکده علوم اجتماعی.
- عباد نژاد، آذر (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر ساختار قدرت در خانواده با تاکید بر زنان شاغل در شهر اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده علوم اجتماعی
- عباسی یگانه (۱۳۹۴). تاثیر ساختار قدرت در خانواده بر سیاست‌های توسعه ای در حوزه خانواده: نمونه آماری شهر تهران، سیاست‌گذاری عمومی: تابستان ۱۳۹۴، دوره ۱، شماره ۲، از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۲۶.
- عسکری ندوشن، عباس؛ جهانگیر و همکاران (۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه طبقه اجتماعی و ساختار قدرت خانواده در شهر اصفهان، علوم اجتماعی آزاد شوستر، سال ششم، شماره ۱۶.
- علی نژاد، احمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با مشارکت اجتماعی در شهر ملکان (سین ۲۰ تا ۴۰ سالگی)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، استان تهران - مرکز پیام نور تهران.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹). ترجمه: سرخوش، نیکو-جهان‌دیده، افشین، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، صفحه ۲۵-۲۸.
- کاوه فیروز زینب، کرمی فریب (۱۳۹۴). بررسی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی: زنان متاهل شهر تهران. (زن در توسعه و سیاست) پژوهش زنان: تابستان ۱۳۹۴، دوره ۱۳، شماره ۲ از صفحه ۲۹۱ تا ۳۰۸.
- کلاول، پل (۱۳۷۳). جغرافیای نو، ترجمه دکتر سیروس سهامی، ناشر مترجم، مشهد.
- کالدول، جرج؛ اسمیت، هکتور؛ وزینگر، جوشامی (۱۹۹۵). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ ششم، تهران.
- کالینز، رندال (۱۹۷۵). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه و نظریه جنسیتی، ترجمه محمد صادق مهدوی، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صفحه ۲۲۵.



- کانتز، آر، ام، هالتر، ام (۱۳۷۳) "دگرگونی نقش جنسیت پایه در کمون شهری" در جامعه شناسی مدرن، ج ۱ مولف پیتر ورسلی: ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش
- کاوه فیروز، زینب؛ کرمی، فریبا (۱۳۹۴). بررسی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با باروری، استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه خوارزمی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) - دوره ۱۳، شماره ۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه شناسی، ترجمه ی حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی ویراست چهارم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لاو، گرهارد؛ ولف، جین (۱۳۷۰). سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- مدنی پور، محمد (۱۳۷۹). عوامل موثر بر ساخت قدرت در خانواده، «مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۳۰ و ۳۱ - ۲۶۹ - ۲۹۴.
- مه‌دوی محمدصادق؛ صبوری خسرو؛ شاهی حبیب (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، دوره ۱، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
- میشل، آندره (۱۳۵۴) "جامعه شناسی خانواده و ازدواج" ترجمه اردلان، دانشگاه تهران.
- نعیمه کر؛ بی بی (۱۳۸۹). بررسی توزیع قدرت زنان در خانواده و عوامل مرتبط به آن (در شمال و جنوب شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری) - دانشگاه پیام نور استان البرز - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- وحید، فریدون؛ نیازی، محسن (۱۳۸۳). تاملی در رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.

-Allport, Gordon. W. (1973). Attitudes in the History of Social psychology. pp. 19-25. IN: Neil Warren and Marie Jahoda(eds.) Attitudes. London: Pinguin.

-Baldwin, S. C. Godfrey, & C. Propper (1994). Quality of life: Perspectives and Policies, New York: Rutledge.

-Barboza, Iffigenia and Williams, Rohan Lloyd (2004) "the effect of familystructure and family capital on the political Behavior and policy preferences of Latino immigrants in the united states.

-Bates, A. kristian, Christopher D. Bader and F.Carson menken (2003) "family structure, power - control theory and Deviance. Western criminology Review 4(3). p.p 170 - 190.

-Blood, R. O. , 1972. The Family. The Free Press, New York.



10.30495/JSCC.2024.20015



- Blood, Robert, 1969. Marriage. The Free Press, New York.
- Bowerman, Charles E. , 1964. "Variations in adolescent Perception of Family.
- Dajian & Peter, 2006, 2010 World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of
- Ibrahim, M. and Chung, W., 2003, Quality of life of residents living near industrial estates in Singapore, Social Indicators Research, 61.
- Jhon Willy,(2000),Assessment Analysis and Interpretation, New york
- King CR, Hinds PS (2003). Quality of Life from Nursing and Patient Perspective. Jones and Bartlett publishers. Massachusettes:
- Li, G. and Weng, Q., 2007, Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data, International Journal of Remote Sensing, 28(2)
- Michalos, A.C. 2003, combining social, economic and environmental indicators to measure sustainable human wellbeing, Social Indicators Research, 40.
- Parson T,Balets(1995). Socialization&intraction process,the free press.
- Phillips, D. (2006). Quality of Life; Concept, Policy and Practice, London: Rutledge
- Schaefer, F. T. & Lamn, R. P. , 1992. Sociology. Mcgraw-Hill, New York.
- South, S. & Spitze, G. , 1994. "Houswork in Marital & Nonmarital Households".
- Tavormina,Joseph(1978). Power Relationship in families :a social exchange perspective",family process,vol 17.
- Turner, Jonathan H. , 1988. The Structure of Sociological Theory. Wads Worth Publishing Co. , New York.
- Wallace, Ruth A. & Wolf, Alison, 1991. Contemporary Sociology Theory. Prentice-Hall, New York.
- Witte. H. Eric. (1989). Social psychology: Ein Lehrbuch. Muenchen: Psychology Verlag.pp 363.



Examining the opportunities and challenges of virtual education in universities with a hybrid approach

Maryam Afkhami¹, Mohammad Abbaszadeh*², Mehran Samadi³, Javad Alipour⁴
(Received date: 2023/12/02 - Accepted date: 2024/06/10)

Abstract:

Since the end of 2018, due to the spread of the Corona pandemic, virtual education, which had started years before that, spread to all universities and educational centers and became widespread, and as a result, researches about it also expanded and various researches on various topics about Identification of efficiency and effectiveness, advantages and disadvantages, etc. regarding virtual education was published. Based on this, the aim of this article is to examine the opportunities and challenges of virtual education in universities with a hybrid approach. Based on this, after reviewing numerous articles from various domestic scientific databases, among 194 researches in this field, 19 articles were selected as final sources for review, analysis, interpretation and classification. Based on the results of the current research, the opportunities and challenges of virtual education were categorized and divided into six components that include: individual, family, university, technical and infrastructure.

Keywords: Virtual education, opportunities, challenges, electronic education.

¹ PhD student of communication sciences, Islamic Azad University, Tabriz branch, Tabriz, Iran m.afkhami4511@gmail.com

² Professor of the Department of Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran (corresponding author): @gmail.com 2014 m.abbaszadeh

³ Assistant Professor, Department of Communication Sciences, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran m_samadii426@yahoo.com

⁴ Assistant Professor, Political Science Department, Tabriz University, Tabriz, Iran alipor@ac.ir.tabrizu



بررسی فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دانشگاه‌ها با رویکرد فراترکیب

مریم افخمی^۱، محمدعباس‌زاده*^۲، مه‌رمان صمدی^۳، جواد علی پور^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱)

چکیده:

از اواخر سال ۱۳۹۸ به واسطه شیوع پاندمی کرونا آموزش مجازی که از سال‌های قبل از آن شروع شده بود به تمامی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی تسری پیدا کرد و رواج گسترده‌ای یافت و در پی آن تحقیقات پیرامون آن نیز گسترش یافت و پژوهش‌های متنوعی با موضوعات گوناگون پیرامون شناسایی کارایی و اثربخشی، مزایا و معایب و ... در خصوص آموزش مجازی انتشار یافت. بر این اساس هدف مقاله حاضر، بررسی فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دانشگاه‌ها با رویکرد فراترکیب است. بر این اساس، پس از بررسی مقالات متعدد از پایگاه‌های علمی مختلف داخلی، از میان ۱۹۴ پژوهش در این حوزه، ۱۹ مقاله به عنوان منابع نهایی جهت بررسی، تحلیل، تفسیر و طبقه‌بندی انتخاب گردید. بر اساس نتایج تحقیقات حاضر، فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در شش مولفه که شامل: فردی، خانوادگی، دانشگاهی، فنی و زیرساختی است، دسته‌بندی و تقسیم شدند.

واژگان کلیدی: آموزش مجازی، فرصت‌ها، چالش‌ها، آموزش الکترونیک.

m.afkhmi4511@gmail.com
m.abbaszadeh 2014@gmail.com
m_samadii426@yahoo.com
alipor@ac.ir.tabrizu

^۱ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران
^۲ استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسندهٔ مسئول):
^۳ استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران
^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران



مقدمه:

آموزش مجازی، فرصتی بی بدیل برای رویارویی با محدودیت‌های آموزش حضوری، تحقق آرمان آموزش برای همه و زمینه سازی برای توسعه پایدار و متوازن در کشور است. حرکت به سوی رویکردهای نوین در آموزش عالی ایجاب کرده است که بسیاری از دانشگاه‌های جهان از فن آوری آموزش مجازی در ارایه دوره‌ها استفاده کنند. شناخت فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی ایجاد زیرساخت‌های لازم در دانشگاه‌ها و مدارس برای جامعه تحصیلی ما همواره امری بود که به بعد موقوف می‌شد اگر چه آموزش مجازی در دانشگاه‌ها وجود داشت و واحدهای الکترونیکی دانشگاه‌ها فعال بودند اما یادگیری فناوری محور به نحو کامل مورد بهره‌برداری و استفاده دانشجویان قرار نمی‌گرفت. آموزش مجازی (به‌خصوص در دروس نظری) برای تمامی دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی و حتی دانش‌آموزان فرصتی است که در اثر تهدید بحران کرونا ایجاد شد و در این مدت در بین مردم جا افتاده و از حالت غیر ممکن و سخت خارج شده است. در این راستا بررسی و شناخت تجارب فردی دانشجویان از یادگیری دروس در فضای مجازی و یادگیری فناوری محور می‌تواند به این استفاده موثر از این نوع آموزش در سیستم آموزشی آینده و حتی پسا کرونا نیز کمک شایان توجهی داشته باشد. از آنجا که در این مدت تحقیقات بسیاری صورت گرفته و پژوهش‌های متنوعی با موضوعات گوناگون پیرامون شناسایی کارایی و اثربخشی، مزایا و معایب آموزش مجازی صورت پذیرفته است. بر این اساس هدف مقاله حاضر، جمع‌بندی تحقیقات صورت‌پذیرفته بر اساس فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دانشگاه‌ها با رویکرد فراترکیب است.

تعریف آموزش مجازی

آموزش مجازی از قدرت شبکه‌های کامپیوتری تکنولوژی‌های اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و علوم جدید دیجیتال بهره می‌برد و در اصل هنر استفاده از تکنولوژی شبکه‌ها به منظور طراحی، انتخاب، تحول و اداره فرایند آموزش است. (ذاکری، ۱۳۸۱: ۲۲)

آموزش مجازی تحصیل و استفاده از دانش توزیع شده و در اصل تسهیل یافته از طریق وسایل الکترونیکی مانند اینترنت، ماهواره، نوارهای سمعی بصری، تلویزیون و ... می باشد. (ذاکری، ۱۳۸۱: ۲۲)

اصطلاح آموزش مجازی گستره وسیعی از کاربردها و فرایندها را در بر می‌گیرد. عبارات مترادف با آموزش مجازی عبارت اند از: یادگیری الکترونیکی، یادگیری از راه دور، تحصیل از راه دور، یادگیری توزیعی، یادگیری مبتنی بر اینترنت، یادگیری شبکه‌ای، آموزش مبتنی بر کامپیوتر، دروس دیجیتال، دوره‌های برخط^۱، یادگیری برخط^۲، آموزش مبتنی بر وب و یادگیری سیار، این واژه‌ها همگی از یکدیگر سخن می‌گویند (ونتلینگ، ۲۰۰۳: ۳)

¹ On line Courses

² On line Learning



مؤلفه‌های راه‌اندازی نظام آموزش مجازی

مطالعات تطبیقی و مرور متون آموزش مجازی نشان می‌دهد اهم مؤلفه‌های راه‌اندازی نظام آموزش مجازی عبارت است از:

۱. زیرساخت فناوری: مشتمل بر سیستم‌های زیربنایی مخابرات (فیبرنوری، گیرنده‌های ماهواره ای، میکرو- پردازشگرها و غیره)، شبکه‌های اینترنت، سرویس دهندگان خدمات اینترنتی، اتصال سیستم‌های آموزشی به سیستم‌های شبکه ای، و... (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۶)
۲. زیرساخت انسانی: راه‌اندازی نظام آموزش مجازی مستلزم کارکنان فنی و پشتیبانی، طراحان فنی و آموزشی، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، برنامه ریزان و مدیران به عنوان کاربران و بازیگران اصلی نظام آموزش مجازی است. همچنین داشتن دانش گسترده‌ای از مهارت‌ها (آشنایی با کامپیوتر، استفاده از پردازشگرهای کلمه، سیر علمی در وب به جای وب‌گردی بی‌هدف، آشنایی با نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای، عیب‌یابی و اشکال‌زدایی و ...) و نگرش‌های جدید، تغییر ذهنیت و برداشت کلیه عوامل دست اندرکار و بازسازی نقش‌ها، روابط و روش‌های انجام کار امری ضروری است.
۳. زیرساخت پداگوژیکی: تغییر پارادایم یاددهی و یادگیری، تغییر از آموزش کنترل شده کلاسی به سیستم یادگیری خودسرعتی فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی، سبک‌های آموزشی جدید (همزمان و غیر همزمان)، اکولوژی جدید پداگوژیکی، حرکت از استاد محوری به دانشجو محوری، تغییر از تمرکز بر یادگیری به جای تمرکز بر یاددهی، روش‌های نوین آموزش و ارزشیابی و ...
۴. زیرساخت فرهنگی، اجتماعی، و ارزشی: اشاعه فرهنگ تنوکراسی (اینترنت گرایی)، تربیت شهروند جهانی با حفظ ارزش‌های ملی و بومی، توجه به شکاف دیجیتالی و تلاش برای توزیع عادلانه یادگیری و آموزش، آداب و رسوم شبکه‌ای، تغییر نقش اجتماعی آموزش عالی، رواج فرهنگ پداگوژیکی جدید استقلال و خودگردانی دانشجو) به عنوان فرهنگ سازمانی غالب در محیط‌های یاددهی و یادگیری.
۵. زیر ساخت اقتصادی: تجارت الکترونیکی، درآمدزایی، روش‌های نوین تخصیص منابع و بودجه، مدل‌های جدید تأمین منابع، بازاریابی و گسترش بازارهای آموزشی، اقتصاد بدون واسطه، بازده سرمایه گذاری، اقتصاد کلان، بازده غیر مستقیم (گسترش انتخاب از نظر موضوع درسی، استاد، رسانه، قیمت، سرعت، سبک یادگیری و... برای دانشجو)
۶. زیر ساخت مدیریت و رهبری: مدیریت دانش تأکید بر یادگیری سازمانی به جای یادگیری فردی، گسترش راه‌هایی برای سهیم شدن و انباشته شدن دانش در یک سازمان و دستیابی به تخصص و مهارت کارکنان و تبدیل آن به شکلی که به آسانی در دسترس افراد دیگر نیز باشد)، اتخاذ راهبرد دو جانبه رقابت و همکاری، راهبردهای جدید مدیریت و رهبری از جمله مدیریت مشارکتی، مدیریت پیش کنشی، پویا و آینده پژوه، رویکردهای بین‌المللی و جهانی نگرستن به مسائل سازمانی، تدوین



سیاستها و خط مشی‌ها و قوانین اجرایی آموزش مجازی در زمینه‌های مختلفی چون حجم کاری، روش استخدام و جذب اعضای هیئت علمی اعتبار سنجی و صدور جواز، مسائل مالکیت معنوی، استانداردهای کیفی و کمی، تضمین کیفیت و اصالت و اعتبار اطلاعات، اقدامات امنیت الکترونیکی، سیاست‌های کاربرد قابل قبول و ...

۷. زیرساخت اداری و نظام پشتیبانی: نظام اداری الکترونیکی و بدون کاغذ، نظام پشتیبانی سازمانی، آموزشی و فنی برای دانشجو، استاد و کارکنان، دسترسی به منابع و خدمات دیجیتالی و (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

دسته بندی انواع آموزش مجازی

یادگیری یا آموزش الکترونیک را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- یادگیری شخصی
- یادگیری جمعی
- کلاس‌های مجازی

۱. یادگیری شخصی: در این دسته، فرد رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود را انتخاب می‌کند و در محیط اطراف خود مخصوصاً اینترنت، به دنبال اطلاعات مرتبط با آن می‌گردد و در آن زمینه تحقیق می‌کند، سپس سوالات خود را از اساتید آن رشته به صورت آفلاین^۱ می‌پرسد.

۲. یادگیری جمعی: در این دسته شرایطی برای افراد مهیا می‌شود تا با یکدیگر و اساتید خود ارتباط برقرار کنند. از جمله این ابزار Forum و Chat و ... است. در این روش معمولاً زمان شروع و خاتمه دوره آموزشی و امتحانات برای همه آن گروه یکسان است.

۳. کلاس‌های مجازی: در این دسته، شرایط کاملاً مانند کلاس درس است و حتی در بعضی از موارد در کلاس‌های فیزیکی برگزار می‌شود. در این جا از ویدئو کنفرانس و به جای تخته سیاه از یک ویدئو پروژکتور استفاده می‌شود. گاهی از اوقات برای هر فرد یک کامپیوتر در نظر گرفته می‌شود و ارتباط ویدئویی از طریق صفحه‌ی نمایشگر و دوربین یا وب‌کم است و هر کسی می‌تواند از طریق کامپیوتر با استاد ارتباط برقرار کند. این روش مخصوصاً برای برگزاری کلاس‌هایی که استاد مربوط به آن درس به تعداد کافی موجود نیست و امکان جابجایی اساتید هم وجود ندارد، مفید می‌باشد؛ به ویژه برای دانشگاه‌ها. (کیا، ۱۳۸۸: ۳)

¹ offline



جدول ۱. مزایا و معایب آموزش الکترونیکی، (جافه ۲۰۱۱ به نقل از حدادیان، ۱۳۹۰: ۱۱)

مزایا	معایب
ارائه ی آسان مواد آموزشی به شکل برخط	مواد طراحی نشده‌ای را به طور برخط به دانشجویان ارائه میکند
کاربرد آسان ازسوی دانشجویان و استادان	حق چاپ و ثبت اختراع مواد و محصولات جدید نیاز به توجه دارد
دسترسی گسترده ی دانشجویان به مواد و منابع یادگیری	دستیابی به سخت افزار و شبکه هم برای دانشجویان و هم برای آموزش دهندگان می تواند به یک اندازه سخت باشد. قانونگذاری ضعیف و دستیابی به مواد برخط همچنین نیاز به توجه قابل ملاحظه دارد
ارائه پشتیبانی منعطف برای مدرسانی که نیاز نیست در زمان و مکان ثابتی دانشجویان را حمایت یا با آنها ارتباط برقرار کنند	نیاز به برنامه ریزی دقیق حمایتی برخط دارد به طوری که از بار اضافی اجتناب گردد
توان بالقوه برای شیوه‌های جدید در یادگیری و تدریس مثل یادگیری فعال و مستقل که ارتباطات برخط و ارزیابی برخط و یادگیری مشارکتی را مقدور می‌سازد	چنین یادگیری مستقل هنوز هم نیاز به راهنمایی و پشتیبانی دارد. آموزش و تعلیم مناسب و حمایت هنوز هم برای دانشجویان و هم برای مدرسین مورد نیاز است
کاهش در هزینه و مقدار اتلاف وقت آموزشی	هزینه ی نسبتاً بالای تجهیزات آموزشی
تغییر مسیر آموزش از یاد دادن به یاد گرفتن	نیاز به بازنگری آموزش معلمان و مربیان و دست اندرکاران آموزشی
ایجاد تعادل بین مقاضیان دانشگاه و ظرفیت دانشگاه‌ها	انحصار آموزش به افرادی که امکانات مورد نیاز برای ادامه ی تحصیل را دارند
از بین رفتن حصارها و در نتیجه نظارت بیشتر معلم بر پیشرفت‌ها	عدم تمایل مدرسان به آموزش به هنگام
تأکید بر کیفیت آموزش و برنامه‌ریزی اصولی	نیاز به تغییر ساختار آموزشی و نیاز به تغییر محتوای دروس
افزایش فرصت پرداختن به تحقیق برای استادان	نیاز به پرسنل فنی و پشتیبانی سیستم و مشکلات اداری مراکز برای مدیران
بالا بردن سطح علمی جامعه	مسئله‌ی مربوط به طرز تنظیم بازار جهانی آموزش و شیوه‌ی اعتباردهی به مدارک و ارزیابی آنها
صدمه وارد نشدن به کیفیت محیط زیست	مسائل مربوط به راه‌اندازی سیستم‌های ارتباطی و مخابرات گسترده

پیشینه پژوهش:

راشا حسن (۲۰۲۱) در تحقیقی به بررسی عوامل و چالش‌های یادگیری الکترونیکی در دوران کرونا پرداخت، نتایج این پژوهش نشان داد که بسیاری از چالش‌های اصلی وجود دارد که مانع استفاده از سیستم یادگیری الکترونیکی می‌شود، نه تنها مربوط به چالش‌های فن‌آوری، بلکه همچنین چالش‌های فرهنگی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

راسمیتادیل و همکاران (۲۰۲۰) در آندونزی با رویکرد کیفی به درک معلمان از تدریس آنلاین در زمان شیوع پاندمی کرونا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که چالش تدریس مجازی را در صورتی می‌توان به فرصت تبدیل نمود که همه افراد ذینفع از جمله جامعه، دولت، مدارس، معلمان و والدین با یکدیگر همکاری داشته باشند.



چانگ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی آموزش الکترونیکی و دستورالعمل‌های آموزش عالی آنلاین در طول اپیدمی ویروس کرونا پرداختند، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه بیشتر مربیان سعی می‌کنند محتوای دستورالعمل‌ها را به خوبی تهیه کنند، اما باز هم یک روش مناسب برای نظارت و تغییر در رفتارهای یادگیری دانشجویان در کوتاه مدت نیست.

امپونگوس (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان انتقال اضطراری از یادگیری حضوری به آنلاین در دانشگاه آفریقای جنوبی در زمینه بیماری همه گیر ویروس کرونا، به نتیجه رسید که گرچه آموزش مجازی می‌تواند راه حل باشد، اما چالش آن در آفریقا نابرابری آن است چون هنوز به ظرفیت‌سازی استفاده از سیستم‌های مدیریت یادگیری و سایر نرم‌افزارهای یادگیری آنلاین نیاز است. همچنین ضروری است که آموزش و یادگیری آنلاین در سطح دانشگاه، طراحان آموزش، مزایا و چالش‌های بالقوه آن را در نظر بگیرند.

دیپک و همکاران (۲۰۲۰) از پژوهشی با عنوان یادگیری از خانه: نقش روش‌ها و ابزارهای یادگیری الکترونیکی در هنگام شیوع ویروس کرونا نتیجه گرفتند که زمان مناسبی است که به سمت یادگیری الکترونیکی حرکت سریع‌تر صورت پذیرد و روش‌ها و ابزارهایی در یادگیری الکترونیکی مورد بحث قرار گرفت که می‌توانند روش‌های سنتی ارائه محتوا، نگهداری سوابق، ارزیابی و بازخورد را اصلاح کنند.

پرسدیادی و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان اثربخشی اجرای آموزش الکترونیکی به عنوان یک استراتژی یادگیری از راه دور در طی بیماری همه گیر ویروس کرونا با روش متاآنالیز پرداخت نتایج نشان داد که اجرای آموزش الکترونیکی به عنوان یک استراتژی یادگیری از راه دور در طی بیماری همه گیر ویروس کرونا مؤثر بوده است.

إفونه و همکاران (۲۰۲۰) پس از بحران کرونا ویروس، آموزش الکترونیکی به ویژه در کشورهای در حال توسعه کاملاً متفاوت است. آموزش و پرورش و آموزش عالی نیاز به توسعه سیستم‌های آموزش الکترونیکی خود در شرایط بحرانی دارند به دلیل ماهیت برنامه‌ریزی نشده آموزش الکترونیکی در شرایط بحرانی، دانشجویان، دانش‌آموزان، والدین، معلمان و اعضای هیئت علمی ممکن است با موانع زیادی در جهت استقبال از آموزش الکترونیکی شوند.

کونینگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان سازگاری معلمان با تدریس مجازی در دوره پاندمی کرونا در آلمان، دریافته‌اند که آشنایی معلمان با ابزارهای دیجیتال نقش کاربردی و مهمی در سازگاری معلمان با تدریس آنلاین دارد.

مودولو و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به ICT با رویکرد پدیدارشناسی می‌پردازد یافته مهم این مطالعه این است که تجربه گرایی و پدیدارشناسی با یکدیگر مخالفت نمی‌کنند، بلکه در حالی که تجربه گرایی به درک آنچه در استفاده از ICT اتفاق می‌افتد کمک می‌کند، پدیدارشناسی به کشف علت اصلی مشاهده تجربی کمک می‌کند.



سوپاردی و همکاران (۲۰۲۰) این تحقیق در زمینه یادگیری فناوری محور در مدارس نشان می‌دهد ابزارها به عنوان نمونه‌ای از فناوری پیشرفته، تأثیرات منفی بیشتری نسبت به سایر دستگاه‌های با تکنولوژی پیشرفته دارند. بنابراین، مدارس برای جلوگیری از تبدیل شدن وظایف یادگیری به پوششی برای وابستگی به ابزارها، باید قوانینی را تنظیم کنند که علاوه بر ابزارها، استفاده از فناوری را نیز هدایت می‌کند. این رویکرد همچنین در اجرای خود نیاز به حمایت والدین دارد، زیرا والدین باید همیشه برای تغییرات در دنیای آموزش آماده باشند. در این زمینه، همکاری بین والدین و مدارس، چه از نظر برنامه‌ریزی یا اجرای رویکردها، چه از نظر درک تأثیرات منفی و مثبت در اجرای یادگیری فناوری محور ضروری است.

نوبوئر و همکاران (۲۰۱۹) هدف این بررسی مقدمه‌ای در پدیدارشناسی است و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان آن را در تحقیقات این روش اعمال کرد. ما دو زیرشاخه اصلی پدیدارشناسی را به تصویر می‌کشیم و تفاوت‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آنها را به تفصیل شرح داده‌ایم. نتیجه‌گیری پدیدارشناسی یک استراتژی تحقیقاتی قدرتمندی است که به خوبی برای کاوش مشکلات چالش برانگیز در مناسب است.

ویلسون و همکاران (۲۰۱۰) نتایج این بررسی نشان داد که انعطاف‌پذیری ابزارهای رسانه‌ای و توانایی ایجاد یک محیط آموزشی، نقش بیشتری در تعیین رضایت دانشجویان دارد تا سهولت و تناوب استفاده از ابزارهای رسانه‌ای.

هاینس و همکاران (۲۰۰۹) نتیجه گرفت که بهترین روش مکمل برای آموزش مجازی دانشجویان منابع کتابخانه‌ای و ارائه واحدهای درسی درباره مهارت‌های کتابخانه‌ای است. به طور کلی با توجه به رشد روزافزون آموزش مجازی، نتایج اکثر تحقیقات حاکی از برتری آموزش مجازی نسبت به انواع دیگر آموزش‌ها می‌باشد.

ایوم و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی در مورد ۳۹۷ دانشجو، بیان کردند که آموزش آنلاین (برخط) می‌تواند یک روش آموزشی برتر باشد به شرطی که با سبک یادگیری مشخص توأم باشد.

لیو و ژنگ (۲۰۰۶) به بررسی عوامل مؤثر بر استفاده دانشجویان به بررسی عوامل مؤثر بر استفاده دانشجویان دوره‌های آموزش مجازی از منابع اطلاعاتی پرداختند و دریافتند که اینترنت به عنوان مهمترین منبع اطلاعاتی دانشجویان بوده است. پاسخگویان مهمترین دلیل این امر را بازیابی آسان و سریع اطلاعات ذکر کرده بودند.

کوهنگ و همکاران (۲۰۰۴) نظر ۱۵۴ دانشجوی مجازی را در خصوص استفاده از کتابخانه مجازی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که دانشجویان نگرش مثبتی به استفاده از کتابخانه‌های مجازی داشتند و دانشجویانی که تجربه بیشتری در استفاده از اینترنت داشتند دارای نگرش مثبت‌تری بودند.



براون و همکاران (۲۰۰۴) آموزش الکترونیکی یادگیری را تسهیل می‌کند و به فراگیران فرصت بیشتری برای شرکت در بحث می‌دهد. البته مشکلاتی هم از قبیل احساس نا آشنایی با اعضای دیگر کلاس و نداشتن ارتباط مستقیم با آموزش دهنده را به همراه دارد.

حاجی و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود پیشنهاداتی برای برگزاری دوره‌های آموزشی و توجیهی برای والدین همچنین دوره‌هایی برای افزایش دانش معلمان، نظارت بر کار معلمان افزایش حیطه عمل اختیارات فراهم آوردن تجهیزات و امکانات مناسب برای دانش آموزان کم برخوردار، تلاش جهت اصلاح محتوای کتاب‌ها و رفع مشکلات برنامه شاد ارائه نمودند.

سرگزی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان کرونا و چالش‌های آموزش در ایران به این نتیجه رسیدند که می‌توان چالش کرونا را فرصت دانست تا مشکلات و کمبودهای زیرساختی برای آموزش مجازی شناسایی و برای مرتفع نمودن آن تلاش شود.

عباسی و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی تجارب زیسته معلمان ابتدایی از فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در برنامه شاد، نتیجه گرفتند که برنامه شاد فرصت‌هایی همانند ایجاد انگیزه در معلمان، افزایش سواد رسانه‌ای، جذابیت برای دانش‌آموزان انعطاف‌پذیری ساعت کلاس را ایجاد نموده است، در مقابل چالش‌هایی همچون عدم دسترسی همه دانش‌آموزان ابزارهای ارتباطی و مشکلات سرعت اینترنت را به همراه داشته است.

فائوزی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان معلمان ابتدایی و یادگیری مجازی در دوره پاندمی کرونا نتیجه گرفتند که معلمان با در آموزش مجازی با مسائلی مانند عدم دسترسی به امکانات، مسائل اینترنت و همکاری والدین مواجه هستند.

شفیعی سروستانی و همکاران (۲۰۱۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که میزان زیاد حجم محتوای تدریس شده، سرعت پایین اینترنت و فقدان زمان مناسب، از جمله چالش‌های آموزش مجازی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی دانسته‌اند.

شفیعی سروستانی و همکاران (۲۰۱۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که میزان زیاد حجم محتوای تدریس شده، سرعت پایین اینترنت و فقدان زمان مناسب، از جمله چالش‌های آموزش مجازی در دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی دانسته‌اند.

خطیب زنجانی (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی تلفیق ویدیوکست با آموزش مجازی بر یادگیری دانشجویان مجازی دانشگاه پیام نور به نتیجه رسید که هم روش مجازی و هم تلفیق ویدیوکست با آموزش مجازی اثربخش است.

پرهیزی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به چالش‌های آموزش مجازی به دسته بندی موارد مغل در آموزش مجازی پرداخته شده و آنها در سه دسته تقسیم‌بندی گردید است. دسته اول مشکلات فنی است که به ضعف در زیر ساخت‌ها و نبود ارتباط چهره به چهره بین مدرس و فراگیرنده است. دسته دوم



مشکلات مهارتی و عدم تطابق مدرس با آموزش بر خط می‌باشد که عدم آشنایی با محیط مجازی و ساختار آن، دشواری ارزیابی کیفیت یادگیری دانشجویان، عدم تناسب شیوه ارزیابی با ارائه دوره، پایین بودن سواد اطلاعاتی و رایانه‌ای فراگیران، مقاومت مدرسان برای ورود به عصر فن‌آوری و افزایش حجم کاری مدرسان را شلام می‌شود. دسته سوم مشکلات که مسایل اخلاقی است.

گواش و همکاران (۲۰۱۰) در این مقاله سعی شده است صلاحیت‌هایی که مدرس دانشگاه برای تدریس در محیط‌های یادگیری مجازی باید داشته باشد، روشن شود. یک تجربه آموزش با در نظر گرفتن معیارهای روش شناختی منطبق با اصول نظری قبلی طراحی شده است.

فخراد (۲۰۰۵) در پژوهشی به چالش‌های مراکز آموزش الکترونیکی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران پرداخت، نتایج به دست آمده است پژوهش نشان داد سرعت اینترنت کمبود و ضعف سخت افزاری و نرم‌افزاری به عنوان چالش فنی، هزینه بالا نیز به عنوان چالش اقتصادی، کمبود منابع انسانی متخصص به عنوان چالش منابع انسانی، عدم آشنایی با آموزش الکترونیکی به عنوان چالش پداکوزی عدم رعایت حقوق معنوی به عنوان حقوقی و نگرش سنتی به عنوان چالش فرهنگی مراکز آموزش الکترونیکی دانشگاه‌ها در شهر تهران محسوب می‌شود.

علیپور (۲۰۰۸) در پژوهشی به اخلاق آموزش مجازی پرداختند، نتایج حاصل از پژوهش عبارت است از در مفهوم‌سازی اخلاق آموزش مجازی جامع‌نگری نسبت به اخلاق، آموزش مجازی، عناصر محیط داخلی و بیرونی سازمانی، ارزش‌ها، تعهدات و آرمان‌های سازمان جایگاه راهبردی دارد زیرا حصر توجه به یک بعد به تحویلی‌نگری می‌انجامد.

شاه بیگی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان آموزش مجازی: مزایا و محدودیت‌ها، به مزایای فراوان آموزش‌های مجازی اشاره نموده و اینک تعداد زیاد افرادی که می‌توانند از این آموزش‌ها در ۲۴ ساعت روز و ۷ روز هفته استفاده کنند.

براری، رضایی زاده، خراسانی و اعالمی (۱۳۹۸) در تحقیق خود کمبود وقت و محدودیت زمانی را نیز از جمله محدودیت‌های مدل تدریس و آزمون مجازی دانستند

زارعی زوارکی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با بررسی چالش‌های پیش‌روی گسترش یادگیری الکترونیکی در کشور شناسایی و بر اساس تجارب سایر کشورها وضعیت موجود منابع انسانی، مالی و ... پیشنهادهایی برای بهبود آن ارائه نموده است.

رجیبان‌ده‌ریزه و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با نگاهی بر آموزش مجازی؛ دیدگاه‌ها، زیرساخت‌ها، مزایا و محدودیت‌ها به این نتیجه رسیدند که می‌توان آموزش مجازی را مقدمه‌ای برای تحقق یکی از جنبه‌های حقوق بشر دانست که عبارت است از ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای همگان. بنابراین آموزش مجازی علاوه بر رفع محدودیت‌ها، محرومیت‌ها را نیز می‌تواند رفع نماید. صرفه‌جویی در زمان، کاهش



هزینه‌ها، تبدیل آموزش به یادگیری با انگیزه و افزایش کارایی از مهم‌ترین علل رشد و موفقیت این روش نوین در توسعه آموزش و یادگیری می‌باشد.

پاک سرشت و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان مقایسه دانش و نگرش دانشجویان آموزش مجازی با دانشجویان غیرمجازی به این نتیجه رسید که در مجموع دانش در آموزش الکترونیک در دانشجویان مورد مطالعه پایین بود. ارتباط معنی داری بین دانش دانشجویان مجازی و غیر مجازی بوده است. میانگین نمره دانشجویان مجازی در دانش بیشتر از غیر مجازی بود. دانشجویان مجازی از نظر سنی و مقطع تحصیلی بالاتر از دانشجویان غیر مجازی بوده و با توجه به ضرورت دانش و آگاهی برای گذراندن دوره تحصیلی به شیوه آموزش الکترونیکی به تبع دارای دانش بالاتری نسبت به سایر دانشجویان می‌باشند. قولنجی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی چالش‌ها و مشکلات تدریس مجازی در زمان شیوع کرونا از دیدگاه معلمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند در صورتیکه فهم درک درستی از آموزش مجازی و فواید آن وجود داشته باشد موفقیت و امیدواری بیشتر است.

کیا (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نظام‌های آموزشی از راه دور، ابزاری برای آموزش مداوم تلقی می‌شوند و این آموزش‌ها می‌تواند شامل معلمان و دانشجویان در هر سن، مکان جغرافیایی، موقعیت و وضعیت اجتماعی و سیاسی و با هر گونه آموزشی باشد. با وجودی که فناوری‌های جدید موجب استقلال و انعطاف بیشتر امور آموزشی می‌شود، اما جهت بکارگیری این امکانات، باید ساختار سازمانی مؤسسات عالی نیز متحول شود. همچنین جهت استفاده از هر سیستم فناوری نوین در امور آموزشی، لازم است شرایطی چون ایجاد زیرساخت‌های قوی فناوری، تدوین استانداردهای آموزشی لازم برای ارزیابی آموزشگران و دانشجویان، فرهنگ سازی مناسب و تغییر نگرش سنتی جامعه در امر آموزش، سرمایه گذاری و مشارکت دولت و بخش خصوصی در این زمینه فراهم شود.

نصیری (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «عوامل زیربنایی در استقرار نظام آموزش مجازی» آموزش مجازی را پیشرفته‌ترین نوع آموزش و جانشینی برای کلاس‌های درس سنتی دانسته است که انعطاف پذیری و راحتی را در آموزش و فراهم می‌سازد آموزش مجازی گستره وسیعی از کاربردها و فرآیندها را در بر می‌گیرد عبارات مترادف با این اصطلاح عبارت است از یادگیری الکترونیکی و یادگیری از راه دور تحصیل از راه دور یادگیری توزیعی یادگیری شبکه‌ای یادگیری زنده و یادگیری سیار است.

آموزش مجازی^۱ و یا به عبارت دیگر آموزش الکترونیکی^۲ بر بستر اینترنت از راه دور امکان پذیر است. یکی از انواع آموزش مجازی و بی‌شک برترین نوع آموزش مجازی است که طی آن استاد و دانشجو در یک زمان مشخص وارد کلاس مجازی شده و در یک محیط مجازی با یکدیگر در تعامل قرار می‌گیرند. کلاس آنلاین یا سامانه آموزش مجازی یک محیط آموزش و یادگیری است که در آن به شرکت کنندگان آموزش

¹ virtual learning

² e-learning



از راه دور ارائه می‌شود و آن‌ها می‌توانند تنها در یک سیستم اینترنتی باهم ارتباط برقرار کنند، تعامل داشته باشند، سخنرانی‌ها و ارائه‌ها را مشاهده کنند و در مورد آن بحث کنند و با کار گروهی با منابع آموزشی درگیر شوند. این محیط اغلب با یک سیستم وب کنفرانس کار می‌کند که به چندین کاربر اجازه می‌دهد که در زمان مشابهی به اینترنت متصل شوند که به کاربران اجازه می‌دهد که از هر نقطه‌ای که هستند در کلاس آنلاین شرکت کنند. آزمون‌های آنلاین به این صورت هستند که دانشجویان در ساعت معین و مدت زمان معین در یک آزمون شرکت کرده و کلیه مباحثی را که در دانشگاه‌های مجازی مطالعه کردند را مورد آزمایش قرار خواهند. (Mahjoor, 2004,55)

زمانی که فناوری ارتباطی موثر قابل دست یابی شد، بوسیله فراگیران این نظام آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. در حال حاضر معروف ترین ابزار ارتباطی رایانه ای، عبارتند از پست الکترونیکی با استفاده از تابلوهای اعلانات و اینترنت، کنفرانس‌های شنیداری و تلفنی و کنفرانس‌های تصویری با استفاده از یک یا دو ویدئو و استماع دو طرفه از طریق ضبط صوت، کابل تلفن و اینترنت (مهجوور، ۲۰۰۴:۵۵) آموزش مجازی از قدرت شبکه‌های کامپیوتری تکنولوژی‌های اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و علوم جدید دیجیتال بهره می‌برد و در اصل هنر استفاده از تکنولوژی شبکه‌ها به منظور طراحی، انتخاب، تحول و اداره فرایند آموزش است (ذاکری، ۱۳۸۱: ۲۲) آموزش مجازی تحصیل و استفاده از دانش توزیع شده و در اصل تسهیل یافته از طریق وسایل الکترونیکی مانند اینترنت، ماهواره، نوارهای سمعی بصری، تلویزیون و ... می‌باشد (ذاکری، ۱۳۸۱: ۲۲) اصطلاح آموزش مجازی گستره وسیعی از کاربردها و فرایندها را در بر می‌گیرد. عبارات مترادف با آموزش مجازی عبارت‌اند از: یادگیری الکترونیکی، یادگیری از راه دور، تحصیل از راه دور، یادگیری توزیعی، یادگیری مبتنی بر اینترنت، یادگیری شبکه‌ای، آموزش مبتنی بر کامپیوتر، درس دیجیتال، دوره‌های برخط^۱، یادگیری برخط^۲، آموزش مبتنی بر وب و یادگیری سیار، این واژه‌ها همگی از یکدیگر سخن می‌گویند (ونتلینگ، ۲۰۰۳: ۳)

مطالعات تطبیقی و مرور متون آموزش مجازی نشان می‌دهد اهم مؤلفه‌های راه‌اندازی نظام آموزش مجازی عبارت است از:

۱. زیرساخت فناوری: مشتمل بر سیستم‌های زیربنایی مخابرات (فیبرنوری، گیرنده‌های ماهواره ای، میکرو- پردازشگرها و غیره)، شبکه‌های اینترنت، سرویس دهندگان خدمات اینترنتی، اتصال سیستم‌های آموزشی به سیستم‌های شبکه ای، و ... (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۶)

۲. زیرساخت انسانی: راه‌اندازی نظام آموزش مجازی مستلزم کارکنان فنی و پشتیبانی، طراحان فنی و آموزشی، اعضای هیئت علمی، دانشجویان، برنامه ریزان و مدیران به عنوان کاربران و بازیگران اصلی نظام آموزش مجازی است. همچنین داشتن دانش گسترده‌ای از مهارت‌ها (آشنایی با کامپیوتر، استفاده از

¹ on line Courses

² On line Learning



پردازشگرهای کلمه، سیر علمی در وب به جای وب‌گردی بی‌هدف، آشنایی با نرم افزارهای چند رسانه‌ای، عیب‌یابی و اشکال‌زدایی و ...)، و نگرش‌های جدید، تغییر ذهنیت و برداشت کلیه عوامل دست اندرکار و بازسازی نقش‌ها، روابط و روش‌های انجام کار امری ضروری است.

۳. زیرساخت پداگوژیکی: تغییر پارادایم یاددهی و یادگیری، تغییر از آموزش کنترل شده کلاسی به سیستم یادگیری خودسرعتی فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی، سبک‌های آموزشی جدید (همزمان و غیر همزمان)، اکولوژی جدید پداگوژیکی، حرکت از استاد محوری به دانشجو محوری، تغییر از تمرکز بر یادگیری به جای تمرکز بر یاددهی، روش‌های نوین آموزش و ارزشیابی و ...

۴. زیرساخت فرهنگی، اجتماعی، و ارزشی: اشاعه فرهنگ نتوکرسی (اینترنت گرایبی)، تربیت شهروند جهانی با حفظ ارزش‌های ملی و بومی، توجه به شکاف دیجیتالی و تلاش برای توزیع عادلانه یادگیری و آموزش، آداب و رسوم شبکه‌ای، تغییر نقش اجتماعی آموزش عالی، رواج فرهنگ پداگوژیکی جدید استقلال و خودگردانی دانشجو) به عنوان فرهنگ سازمانی غالب در محیط‌های یاددهی و یادگیری.

۵. زیر ساخت اقتصادی: تجارت الکترونیکی، درآمدزایی، روش‌های نوین تخصیص منابع و بودجه، مدل‌های جدید تأمین منابع، بازاریابی و گسترش بازارهای آموزشی، اقتصاد بدون واسطه، بازده سرمایه‌گذاری، اقتصاد کلان، بازده غیر مستقیم (گسترش انتخاب از نظر موضوع درسی، استاد، رسانه، قیمت، سرعت، سبک یادگیری و... برای دانشجو)

۶. زیر ساخت مدیریت و رهبری: مدیریت دانش تأکید بر یادگیری سازمانی به جای یادگیری فردی، گسترش راه‌هایی برای سهیم شدن و انباشته شدن دانش در یک سازمان و دستیابی به تخصص و مهارت کارکنان و تبدیل آن به شکلی که به آسانی در دسترس افراد دیگر نیز باشد، اتخاذ راهبرد دو جانبه رقابت و همکاری، راهبردهای جدید مدیریت و رهبری از جمله مدیریت مشارکتی، مدیریت پیش‌کنشی، پویا و آینده پژوه، رویکردهای بین‌المللی و جهانی نگرستن به مسائل سازمانی، تدوین سیاستها و خط مشی‌ها و قوانین اجرایی آموزش مجازی در زمینه‌های مختلفی چون حجم کاری، روش استخدام و جذب اعضای هیئت علمی اعتبار سنجی و صدور جواز، مسائل مالکیت معنوی، استانداردهای کیفی و کمی، تضمین کیفیت و اصالت و اعتبار اطلاعات، اقدامات امنیت الکترونیکی، سیاست‌های کاربرد قابل قبول و ...

۷. زیرساخت اداری و نظام پشتیبانی: نظام اداری الکترونیکی و بدون کاغذ، نظام پشتیبانی سازمانی، آموزشی و فنی برای دانشجو، استاد و کارکنان، دسترسی به منابع و خدمات دیجیتالی و (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

در کلاس‌های مجازی شرایط کاملاً مانند کلاس درس است و حتی در بعضی از موارد در کلاس‌های فیزیکی برگزار می‌شود. در این جا از ویدئو کنفرانس و به جای تخته سیاه از یک ویدئو پروژکتور استفاده می‌شود. گاهی از اوقات برای هر فرد یک کامپیوتر در نظر گرفته می‌شود و ارتباط ویدئویی از طریق صفحه‌ی نمایشگر و دوربین یا وب‌کم است و هر کسی می‌تواند از طریق کامپیوتر با استاد ارتباط برقرار



کند. این روش مخصوصاً برای برگزاری کلاس‌هایی که استاد مربوط به آن درس به تعداد کافی موجود نیست و امکان جابجایی اساتید هم وجود ندارد، مفید می‌باشد؛ به ویژه برای دانشگاه‌ها. از این دسته در پزشکی از راه دور نیز استفاده می‌شود (کیا، ۱۳۸۸: ۳) آموزش مجازی دارای مزایایی دارد از جمله آنکه؛ نیازی به صرف وقت و حضور در کلاس نیست، برخوردار از یک روش مطالعه‌ی انعطاف‌پذیر که مطابق نیاز دانشجوی است، سرعت مطالعه دست‌دانشجو است، انند کلاس‌های درسی برنامه آموزشی، راهنمایی درس، دروس مرجع و..... وجود دارد. در مطالعه به صورت برخط^۱ بهره‌مندی از مزایای کارگروهی، کنجکاوی و ابتکار بیشتر و دسترسی به تکنولوژی‌های جدید، اطلاعات به روز است و از اطلاعات به روز می‌توانید استفاده کنید، ارزیابی برخط، فراگیری بیش از یک درس یا رشته، یادگیری در هر زمان و مکان، کاهش هزینه‌های یادگیری، استفاده از امکانات چندرسانه‌ای^۲ (کیا، ۱۳۸۸: ۳)

آموزش مجازی معایب زیادی ندارد، اصلی‌ترین آن این است که آموزش شما تئوری است و وقتی بخواهید به طور عملی از آن استفاده کنید، اندکی متفاوت است. ممکن است برای برخی آموزش چهره به چهره مهم باشد، که در این نوع آموزش چنین امکانی وجود ندارد. بسیاری از ارزیابی‌ها محدود به سوالاتی هستند که ذاتاً عینی‌اند. همچنین مسئله مقدار امنیت برنامه‌های آموزش آنلاین وجود دارد. اعتبار کارهای دانشجویان نیز مشکل دیگری است، زیرا هر کس آنلاین شود، می‌تواند به جای دانشجویان واقعی پروژه را انجام دهد. آزمون‌ها بیشتر مبتنی بر دانش هستند، نه فعالیت دانشجویان. جدول ۱ مزایا و معایب آموزش الکترونیکی را نشان می‌دهد.

چالش‌های پیش روی آموزش مجازی از دیدگاه روزنبرگ دست یافتن به تصمیم‌گیرندگان در مورد یادگیری الکترونیکی بیش از همیشه راه را به سوی دفتر اجرایی و میز تصمیم‌گیری باز می‌نماید. (۱) به کارگیری صنعت یادگیری الکترونیکی چالاک و رو به رشد، (۲) اثبات مجدد طراحی آموزشی و الکترونیکی، (۳) سرعت، (۴) نیروی انسانی، ۵ نوآوری مجدد آموزش (شاه‌بیگی، ۱۳۹۰: ۵) همواره عواملی در موفقیت و عدم موفقیت امور گوناگون تأثیرگذار است، محیط‌های یادگیری الکترونیکی نیز از این امور مستثنی نیست. جدول ۳.۲. عوامل مهم موفقیت محیط‌های یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی را به تفصیل بیان می‌کند.

عوامل مهم موفقیت محیط‌های یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی (جافر ۲۰۱۱ به نقل از حدادیان، ۱۳۹۰: ۱۴)

گریسون^۳ (۲۰۰۵) پنج نسل از آموزش‌های از راه دور را به شرح زیر شناسایی کرد (آتشک، ۱۳۸۶: ص ۴) نسل اول: پیترز (۲۰۰۰) نخستین نسل آموزش از راه دور بر مبنای ویژگی‌های الگوی سازمانی فرد را تعریف می‌کند که در آن اقتصاد ترازویی به وسیله اصول تابلوری همچون تقسیم کار، کنترل‌های مدیریتی

¹ online

² Multimedia

³ Grayson



شدید و روش‌های اعمال مسئولیت نمود پیدا می‌کند. مهم‌ترین فناوری که در این نسل به کار می‌رفت، کتاب‌های درسی و جزوه‌های راهنمای مربوط به هر دوره بود بلوم^۲ (۱۹۶۸) معتقد است که روش آموزش نظام‌های نسل اول بر پایه عقاید روانشناسی رفتارگرایی بنا شده بود.

نسل دوم: نسل دوم در دوره‌ای شکل گرفت که فناوری‌های جدیدتر جمعی رسانه‌های رادیو و تلویزیون به وجود آمده و نظریه یادگیری شناختی با استقبال روزافزونی مواجه شده بود. یکی از موارد اضافه شده به نسل دوم آموزش از راه دور، تلاش برای ارائه دوره آموزشی تعاملی با کمک رایانه به دانشجویانی بود که از رایانه‌های شخصی و متصل به شبکه مانند سیستم پی ال ای تی^۳ او برخوردار بودند.

نسل سوم: نسل سوم از مزیتی همچون امکان برقراری تعاملات انسانی همزمان و غیر همزمان به ویژه همایش‌های صوتی، تصویری و رایانه‌ای - برخوردار است. نظریه‌های یادگیری ساختن گرایانه نسل سوم نظام‌های آموزش از راه دور با هدف خلق فرصت‌هایی برای دانشجویان به منظور ایجاد و بازسازی دانش، به عنوان فرایند ساختن دانش از طریق بحث و بررسی محتوا با برنامه‌های درسی مسئله مداری که معرف برنامه‌ریزی‌های کیفی نسل سوم هستند، بسط و گسترش می‌یابید.

نسل چهارم: لرزن و مرر^۴ (۱۹۸۹) و تایلور^۵ (۲۰۰۰) معتقدند که نسل چهارمی نیز ظهور پیدا کرده و توانسته است سه ویژگی عمده و اولیه شبکه را با هم تلفیق سازد، یعنی بازیابی حجم گسترده‌ای از اطلاعات محتوایی، ظرفیت تعاملی ارتباطات مبتنی بر رایانه و قدرت پردازشگری مربوط به پردازشگرهای محلی از طریق نرم افزارهای برنامه‌نویسی رایانه به خصر جاوا نسل پنجم: تاپلور^۶ (۲۰۰۰) نسل پنجم را مطرح و از آن به «الگوی یادگیری هوشمند و انعطاف پذیر» یاد کرده است. این نسل با ارائه خدماتی چون مدیریت اجرای شبکه، امکان دستیابی به کارنامه، کتابخانه‌ها و دیگر خدمات اجرایی و حمایت نتوانسته است نظامی منسجم از عناصر اجرایی، حمایتی و آموزشی را ارائه دهد. نسل پنجم نتوانسته است «هوش مصنوعی» را به توانایی‌های شبکه اضافه کند یا آن طور که برنرزیلی^۷ (۲۰۰۱) اشتراک معنایی را به وجود آورده است که عوامل خودکار انسانی و غیر انسانی را قادر می‌سازد تا به جستجو و فرآوری اطلاعات در شبکه بپردازند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب، مقالاتی که تاکنون منتشر شده را بررسی و تجزیه و تحلیل و نتایج آنها را مشخص نموده است. فراترکیب روشی است که برای بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی

¹ Peters

² Bloom

³ PLATO

⁴ Trembling & shivering

⁵ taylor

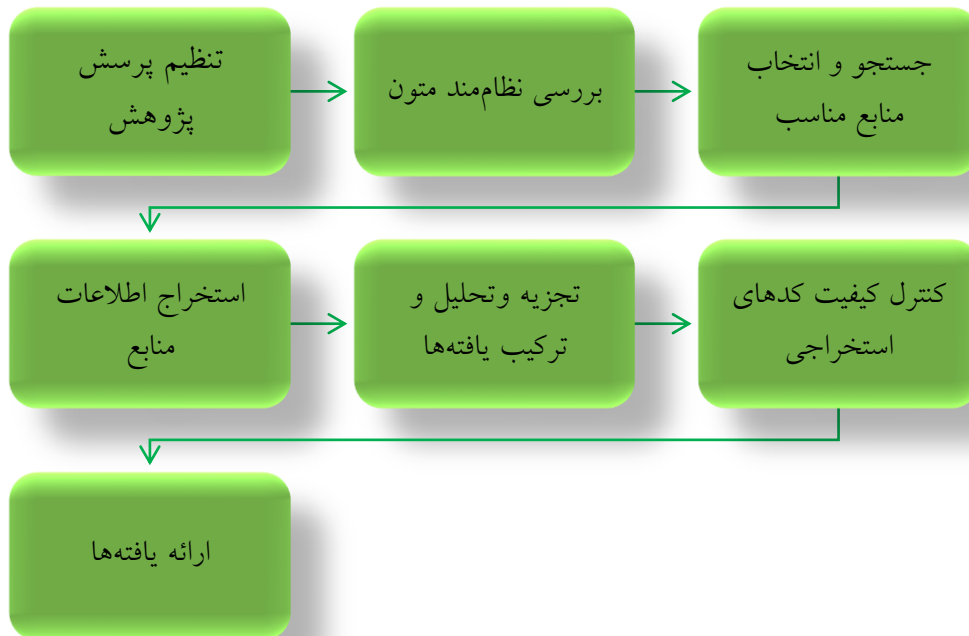
⁶ Teplor

⁷ Bernersley



پژوهش‌های گذشته استفاده می‌شود. این روش یک بررسی دقیق و ژرف از مطالعات انجام شده می‌باشد که یافته‌ها و نتایج مشابه را از مقالات و پژوهش‌های مختلف بررسی، استخراج و تنظیم می‌نماید و به تحلیل یافته‌های مطالعات به طور عبارتی فراترکیب، تفسیر تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعه‌های منتخب است. فراترکیب با فراهم کردن یک نگرش نظام مند برای پژوهش‌گران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش‌جاری را ارتقا داده و یک دید جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل به وجود می‌آورد (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶). فراترکیب نوعی مطالعه کیفی می‌باشد که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه نمونه مورد نظر برای فراترکیب از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آن‌ها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مورد نظر و تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از مطالعات منتخب نیست بلکه تحلیل و تفسیر یافته‌های این مطالعات برای فهم عمیق است (بنچ و دی، ۲۰۱۰).

فراترکیب یکی از اقسام روش‌های فرامطالعه است. در ارتباط با روش فرامطالعه چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که فرامطالعه شامل چهار قسمت اصلی؛ فرا نظریه (تحلیل نظریه‌های پژوهش‌های گذشته)، فراروش (تحلیل روش‌شناسی پژوهش‌های گذشته)، فراترکیب (تحلیل کیفی یافته‌های پژوهش‌های گذشته) و فراتحلیل (تحلیل کمی یافته‌های پژوهش‌های گذشته) است. روش ساندلوسکی و باروسو از رویکردهای مهم روش فراترکیب یا متاستنز است. در شکل کتاب روش ساندلوسکی و باروسو مشاهده می‌شود. روش ساندلوسکی و باروسو الگوی منسجم فراترکیب است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از دیگر مطالعات با موضوع مرتبط را بررسی می‌کند. این روش با فراهم کردن یک نگرش نظام مند برای پژوهش‌گران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و از این طرق دانش فعلی را گسترش داده و دید جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل به وجود می‌آورد.



شکل ۱: فرآیند هفت مرحله‌ای فراترکیب

متاسفانه به صورت ۷گام عبارت است از:

مرحله اول: تنظیم پرسش پژوهش

در این مرحله از فراترکیب، پرسش‌های مبنایی براساس داده‌های جدول (۱) مطرح و با پاسخگویی به آنها محدوده کار مشخص شد، تا این که محدودیت‌های احتمالی که زمینه ساز ابهام‌های احتمالی در مراحل بعدی پژوهش است برطرف شود.

ابتدا بر چپستی مسئله که هدفش تعیین و شناسایی مؤلفه‌ها و مفاهیم آموزش مجازی است تمرکز شده، به این معنی که فقط منابعی برای تحلیل انتخاب شده‌اند که درباره آموزش مجازی بحث کرده باشند. بعد از آن به جستجو و بررسی منابع مورد مطالعه از سال ۲۰۱۹-۲۰۲۲ میلادی و ۱۳۹۸-۱۴۰۱ شمسی تا زمان انجام پژوهش در پایگاه‌های اطلاعاتی، مجله‌ها و موتورهای جستجو پرداخته و در نهایت به چگونگی انتخاب روش‌ها و معیارهای تحلیل، دسته‌بندی و مقوله‌بندی مفاهیم مورد مطالعه پرداخته شده است.

جدول ۱. پرسش‌های مرحله اول فراترکیب

پارامتر	سوالات پژوهش کیفی فراترکیب
---------	----------------------------



10.30495/JSCC.2024.20015



تعیین و شناسایی مولفه‌ها و مفاهیم آموزش مجازی در مقالات	What چستی کار
مقالات داخلی و خارجی	Who جامعه مورد مطالعه
مقالات منتشر شده در زمینه آموزش مجازی از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱	When بازه زمانی
روش‌ها و معیارهای انتخاب منابع، بررسی موضوعی منابع، یادداشت‌برداری، تحلیل، دسته‌بندی و مقوله‌بندی مفاهیم مورد مطالعه	How چگونگی روش

مرحله دوم: بررسی نظام‌مند متون: در این پژوهش برای جستجوی منابع مورد نظر با استفاده از کلیدواژه‌های آمده در جدول (۲)، از ۱ پایگاه‌های اطلاعاتی و موتورهای جستجوی خارجی مختلف مانند گوگل، گوگل اسکالر^۱، اشپیرینگر^۲... و از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی ایراندک، مگیران، علم‌نت، نورمگز، پایگاه استنادی جهان اسلام (ISC)^۳ و مرکز اطلاعات علمی جهاددانشگاهی (SID) استفاده شد.

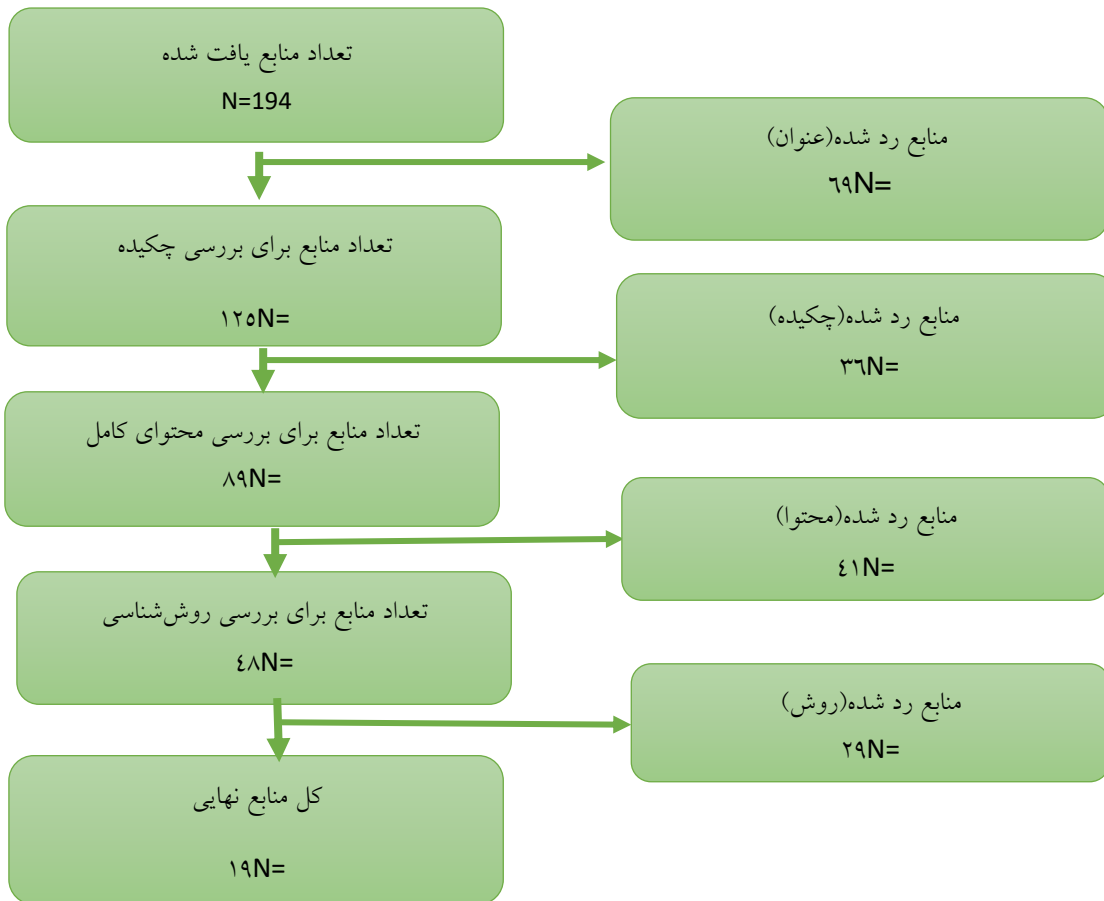
مرحله سوم: جستجو و انتخاب منابع مناسب

در این مرحله برای بررسی و تحلیل و انتخاب منابع مناسب از الگوریتم معرفی شده در شکل (۱) استفاده شده است. بدین معنی که منابع مورد نظر بر اساس مؤلفه‌های (عنوان، چکیده، محتوا و روش‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفتند و برای دستیابی به منابع نهایی از طریق مؤلفه روش‌شناسی، از چهار معیار جامعه آماری، جمع‌آوری داده، طرح تحقیق و نتایج استفاده شده است که در نهایت تعداد ۱۷ منبع برای فراترکیب نهایی انتخاب شدند.

¹ Google Scholar

² Springer

³ Islamic World Science Citation Center



شکل ۲. نحوه انتخاب منابع نهایی

مرحله چهارم: استخراج اطلاعات از منابع

این مرحله در پی استخراج اطلاعات متون است. در این بخش، پس از گردآوری و بررسی داده‌های مورد نیاز، باید آنها را به صورت واحدهای معنایی و کدهای مشخص دسته‌بندی کرد که در این پژوهش برای مرحله تجزیه و تحلیل و همچنین ارائه یافته‌های نهایی فراترکیب، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. در پژوهش حاضر، هر یک از ۱۹ مقاله منتخب در فرآیند بازبینی و انتخاب مقاله‌های مورد نظر، به طور دقیق مطالعه و نکات کلیدی مرتبط با هر یک در قالب کدهای مفهومی اولیه یادداشت برداری شد. سپس در مرحله بعد به دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب کدهای کلیدی یا شاخص پرداخته می‌شود. در مرحله پایانی هنگامی که یک تصویر رضایتبخش از ابعاد وجود داشته باشد، به سراغ مقوله‌های اصلی



می‌رویم. پژوهشگر در این مرحله، مقوله یا منظری را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف نموده و مورد بازبینی مجدد قرار می‌دهد، سپس داده‌های داخل آنها را با کمک از متدولوژی‌های مبانی نظری و دیگر مباحث، تحلیل می‌کند. به وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک مقوله در مورد آن بحث می‌کند، مشخص شده و تعیین می‌گردد که هر مقوله کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد. در این مرحله در نهایت پس از رفت و برگشت در میان مقوله‌های مختلف، به ۵ مقوله یا منظر متفاوت دست یافته شد که در زمینه موردنظر تحقیق قابل تبیین است.

مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها

در این مرحله بعد از استخراج مقوله‌های اصلی از منابع انتخاب شده به استخراج و کدگذاری مقوله‌های اصلی از منابع انتخاب شده و بیان فراوانی و رتبه آنها مطابق جدول ۴ پرداخته شد.

جدول ۲. کدگذاری مقوله‌های اصلی و فراوانی و رتبه آن

رتبه	فراوانی	منبع	مقوله	ردیف
3	۷	1,5,9,11,12,14,15	فردی	1
4	4	,6,9,11۲	خانوادگی	2
۲	۱۱	2,3,4,6,7,8,9,10,14,15,17,19	دانشگاهی	3
۱	۱۶	1,2,3,4,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16,17,18	فنی و زیرساختی	4

براساس داده‌های جدول (۴)، رتبه مقوله‌های اصلی با تعداد فراوانی 16، 11، 7، 4 به ترتیب شامل فنی و زیرساختی، دانشگاهی، فردی، خانوادگی است.

مرحله ششم: کنترل کیفیت کدهای استخراجی

در این مرحله به کنترل کیفیت، روایی و پایایی کدهای استخراج شده پرداخته شد. برای ارزیابی روایی از ابزار گلین استفاده شد و برای بدست آوردن پایایی، پژوهشگر ابتدا منابع انتخاب شده برای فراترکیب را به همراه کدهای اولیه استخراج شده در اختیار ۷ نفر از متخصصان قرار داد تا آنها نیز به استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی از آنها بپردازند. بعد از آن مشخص شد که ۵ نفر از متخصصان به جز دو نفر از آنها روی مقوله‌های اصلی با مقوله‌های استخراج شده توسط پژوهشگر اتفاق نظر دارند. بنابراین می‌توان گفت که



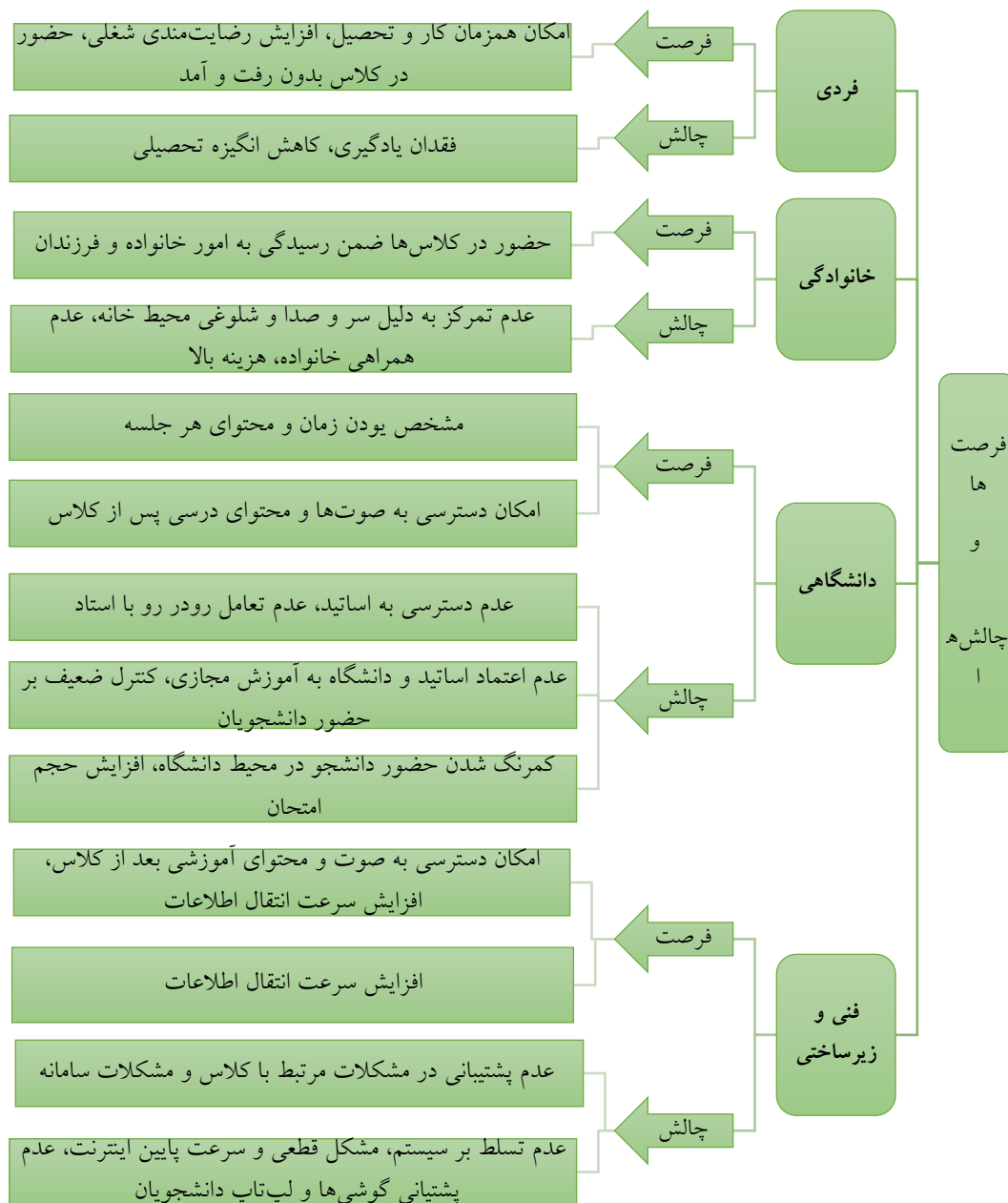
بین متخصصان و پژوهشگران ۵ بار توافق و ۲ بار عدم توافق وجود داشته که محاسبه ضریب پایایی آن معادل ۷۷٪ است. از آنجا که میزان ضریب پایایی بدست آمده بیشتر از ۶۰٪ است، در نتیجه می‌توان گفت که ابزار مورد استفاده برای استخراج کدها از پایایی خوبی برخوردار بوده است.

مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها

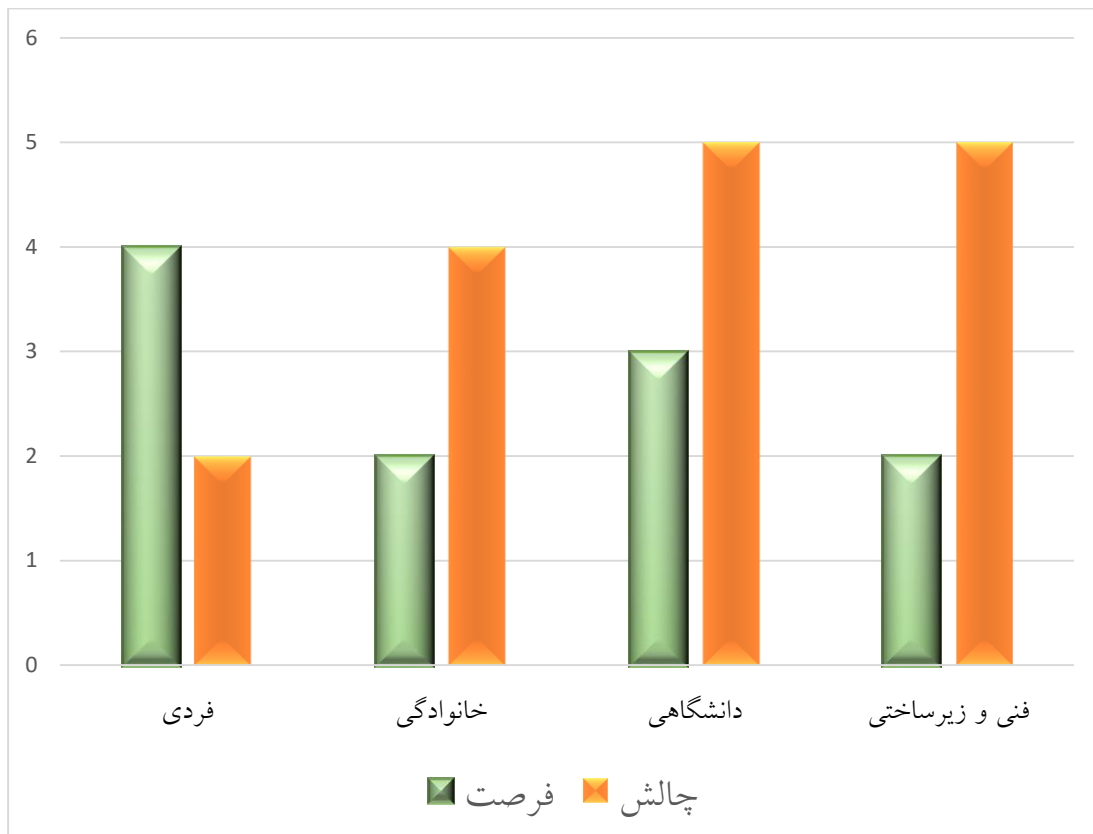
در این مرحله با استفاده از کدهای استخراج شده در مراحل قبلی به ارائه یافته‌ها در قالب مفاهیم پرداخته شد و کدهای تکراری حذف و بقیه کدها در زیر یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شدند و سپس مفاهیم نیز در مقوله‌های کلی تر قرار گرفتند. در نهایت فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در قالب مدل مفهومی زیر



ارائه شده است (شکل ۲) بر آموزش مجازی مؤثر هستند و همه عوامل بر روی هم تأثیر می‌گذارند.



شکل ۳. مدل استخراج شده از فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی



شکل ۴. نمایی کلی از میزان فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی

بر این پایه و بر اساس معیارهای ذکر شده صرفاً ۱۹ مقاله منتشر شده با محوریت آموزش مجازی یافت شده که مزایا و معایب آن را بررسی نموده باشند. این مقالات به روش کیفی صورت پذیرفته بود و هر کدام بر اساس اهداف خود از زاویه‌ای به این مسئله توجه کرده بودند. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی به روش فراترکیب بوده است، به نحوی که مزایا و معایب طرح شده در مطالعات مختلف بررسی و کدگذاری شده و سپس هر کدام بر اساس مفاهیم مشابه در ذیل یک مولفه دسته‌بندی شدند. بر اساس کدهای معین شده در مطالعه حاضر، ۶ مولفه و برای هر یک



10.30495/JSCC.2024.20015



فرصت‌ها و چالش‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. شکل ۳ نمایی کلی از میزان فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی را نمایش می‌دهد.



منابع

- ۱) آتشک، محمد(۱۳۸۶)، مبانی نظری یادگیری الکترونیکی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۳
- ۲) آتشک، محمد. (۱۳۸۶). مبانی نظری و کاربردی یادگیری الکترونیکی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش.
- ۳) احمدی، غلامعلی، نخستین روحی، ندا(۱۳۹۳) بررسی تمایز یادگیری تلفیقی با یادگیری الکترونیکی و یادگیری سنتی(چهره به چهره) در آموزش ریاضی، مجله‌ی روان شناسی مدرسه، ۷-۲۶/ دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۲
- ۴) استیفن لیتل جان، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه مرتضی نوربخش، اکبر میرحسینی(۱۳۸۴) ویراسته علی قاسم‌نژادجامعی. انتشارات جنگل.
- ۵) اولسون، متیو.اچ و هرگنهان، بی.آر(۱۳۸۸) مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران، دوران، چاپ هشتم
- ۶) بیابانگرد، اسماعیل(۱۳۸۴) روان‌شناسی تربیتی، تهران، ویرایش، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ۷) پاک سرشت صدیقه، خلیلی ثابت مسعود، علی واحدی محمد، منفرد آرزو(۱۳۹۵) مقایسه دانش و نگرش دانشجویان آموزش مجازی با دانشجویان غیرمجازی در مورد آموزش الکترونیکی، پژوهش در آموزش علوم پزشکی
- ۸) پروری پیمان(۱۳۹۸) خوانشی نو از روش پدیدارشناسی؛ بنیان‌های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی، مطالعات جامعه‌شناسی، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم
- ۹) جعفری پیروش(۱۳۸۱)، بررسی دانشگاه‌های مجازی به منظور ارائه یک مدل مناسب برای نظام آموزش عالی کشور، رساله دانشگاه آزاد اسلامی تهران
- ۱۰) ذاکری اعظم(۱۳۸۱)، دانشگاه اینترنتی، فصلنامه آموزش(معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی)، شماره ۵
- ۱۱) رابرت.ایی، اسلاوین(۱۳۸۵) روان‌شناسی تربیتی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، روان، ۱۳۸۵، چاپ اول.
- ۱۲) رجبیان ده ریزه، مریم، صادق زاده، صفورا(۱۳۹۵) نگاهی بر آموزش مجازی: دیدگاه‌ها، زیرساخت‌ها، مزایا و محدودیت‌ها، دومین کنگره بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی، روانشناسی و علوم تربیتی
- ۱۳) زارعی زوارکی، اسماعیل، طوفانی نژاد، احسان(۱۳۹۰) یادگیری تلفیقی: رویکردی جدید در نظام آموزشی، نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال چهارم، شماره چهاردهم
- ۱۴) سیف، علی‌اکبر(۱۳۸۷) روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران، دوران، ۱۳۸۷، چاپ ششم.



- ۱۵) شاه بیگی فرزانه (۱۳۹۰)، نظری سمانه، آموزش مجازی: مزایا و محدودیت‌ها، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد دوره ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۴، زمستان
- ۱۶) شاه بیگی، فرزانه، نظری سمانه (۱۳۹۰) آموزش مجازی: مزایا و محدودیت‌ها، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد دوره ششم، شماره ۱، شماره پیاپی ۴
- ۱۷) شعبانی، حسن (۱۳۸۳) مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، سمت، ۱۳۸۳، چاپ هجدهم.
- ۱۸) عباس زاده، محمد. (۱۳۹۱). تاملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره چهل پنجم .
- ۱۹) کیا، علی اصغر، (۱۳۸۸) نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیک)، نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۴
- ۲۰) گال، مردیت و همکاران. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه: احمدرضانصر و همکاران، تهران: سمت.
- ۲۱) لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴) روان‌شناسی تربیتی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ۲۲) محمودی، جعفر؛ نالچیگر، سروش؛ ابراهیمی، بابک؛ صادقی، رضا. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های توسعه مدارس هوشمند ۶۱-۷۸: (۷) در کشور. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی.
- ۲۳) مک‌کوایل دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی؛ ترجمه پرویز اجلالی (۱۳۸۲). انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۲۴) مهدی‌زاده سیدمحمد (۱۳۹۱)، نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی/ انتشارات همشهری.
- ۲۵) مهدیون، روح‌الله؛ قهرمانی، محمد؛ فراستخواه، مقصود؛ ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۰). کیفیت یادگیری در مراکز آموزش الکترونیکی دانشگاهی؛ مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه ۷۷- تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی.
- ۲۶) نصیری، فهیمه (۱۳۸۴) عنوان عوامل زیربنایی در استقرار نظام آموزش مجازی، پیک نور، سال سوم، شماره دوم.
- ۲۷) الوانی سیدمهدی، خانباشی محمد، بودلایی حسن. (۱۳۹۳) تبیین مفهوم اپوخه در پژوهش‌های پدیدارشناختی و کاربرد آن در حوزه کارآفرینی. راهبرد سال بیست و سوم، شماره ۷۱
- ۲۸) باران. استتلی‌جی، دیویس. دنیس‌کا، نظریه‌های ارتباطات جمعی: اصول، بحران‌ها و آینده، مترجم: نماینده جورابچی تکتم (۱۳۹۸)؛ ناشر: مرن‌دیز.
- ۲۹) گریفین ام، لدبتر اندرو، اسپارکس گلن (۱۴۰۰)، نگاه اول به نظریه ارتباطات: جلد دوم، مترجم: آذری غلامرضا، انتشارات علوم اجتماعی



10.30495/JSCC.2024.20015



۳۰) قربانخانی، مهدی، صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). بازنمایی چالش‌های آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران: مطالعه‌ای با روش پدیدار شناسی. فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۷(۲) (پیاپی ۲۶)، ۱۲۳-۱۴۸.

- 31) Abbasi, F., Hijaz, G, Hakim Zadeh, R. (2020). Experience living elementary school teachers the opportunities and challenges of teaching in educational network of students (Shad): a phenomenological study. *Teaching research*, 8(3), 20-40. (In Persian).
- 32) Abu Ma'ali al-Husseini, Kh. (2020). Psychological and educational consequences of coronary heart disease in students and strategies to deal with it. *Quarterly Journal of Educational Psychology*, Allameh Tabatabai University. 15(56), 153-166.
- 33) Acai, A., Griffith, D., Mahmoud, Q., Ma, D. W. L, Newton, G., & Teri, S., (2014). Student use and pedagogical impact of a mobile learning application. *Biochemistry and Molecular Biology Education*, 42(2), 121-135.
- 34) Acai, A., Griffith, D., Mahmoud, Q., Ma, D. W. L, Newton, G., & Teri, S., (2014). Student use and pedagogical impact of a mobile learning application. *Biochemistry and Molecular Biology Education*, 42(2), 121-135.
- 35) Arslan, S. S., Demirtaş, Z.Z, & Eskicumalı, A. E. (2015). Utilization of information and communication technologies as a predictor of educational stress on secondary school students. *Turkish Online Journal of Educational Technology*, 14(2), 241-246.
- 36) Bani Mahjoor M. (2004) Teaching modern methods of distance education in higher education. In: Safari J, Fahimitabar H, Darb Joshghani A. Proceedings of the first conference of National Development of Virtual Universities Payam-Noor- Kashan. Kashan: Morsal Publication; 55.
- 37) Bartolo, P. (2017). Integrating Google apps and Google Chromebooks into the core curriculum: A phenomenological study of the lived experience of public-school teachers Brown B.L. *Web-Based Training*. Washington D.C. (2000) Office of



10.30495/JSCC.2024.20015



- Educational Research and Improvements. Report No: EDO- CE – 00-248p.
- 38) Chang, C. L., & Fang, M. (2020). E-Learning and online instructions of higher education during the 2019 novel coronavirus diseases (COVID-19) epidemic. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. 1574, No. 1, p. 012166). IOP Publishing.
- 39) Chenari M).2006(Comparison of Husserl, Heidegger and Gadamer with methodological benchmark. *Philosophical-Theological Research*.9(2). [text in Persian]. Available from: http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/72213863405
- 40) Deepika, V., Soundariya, K., Karthikeyan, K., & Kalaiselvan, G. (2020). 'Learning from home': role of e-learning methodologies and tools during novel coronavirus pandemic outbreak. *Postgraduate Medical Journal*.
- 41) Delamarre, A., Shernoff, E., Buche, C., Frazier, S., Gabbard, J., & Lisetti, C. (2021). The Interactive Virtual Training for Teachers (IVT-T) to Practice Classroom Behavior Management. *International Journal of Human-Computer Studies*, 152, 102646
- 42) Fauzi, I & Khusuma, I. (2020). Teachers' Elementary School in Online Learning of COVID-19 Pandemic Condition. *Jurnal Iqra'*: *Kajian Ilmu Pendidikan*, 5(1), 7-58
- 43) Graham, C. R (2006). Blended learning systems: Definition, current trends, and future directions. In C. J. Bonk and C. R. Graham (Eds.), *Handbook of Blended Learning: Global Perspectives, Local Designs*. San Francisco, CA: Pfeiffer Publishing
- 44) Guasch, T., Alvarez, I., & Espasa, A. (2010). University teacher competencies in a virtual teaching/learning environment: Analysis of a teacher training experience. *Teaching and Teacher Education*, 26(2), 199-206.
- 45) Gudanescu, S. New educational technologies. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 2010, 5646-5649. doi: 10.1016/j.sbspro.2010.03.922
- 46) Haji, J., Mohammadi Mehr, M., & Muhammad Azar, H. (2021). Describing the Problems of virtual Education via Shad application in Corona Pandemic: This is a phenomenological



10.30495/JSCC.2024.20015



- study. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 11(43), 153-174.
- 47) Hassan, R. (2021). Factors and Challenges That Influence Higher Education Students' acceptance of E-Learning System After Coronavirus Pandemic. *Journal of Theoretical and Applied Information Technology*, 99(11).
- 48) Hineman, J. M., Boury, T. T., & Semich, G. W. (2015). Technology-literate school leaders in a 1:1 iPad program and teachers' technology self-efficacy. *International Journal of Information and Communication Technology Education (IJICTE)*, 11(2), 68-79. doi:10.4018/ijicte.2015040106
- 49) Holloway, I. & Wheeler, S. (2002). *Qualitative Research for Nurses*. 2nd Edit. Oxford, Blackwell Science.
- 50) Huber, S. G., & Helm, C. (2020). COVID-19 and schooling: evaluation, assessment and accountability in times of crises—reacting quickly to explore key issues for policy, practice and research with the school barometer. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*, 32(2), 237-270.
- 51) Iloanusi, Ogechukwu N (2007). *Blended Learning in High Schools and Tertiary Institutions*, 19th Annual Conference on Distance Teaching and Learning, University of Nigeria.
- 52) Ingram, N., Williamson-Leadley, S., & Pratt, K. (2016). Showing and telling: Using tablet technology to engage students in mathematics. *Mathematics Education Research Journal*, 28(1), 123-147. doi:10.1007/s13394-015-0162-y
- 53) Koc, M. (2005). Implications of learning theories for effective technology integration and pre-service teacher training: A critical literature review. *Journal of Turkish science education*, 2(1), 2-18.
- 54) Koohang A. "Students' Perceptions Toward the Use of the Digital Library in Weekly Web-Based Distance Learning Assignments Portion of a Hybrid Program"; *British Journal of Educational Technology*. 2004; 35(5): 617-626.
- 55) Layali, K., & Al-Shlowiy, A. (2020). Students' perceptions of E-Learning for Esl/Efl in Saudi Universities at Time of Coronavirus: A Literature Review. *Indonesian Efl Journal*, 6(2), 97-108.



10.30495/JSCC.2024.20015



- 56) Liu Z, Zheng Y. (2004) "Factors Influencing Distance-Education Graduate Students` Use of Information Sources: A User Study"; *The Journal of Academic Librarianship*; 30(1): 24-35p.
- 57) Lowyck, J. (2014). Bridging learning theories and technology-enhanced environments: A critical appraisal of its history. In *Handbook of research on educational communications and technology* (pp. 3-20). Springer
- 58) Mahin Naderifar; Hamideh Goli (2017), *Snowball Sampling: A Purposeful Method of Sampling in Qualitative Research* Fereshteh Ghaljaie; Volume 14, Issue 3, Summer
- 59) Mayan M J. (2001) *An Introduction to Qualitative Methods: A Training Module for Students and Professionals*. Canada, Int, Institute for Qualitative Methodology, University of Alberta Press.
- 60) Meyer, J., & Land, R. (2006). Threshold concepts and troublesome knowledge: an introduction, in Meyer, J. H. F. and R. Land, eds, *Overcoming Barriers to Student Understanding – Threshold Concepts and Troublesome Knowledge*, Routledge: London and New York, 3-18.
- 61) Mishra, P., Hershey, K., & Cavanaugh, S., (in press) Teachers, learning theories and technology. In M. Girod & J. Steed (Eds.), *Technology in the college classroom*. Stillwater, OK: New Forums Press.
- 62) Mohammadi, M., Keshavarzi, F., Naseri Jahromi, R., Naseri Jahromi, R., Hesampour, Z., Mirghafari, F., Ebrahimi Sh. (2020). Analysis of the experiences of parents of elementary school students from the challenges of e-learning with social networks during the outbreak of Corona virus. *Educational Research*, 8 (40), 74-101.
- 63) Moustakas, C, E. (1994). *Phenomenology research methods*. Thousand Oaks, Ca; Sage Publications.
- 64) Mpungose, C. B. (2020). Emergent transition from face-to-face to online learning in a South African University in the context of the Coronavirus pandemic. *Humanities and Social Sciences Communications*, 7(1), 1-9.



10.30495/JSCC.2024.20015



- 65) Mwadulo, M. W, Odoyo, C. O. (2020) Phenomenology Approach Applicability in Information Systems and Technology Field. DOI: 10.13189/csit.080201
- 66) Neubauer, B. E., Witkop, C. T., & Varpio, L. (2019). How phenomenology can help us learn from the experiences of others. *Perspectives on medical education*, 8(2), 90-97.
- 67) Owolabi, T. O., Oyewole, B. K., & Oke, J. O. (2013). Teacher education, information and communication technology: Prospects and challenges of e-teaching profession in Nigeria. *American Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(2), 87-91.
- 68) Polkinghorne D. (1983) *Methodology for the human sciences: Systems of inquiry*. Albany: State University of New York Press.
- 69) Polkinghornm, D. E, (1983). phenomenological research methods. In R. S. Valle & S. Halling (Eds), *Existential-phenomenological perspectives in psychology*. P.p: 41-60. New York: Plenum Press.
- 70) Prestiadi, D. (2020). Effectiveness of e-learning implementation as a distance learning strategy during coronavirus disease (covid-19) pandemic. *Proceeding Umsurabaya*.
- 71) Prestiadi, D. (2020). Effectiveness of e-learning implementation as a distance learning strategy during coronavirus disease (covid-19) pandemic. *Proceeding Umsurabaya*.
- 72) Redmond, T. (2015). Media literacy is common sense: Bridging common core standards with the media experiences of digital learners. *Middle School Journal*, 46(3), 10-17.
- 73) Rott, Dudnik, Gacs, Pollina (2006). *Blended learning Design*; University of Illinois at Chicago; available at: www.uic.edu.
- 74) Saad, M. M., Barbar, A. M., & Abourjeili, S. A. (2013). TPack-XL framework for educators and scholars: a theoretical grounding for building preservice teachers ICT knowledge base.
- 75) Sohrabi, Babak; Iraj, Hamideh (2016). "Implementing flipped classroom using digital media: A comparison of two demographically different groups perceptions". *Computers in Human Behavior*. Elsevier. 60: 514-524. doi: 10.1016/j.chb.2016.02.056.



10.30495/JSCC.2024.20015



- 76) Supardi, S., & Hasanah, E. (2020) Junior High School Students' Experiences of High Technology Based Learning in Indonesia. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19(5), 153-166.
- 77) Weber, C., Ntsumbumuyange, D., Ngoga, E., Bazzett-Matabele, L., Francis, J., Paley, P., ... & Ghebre, R. (2021). Continuing medical education during COVID-19: virtual training for gynecologic oncology management in Rwanda. *International Journal of Gynecologic Cancer*, ijgc-2021.
- 78) Wentling, T. (2000) *E-Learning a Review of Literature*, University of Arkansas, All State Insurance company, Sears, Roebuck and Eastman
- 79) Zareei Nojini M. (2010) *Identifying the Characteristics of Electronic Curriculum in Higher Education, From Curriculum Specialists and Information Technology, Information Technology Specialists in Iranian Universities [Master's Thesis]*. [Mashhad: Faculty of Education and Psychology]; 147p.
- 80) Zolfaghari M, Sarmadi M, Negarandeh R, Zandi B, Ahmadi F. (2009) *Attitude Research under the Faculty of Nursing and Midwifery*. Tehran University of Medical Sciences School of Nursing and Midwifery. Tehran University of Medical Sciences (LIFE); 15(1):39-31
- 81) Almarzooq, Z., Lopes, M., & Kochar, A. (2020). Virtual learning during the COVID-19 pandemic: a disruptive technology in graduate medical education. *Journal of the American College of Cardiology*. <https://doi.org/10.1016/j.jacc.2020.04.01>
- 82) Ahmed, H., Allaf, M., & Elghazaly, H. (2020). COVID-19 and medical education. *The Lancet Infectious Diseases*. Basilaia, G., & Kvavadze, D. (2020). Transition to online education in schools during a SARS-CoV-2 coronavirus (COVID-19) pandemic in Georgia. *Pedagogical Research*, 5(4), 1- 9.
- 83) Braun, V. & V. Clarke (2006). Using Thematic Analysis in Psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), P.77-101.
- 84) Brazendale, K., et al. (2017) 'Understanding differences between summer vs. school obesogenic behaviors of children: The structured days hypothesis', *International Journal of Behavioral*



10.30495/JSCC.2024.20015



- Nutrition and Physical Activity, 14.
<https://doi.org/10.1186/s12966-017-0555-2>
- 85) Goh, P. S., & Sandars, J. (2020). A vision of the use of technology in medical education after the COVID-19 pandemic. MedEdPublish, 9
- 86) Langford, M., & Damşa, C. (2020). Online teaching in the time of COVID-19: Academics' experience in Norway. Centre for Experiential Legal Learning (CELL), University of Oslo
- 87) Lilian, M., De Menezes, K. (2016). Flexible Working, Individual Performance, and Employee Attitudes: Comparing Formal and Informal Arrangements. Journal human Resource management, 55(6), 64-81.
- 88) Luthra, P., & Mackenzie, S. (2020). Ways COVID-19 could change how we educate future generations. In World Economic Forum. <https://www.weforum.org/agenda/2020/03/4-ways-covid-19-education-future-generations/>.
- 89) Noblit, G. W., & Hare, R. D. (1988). Meta-ethnography: synthesizing qualitative studies (Vol. 11). Counterpoints. Normann, H. E., & Hanson, J. (2018). The role of domestic markets in international technological innovation systems. Industry and innovation, 25(5), 482-504
- 90) Mehrmohammadi, M. (2004). Re-thinking the concept and significance of education in the era of information and communication revolution. The Conference of Curriculum in the Era of Information and Communication Technology. Tehran: The Association of Iranian curriculum. (in Persian).
- 91) PIVOT MedEd (2020) PIVOT Med Ed. Available at: <https://sites.google.com/view/pivotmeded/home> (Accessed: 24 March 2020). Ross DA. Creating a "quarantine curriculum" to enhance teaching and learning during the COVID-19 pandemic. Academic Medicine. 2020 Apr 22.
- 92) Safaei, Z.; Emadi, A.; Taheri, M. (2011). Studying the satisfaction of undergraduate students with e-learning programs in Semnan university of medical sciences. Journal of Medical Education Development Center of Yazd, 7(2): 13-20. (In Persian)



10.30495/JSCC.2024.20015



- 93) Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). Handbook for synthesizing qualitative research . Springer Publishing Company.
- 94) Wang, Y.S. (2003). Assessment of learner satisfaction with asynchronous electronic learning systems. Information and Management, 41(1): 75-86
- 95) Weston, S., Frieman, M. B. (2020). Covid- 19: Knows, Unknowns, and Questions. Msphere, 5 (2).1-5. DOI: 10.1128/mSphere.00203-20. Yang, H. Y., & Duan, G. C. (2020). Analysis



Investigating the simulation of energy in the building and the culture of residents' behavior with a bibliometric approach in the Scopus reference database

Somia Dolat¹, Ghazal Safdaria²n, Haider Jahanbakhsh³, Fahima Motazadian*⁴
(Received date: 2024/02/18 - Accepted date: 2024/06/13)

Abstract:

The use of fossil energy and the consequent emission of greenhouse gases are the main cause of climate change, which are considered to be one of the main challenges of mankind at the present time and also in the future. Buildings, as consumers of half of the world's energy in the process of construction and operation, have a special capacity in reducing energy consumption. One of the basic strategies for estimating and reducing energy consumption in buildings is to use energy simulation. The aim of this study is to comprehensively review the existing literature in the field of building energy simulation based on previous studies to provide a complete description of the research done in this field. Using a systematic research method, the information extracted from the Scopus database between 1982 and 2022 was pre-processed and categorized. By examining the number of 2929 scientific documents and according to the functional goals of bibliometric study, trends and decline, the most important articles, authors, and countries in the field were identified. Also, according to the network objectives, effective co-citation patterns were identified and then hot spots in the field were determined by analyzing the content of the obvious keywords. Finally, gaps and future research trends in the field of building energy simulation were identified and introduced.

Key words: Energy simulation, building, residents' behavior culture, bibliometric approach, citation network analysis, Scopus

¹PhD student in architecture, Islamic Azad University, Pardis branch, Pardis, Iran dowlat@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Pardis Branch, Pardis, Iran safdarian@pardisiau.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Architecture, Payam Noor University, Tehran Branch, Tehran, Iran H_Jahanbakhsh@pnu.ac.ir

⁴ Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Pardis Branch, Pardis, Iran (corresponding author): motazedian@pardisiau.ac.ir



بررسی شبیه‌سازی انرژی در ساختمان و فرهنگ رفتار ساکنان با رویکرد کتاب‌سنجی در پایگاه استنادی اسکوپوس

سمیه دولت^۱، غزال صفدریان^۲، حیدر جهانبخش^۳، فهیمه معتمدیان^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴)

چکیده:

استفاده از انرژی‌های فسیلی و به تبع آن انتشار گازهای گلخانه‌ای علت اصلی تغییرات اقلیمی می‌باشند که از چالش‌های اصلی بشر در زمان کنونی و همین‌طور در آینده به‌شمار می‌آیند. ساختمان‌ها به‌عنوان مصرف‌کننده نصف انرژی جهان در فرایند ساخت و بهره‌برداری دارای ظرفیت ویژه‌ای در کاهش مصرف انرژی هستند. یکی از راهکارهای اساسی برای تخمین و کاهش مصرف انرژی در ساختمان، استفاده از شبیه‌سازی انرژی است. هدف این مطالعه، بررسی جامع ادبیات موجود در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان براساس مطالعات پیشین است تا توصیف کاملی از تحقیقات انجام شده در این زمینه ارائه دهد. با استفاده از یک روش تحقیق سیستماتیک، اطلاعات استخراج شده از پایگاه اسکوپوس بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۲۲ میلادی، پیش‌پردازش و دسته‌بندی شدند. با بررسی تعداد ۲۹۲۹ سند علمی و با توجه به اهداف عملکردی مطالعه کتاب‌سنجی، روندها و افول، مهمترین مقالات، نویسندگان، کشورها در حوزه مشخص شد. همچنین، با توجه به اهداف شبکه‌ای، الگوهای هم‌استنادی مؤثر شناسایی شدند و سپس با تحلیل محتوای آشکار کلمات کلیدی نقاط داغ در حوزه مشخص شد. در نهایت، شکاف‌ها و روندهای تحقیقات آینده در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان شناسایی و معرفی شدند.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی انرژی، ساختمان، فرهنگ رفتار ساکنان، رویکرد کتاب‌سنجی، تحلیل شبکه استنادی، اسکوپوس

sdownlat@gmail.com

safdariana@pardisiu.ac.ir

H_jahanbakhsh@pnu.ac.ir

motazedian@pardisiu.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، پردیس، ایران

^۲ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، پردیس، ایران

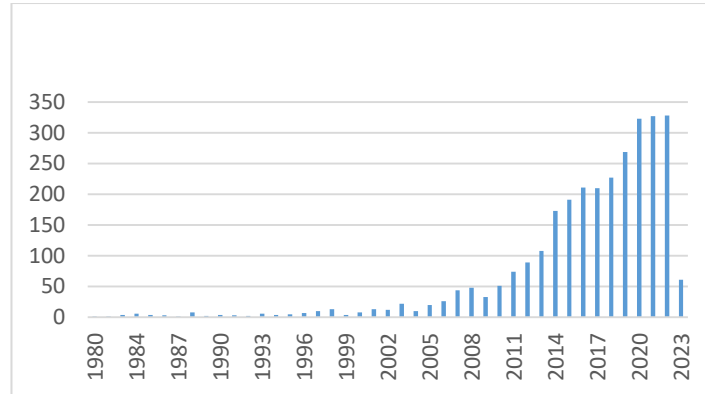
^۳ دانشیار گروه معماری، دانشگاه پیام‌نور واحد تهران، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس، پردیس، ایران (نویسنده مسئول):



مقدمه:

تغییرات اقلیمی یکی از مهمترین دغدغه‌های جهان کنونی می‌باشد. ساختمان‌ها به دلیل استفاده قابل توجه از منابع طبیعی و نیز مصرف انرژی، اثرات زیست‌محیطی قابل توجهی به همراه دارند. به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی بخش ساخت‌وساز ۳۶٪ از مصرف انرژی جهانی و نیز ۳۹٪ از میزان انتشار کربن را در سال ۲۰۱۸ میلادی، عهده‌دار بوده است (L. Wang et al., 2021). مجموع انرژی چرخه حیات ساختمان‌ها شامل انرژی نهفته و انرژی عملکردی می‌باشد. منظور از انرژی نهفته، انرژی مورد استفاده در تولید مصالح و حمل به سایت پروژه و انرژی مورد نیاز در ساخت‌وساز و نیز نگهداری و بازسازی و در نهایت تخریب ساختمان می‌باشد (Dixit et al., 2012). انرژی عملکردی، انرژی است که در زمان بهره‌برداری از ساختمان جهت گرمایش و سرمایش و روشنایی و لوازم و تجهیزات داخلی مصرف می‌شود (Dixit et al., 2010). دانشمندان در سرتاسر جهان بر روی راهبردهای کاهش مصرف انرژی در ساختمان از طریق توسعه مدل‌های شبیه‌سازی انرژی در ساختمان متمرکز شده‌اند. به طور خلاصه مدل‌های شبیه‌سازی انرژی در ساختمان از نوع مدل‌های پیش‌آگهی و قانون محور هستند. به عبارت دیگر، مدل‌های شبیه‌سازی انرژی در ساختمان با اعمال یک سری قوانین حاکم بر سیستم به دنبال پیش‌بینی رفتار آن سیستم می‌باشند (Coakley et al., 2014). از متداول‌ترین استانداردهای شبیه‌سازی انرژی در ساختمان نیز می‌توان به ¹ASHREA-IBPSA و ³IEA، اشاره کرد. جهت بررسی زمینه تاریخی حوزه مورد مطالعه می‌توان ذکر کرد که روش‌های شبیه‌سازی انرژی در ساختمان از سال ۱۹۶۰ میلادی، آغاز شد که در حدود ۲۰ سال، توسعه برنامه‌های ساعتی شبیه‌سازی انرژی ساختمان به نام‌های "BLAST" و "DOE-2"، را در دستور کار دولت آمریکا قرار داشت. در سال ۱۹۹۶ میلادی، یک آژانس فدرال ایالت متحده، ابزار "Energy Plus"، را بر اساس توسعه ۲ برنامه قبلی یعنی "BLAST" و "DOE-2"، جهت شبیه‌سازی انرژی ساختمان ایجاد کرد که در سال ۲۰۰۱ میلادی، اولین نسخه آن به بازار آمد (D. B. Crawley et al., 2001). و بعد از آن برنامه‌های شبیه‌سازی انرژی توسعه یافته دیگری همچون "Bsim" و "Dest" و "Ecotect" و "Equest" و "HAP" و "Heed" و "TRACE" و "TRYNSYS" (D. B. Crawley et al., 2008). و بعد از آن ابزارهای پارامتریک "Grasshopper"، با پلاگین‌های "Honeybees" و "MR-Comfy, ICE" و "Dynamo" و "Bear, Tortuga" و "Generative Components"، به بازار آمدند (Pan et al., 2023). در سال‌های اخیر رشد و توسعه ادبیات پیرامون شبیه‌سازی انرژی به شدت افزایش یافته است. برپایه (شکل ۱)، نمودار تولیدات سالیانه مطالعات در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان را نشان می‌دهد. طبق نمودار با وجود نوسانات کوچک در سال‌های مختلف، به طور کلی تولیدات علمی در حوزه مربوطه از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۲۲ میلادی، روندی صعودی را طی می‌کند. به طور میانگین در این ۴۰ سال شاهد نرخ رشد ۱۰.۵۵٪ می‌باشیم که نسبت به حوزه‌های دیگر پژوهشی نرخ رشد قابل توجهی می‌باشد.



شکل ۱: روند تولید اسناد علمی در بازه زمانی ۱۹۸۲-۲۰۲۲ میلادی
(مأخذ: استخراج شده از پایگاه استنادی اسکوپوس و استنباط نگارندگان، ۱۴۰۲)

به عقیده هریش و کومار، یک مدل جامع انرژی که دارای دقت و استحکام کافی باشد وجود ندارد (Harish, Kumar, 2016). همچنین برنامه‌های شبیه‌سازی انرژی دارای زبان مشترکی نیستند. نکته حائز اهمیت دیگر در مورد برنامه‌های مختلف شبیه‌سازی این است که اعتبارسنجی نتایج آن‌ها مورد مناقشه است. همچنین شبیه‌سازی انرژی در ساختمان فاقد استاندارد روشی برای ارزیابی انرژی با ابزارهای مختلف می‌باشد و نیز تعریف واحدی از الزامات مورد نیاز ابزارها ارائه نشده است (Attia, 2010). «فرهنگ رفتار ساکنین»، از موضوعات پراهمیت و چالش برانگیز در شبیه‌سازی انرژی در ساختمان می‌باشد و اختلاف بین عملکرد پیش‌بینی شده و واقعی ساکنان در مدل‌های شبیه‌سازی انرژی به وضوح قابل مشاهده است (Diao et al., 2017). «فرهنگ رفتار ساکنین» می‌تواند به ۵۰٪ تقاضای گرمایش بیشتر منجر شود (Dalla Rosa, Christensen, 2011). در این راستا برخی تلاش‌ها برای تعریف دقیق‌تر رفتار ساکنان در برنامه‌های شبیه‌سازی انرژی در ساختمان صورت گرفته است (D'Oca, Hong, 2015). همچنین داده‌های هواشناسی که از پارامترهای ورودی مهم و حیاتی در برنامه‌های شبیه‌سازی هستند می‌توانند هر سال به میزان قابل توجهی تغییر پیدا کنند و دارای دقت کافی نیستند (Chan et al., 2006). دانشمندان بسیاری راه‌حل‌های فراوانی، از جمله؛ کالیبراسیون را برای رفع این اختلافات و مناقشات ارائه نموده‌اند. تا پیش‌بینی در برنامه‌های شبیه‌سازی انرژی با مصرف انرژی واقعی مطابقت بیشتری داشته باشد (Chong et al., 2021).

مطالعات مروری مختلفی از جمله؛ مُروربر روش‌های تحلیل حساسیت (Tian, 2013)، مُروربر روش‌های تطبیق مدل‌های شبیه‌سازی انرژی با داده‌های اندازه‌گیری شده (Coakley et al., 2014)، مُروربر مدل‌سازی و شبیه‌سازی سیستم‌های انرژی در ساختمان (Harish, Kumar,



(Wong, Zhou, BIM⁴، 2016)، مَروربر افزایش پایداری ساختمان در طول چرخه حیات از طریق (2015)، مَروربر تأثیر رفتار ساکنین بر تجزیه و تحلیل انرژی در ساختمان (Delzende et al., 2017)، مَروربر حوزه شبیه سازی انرژی در ساختمان صورت گرفته است که هر کدام به منظور خاصی و یکی از زیر حوزه های شبیه سازی انرژی از جمله؛ نرم افزارها، مدل ها و غیره، را هدف قرار داده اند. هیچ کدام از این مرورها به بررسی روندهای تحقیقاتی و بررسی برترین اسناد و نویسندگان و ژورنال ها و کشورها (Van Nunen et al., 2018). و همین طور بررسی شبکه های هم استنادی، هم نویسندگی و زوج کتاب شناسی (Abdullah, 2021)، و غیره، به صورت جامع نپرداخته اند. لذا فقدان یک مَرور کتاب سنجی که دارای ویژگی کل گرایانه و «ابعاد اجتماعی»، است در حوزه شبیه سازی انرژی در ساختمان مشاهده می شود.

باتوجه به انباشت دانش در حوزه مورد مطالعه و همین طور نتایج متفاوت در پژوهش ها و نیز کیفیت متفاوت پژوهش ها، انجام مَرور کتاب شناسی در این حوزه ضروری می نماید. در سال های اخیر روش کتاب سنجی محبوبیت زیادی یافته است و به طور گسترده در تحقیقات حوزه معماری و ساخت و ساز مورد استفاده قرار می گیرد. از جمله؛ نمونه های آن می توان به مَرور کتاب سنجی مَرور ساختمان های سبز (Y. Li et al., 2021)، مَرور کتاب سنجی در حوزه "BIM" (Babalola et al., 2021)، مَرور کتاب سنجی در حوزه چرخه حیات ساختمان ها (Bhyan et al., 2022)، مَرور کتاب سنجی در حوزه ساختمان های صفر انرژی (Omran et al., 2022)، اشاره کرد. در مطالعه کنونی پس از بیان مسأله پژوهش و ذکر ادبیات پیرامون آن، محقق در قالب رویکردی کتاب شناسانه ابتدا به تدوین بخش روش شناسی پرداخته است.

۲- روش شناسی

مَرور سیستماتیک ادبیات وسیله ای مناسب جهت بررسی ادبیات پیشین و شناخت حوزه می باشد (Baghalzadeh Shishehgarkhaneh et al., 2022). کتاب سنجی از طریق یک مَرور ادبیات سیستماتیک در پی ایجاد نمای کلی از مطالعات انجام شده در حوزه مورد مطالعه می باشد (Linnenluecke et al., 2020). روش کتاب سنجی دارای رویکرد کمی می باشد و از قراردادهای فلسفی یا پارادایم اثبات گرایانه ناشی می شود (Creswell, Creswell, 2017). هم اکنون کتاب سنجی به ابزاری ضروری برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل خروجی دانشمندان بدل شده است (Moral- Munoz et al., 2020). محققان از کتاب سنجی با اهداف گوناگون بهره می برند، اگرچه تفاسیر کتاب سنجی عموماً بر ۲ هدف اصلی عملکردی و شبکه ای، استوار است که به وسیله آن محققان اولاً؛ تسلط کلی بر حوزه مورد نظر پیدا می کنند دوماً؛ شکاف های دانش را شناسایی می کنند و سوماً؛ به ایده های



تحقیقاتی جدید دست می‌یابند (Donthu et al., 2021). پژوهش حاضر در قالب یک مرور سیستماتیک و برپایه پروتکل از ۷ فاز به‌عنوان روش‌شناسی پیروی می‌کند (Moradi.M, Miralmasi.M, 2020).

← **فاز ۱)** انتخاب مسئله و حوزه مورد مطالعه: همان‌طور که در بخش ادبیات پژوهش ذکر شد، انباشت دانش در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان‌ها و عدم وجود یک مطالعه کل‌گرای کتاب‌سنجی در حوزه مورد مطالعه، محقق را به انجام پژوهش حاضر جهت توصیف و تکامل ادبیات نظری و شناسایی خلأها برای جهت‌گیری پژوهش‌های آتی تشویق کرد.

← **فاز ۲)** تعیین اهداف پژوهش: روش کتاب‌سنجی دارای رویکرد کمی برای بیان ویژگی‌های کیفی می‌باشد (Wallin, 2005). محقق؛ اهداف پژوهش حاضر را با توجه به نظر مونز در ۳ بخش اهداف عملکردی و ترسیم نقشه‌های علمی و تحلیل محتوای آشکار در نظر گرفته است (Gutiérrez-Salcedo et al., 2018).

ل- اهداف عملکردی یا توصیفی شامل: شناسایی روندهای رشد و افول مطالعات در حوزه مورد نظر، شناسایی تأثیرگذارترین سند در حوزه مورد نظر، شناسایی تأثیرگذارترین مؤلف در حوزه مورد نظر، شناسایی تأثیرگذارترین کشور در حوزه مورد نظر می‌باشند. اهداف تحلیل شبکه استنادی مشتمل بر: شناسایی مؤثرترین الگوهای هم‌استنادی، شناسایی مؤثرترین الگوهای همکاری کشورها می‌باشند. و اهداف تحلیل محتوا به شناسایی واژگان کلیدی براساس تحلیل محتوا کمی می‌پردازد.

← **فاز ۳)** جست‌وجوی داده‌های استنادی: محقق با برگزیدن پایگاه استنادی اسکوپوس که پوشش محتوایی بالاتری نسبت به سایر پایگاه‌ها از جمله؛ وب او ساینس دارد (Pranckutė, 2021). در تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۲۳ میلادی، از طریق کلیدواژه‌های "Construction" و "Building" و "Energy Performance Simulation" و "Energy Simulation"، دستور سرچ؛

TITLE-ABS-KEY (("energy simulation* "OR" energy performance simulation*") AND (building OR construction)) AND (LIMIT-TO (DOCTYPE, "ar")) OR LIMIT-TO (DOCTYPE, "re")) AND (LIMIT-TO (LANGUAGE, "English")) AND (LIMIT-TO (SRCTYPE, "j")) AND (LIMIT-TO (PUBSTAGE, "final"))

تعداد ۲۹۶۶ مطالعه را از پایگاه استنادی اسکوپوس استخراج نموده است.



← **فاز ۴**) پالایش و استخراج داده‌ها: یک مرور سیستماتیک باید براساس پروتکلی باشد که منطبق و فرضیه و روش‌های برنامه‌ریزی شده را به‌خوبی توصیف کند (Moher et al., 2015). پژوهشگر از پروتکل PRISMA⁶ به‌عنوان راهنمای با کیفیت بالا که در سال ۲۰۲۰ میلادی، آپدیت شده است استفاده می‌نماید. براساس الگوریتم پریزما مطالعات تکراری، ورودی‌های اشتباه، مطالعات بدون نسخه انگلیسی در عنوان، چکیده و کلیدواژه از لیست مطالعات حذف گردیدند و نهایتاً ۲۹۲۹ مطالعه در سبد تحلیل قرار گرفت.

← **فاز ۵**) تعیین نرم‌افزار مناسب برای تجزیه و تحلیل: در پژوهش حاضر برای ارزیابی ادبیات معتبر از نرم‌افزار "Publish or Perish" (Harzing, 2016) استفاده، غربال‌گری داده‌های خام استنادی بر مبنای پروتکل استاندارد پریزما (M. J. Page et al., 2021) با اکسل انجام پذیرفت. در بخش تجزیه و تحلیل عملکردی بسته نرم‌افزاری "Bibliometrix از R"، و بخش تحلیل شبکه با نرم‌افزار "Vos Viewer"، انجام گرفت.

← **فاز ۶**) بررسی نتایج: در این مرحله محقق باتوجه به اهداف ذکر شده در فاز ۲ کتاب‌سنجی به بررسی عینی نتایج عملکردی و تحلیل شبکه و تحلیل محتوای آشکار می‌پردازد.

← **فاز ۷**) بحث و نتیجه‌گیری: در این فاز باتوجه به نتایج به‌دست آمده، به سؤالات اصلی پژوهش پاسخ داده می‌شود. همچنین محدودیت‌ها بیان شده و نقاط قوت و ضعف بررسی می‌گردد و در انتها پیامدها و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی در حوزه بیان می‌گردد.

۳- نتایج

۳-۱- اطلاعات کلی داده‌های استخراج شده

در بازه زمانی ۴۰ ساله، نرخ رشد سالانه تولیدات علمی در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان ۱۰.۵۵٪ است. اسناد در ۳۸۵ ژورنال علمی به انتشار رسیده‌اند که در مجموع به ۱۴۱۳۶۸ مطالعه علمی دیگر ارجاع نموده‌اند. ۹۶٪ مقالات ژورنالی و ۴٪ از آن‌ها مقالات مروری می‌باشند. ۵.۸٪ از مقالات تک نویسنده می‌باشند و ۹۴.۲٪ با همکاری نویسندگان منتشر شده‌اند که ۲۵.۳٪ از همکاری‌ها در سطح بین‌المللی صورت گرفته است. نرخ همکاری دارای میانگین ۳.۵۵٪ می‌باشد که در مجموع ۲۷۵۹ سند به‌صورت همکاری به انتشار رسیده‌اند. جزئیات بیشتر برپایه (جدول ۱)، نمایش داده شده است.

جدول ۱: نمای کلی اطلاعات اصلی کتاب‌سنجی استخراج شده با نرم‌افزار R- (مأخذ: جمع‌آوری

توسط نگارندگان)

Description	Results
Timespan	1982-2022



10.30495/JSCC.2024.20015



Sources (Journals, Books, Etc)	385
Documents	2929
Annual Growth Rate %	10.55
Document Average Age	6.8
Average Citations Per Doc	30.39
References	141368
DOCUMENT CONTENTS	
Keywords Plus (ID)	10591
Author's Keywords (DE)	6488
AUTHORS	
Authors	6167
Authors of Single-Authored Docs	146
AUTHORS COLLABORATION	
Single-Authored Docs	170
Co-Authors Per Doc	3.55
International Co-Authorships %	25.3
DOCUMENT TYPES	
Article	2816
Review	113

۲-۳- تحلیل عملکردی اسناد و نویسندگان

۱۰ سند برتر در حوزه شبیه‌سازی انرژی بر مبنای شاخص کیفیت آن‌ها بر اساس استنادات بیشتر بر پایه (جدول ۲)، اولویت‌بندی شده‌اند. مقاله اول؛ کرای و دیگران ۲۰۰۱ میلادی، درحقیقت معرفی نرم‌افزار شبیه‌سازی انرژی پلاس می‌باشد وی توضیح می‌دهد که این نرم‌افزار ترکیب ۲ نرم‌افزار "DOE-2" و "BLAST" می‌باشد که بر روی نقاط قوت آن‌ها استوار است. در بخش‌های بعدی این سند مقایسه‌ای بین ویژگی‌ها و قابلیت‌های ۳ نرم‌افزار انجام شده است. مقاله دوم؛ کرای و دیگران ۲۰۰۸ میلادی، که بیشترین استناد را دریافت کرده است مقایسه بین ۲۰ ابزار مرسوم و اصلی در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان را مورد مقایسه قرار داده است. هدف نویسندگان از انجام این مقایسه تشویق کاربران به استفاده از مجموعه‌ای از ابزارها جهت برآورده شدن طیف متفاوت نیازهایشان در مقوله شبیه‌سازی انرژی می‌باشد. همچنین در این سند ذکر شده است که زبان مشترکی بین ابزارهای متفاوت شبیه‌سازی انرژی وجود ندارد و نیز قابلیت اطمینان به مدل‌ها در برخی موارد مورد تردید است (D. B. Crawley et al., 2008). مطالعه وی تیان ۲۰۱۳ میلادی، ۵۶۰ استناد دریافت کرده است و سومین مطالعه برتر در حوزه مورد مطالعه



می‌باشد. در این مطالعه کاربرد و روش‌های تحلیل حساسیت بر روی تحلیل عملکرد انرژی در ساختمان مورد بررسی قرار گرفته است و روش‌ها به ۲ روش "Global" و "Local"، طبقه‌بندی شده و ۴ رویکرد رگرسیون، مبتنی بر غربالگری، مبتنی بر واریانس متا مدل برای روش جهانی معرفی شده است که انتخاب هر کدام از روش‌ها بر مبنای هدف، هزینه محاسباتی، مدل‌های انرژی، تعداد متغیرهای ورودی و زمان می‌باشد (Tian, 2013).

جدول ۲: اولویت‌بندی مؤثرترین اسناد علمی در حوزه شبیه‌سازی انرژی استخراج شده با نرم‌افزار R- (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

TI	PY	SO	TC
<u>ENERGYPLUS: CREATING A NEW-GENERATION BUILDING ENERGY SIMULATION PROGRAM</u> (D. B. Crawley et al., 2001).	2001	JOURNAL OF ENERGY AND BUILDINGS	1664
<u>CONTRASTING THE CAPABILITIES OF BUILDING ENERGY PERFORMANCE SIMULATION PROGRAMS</u> (D. B. Crawley et al., 2008).	2008	JOURNAL OF BUILDING AND ENVIRONMENT	1112
<u>A REVIEW OF SENSITIVITY ANALYSIS METHODS IN BUILDING ENERGY ANALYSIS</u> (Tian, 2013).	2013	JOURNAL OF RENEWABLE AND SUSTAINABLE ENERGY REVIEWS	560
<u>ENERGY PLUS: ENERGY SIMULATION PROGRAM</u> (D. Crawley et al., 2000).	2000	ASHRAE JOURNAL	556
<u>A REVIEW OF METHODS TO MATCH BUILDING ENERGY SIMULATION MODELS TO MEASURED DATA</u> (Coakley et al., 2014).	2014	JOURNAL OF RENEWABLE AND SUSTAINABLE ENERGY REVIEWS	514
<u>A GENERALISED STOCHASTIC MODEL FOR THE SIMULATION OF OCCUPANT PRESENCE</u> (J. Page et al., 2008).	2008	JOURNAL OF ENERGY AND BUILDINGS	502
<u>A GREEN ROOF MODEL FOR BUILDING ENERGY SIMULATION PROGRAMS</u> (Sailor, 2008).	2008	JOURNAL OF ENERGY AND BUILDINGS	478
<u>ENERGY CONSUMPTION AND URBAN TEXTURE</u> (Ratti et al., 2005).	2005	JOURNAL OF ENERGY AND BUILDINGS	415
<u>A REVIEW ON MODELING AND SIMULATION OF BUILDING ENERGY SYSTEMS</u> (Harish, Kumar, 2016).	2016	JOURNAL OF RENEWABLE AND SUSTAINABLE ENERGY REVIEWS	382
<u>ENHANCING ENVIRONMENTAL SUSTAINABILITY OVER BUILDING LIFE CYCLES THROUGH GREEN BIM: A</u>	2015	JOURNAL OF AUTOMATION IN CONSTRUCTION	353



(Wong, Zhou, 2015).REVIEW

در ادامه به بررسی رتبه‌بندی نویسندگان در حوزه شبیه‌سازی انرژی با استفاده از شاخص‌های تولید، کیفیت و ترکیب هر ۲ پرداخته‌ایم. شاخص‌های "NP"، تعداد کل انتشارات و "TC"، میزان کل استنادات دریافتی ۲ شاخص مهم در پژوهش کتاب‌سنجی می‌باشند (Bornmann & Mutz, 2014). برپایهٔ (جدول ۳)، ۱۰ مؤلف برتر در حوزه و براساس ۳ دسته شاخص تولید و استناد و ترکیبی اولویت‌بندی گردیده‌اند. "ASCIONE F"، به‌عنوان تأثیرگذارترین نویسنده تعداد ۳۱ سند علمی را از سال ۲۰۱۰ میلادی، تاکنون منتشر کرده است که در مجموع ۱۵۹۱ استناد دریافت کرده است. بعد از او "HONG T"، با انتشار ۲۹ سند و دریافت ۱۲۷۳ استناد در رتبهٔ دوم قرار گرفته است و "BIANCO N"، با انتشار ۲۲ سند علمی و دریافت مجموعاً ۱۱۷۵ استناد رتبهٔ سوم را از آن خود قرار داده است.

جدول ۳: اولویت‌بندی تأثیرگذارترین نویسندگان حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان - (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

Element	H_index	G_index	M_index	TC	NP	PY_Start
ASCIONE F	20	31	1.429	1591	31	2010
HONG T	18	29	0.72	1273	29	1999
BIANCO N	17	22	1.417	1175	22	2012
LAM JC	15	17	0.484	1244	17	1993
VANOLI GP	15	21	1.154	1339	21	2011
HENSEN						
JLM	14	20	0.452	1470	20	1993
LIU J	14	21	0.824	785	21	2007
CHAN ALS	13	13	0.464	890	13	1996
KRARTI M	13	24	0.481	1151	24	1997
MAURO						
GM	13	16	1.3	666	16	2014

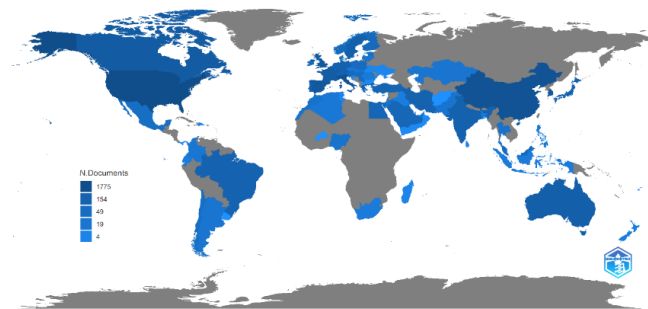
۳-۳- تحلیل رویکرد اجتماعی- فرهنگی عملکردی کشورها

مطالعات علمی در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان از ۸۱ کشور سرچشمه می‌گیرند. برپایهٔ (شکل ۲)، ۵ کشور برتر براساس شاخص استناد در حوزه شبیه‌سازی در انرژی به ترتیب آمریکا و ایتالیا و چین و کره و هنگ‌کنگ می‌باشند. کشور آمریکا با تعداد کل استنادات دریافتی ۱۴۳۲۴ بیشترین میزان استناد را به خود اختصاص داده است. و نیز بیشترین میانگین استنادات دریافتی مربوط به کشور سوئیس می‌باشد. این به‌این دلیل است که آمریکا بیشترین تولیدکنندهٔ اسناد می‌باشد و سوئیس یکی از پر استنادترین اسناد را تولید کرده است. برپایهٔ (شکل ۳)، نمودار خطی رشد تولیدات اسناد علمی ۵ کشور ممتاز در حوزه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ میلادی، نمودارهای هر کشور رشد فزاینده‌ای یافته است چنانچه



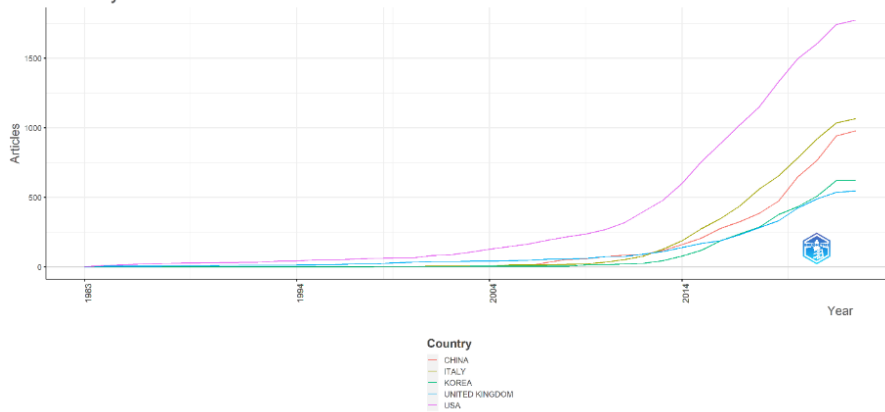
آمریکا در طی ۱۰ سال اخیر میزان تولیداتش ۱۷۴۳ به ۳۹۹۹ تولید علمی رسیده است و افزایش ۴/۴٪ برابری یافته است.

Country Scientific Production



شکل ۲: تحلیل توصیفی کشورها بر پایه شاخص میزان تولیدات علمی استخراج شده با نرم افزار R - (مأخذ: جمع آوری توسط نگارندگان)

Country Production over Time



شکل ۳: نمودار خطی رشد تولیدات اسناد علمی ۵ کشور ممتاز حوزه استخراج شده با نرم افزار R - (مأخذ: جمع آوری توسط نگارندگان)

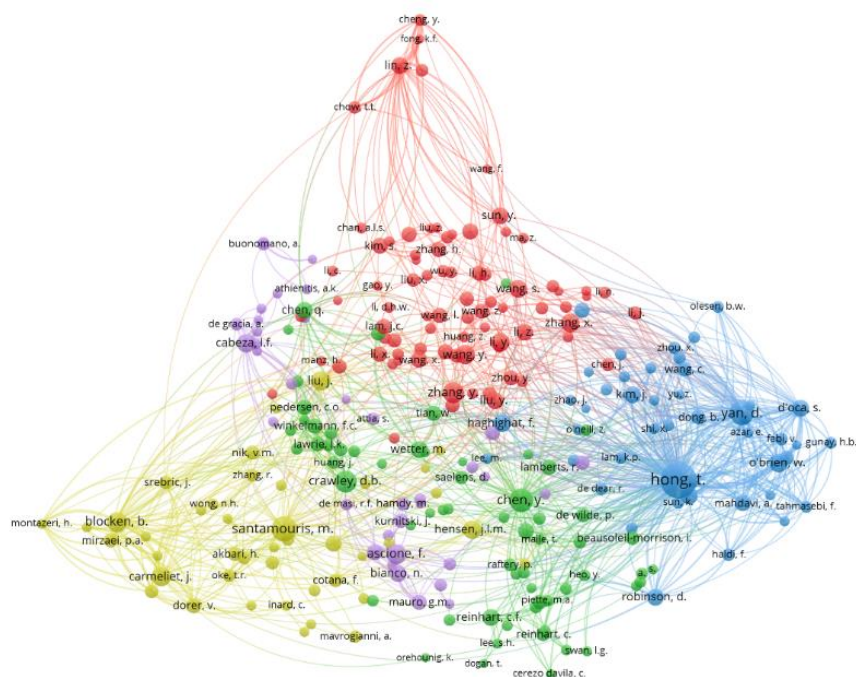
۳-۴- تحلیل شبکه هم‌استنادی نویسندگان

تحلیل هم‌استنادی نویسنده به وسیله شمارش فراوانی استناد هر اثر یک نویسنده با نویسنده دیگر در اسنادهای سند و برای تشخیص و تحلیل ساختار فکری یک حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این تحلیل برای شناسایی نویسندگانی به کار می‌رود که به‌طور مشترک در اسناد دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Zhong et al., 2019). بدین ترتیب اندازه گره‌ها حاکی از این است که نویسنده مورد نظر چه میزان



هم‌استنادی دارد (Y. Yu et al., 2020). و ارتباط بین گره‌ها روابط استنادی ایجاد شده با نویسنده‌های مشترک را نشان می‌دهد (Ghaleb et al., 2022). برپایه (شکل ۴)، نشان‌دهنده شبکه‌های هم‌استنادی نویسنده‌ها می‌باشد.

در نرم‌افزار "Vosviewer"، حداقل استناد برای هر نویسنده ۵۰ استناد در نظر گرفته شده و بدین ترتیب ۲۶۷ گره که همان نویسنده‌های هم‌استناد می‌باشند و ۵ خوشه اصلی ایجاد شده است. "Hong.t"، بیشترین هم‌استنادی را با نویسندگان دیگر دارد و چنانچه از شبکه هم‌استنادی نویسندگان مشخص است. "Hong.t"، در خوشه آبی؛ به ترتیب با (d'oca, s و o'brien, Yan.d). دارای قوی‌ترین لینک می‌باشد. همچنین (chen, y و crawley, d.b)، در خوشه سبز؛ بیشترین هم‌استنادی را دارا می‌باشند. در خوشه زرد؛ (blocken, b و santamouris, m)، در خوشه قرمز؛ (zhang, y و lin, z)، و در خوشه بنفش؛ (ascione, f و cabeza, l.f)، دارای قوی‌ترین لینک می‌باشند. برپایه (جدول ۴)، که به معرفی خوشه‌ها می‌پردازد ۲ نویسنده که لینک قوی‌تری و گره بزرگتری ایجاد کرده‌اند به‌عنوان نماینده خوشه معرفی و با بررسی مطالعاتشان تم‌های اصلی موضوعی برای هر خوشه در نظر گرفته شده است.



شکل ۴: شبکه هم‌استنادی نویسندگان حوزه شبیه‌سازی انرژی استخراج شده با نرم‌افزار Vosviewer- (مأخذ: جمع آوری توسط نگارندگان)

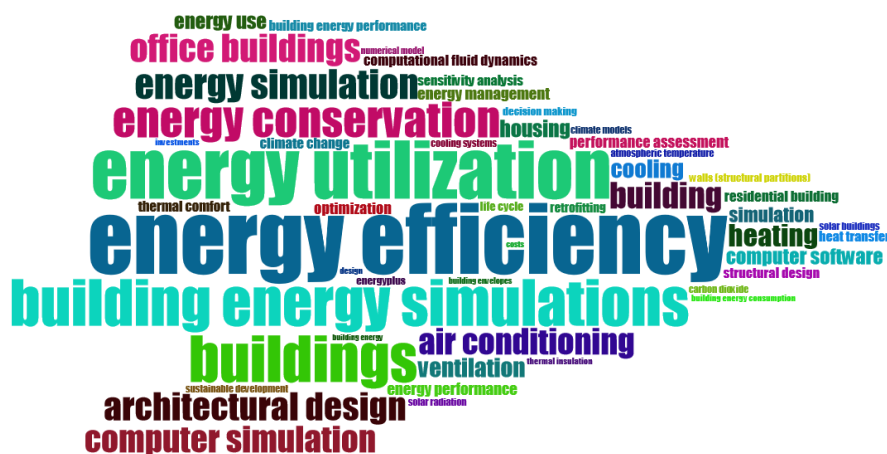


جدول ۴: بررسی خوشه‌های به‌دست آمده از شبکه هم‌استنادی نویسندگان - (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)

CLUSTER	REPRESENTATIVE AUTHORS	THEME
BLUE	hong, t- yan, d	Occupant behavior, energy efficiency, climate data
GREEN	.chen, y- crawley, d.b	Programs, tools, NZEB ⁷ , Retrofit
YELLOW	blocken, b- santamouris, m	CFD ⁸
RED	lin, z- zhang, y	Indoor environment
PURPLE	cabeza, l.f- ascione, f	PCM ⁹

۵-۳- تحلیل محتوای آشکار کلیدواژه‌ها

در پژوهش کتاب‌سنجی، ارزیابی و بررسی کلمات کلیدی اهمیت زیادی دارد (Alnajem et al., 2021). به‌جهت ارزیابی گرایش‌های تحقیق و زمینه‌های مهم در حوزه و نیز شناختن محدوده‌های حوزه، بررسی کلمات کلیدی موردنیاز است (Campra et al., 2021). برپایه (شکل ۵)، نمودار ابری کلمات کلیدی رخ داده در اطلاعات استنادی در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان را نمایش می‌دهد. از پرتکرارترین کلمات کلیدی به‌ترتیب شامل: (Energy Efficiency و Energy Utilization و Building Energy Simulation و Buildings و Energy Conservation)، می‌باشند که می‌توانند به‌عنوان نقاط داغ در تحقیقات مربوطه به حوزه شبیه‌سازی انرژی، انرژی در ساختمان در نظر گرفته شوند.



شکل ۵: نمودار ابری واژگان کلیدی حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان و در رابطه با فرهنگ رفتار ساکنان استخراج شده با نرم‌افزار R (مأخذ: جمع‌آوری توسط نگارندگان)



۴- بحث

با افزایش جمعیت کره زمین تا سال ۲۰۵۰ میلادی، میزان احداث روزانه ساختمان‌های جدید به ۱۳۰۰۰ ساختمان خواهد رسید (Pereira et al., 2021). جهت کاهش اثرات زیست‌محیطی و بهره‌وری تغییرات اجتماعی و انرژی بالاتر ساختمان‌ها، شبیه‌سازی انرژی در ساختمان ضروری می‌نماید. این مطالعه با رویکرد کتاب‌سنجی و بررسی ۲۹۲۹ مطالعه استخراج شده از پایگاه استنادی "Scopus"، در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان در ۴۰ سال گذشته نشان داد که روند تولیدات علمی در این حوزه همواره روبه رشد بوده است. و حوزه مورد مطالعه یک حوزه بین‌رشته‌ای می‌باشد. خصوصاً نرخ رشد بالای تولیدات علمی در ۱۰ سال اخیر تأکید بر ۳ موضوع دارد: اهمیت پرداختن به حوزه، علاقه‌مندی محققان به پرداختن در این حوزه، وجود مباحث چالش‌برانگیز در حوزه. از جمله؛ مباحث چالش‌برانگیز در حوزه می‌توان به: اولاً؛ اعتبارسنجی مدل‌های شبیه‌سازی انرژی در ساختمان، که مطالعات اخیر همچون (Abolhassani et al., 2022). در این خصوص انجام شده‌اند و ثانیاً؛ اختلاف بین عملکرد پیش‌بینی شده و واقعی ساکنان (Panchabikesan et al., 2021). و نیز فرهنگ استفاده‌کنندگان اشاره کرد. کشورهای آمریکا و ایتالیا و چین ۳ کشور برتر در حوزه شبیه‌سازی انرژی هستند. بیشترین همکاری بین‌المللی مربوط به کشور آمریکا است که بیشترین همکاری را با کشورهای چین و انگلستان و ایتالیا و کره جنوبی داشته است. کلمات کلیدی؛

(Energy Efficiency و Energy Utilization و Building Energy Simulation و Energy Conservation)

می‌تواند به‌عنوان نقاط داغ در تحقیقات مربوط به حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان باشند. همچنین موضوعاتی همچون Machin Learning و Zero Energy Building، که در سال‌های اخیر به حوزه شبیه‌سازی انرژی وارد شده‌اند و بیشترین فراوانی انتشارات را در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۰ داشته‌اند، از موضوعات جدید حوزه مورد مطالعه می‌باشند (L. Wang, Witte, 2022)-(Alwetaishi, 2022). به‌طور خلاصه با بررسی شبکه هم‌استنادی نویسندگان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ۵ خوشه بسیار پراهمیت در حوزه شامل: ۱. ابزارهای شبیه‌سازی انرژی در ساختمان، ۲. فرهنگ رفتار ساکنان، ۳. Cfd، ۴. محیط داخلی و ۵. Pcm، می‌باشند. بررسی خوشه‌های شبکه هم‌استنادی نشان می‌دهد که ۴ نویسنده برتر Hong.t و Yan.d و d'oca.s و O'Brien، همگی دارای مطالعات برتری در زمینه «فرهنگ رفتار ساکنان»، می‌باشند و در ضمن در مطالعاتی که از استناد بالا برخوردارند و با موضوع رفتار ساکنان باهم همکاری داشته‌اند. (Hong et al., 2015, 2017; Hong, Taylor-Lange, et al., 2016; Yan et al., 2015, 2017) همچنین "chen, y" و "crawley, d.b"، هر ۲ بر روی ابزارها و نرم‌افزارهای حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان محور مطالعه داشته‌اند (D. B. Crawley et al.,



(2001; Hong, Sun, et al., 2016). به نظر می‌رسد دلیل لینک قوی بین "blocken, b" و "santamouris, m"، مطالعه هر ۲ نویسنده در زمینه (Urban Physics & Climate)، باشد (Santamouris et al., 2001; Toparlar et al., 2017). "lin, z" و "zhang, y" هر ۲ دارای مطالعاتی با محوریت "Indoor Environment" داشته‌اند (Mo et al., 2009). و "cabeza, l.f" و "ascione, f"، هر ۲ از نویسندگان برتر در زمینه "Pcm"، می‌باشند (Ascione et al., 2014; Cabeza et al., 2011).

این پژوهش دارای تعدادی محدودیت نیز می‌باشد از جمله اینکه: اگرچه اسکوپوس مجموعه بزرگی از اطلاعات استنادی را نمایندگی می‌کند. باین وجود این مطالعه به استفاده از یک پایگاه استنادی به‌عنوان منبع جمع‌آوری اطلاعات استنادی که همان پایگاه استنادی اسکوپوس می‌باشد محدود می‌باشد. که بخشی از کل داده‌های استنادی موجود را شامل می‌شود. محدودیت دیگر مربوط به ماهیت رویکرد کتاب‌سنجی است که یک رویکرد کمی می‌باشد. همچنین اطلاعات استنادی به مقاله‌های ژورنالی و مروری محدود شده است و مقالات کنفرانسی و کتاب‌ها و رساله‌های دکتری و غیره، در سبد تحلیل قرار نگرفته‌اند. ضمناً در این پژوهش فقط اطلاعات استنادی به زبان انگلیسی در نظر گرفته شده است که منجر به دست‌کم گرفتن مطالعات به زبان‌های دیگر می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در این مرور سیستماتیک، ارزیابی بر روی پژوهش‌های جهانی انجام شده بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۲۲ میلادی، ارائه شده است. مطالعات در حوزه شبیه‌سازی انرژی در ساختمان رشد زیادی را خصوصاً از سال ۲۰۱۵ میلادی، تاکنون تجربه کرده‌اند. بررسی مطالعات حکایت از چندرشته‌ای بودن حوزه و گستردگی اجتماعی-فرهنگی متنوع جغرافیایی آن دارد. کشورهای توسعه‌یافته سال‌هاست که در این حوزه صاحب‌نظر بوده‌اند و کشورهای در حال توسعه همچنان با سهم اندکی دنبال‌کننده هستند و نیز فقدان حضور کشورهای آفریقایی در بین ۱۰ کشور برتر، لزوم توجه این کشورها به حوزه مورد مطالعه را تأکید می‌کند. این مطالعه درکی جامع از فعالیت‌های صورت گرفته ۴۰ ساله اخیر در حوزه مورد مطالعه را ارائه می‌دهد. موضوعاتی همچون (Machin learning, Artificial Neural Network)، از موضوعات جدیدالورود به حوزه هستند که احتمالاً می‌بایست بخشی از پژوهش‌های آتی به سمت آن‌ها گرایش یابد. پیشنهاد می‌گردد مطالعات آتی از پایگاه‌های استنادی دیگر و یا با مرج چند پایگاه استنادی صورت گیرد. و نیز مطالعات آینده از پایگاه‌های استنادی بدون محدودیت مقاله‌های ژورنالی و مروری صورت پذیرد. همچنین مطالعه‌های آتی، پژوهش‌های مرتبط با حوزه و به زبان‌های دیگر را نیز مورد بررسی قرار دهند. پیشنهاد می‌گردد که کنار کار کتاب‌سنجی، تحلیل محتوای پنهان که دارای رویکرد کیفی است و یا مرور آمیخته صورت پذیرد. در نهایت، این پژوهش با کلیه نقاط قوت و ضعف و با رویکرد کتاب‌سنجی در حوزه



10.30495/JSCC.2024.20015



شبیه‌سازی انرژی در ساختمان انجام پذیرفت و توانست به اهداف خود در کنار محدودیت‌ها دست یابد تا بتواند به‌عنوان مطالعه پژوهشی با محوریت مروری در علم سهم داشته باشد.



10.30495/JSCC.2024.20015



۶- پی‌نوشت‌ها

1. *International Building Performance Simulation Association*
2. *American Society Of Heating, Refrigerating and Air conditioning Engineers*
3. *International Energy Agency*
4. *Building Information Modeling*
5. *Life Cycle*
6. *Preferred Reporting Items For Systematic Reviews & Meta-Analyses literature Search Extension*
7. *Net Zero Energy Building*
8. *Computational Fluid Dynamics*
9. *Phase Change Material*



۷- منابع

- Abdullah, K. H. (2021). Mapping of marine safety publications using VOSviewer. *ASM Science Journal*, 16, 1-9.
- Abolhassani, S. S., Amayri, M., Bouguila, N., & Eicker, U. (2022). A new workflow for detailed urban scale building energy modeling using spatial joining of attributes for archetype selection. *Journal of Building Engineering*, 46, 103661.
- Alnajem, M., Mostafa, M. M., & ElMelegy, A. R. (2021). Mapping the first decade of circular economy research: A bibliometric network analysis. *Journal of Industrial and Production Engineering*, 38(1), 29-50.
- Alwetaishi, M. (2022). Can we learn from heritage buildings to achieve nearly zero energy building and thermal comfort? A case study in a hot climate. *Advances in Building Energy Research*, 16(2), 214-230.
- Andersen, R., Fabi, V., Toftum, J., Corgnati, S. P., & Olesen, B. W. (2013). Window opening behaviour modelled from measurements in Danish dwellings. *Building and Environment*, 69, 101-113.
- Ascione, F., Bianco, N., De Masi, R. F., de' Rossi, F., & Vanoli, G. P. (2014). Energy refurbishment of existing buildings through the use of phase change materials: Energy savings and indoor comfort in the cooling season. *Applied Energy*, 113, 990-1007.
- Attia, S. (2010). *Building performance simulation tools: Selection criteria and user survey*.
- Azar, E., & Menassa, C. C. (2012). A comprehensive analysis of the impact of occupancy parameters in energy simulation of office buildings. *Energy and Buildings*, 55, 841-853.
- Babalola, A., Musa, S., Akinlolu, M. T., & Haupt, T. C. (2021). A bibliometric review of advances in building information modeling (BIM) research. *Journal of Engineering, Design and Technology*, ahead-of-print.
- Baghalzadeh Shishehgarhaneh, M., Keivani, A., Moehler, R. C., Jelodari, N., & Roshdi Laleh, S. (2022). Internet of Things (IoT), Building Information Modeling (BIM), and Digital Twin (DT) in



10.30495/JSCC.2024.20015



- Construction Industry: A Review, Bibliometric, and Network Analysis. *Buildings*, 12(10), 1503.
- Bhyan, P., Shrivastava, B., & Kumar, N. (2022). Systematic literature review of life cycle sustainability assessment system for residential buildings: Using bibliometric analysis 2000–2020. *Environment, Development and Sustainability*, 1–29.
 - Bornmann, L., & Mutz, R. (2014). Growth rates of modern science: A bibliometric analysis. *Journal of the Association for Information Science and Technology*.
 - Cabeza, L. F., Castell, A., Barreneche, C. de, De Gracia, A., & Fernández, A. I. (2011). Materials used as PCM in thermal energy storage in buildings: A review. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 15(3), 1675–1695.
 - Calì, D., Andersen, R. K., Müller, D., & Olesen, B. W. (2016). Analysis of occupants' behavior related to the use of windows in German households. *Building and Environment*, 103, 54–69.
 - Campra, M., Paolo, E., & Brescia, V. (2021). State of the art of COVID-19 and business, management, and accounting sector. A bibliometric analysis. *International Journal of Business and Management*, 16(1), 1–35.
 - Chan, A. L., Chow, T.-T., Fong, S. K., & Lin, J. Z. (2006). Generation of a typical meteorological year for Hong Kong. *Energy Conversion and Management*, 47(1), 87–96.
 - Chong, A., Gu, Y., & Jia, H. (2021). Calibrating building energy simulation models: A review of the basics to guide future work. *Energy and Buildings*, 253, 111533. <https://doi.org/10.1016/j.enbuild.2021.111533>
 - Coakley, D., Raftery, P., & Keane, M. (2014). A review of methods to match building energy simulation models to measured data. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 37, 123–141.
 - Crawley, D. B., Hand, J. W., Kummert, M., & Griffith, B. T. (2008). Contrasting the capabilities of building energy performance simulation programs. *Building and Environment*, 43(4), 661–673. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2006.10.027>
 - Crawley, D. B., Lawrie, L. K., Winkelmann, F. C., Buhl, W. F., Huang, Y. J., Pedersen, C. O., Strand, R. K., Liesen, R. J., Fisher, D.



- E., & Witte, M. J. (2001). EnergyPlus: Creating a new-generation building energy simulation program. *Energy and Buildings*, 33(4), 319–331.
- Crawley, D., Pedersen, C., Lawrie, L., & Winkelmann, F. (2000). EnergyPlus: Energy Simulation Program. *Ashrae Journal*, 42, 49–56.
 - Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Sage publications.
 - Cusenza, M. A., Guarino, F., Longo, S., & Cellura, M. (2022). An integrated energy simulation and life cycle assessment to measure the operational and embodied energy of a Mediterranean net zero energy building. *Energy and Buildings*, 254, 111558.
 - Dalla Rosa, A., & Christensen, J. E. (2011). Low-energy district heating in energy-efficient building areas. *Energy*, 36(12), 6890–6899.
 - Delzende, E., Wu, S., Lee, A., & Zhou, Y. (2017). The impact of occupants' behaviours on building energy analysis: A research review. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 80, 1061–1071.
 - Diao, L., Sun, Y., Chen, Z., & Chen, J. (2017). Modeling energy consumption in residential buildings: A bottom-up analysis based on occupant behavior pattern clustering and stochastic simulation. *Energy and Buildings*, 147, 47–66.
 - Dixit, M. K., Fernández-Solís, J. L., Lavy, S., & Culp, C. H. (2010). Identification of parameters for embodied energy measurement: A literature review. *Energy and Buildings*, 42(8), 1238–1247.
 - Dixit, M. K., Fernández-Solís, J. L., Lavy, S., & Culp, C. H. (2012). Need for an embodied energy measurement protocol for buildings: A review paper. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 16(6), 3730–3743. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2012.03.021>
 - D'Oca, S., & Hong, T. (2015). Occupancy schedules learning process through a data mining framework. *Energy and Buildings*, 88, 395–408.
 - Donthu, N., Kumar, S., Mukherjee, D., Pandey, N., & Lim, W. M. (2021). How to conduct a bibliometric analysis: An overview and



- guidelines. *Journal of Business Research*, 133, 285–296.
<https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.04.070>
- Duarte, C., Van Den Wymelenberg, K., & Rieger, C. (2013). Revealing occupancy patterns in an office building through the use of occupancy sensor data. *Energy and Buildings*, 67, 587–595.
 - Gaetani, I., Hoes, P.-J., & Hensen, J. L. (2016). Occupant behavior in building energy simulation: Towards a fit-for-purpose modeling strategy. *Energy and Buildings*, 121, 188–204.
 - Geng, S., Wang, Y., Zuo, J., Zhou, Z., Du, H., & Mao, G. (2017). Building life cycle assessment research: A review by bibliometric analysis. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 76, 176–184.
 - Ghaleb, H., Alhajlah, H. H., Bin Abdullah, A. A., Kassem, M. A., & Al-Sharafi, M. A. (2022). A scientometric analysis and systematic literature review for construction project complexity. *Buildings*, 12(4), 482.
 - Gunay, H. B., O'Brien, W., & Beausoleil-Morrison, I. (2013). A critical review of observation studies, modeling, and simulation of adaptive occupant behaviors in offices. *Building and Environment*, 70, 31–47.
 - Gutiérrez-Salcedo, M., Martínez, M. Á., Moral-Munoz, J. A., Herrera-Viedma, E., & Cobo, M. J. (2018). Some bibliometric procedures for analyzing and evaluating research fields. *Applied Intelligence*, 48, 1275–1287.
 - Harish, V. S. K. V., & Kumar, A. (2016). A review on modeling and simulation of building energy systems. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 56, 1272–1292.
<https://doi.org/10.1016/j.rser.2015.12.040>
 - Harzing -, A.-W. (2016, February 6). *Publish or Perish*. Harzing.Com. <https://harzing.com/resources/publish-or-perish>
 - Hong, T., D'Oca, S., Turner, W. J., & Taylor-Lange, S. C. (2015). An ontology to represent energy-related occupant behavior in buildings. Part I: Introduction to the DNAs framework. *Building and Environment*, 92, 764–777.
 - Hong, T., & Lin, H.-W. (2013). *Occupant behavior: Impact on energy use of private offices*. Lawrence Berkeley National Lab.(LBNL), Berkeley, CA (United States).



- Hong, T., Sun, H., Chen, Y., Taylor-Lange, S. C., & Yan, D. (2016). An occupant behavior modeling tool for co-simulation. *Energy and Buildings*, 117, 272–281.
- Hong, T., Taylor-Lange, S. C., D'Oca, S., Yan, D., & Corgnati, S. P. (2016). Advances in research and applications of energy-related occupant behavior in buildings. *Energy and Buildings*, 116, 694–702.
- Hong, T., Yan, D., D'Oca, S., & Chen, C. (2017). Ten questions concerning occupant behavior in buildings: The big picture. *Building and Environment*, 114, 518–530.
- Hosseini, M., Bigtashi, A., & Lee, B. (2021). Generating future weather files under climate change scenarios to support building energy simulation—A machine learning approach. *Energy and Buildings*, 230, 110543.
- Im, P., Joe, J., Bae, Y., & New, J. R. (2020). Empirical validation of building energy modeling for multi-zones commercial buildings in cooling season. *Applied Energy*, 261, 114374.
- Jia, M., Srinivasan, R. S., & Raheem, A. A. (2017). From occupancy to occupant behavior: An analytical survey of data acquisition technologies, modeling methodologies and simulation coupling mechanisms for building energy efficiency. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 68, 525–540.
- Jin, Y., Yan, D., Kang, X., Chong, A., & Zhan, S. (2021). Forecasting building occupancy: A temporal-sequential analysis and machine learning integrated approach. *Energy and Buildings*, 252, 111362.
- Li, X., Wu, P., Shen, G. Q., Wang, X., & Teng, Y. (2017). Mapping the knowledge domains of Building Information Modeling (BIM): A bibliometric approach. *Automation in Construction*, 84, 195–206.
- Li, Y., Leung, G. M., Tang, J. W., Yang, X., Chao, C. Y., Lin, J. Z., Lu, J. W., Nielsen, P. V., Niu, J., & Qian, H. (2007). Role of ventilation in airborne transmission of infectious agents in the built environment—a multidisciplinary systematic review. *Indoor Air*, 17(1), 2–18.
- Li, Y., Rong, Y., Ahmad, U. M., Wang, X., Zuo, J., & Mao, G. (2021). A comprehensive review on green buildings research:



10.30495/JSCC.2024.20015



- Bibliometric analysis during 1998–2018. *Environmental Science and Pollution Research*, 28, 46196–46214.
- Linnenluecke, M. K., Marrone, M., & Singh, A. K. (2020). Conducting systematic literature reviews and bibliometric analyses. *Australian Journal of Management*, 45(2), 175–194. <https://doi.org/10.1177/0312896219877678>
 - Mo, J., Zhang, Y., Xu, Q., Lamson, J. J., & Zhao, R. (2009). Photocatalytic purification of volatile organic compounds in indoor air: A literature review. *Atmospheric Environment*, 43(14), 2229–2246.
 - Moher, D., Shamseer, L., Clarke, M., Ghersi, D., Liberati, A., Petticrew, M., Shekelle, P., Stewart, L. A., & PRISMA-P Group. (2015). Preferred reporting items for systematic review and meta-analysis protocols (PRISMA-P) 2015 statement. *Systematic Reviews*, 4(1), 1. <https://doi.org/10.1186/2046-4053-4-1>
 - Moradi.M, & Miralmasi.M. (2020). *Pragmatic research method* ((F. Seydi, Ed.) (1st ed.)). School of quantitative and qualitative research. <https://analysisacademy.com/>
 - Moral-Munoz, J., Herrera-Viedma, E., Espejo, A., & Cobo, M. (2020). Software tools for conducting bibliometric analysis in science: An up-to-date review. *El Profesional de La Información*, 29. <https://doi.org/10.3145/epi.2020.ene.03>
 - Omrany, H., Chang, R., Soebarto, V., Zhang, Y., Ghaffarianhoseini, A., & Zuo, J. (2022). A bibliometric review of net zero energy building research 1995–2022. *Energy and Buildings*, 111996.
 - Østergård, T., Jensen, R. L., & Maagaard, S. E. (2016). Building simulations supporting decision making in early design–A review. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 61, 187–201.
 - Page, J., Robinson, D., Morel, N., & Scartezzini, J.-L. (2008). A generalised stochastic model for the simulation of occupant presence. *Energy and Buildings*, 40(2), 83–98.
 - Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., Shamseer, L., Tetzlaff, J. M., Akl, E. A., Brennan, S. E., Chou, R., Glanville, J., Grimshaw, J. M., Hróbjartsson, A., Lalu, M. M., Li, T., Loder, E. W., Mayo-Wilson, E., McDonald, S., ... Moher, D. (2021). The PRISMA 2020



10.30495/JSCC.2024.20015



- statement: An updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, n71. <https://doi.org/10.1136/bmj.n71>
- Pan, Y., Huang, Z., & Wu, G. (2007). Calibrated building energy simulation and its application in a high-rise commercial building in Shanghai. *Energy and Buildings*, 39(6), 651-657.
 - Pan, Y., Zhu, M., Lv, Y., Yang, Y., Liang, Y., Yin, R., Yang, Y., Jia, X., Wang, X., & Zeng, F. (2023). Building energy simulation and its application for building performance optimization: A review of methods, tools, and case studies. *Advances in Applied Energy*, 100135.
 - Panchabikesan, K., Haghghat, F., & El Mankibi, M. (2021). Data driven occupancy information for energy simulation and energy use assessment in residential buildings. *Energy*, 218, 119539.
 - Pereira, V., Santos, J., Leite, F., & Escórcio, P. (2021). Using BIM to improve building energy efficiency—A scientometric and systematic review. *Energy and Buildings*, 250, 111292.
 - Prancutè, R. (2021). Web of Science (WoS) and Scopus: The Titans of Bibliographic Information in Today's Academic World. *Publications*, 9(1), Article 1. <https://doi.org/10.3390/publications9010012>
 - Prativiera, E., Vivian, J., Lombardo, G., & Zarrella, A. (2022). Evaluation of the impact of input uncertainty on urban building energy simulations using uncertainty and sensitivity analysis. *Applied Energy*, 311, 118691.
 - Santamouris, M., Papanikolaou, N., Livada, I., Koronakis, I., Georgakis, C., Argiriou, A., & Assimakopoulos, D. N. (2001). On the impact of urban climate on the energy consumption of buildings. *Solar Energy*, 70(3), 201-216.
 - Santos, R., Costa, A. A., & Grilo, A. (2017). Bibliometric analysis and review of Building Information Modelling literature published between 2005 and 2015. *Automation in Construction*, 80, 118-136.
 - Tian, W. (2013). A review of sensitivity analysis methods in building energy analysis. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 20, 411-419. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2012.12.014>



- Toparlar, Y., Blocken, B., Maiheu, B., & Van Heijst, G. J. F. (2017). A review on the CFD analysis of urban microclimate. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 80, 1613–1640.
- Van Nunen, K., Li, J., Reniers, G., & Ponnet, K. (2018). Bibliometric analysis of safety culture research. *Safety Science*, 108, 248–258.
- Wallin, J. A. (2005). Bibliometric methods: Pitfalls and possibilities. *Basic & Clinical Pharmacology & Toxicology*, 97(5), 261–275.
- Wang, C., Yan, D., & Jiang, Y. (2011). A novel approach for building occupancy simulation. *Building Simulation*, 4, 149–167.
- Wang, L., Lee, E. W., Hussian, S. A., Yuen, A. C. Y., & Feng, W. (2021). Quantitative impact analysis of driving factors on annual residential building energy end-use combining machine learning and stochastic methods. *Applied Energy*, 299, 117303.
- Wang, L., & Witte, M. J. (2022). Integrating building energy simulation with a machine learning algorithm for evaluating indoor living walls' impacts on cooling energy use in commercial buildings. *Energy and Buildings*, 272, 112322.
- Wong, J. K. W., & Zhou, J. (2015). Enhancing environmental sustainability over building life cycles through green BIM: A review. *Automation in Construction*, 57, 156–165.
- Yan, D., Hong, T., Dong, B., Mahdavi, A., D'Oca, S., Gaetani, I., & Feng, X. (2017). IEA EBC Annex 66: Definition and simulation of occupant behavior in buildings. *Energy and Buildings*, 156, 258–270.
- Yan, D., O'Brien, W., Hong, T., Feng, X., Gunay, H. B., Tahmasebi, F., & Mahdavi, A. (2015). Occupant behavior modeling for building performance simulation: Current state and future challenges. *Energy and Buildings*, 107, 264–278.
- Yu, C., Du, J., & Pan, W. (2019). Improving accuracy in building energy simulation via evaluating occupant behaviors: A case study in Hong Kong. *Energy and Buildings*, 202, 109373.
- Yu, Y., Li, Y., Zhang, Z., Gu, Z., Zhong, H., Zha, Q., Yang, L., Zhu, C., & Chen, E. (2020). A bibliometric analysis using VOSviewer of publications on COVID-19. *Annals of Translational Medicine*, 8(13).



10.30495/JSCC.2024.20015



- Zalba, B., Marin, J. M., Cabeza, L. F., & Mehling, H. (2003). Review on thermal energy storage with phase change: Materials, heat transfer analysis and applications. *Applied Thermal Engineering*, 23(3), 251–283.
- Zhang, Z., Chong, A., Pan, Y., Zhang, C., & Lam, K. P. (2019). Whole building energy model for HVAC optimal control: A practical framework based on deep reinforcement learning. *Energy and Buildings*, 199, 472–490.
- Zhong, B., Wu, H., Li, H., Sepasgozar, S., Luo, H., & He, L. (2019). A scientometric analysis and critical review of construction related ontology research. *Automation in Construction*, 101, 17–31.



**Analyzing the quality of urban anatomy with emphasis on visual ecological community criteria
(Case study: residential buildings in Valenjak neighborhood of Tehran)**

Neda Golzari Dehno¹, Azadeh Shahcheraghi^{2}, Farah Habib³*
(Received date: 2023/04/24 - Accepted date: 2024/06/13)

Abstract:

Urban ecology studies the city in the form of an ecosystem consisting of humans and biophysical factors and their relationship in urban environments. Visual ecology also examines the environment around humans as an ecological factor and helps humans to feel pleasant and its harmony with the physiological mechanisms of vision. The aim of the present research is to identify the anatomical dimensions and the impact of visual ecology criteria on improving the quality of residential facades in Tehran. The type of research method is descriptive-analytical and has a mixed approach. In the quantitative part of the "QSORT" classification method, information was obtained through field observations and questionnaire tools in the Likert spectrum, and the image quality diagram was drawn from the observer's point of view with "SPSS" software. The reliability of the questionnaire was confirmed through Cronbach's alpha coefficient with a rate of 0.785. In the qualitative analysis, the selected views were analyzed in the table based on the constituent elements and criteria of visual ecology and mechanisms of the visual system. The findings show that facades according to vision standards can form comfortable, uniform and aggressive visual environments, and as a result, based on the calculations of the "Pie" diagram, the frequency of visual quality of residential facades within the scope of the research is 65% comfortable, 15% uniform and 20% % are aggressive. This article tries to provide solutions for adapting the artificial environment to the natural environment, through the analysis of the desired visual criteria in the facade of the building, in order to improve the quality of the visual vision of the citizens.

Keywords: Visual ecology, urban, residential, building facade, Tehran.

¹ Architecture PhD student, Islamic Azad University, Kerman branch, Kerman, Iran. Nedago75@gmail.com

² Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran. (Corresponding author): Shahcheraghi@srbiau.ac.ir

³ Professor of Urban Planning Department, School of Civil Engineering, Architecture and Art, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran. F.habib@srbiau.ac.ir



تحلیل کیفیت کالبدی نماهای شهری با تأکید بر معیارهای اجتماع بوم‌شناسانه بصری (مطالعه موردی: ساختمان‌های مسکونی محله ولنجک تهران)

ندا گلزاری دهنو^۱، آزاده شاهچراغی^{۲*}، فرح حبیب^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴)

چکیده:

بوم‌شناسی شهری، به مطالعه شهر در قالب اکوسیستم متشکل از انسان و عوامل بیوفیزیکی و نحوه ارتباط آن‌ها در محیط‌های شهری می‌پردازد. بوم‌شناسی بصری نیز به بررسی محیط پیرامون انسان به‌عنوان عامل اکولوژیکی پرداخته و درجهت احساس خوشایندی و هماهنگی آن با مکانیسم‌های فیزیولوژیک بینایی به انسان کمک می‌کند. هدف از تحقیق حاضر شناسایی ابعاد کالبدی نما و میزان اثرگذاری معیارهای بوم‌شناسی بصری بر ارتقای کیفیت نماهای مسکونی شهر تهران می‌باشد. نوع روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و دارای رویکردی آمیخته است. در بخش کمی از روش طبقه‌بندی "QSORT"، اطلاعات از طریق برداشت میدانی و ابزار پرسش‌نامه در طیف لیکرت به دست آمد و نمودار کیفیت تصاویر از دیدگاه ناظرین با نرم‌افزار "SPSS"، ترسیم گردید. پایایی پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ با میزان ۰/۷۸۵ تأیید گردید. در تحلیل کیفی، نماهای منتخب بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده و معیارهای بوم‌شناسی بصری و مکانیسم‌های سیستم بینایی، در جدول آنالیز شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد، نماها با توجه به استانداردهای بینایی می‌توانند محیط‌های بصری آسایش‌بخش، یکنواخت و تهاجمی را شکل داده که در نتیجه، بر اساس محاسبات نمودار "Pie"، میزان فراوانی کیفیت بصری نماهای مسکونی در محدوده قلمرو پژوهش، ۶۵٪ آسایش‌بخش، ۱۵٪ یکنواخت و ۲۰٪ تهاجمی می‌باشند. این مقاله می‌کوشد، از طریق تحلیل معیارهای بصری مطلوب در نمای ابنیه، برای ارتقاء بخشی کیفیت دید بصری شهروندان، راهکارهایی را جهت انطباق محیط مصنوع با بستر طبیعی ارائه نماید.

^۱ Nedago75@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاداسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران.

^۲ دانشیار گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاداسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول): Shahcheraghi@srbiau.ac.ir

^۳ استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاداسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

habib@srbiau.ac.ir



واژگان کلیدی: بوم‌شناسی بصری، نمای شهری، مسکونی، نمای ساختمان، تهران.

مقدمه:

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند به برقراری ارتباط است. ایجاد ارتباط و درک فضای عمومی شهرها از طریق حس‌بینایی و ابعاد بصری محیط شهری امکان‌پذیر است؛ شهروندان با عبور از این فضاها، ادراکات حسی مختلفی را در اثر دریافت پیام‌های متنوع، به‌خصوص از طریق دیدن، کسب می‌نمایند. معماران برای نزدیک شدن به ذهنیت افراد حواس آن‌ها را برای کسب اطلاعات با محیط درگیر نموده که از انواع حواس، حس‌بینایی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چراکه قسمت عمده درک ما از محیط اطرافمان درک بصری است (مدیری، نوراللهی، ۱۳۹۳: ۷۸). احساس، پایه ادراک و شناخت محیط و معنی دادن به آن است. انسان با تکیه بر حواس خود قادر به تنظیم فعالیت‌ها، رفتارها و ارتباطات در فضای شهری است و کامل‌ترین حس که انسان در فضای شهر از آن استفاده می‌کند، حس‌بینایی است (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۳۹۵: ۴۸۰). شهر مثل موجودی زنده، پویا و همواره در حال تغییر است و منظر شهری شامل تمامی لایه‌های کالبدی مصنوع و طبیعی و لایه‌های فرهنگی و رفتاری شهروندان است (همان: ۴۳۳). الگوی مصنوع در صورت تناقض ساختاری با الگوی طبیعی، پیامدهایی جزء تنزل کیفیت اکولوژیکی، مشکلات زیست‌محیطی، فضای شهری بی‌روح و حضور معماری‌هایی که با نیازهای طبیعی انسان هیچ انطباقی ندارند، برای انسان‌ها در پی داشته است. رویکرد بوم‌شناسی شهری، شهر را در قالب اکوسیستمی متشکل از انسان‌ها و عوامل بیوفیزیکی معرفی می‌نماید و به مطالعه نحوه ارتباط آن‌ها در محیط‌های شهری می‌پردازد (موحد، طیبیان، ۱۳۹۷: ۱۷۷).

از آنجاکه در گذشته مهم‌ترین منبع الهام بشر برای ساخت، محیط و مهم‌ترین ابزارهای ساخت آن، طبیعت پیرامون وی بوده و بخش عمده‌ای از تاریخ زندگی بشر در هماهنگی کامل با طبیعت بوده که در نتیجه، آن محیط بصری به‌عنوان یک محیط اکولوژیکی کاملاً با ساختار بینایی و استانداردهای بصری او تطابق داشت؛ اما با گذشت زمان با افزایش جمعیت و یکجانشینی و توسعه شهرها و دگرگونی نحوه زیست بشر که اوج آن در انقلاب صنعتی رخ داد، محیط انسان‌ساخت، انطباق خود را با شرایط ادراک انسان از دست داده و دچار تغییر و دگرگونی فاحش شد و از محیط طبیعی فاصله گرفت که موجب بحران اکولوژیکی بصری گشت (Fillin, 1998: 45). امروزه بسیاری از نمودهای بصری اطراف ما بر اساس سلیقه زیباشناختی مدرنیسم شکل گرفته، گرایشی که موجب به‌وجود آمدن ساختمان‌های غول‌آسای بتنی و شیشه‌ای و تصاویر تخت و یکنواخت نماها و شهرهایی فاقد هویت گشته و تبدیل به محیط‌های انسان‌ساخت مصنوعی شده است. تأثیرات مخرب و یا مثبت محیط بصری در ابعاد فیزیکی و روانی انسان به‌اندازه سایر ابعاد محیط‌زیست وی مهم بوده و نیاز به قواعد و معیارهایی که بتوان بر اساس آن محیط‌های بصری خود را مطلوب‌تر شکل داده، در دوران فعلی بسیار احساس می‌شود (پورجعفر، علوی، ۱۳۹۰: ۱۹۳). مطلوبیت و خوشایندی چشم‌اندازهای بصری به منظر طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون انسان که از تعامل مطلوب میان



انسان و محیط ناشی می‌شود، در احساس، ادراک و بازنمایی پدیده‌ها و عناصر در عرصه ذهنی انسان تأثیری غیرقابل انکار دارد. در این میان، کالبد شهر بالأخص نماهای شهری به بازنمایی این رابطه پرداخته و ارزش‌ها را عینیت می‌بخشند (Xinlu, 2019: 166). در گذشته ساختمان‌های شهر، نه تنها از جنبه انفرادی، مطابق با اصول زیباشناختی بصری طراحی می‌شدند بلکه در کمال احترام به اطراف و محیط شهری ساخته می‌شدند؛ به منظور ارتقاء کیفیت محیط در فضاهای عمومی شهری، ارتقا کیفیت بصری - زیباشناختی این فضاها از اهمیت والایی برخوردار است (Li Zongtao, 2018: 374). نمای ساختمان اولین مؤلفه ظاهری بنا و ارتباط دهنده آن با محیط اطراف است. مطالعه مؤلفه‌ها و عناصر شکل دهنده نما و ترجیحات از نماها به ایجاد معیارهایی در ارزیابی زیبایی‌شناسی منجر می‌شود؛ این معیارها همچنین می‌توانند به عنوان شاخص‌هایی در طراحی‌های معماری کاربرد داشته باشند (وحدت‌طلب، یاران، محمدی‌خوش‌بین، ۱۳۹۹: ۱۷۶). چراکه نماهای شهری جزء سازنده کیفیت بصری فضای شهری هستند و نماهای مسکونی برای ایجاد اطلاعات بصری متناسب برای ناظرین وحدت کلی، هماهنگی و انسجام به وجود آورده و احساس آرامش، دنجی، خودمانی و خاطره‌انگیزی را القاء می‌کنند (گلی‌پور، شهاییان، امین‌زاده گوه‌رریزی، ۱۴۰۰: ۱۲۱-۱۲۰).

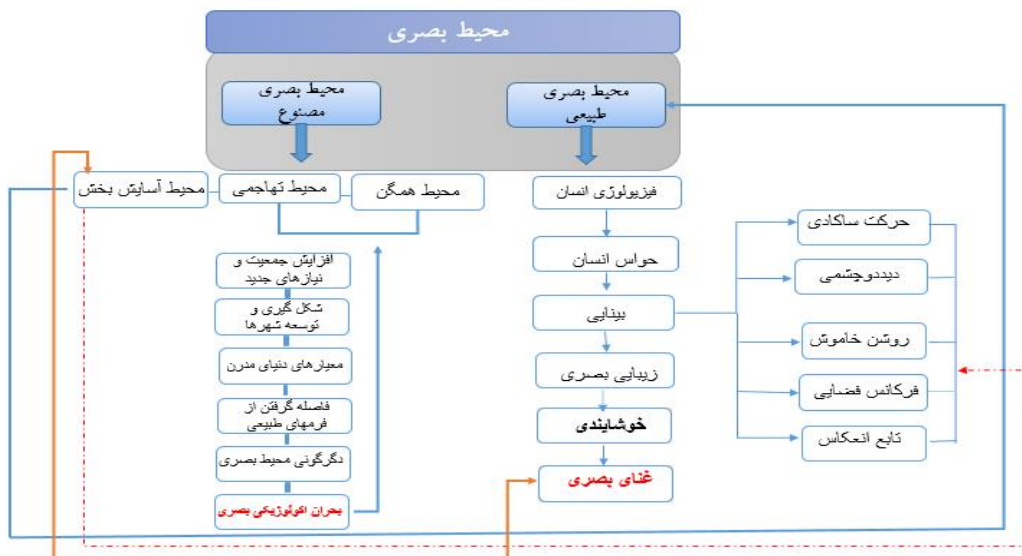
امروزه نمای ساختمان‌ها به عنوان عنصری مؤثر بر کیفیت بصری فضاهای شهری، دچار کوری بصری است و عدم توجه به حضور عناصر طبیعت در محیط کالبدی مسکن و سکونتگاه‌ها، سرچشمه بسیاری از مشکلات انسان شهرنشین امروزی شده است. از آنجایی که شاکله شهر را کاربری مسکونی شکل می‌دهد و نماهای مسکونی با بیشترین تعداد بناهای شهری، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به نمای شهر دارند و نابسامانی‌های بصری در اغلب ابنیه شهر تهران مشهود است حیطه مورد بحث ما در تحقیق می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق این است که معیارهای بوم‌شناسی بصری هماهنگ با مکانیسم‌های بینایی که موجب کیفیت دید بصری نماها می‌شوند، کدامند؟ در پژوهش حاضر سعی بر آن است که با بررسی محیط بصری فضای شهری بر دستگاه بینایی، میزان تأثیرگذاری تصاویر ادراکی از نمای ساختمان‌ها را از چشم ناظر سنجیده و تطابق یا عدم تطابق آن‌ها را ارزیابی نمود و با ارائه راهکارهایی مناسب در جهت هماهنگی هرچه بیشتر پدیده‌های بصری که در اینجا نماهای ساختمان مدنظرمان می‌باشد، مسیر مطلوبی را برای معماران در جهت طراحی ابنیه فراهم نمود.

مبانی نظری

چارچوب نظری تحقیق



محیط بصری: واسیلی آنتونویچ فیلین^۱ محقق روسی، محیط بصری را به طور قراردادی به ۲ دسته طبیعی و مصنوع تقسیم‌بندی می‌کند: محیط بصری طبیعی کاملاً مطابق با استانداردهای فیزیولوژیکی بینایی و محیط بصری مصنوع به طور گسترده‌ای با محیط طبیعی در اختلاف و با قوانین ادراک بصری در تضاد است (پورجعفر، علوی، ۱۳۹۱: ۲۲). یکی از تئوری‌های اولیه و اصلی درباره محیط بصری، تئوری منظر شهری گوردن کالن است که بر بعد عینی محیط بصری تأکید دارد. پژوهش و تئوری او را می‌توان آغازی بر پرداختن به مقولات احساسی و ادراکی در محیط بصری دانست. کوین لینچ (۲۰۰۸ میلادی)، نیز توجه خود را به کیفیت‌های بصری شهر، با تأکید بر تأثیر آن‌ها بر تصویر ذهنی شهروندان متمرکز کرد. بدین ترتیب، رویکرد او به تجارب افراد از محیط بصری و بعد ادراکی-معنایی محیط بصری معطوف بوده است. خوانایی^۲ یا نقش‌انگیزی^۳ محیط، کیفیت مطلوبی است که وی در تئوری خود به آن پرداخته است. کیفیت‌ها و ویژگی‌های محیطی همچون سرسبز بودن و وجود پوشش گیاهی، گشودگی فضایی و داشتن دورنماهای وسیع، عناصر قدیمی و تاریخی و دل‌بستگی و علاقه‌مندی مردم به آن‌ها از مواردی است که بر آن تأکید فراوان شده است (شاهین‌راد، رفیعیان، پورجعفر، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۲).



شکل ۱- مدل فیزیولوژیکی محیط بصری

2. Vacilly Fillin
3. Legibility
4. Imageability



ارتباط انسان با محیط از طریق حواس گوناگون برقرار می‌شود که بیش از ۸۰٪ از آن از طریق دیدن ایجاد می‌شود؛ بنابراین مشاهده منظر و نمای ساختمان‌ها و ادراک آن‌ها توسط انسان نقش مهمی در ادراک و شناخت وی از محیط و تعیین رضایتمندی و عدم رضایتمندی آن دارد (گلچین و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۱). کیفیت‌های بصری مطلوب ارتباط مستقیم و سازنده با مطلوبیت ارزش‌ها و کیفیت‌های زیست‌محیطی یک مکان و بنا را دارند (زندیه، ۱۳۸۹: ۲۸). خصوصیات بصری به لذت‌بردن شهروندان از محیط طبیعی و مصنوع اطرافش (نمای ساختمان‌ها)، کمک می‌کند (میرکریمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۵۱). شناخت عوامل و معیارهای مؤثر در کیفیت بصری سیما به منزله ابزار مناسب برای ارزیابی و مکان‌یابی مناطق دارای ارزش زیبایی‌شناختی می‌تواند طراحان و برنامه‌ریزان شهری را با مطالعات ناحیه‌ای در انتخاب لکه‌های حفاظتی و مدیریت مؤثر نماهای دارای ارزش بصری یاری رساند (دبده، ۱۳۹۹: ۱۴-۱). هدف از ارزیابی کیفیت بصری تعیین و مشخص کردن شاخص‌ها و معیارهایی است که از طریق آن‌ها بتوان منظر و ابنیه شهر را حفاظت، احیاء و یا بازسازی کرد. از این طریق می‌توان مناظری که از لحاظ زیبایی مؤثر هستند حفظ و در صورت لزوم آن‌ها را ترمیم و یا احیاء کرد (گلچین و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۰). امروزه آسایش بصری از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های انسان‌ساخت به‌ویژه در فضاهای شهری به‌شمار می‌رود و همان‌طور که محیط زندگی انسان (مسکن)، بایستی از زیبایی برخوردار باشد، محیط بیرونی (نمای شهر)، نیز باید زیبا و دارای کیفیت بصری مناسب باشد، بنابراین اهمیت بررسی موضوع آسایش بصری و نقش کیفیت‌های محیط در ارتقاء و بهبود منظر شهری آشکار می‌گردد (دوبران، ۱۳۹۱: ۷). به‌طور کلی، ارتقاء عوامل بصری منظر فضاهای شهری زمانی می‌تواند تحقق یابد که اولویت‌سنجی مسائل شهری موجود، مبتنی بر نظریات شهروندان و استفاده‌کنندگان از فضاها باشد (اخگری سنگ‌آتش و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۸).

مفهوم بوم‌شناسی: واژه «بوم‌شناسی»^۱، در دیکشنری آبادیس مترادف (اکولوژی، محیط‌زیست)، می‌باشد. در فرهنگستان زبان و ادب به معنای مطالعه روابط موجودات زنده با محیط و عادت‌ها و طرز زندگی آن‌هاست. در دانشنامه عمومی، بوم‌شناسی یا اکولوژی دانش بررسی برهمکنش‌های میان جانداران و زیست‌بوم-محیط زندگی-آن‌ها (تأثیر عوامل محیطی در انسان)، است (رضوان‌پناه و دیگران، ۱۴۰۲: ۱-۱۲). می‌توان مدعی شد که بوم‌شناسی کهن‌ترین علم بشری است. ابتدایی‌ترین انسان‌ها به‌خاطر نیازشان به دانستن اینکه نه‌تنها غذا، بلکه دشمنان غیرانسانی‌شان کی و کجا پیدا می‌شوند، باید بوم‌شناسانی از این‌دست بوده باشند (<http://abadis.ir>). واژه اکولوژی از لغت یونانی «Oikos»، به معنای بوم، خانه، بستر زیست یا محل زندگی، مسکن و سکونتگاه و کلمه لوگوس «Logos»، به معنی شناخت، مطالعه، علم یا دانش تشکیل شده است؛ بنابراین، از نظر ریشه لغوی و معنای تحت‌اللفظی کلمات تشکیل‌دهنده، اکولوژی به معنی بررسی محل زندگی جانداران است ولی اصطلاحاً به «اثرات محیط بر

5. Écologie - انگلیسی - Ecology /فرانسسه -



موجودات زنده، اثرات موجود زنده بر محیط و روابط متقابل بین موجودات زنده»، اطلاق می‌گردد (اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۵). اصطلاح اکولوژی را برای نخستین بار ارنست هگل^۱، زیست‌شناس آلمانی در سال ۱۸۶۹ میلادی، به کار برده است (<http://www.zistyaran.ir/>). در این علم ۳ نوع مطالعه مختلف وجود دارد که این تقسیم‌بندی براساس نوع موجود زنده و رابطه آن با محیط زیست می‌باشد: (۱) اکولوژی گیاهی^۲، (۲) اکولوژی جانوری^۳ و (۳) اکولوژی انسانی^۴ (قربانی، آل ابراهیم، ۱۳۸۸: ۱۲).

بوم‌شناسی شهری^۵: محیط شناسی یا بوم‌شناسی، در اصطلاح جامعه‌شناختی نام یکی از مکاتب مطرح در حوزه جامعه‌شناسی شهری است. بنیان‌گذار این مکتب که به مکتب شیکاگو نیز معروف است رابرت پارک (Robert park: 1864-1944) بود؛ وی پیش از آنکه جامعه‌شناس شود یک روزنامه‌نگار بود و این تجربه، حس درک اهمیت مسائل شهری و ضرورت رفتن با این میدان برای گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده را در او تقویت کرده بود و زمینه را جهت پدیدار شدن بوم‌شناسی فراهم آورده بود. او در سال ۱۹۱۶ میلادی، پس از ورود به دانشگاه شیکاگو مقاله‌ای تحت عنوان «شهر: پیشنهادی برای تحقیق درباره رفتار انسان در محیط شهری»، نوشت و جامعه را به ارگانیزم تشبیه کرد (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۲۴). پارک، رویکرد بوم‌شناسی را یکی از رویکردهای ۴ گانه نسبت به شهر تلقی نموده است؛ ۳ رویکرد دیگر، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی، محسوب می‌شوند (سواج، وارد، ۱۳۸۷: ۲۱). از نظر وی، شهر نه تنها متشکل از افراد انسانی، امکانات اجتماعی، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، متروها، نهادها، بیمارستان‌ها و مدارس است، بلکه یک قلمرو و منطقه روانی مشتمل بر مجموعه‌ای از شیوه‌های کاربردی، نگرش‌های سازمان‌یافته و احساسات را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین شهر دارای ۲ جنبه توأمان است: جنبه کالبدی و جنبه ماهیت انسانی (ویبر، ۱۳۷۰: ۵۱).

در اوایل قرن ۲۰ میلادی، تعدادی از جامعه‌شناسان به بررسی ریخت‌شناسی شهرها پرداخته و سعی کردند مدل‌هایی به وجود آورند که به کمک آن‌ها فرایند رشد شهر و تغییرات آن را پیش‌بینی نمایند؛ این تلاش منجر به پیدایش خرده حوزه‌ای در جامعه‌شناسی شهری شده است که به آن بوم‌شناسی شهری می‌گویند. در طول تاریخ، اصطلاح بوم‌شناسی شهری معانی متعددی را دربر گرفته است. همان‌طور که اشاره شد، در اوایل ۱۹۷۰ میلادی، برنامه‌های یونسکو در زمینه انسان و زیست‌کره و حمایت مالی از اولین تحقیقات یکپارچه بوم‌شناسی شهری، بستری را جهت گردآوری ۳ دسته از علوم در کنار یکدیگر شامل علوم طبیعی، مهندسی و برنامه‌ریزی و علوم مرتبط با انسان‌ها (به‌عنوان مثال؛ علوم اجتماعی)، فراهم آورد (موحد، طبیبیان، ۱۳۹۷: ۱۷۶-۱۷۵). بروز مشکلات زیست‌محیطی ناشی از فرایند رشد جمعیت و توسعه شهرها، سبب شد

6. Ernst Heinrich Philipp August Haeckel

7. Plant Ecology

8. Animal Ecology

9. Human Ecology

10. Urban Ecology



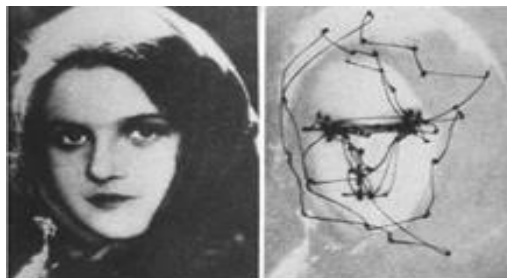
که در اواخر قرن ۲۰ میلادی، مسائل زیست‌محیطی در مرکز توجه قرار گیرند و رویکردهای اکولوژیک محور به‌عنوان راهکاری برای رفع مشکلات معرفی شده و به تدریج به صحنه اصلی فعالیت برنامه‌ریزی تبدیل شدند. بهره‌گیری از برنامه‌ها و رویکردهای اکولوژیک در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی در محیط‌های شهری، ریشه در دانش بوم‌شناسی و ظهور این مفهوم در مطالعات شهری دارد. بوم‌شناسی شهری مدرن، ریشه‌ها و مفاهیم اولیه مرتبط در آمریکا و اروپا را با در نظر گرفتن انسان و اجزاء شهری غیرانسانی به‌عنوان نیروهای محرکه سیستم ترکیب می‌نماید (همان: ۱۸۴).

بوم‌شناسی بصری در معماری: «بوم‌شناسی بصری»، واژه‌ای است که واسیلی فیلین در سال ۱۹۹۸ میلادی، در کتاب خود با عنوان «ویدئو اکولوژی»، مطرح نمود. از آنجاکه تحقیقات واسیلی مربوط به تأثیر محیط اطراف انسان بر ویژگی‌های زیستی و فیزیولوژیکی اوست و با توجه به اینکه منظورش از این محیط، محیط بصری اطراف انسان است، این عنوان را انتخاب کرده است (پورجعفر، علوی، ۱۳۹۰: ۱۹). بوم‌شناسی بصری، محیط پیرامون انسان را مورد مداخله و تحلیل قرار می‌دهد و سعی می‌کند که با ایجاد ارتباط بین معیارهای شکل‌دهی به فضای مصنوع و ساختار بینایی انسان و پیدا کردن مسیرهای پیوند بین این ۲، بین محیط بصری و بینایی انسان هماهنگی بیشتری برقرار کرده تا میزان خوشایندی آن محیط را به چشم بیشتر کند (دبده، صدیق، رضوان‌پناه، ۱۴۰۱: ۱۱۷-۹۷). مسئله‌ای که انطباق محیط بصری با ویژگی‌های بیولوژیکی انسان را مدنظر دارد تا به‌همان صورتی که اثرات محیط‌زیست از جهات مختلفی مانند؛ صوت، هوا، خاک و غیره، بر انسان بررسی شده‌اند و می‌شوند، محیط بصری نیز به‌عنوان یکی دیگر از عوامل بوم‌شناسانه مطالعه شود. معیارهای مستخرج از این بحث می‌تواند در کنار سایر معیارهای پذیرفته‌شده هنجاری و تجربی به‌عنوان دیدگاهی نو در شکل‌دهی به محیط بصری مورد استفاده قرار گیرد. این بحث با توجه به اینکه کیفیت بصری محیط را مورد توجه قرار داده است معیارهایی را به دست می‌دهد که زیرمجموعه بعد کالبدی-زیبایی‌شناختی طراحی قرار می‌گیرند (حسین‌آبادی، عرب بنی‌شیبانی، ۱۳۹۵: ۸).

ساختار کلی سیستم بینایی و مکانیسم‌های بصری چشم: حس بینایی توانایی تشخیص و فهم بصری پدیده‌های محیط است. بینایی یکی از حواسی است که از طریق آن می‌توانیم به اطلاعاتی دست‌یابیم که با ما فاصله دارند و غالباً برای ما اهمیت حیاتی دارند. از میان حواس، حس بینایی بیشترین ارتباط با محیط را برعهده دارد. هنگامی که نور طبیعی یا مصنوعی موجود در محیط بر اشیاء می‌تابد، انعکاس آن وارد چشم ما می‌شود و پیامی از چشم به مغز مخابره می‌شود. با تفسیر این پیام از سوی مغز است که اشیاء یا هر چیز دیگر را می‌بینیم (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۸: ۶۵). طبق تعاریف ارائه‌شده توسط پورتوس، بینایی اساسی‌ترین حس نسبت به دیگر حواس است و بیشترین اطلاعات را از محیط اطراف



جمع‌آوری می‌کند و در اختیار مغز قرار می‌دهد. او بینایی را حسی فعال و جست‌وجوگر می‌نامد. با این توضیح که انسان‌ها به‌صورتی انتخابی و آگاهانه نگاه می‌کنند، ولی معمولاً بو و اصوات به‌طرف انسان‌ها می‌آیند (براتی، سلیمانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۱). بیشتر صاحب‌نظران روان‌شناسی، شهرسازی و معماری منظر بر این عقیده‌اند که اصلی‌ترین منبع درک ما از جهان، بینایی است (پورتوس، ۱۳۸۹: ۴۹). «حرکات ساکادی»^۱ - (به‌معنی ردیابی حرکات کره‌ای چشم هنگام مشاهده تصویر)، سازوکار دریافت سیستم حرکات جهشی چشم می‌باشد (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۳۹۵: ۱۴۷). تصاویر در چشم ما براساس سیستم حرکات جهشی منقطع (موسوم به ساکاد)، است؛ یعنی هنگام دیدن، چشم بر روی نقاط مهم و دارای کنتراست فوکوس می‌کند و سپس با فرکانس ۳ تا ۲ جهش در ثانیه از یک نقطه مهم به نقطه دیگر جهش پیدا می‌کند (Fillin, 1998: 48).



شکل ۲- ثبت حرکات چشم درحالتی که به‌صورت یک انسان نگاه می‌کند
(مأخذ: (R.Kandel Eric & etal,2000:783)

«بسیاری از سلول‌های عصبی سیستم بینایی توسط تغییر شدت نور تحریک شده و ثبت تصاویر توسط شبکه نیاز به تشخیص هم نقاط روشن و هم نقاط تاریک تصویر دارد.» (گایتون، ۱۳۶۲: ۱۵۸۷) درواقع تشخیص منظره یا تصویر در این مکانیسم مربوط است به میزان تضادی که در تصویر وجود دارد. «مکانیسم روشن-خاموش»^۲ به تقابل یا کنتراست نور جواب می‌دهد و به نور پخش و پراکنده پاسخ نمی‌دهد (پینل، ۱۳۸۷: ۱۸۸). به‌طور اجمالی می‌توان به مواردی از قبیل وجود لبه‌ها، وجود جزئیات و تنوع عناصر تشکیل‌دهنده، وجود کنتراست و تفاوت در نور و رنگ، به‌عنوان عوامل هماهنگ‌کننده تصویر با این مکانیسم و درواقع ایجادکننده غنای بینایی اشاره کرد (پورجعفر و علوی، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹). «مکانیسم دید دوچشمی»^۳، مکانیسمی است که به ادراک عمق کمک می‌کند، اما آنچه در این فرآیند مهم می‌باشد نحوه ثبت تصویری است که دو چشم چپ و راست به شبکه و مغز ارسال می‌شود. از آنجاکه دو

-
- 12. Saccadic Movements
 - 13. On-off mechanism
 - 14. Mechanism of binocular vision



چشم‌چپ و راست در حدود ۵ الی ۶ سانتیمتر باهم فاصله دارند تصاویری که از میدان بینایی مورد مشاهده به مغز از هریک مخابره می‌شود اندکی باهم فرق دارند؛ به خاطر این فاصله، هر چشم جهتی متفاوت از میدان بینایی و بنابراین تصویری متفاوت از واقعیت دریافت می‌کند (Coren; M. Ward; 1994:343). مغز با آگاهی از این تفاوت، آن‌ها را باهم تلفیق کرده و تصویر واحد و نهایی را تشکیل می‌دهد. به این عمل "Mismatch" (یکی کردن تصاویر متفاوت ارسالی از چشم‌چپ و راست)، می‌گویند (پورجعفر و علوی، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۴).

«نظریه تابع/انعکاس» یکی دیگر از نظریاتی است که در زمینه درک ویژگی‌های خوشایند و هماهنگ با بینایی و یا نامناسب برای آن می‌باشد؛ که بر مبنای آن، سطوح و بافت‌های طبیعی نسبت به جنس‌های مصنوعی به لحاظ فیزیولوژیکی برای چشم مناسب‌تر و خوشایندتر هستند؛ فوکوس چشم بر روی سطوح طبیعی به مدت بیشتری نسبت به سطوح مصنوعی انجام می‌پذیرد (پورجعفر و علوی، ۱۳۹۱: ۷۳). اشیاء طبیعی، تابع انعکاسشان دارای تغییرات آهسته‌تر و نرم‌تری است درحالی‌که اشیاء مصنوعی تابع انعکاس پیچیده‌تری دارند (R. Kandel, 2000:575).

«نظریه فرکانس فضایی» نظریه‌ای است که نحوه دریافت و تحلیل اطلاعات توسط قشر شبکیه را توضیح می‌دهد (کارلسون، ۱۳۷۹: ۲۵۲). نورون‌های قشر بینایی اولیه به محرک یا تصاویری که دارای الگوی موج سینوسی (منحنی و نرم نزدیک به خطوط طبیعت) هستند، نسبت به آن‌هایی که از الگوی موج مربعی (دارای خطوط و لبه تیز و برجسته) پیروی می‌کنند، بهتر پاسخ می‌دهند و به محرک‌هایی که دارای لبه‌های تیز هستند و موج مربعی تولید کرده و بسامد فضایی بالا دارند پاسخ مناسبی نمی‌دهد (پورجعفر و علوی، ۱۳۹۱: ۱۱).

فرکانس	تابع	روشن	دید	حرکات	مکانیسم	
					صاحب‌نظر	معیار
				×	لینچ (۱۹۶۰)؛ اپلیارد (۱۹۷۶)؛ کاپلان (۱۹۷۹)؛ ایوانس (۱۹۸۲)؛ هرزوغ (۱۹۹۲)؛ نسر (۱۹۹۷)	خوانایی
		×		×	علوی و پورجعفر (۱۳۹۱)	قطعه عطف
		×	×	×	هدمن (۱۹۸۵)؛ وبر (۲۰۰۷)؛ گلکار (۱۳۷۹)؛ توسلی (۱۳۸۲)؛ لنگ (۱۳۹۴)؛ خاک زند (۱۳۹۳)	جزئیات و ترتینات بنتلی (۱۹۷۰)؛
		×	×	×	اوینگ و سرور (۲۰۱۰)؛ گلکار (۱۳۷۹)؛ میر کریمی (۱۳۹۳)؛ اسمیت (۱۹۹۷)	تنوع
		×	×	×	ماتین (۱۹۹۹)؛ گروتز (۱۳۹۷)؛ پاکزاد و	تقابل

15. Reflection function

16. Spatial frequency theory



			طباطبایی (۱۳۹۰)؛ لینچ (۱۹۶۰)؛ کالن (۱۹۶۱)
×	×	×	ریتیم و لبه توسلی (۱۳۸۲)؛ برنت سی برولین (۱۳۸۳)؛ لینچ (۱۹۶۰)؛ سایمون بل (۲۰۰۹)
×			سیالیت گروتز (۱۳۸۶)؛ گلدبلیت (۲۰۰۷)
×	×		طبیعی بودن نسر (۱۹۹۸)؛ لینچ (۱۹۶۰)؛ توییت (۲۰۰۶)
		×	تناسب گروتز (۱۳۹۷)؛ لنگ (۱۳۹۴)؛ برنت سی برولین (۱۳۸۳)؛ کریر (۱۹۸۳)؛ هدمن (۱۹۸۵)؛ ویتروویوس (۱۹۶۰)؛ بنتلی (۱۹۷۰)؛ پاکزاد و طباطبایی (۱۳۹۰)
	×	×	ترکیب راجر ترانسیک (۱۹۸۶)؛ توسلی (۱۳۸۸)؛ برنت سی برولین (۱۳۸۳)
	×	×	تخلخل حجمی کریر (۱۹۸۳)؛ پاکزاد و طباطبایی (۱۳۹۰)؛ هدمن و یازوسکی (۱۹۸۵)

جدول ۱- معیارهای بوم‌شناسی بصری هماهنگ با مکانیسم‌های بینایی (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

مفهوم نما و عناصر تشکیل‌دهنده آن: جبهه اصلی ساختمان را در اروپا فاساد^۱ به معنای چهره می‌نامند؛ این واژه از اواخر قرون وسطی در معماری و شهرسازی متداول گردید. (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸) ریشه لغوی کلمه فاساد از کلمه لاتین فیسیز است که مترادف با کلمه فیس به معنی چهره، صورت و ظاهر می‌باشد؛ بنابراین اگر ما راجع به چهره یک ساختمان یعنی نمای آن صحبت کنیم، منظورمان تمامی قسمت‌های جلویی ساختمان است که روبروی خیابان قرار دارد (کریر، ۱۳۸۰: ۶۶). نما حدفاصل درون و برون بناست و به‌عنوان عنصری سه‌بعدی، محل تلاقی ویژگی‌ها و جنبه‌های خصوصی، معماری بنا و جنبه‌های عمومی و شهری است. نما در حوزه بصری و در حوزه ادراک و رفتار نیز جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که به‌عنوان درجه درک بصری عمل می‌کند و ادراک بصری محیط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (دبده، رضوان‌پناه، ۱۳۹۹: ۱۳-۱). و علاوه بر اثرات بصری و زیبایی‌شناسی واجد اثرات روانی و اجتماعی گردیده و مؤثرترین عنصر تأثیرگذار بر کیفیت بصری بنا و فضا می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۵۴). منظور از نما، جبهه خارجی ساختمان است که از لحاظ معماری جلوی ساختمان می‌باشد و گاه با جزئیات پرتکلف معماری از جبهه‌های دیگر ساختمان متمایز شده است (هاریس، ۱۳۹۳: ۴۳۷). نما در میان مفاهیم مختلف مسکن و ساختمان از اهمیت بصری اجتماعی‌تری برخوردار است که ایده‌های یک معمار در طراحی یک بنا تنها در نمای آن است که رخ می‌نمایند و اگر خوب طراحی شده باشد، ما را با زبان بصری خود به درون دعوت می‌کند (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۲۷). نمای ساختمان‌ها به‌صورت یک صفحه‌نمایش ترکیبات معماری ظاهر می‌گردد.



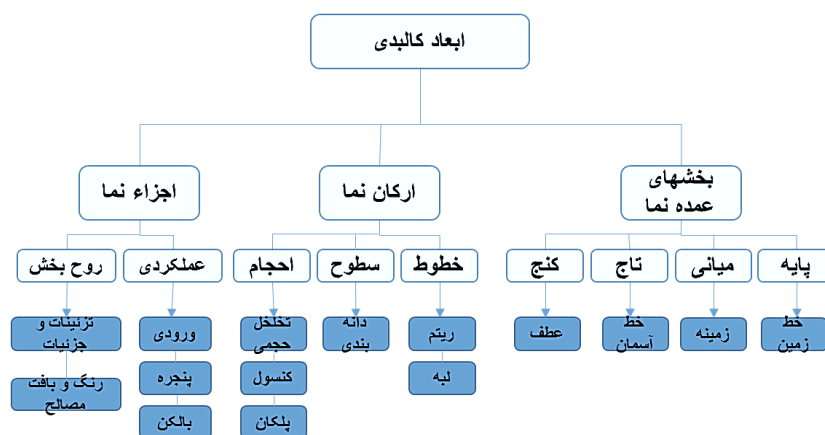
ترکیب‌های معماری حاوی نوعی معنا هستند و از این رو قادرند که خیال آدمی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند (خاک زند و همکاران، ۱۳۹۳:۱۶). نمای خارجی ساختمان، اولین فضایی در شهر است که افراد در هنگام نزدیک شدن به بنا با آن مواجه می‌شوند و عناصر کالبدی آن (هندسه، الگو، بافت، جزئیات) را می‌بینند و به‌طور مداوم آن را تجربه می‌کنند (Lee, Ostwald, 2021:1). همچنین به‌عنوان واسطه بین فضاهای داخلی و خارجی مسکن مورد ارزیابی بصری شهروندان می‌باشد و ادراک افراد تحت تأثیر تصویر بصری ایجادشده از نمای ساختمان شکل می‌گیرد (Yammiyavar, roy, 2019:233). نمای بناها بر حس ارزیابی ناظران از کلیت کالبد تأثیرگذار است. چه طراحان بخواهند و چه نخواهند، مردم اماکن را بر مبنای معانی مترتب بر آن تعبیر و تفسیر می‌کنند (بتلی و همکاران، ۱۳۹۵:۲۲۷). سبک معماری، رنگ، حجم، ارزش ادراکی، مصالح، اشکال و عناصر حجیم بصری، فرم‌ها، سطوح و نورها، خطوط منحنی، جزئیات تزئینی، ظرافت و قریحه‌ها، اجزا و بافت، در تصویر ذهنی نمای ساختمان‌ها مؤثرند. نمای بنا و مقیاس مورد استفاده در آن، نقش ساکنان خانه را در محیط بیرونی نشان می‌دهد (لاوسون، ۱۳۹۴:۵۳).

جدول ۲- اجزای تشکیل‌دهنده نماها و جداره شهری

(Tavassoli et al., 2000) پایه (شالوده)	
(Krier, 1997) میانی	
(Krier, 1997) بام (تاچ)	بخش‌های عمده نما
(Fawcett, 2003) کنج	(Moughtin et al, 1999)
احجام	
(Tavassoli et al, 2000)	
خطوط	
خطوط افقی و عمودی	
خط پایه	(Tavassoli et al, 2000)
خط بالای طبقه همکف	
خطوط طبقات	
خط لبه بام و جان‌پناه	ارکان نما
	(Tavassoli et al, 2000)
سطوح	
(Tavassoli et al, 2000)	
اجزای عملکردی: (Krier, 1997)	
پنجره، ورودی، بالکن، ایوان	اجزاء نما
اجزای روح بخش:	(Tavassoli et al, 2000)
(Krier, 1997) تزئینات و الحاقات و مصالح	



عناصر تشکیل دهنده نما بر دو جنبه «ارکان نما» و «اجزای نما» استوار می‌باشد و باید بین این عناصر در ایجاد کل بدنه سازگاری وجود داشته باشد. ارکان نما شامل خطوط، سطوح و احجام شاخص و تأثیرگذار بر حجم کلی ساختمان هستند و اجزای نما که بعد از ارکان اصلی قرار می‌گیرند، بر دو گونه عملکردی و روح‌بخش شامل بازشوها، تزئینات، جزئیات و مصالح می‌باشند- (Tavassoli et al, 2000: 115-116).



شکل ۳- ابعاد کالبدی نما و عناصر تشکیل دهنده آن (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

تحلیل محیط بصری از دیدگاه روانشناسی در نما: از نظر واسیلی فیلین تأثیر محیط روی سازوکار بینایی را با توجه به میزان تطابق محیط بصری و مکانیسم‌های بینایی در محیط بصری مصنوع، می‌توان در سه دسته محیط همگن یا یکنواخت، محیط ته‌اجمی و محیط آسایش‌بخش، شناسایی کرد که در جدول زیر تشریح شده‌اند (شاهچراغی و بندر آباد، ۱۳۹۵: ۱۴۷). فیلین به معرفی هریک از این محیط‌ها پرداخته، ویژگی‌های آن‌ها و هماهنگی یا عدم هماهنگی هریک از محیط‌ها با چشم را ذکر کرده است (مختار پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸).



جدول ۳- سازگاری انواع مکانیسم‌های بینایی در محیط‌های بصری (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۱)

انواع محیط بصری	تعاریف	مکانیسم بینایی مشخصه	حرکات ساکادی	دید دوچشمی	روشن خاموش	فرکانس فضایی	تابع انعکاس
		*سطوح بزرگ مقیاس و یکدست	ناهماهنگ	ناهماهنگ	هماهنگی	ناهماهنگ	ناهماهنگ
	محیطی است که به دلیل یکنواختی، کم بودن جزئیات و عناصر اطلاعات کافی را برای حرکت چشم ندارد و به سرعت در یک نگاه شناخته می‌شود.	*عدم وجود جزئیات و تنوع	-اطلاعات ناکافی	گ	اندک	-دارای	-استفاده از
		*عدم کنتراست رنگ و نور	بصری	-	-عدم	فرکانس	مصالح
		*مصالح بازتاب‌دهنده و شیشه‌ای	برای چشم	یکنواخت	وجود	فضایی کم	مصنوعی
		در مقیاس وسیع	عناصر	ی	کنتراست	به علت	مثل بتن و فلز
		*اشکال هندسی خشک و زوایای قائمه در سطوح و خطوط و فرم‌ها	-عدم تنوع	-نداشتن	و تباین	کمبود	- فوکوس
			عناصر	لبه	-استفاده	بصری	چشم اندک
					از مصالح		
					بازتاب‌دهنده		
					نده در		
					مقیاس		
					وسیع		



ناهماهنگ	ناهماهنگ	ناهماهنگ	ناهماهنگ	ناهماهنگ	*عدم تنوع عناصر	محیطی است که فرد در یک لحظه تعداد فراوانی عناصر شبیه به هم را مشاهده می‌کند. این موضوع باعث فشار مضاعف به سیستم ساکادی شده و به اعصاب نیز فشار وارد می‌شود.
-استفاده از مصالح مصنوعی	-فرکانس فضایی بالا	-عدم تحریک یا پاسخگویی کم	گ -عدم تنوع در اطلاعات	-وجود اطلاعات مشابه و بدون تنوع در تعداد و تراکم بالا	*وجود عناصر مشابه به تعداد زیاد *اشکال هندسی خشک و لبه‌های تیز و زوایای قائمه در سطوح و خطوط و فرم‌ها *مصالح بتن و فلز و بازتاب‌دهنده شیشه‌ای در مقیاس وسیع	
	به علت وجود اطلاعات بیش از حد بصری -الگوی موج مربعی	پاسخگویی کم مکانیسم روشن خاموش به علت بالا بودن فرکانس فضایی	تفاوت در اطلاعات به مغز از چشم راست و چپ	اختلالات روانی		

تغییرات اجتماعی

تغییرات فرهنگی

هماهنگ	هماهنگ	هماهنگ	هماهنگ	هماهنگ	*تنوع در عناصر و ساختار و ترکیب احجام	محیطی است که علیرغم وجود تعداد زیادی عناصر متنوع، مطلوب است. به بیان دیگر چشم‌نواز است مثل محیط‌های طبیعی که با فیزیولوژی بینایی مطابقت دارد.
-استفاده از بافت و مصالح طبیعی	-الگوی موج سینوسی با خطوط نرم و منحنی در سطوح و فرم‌ها	-وجود جزییات و تنوع و کنتراست و تباین کافی	تفاوت در نوع و اندازه و فواصل -ارسال اطلاعات متفاوت به دو چشم بدون فشار مضاعف	-وجود جزییات کافی -وجود تنوع در عناصر -فوکوس چشم بدون فشار مضاعف	*وجود جزییات کافی *بافت و مصالح طبیعی *وجود کنتراست کافی در رنگ و نور *وجود نقاط عطف و تأکید لازم *استفاده از خطوط نرم و منحنی	

پیشینه تحقیق

در زمینه سابقه پژوهش این نکته قابل ذکر است که توجه به سیما و منظر شهری از قرن بیستم در مباحث شهری مطرح گردید. دونالد اپلیارد را می‌توان پایه‌گذار «مطالعات بصری-رفتاری» دانست که با همکاری کوین لینچ و جان مایر نخستین تحقیق بصری در مقیاس شهری را انجام داد که تحت عنوان «دید از جاده» منتشر شد. این پژوهش که در سال ۱۹۶۱ چاپ گردید بر «جنبه‌های ادراکی و بصری محیط» بخصوص از «دید عابر سواره» تأکید دارد (محمودی نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۲۰۸). در



سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در زمینه ادراکات بصری در نقاط مختلف جهان صورت گرفته است از آن جمله پژوهشی است که توسط پروویک و کورتوویک در شهر نایگزیک در مونته‌نگرو (2012) انجام گردیده که «ادراکات بصری شهروندان از فضاهای عمومی» این شهر را مورد بررسی قرار می‌دهند. در این پژوهش دوازده عکس از فضاهای شهری با تأکید بر جنبه‌های بصری و زیباشناختی آن‌ها به پرسش‌شوندگان نشان داده شد. نتیجه نهایی این پژوهش این بود که فضاهای چند عملکردی، پویا و دارای عناصر طبیعی به علت تأثیری که بر ادراکات بصری شهروندان دارند از نظر استفاده‌کنندگان از مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌باشند (کامور شلمانی و حناچی، ۱۳۹۴: ۶۶). مقاله تحت عنوان «تماهای معاصر ساختمان‌های مسکونی چندطبقه در کیو^۱: جنبه‌های ویدئویی اکولوژیکی» در سال ۲۰۱۹ به یکی از مشکلات واقعی مربوط به وضعیت فعلی نماها در ساختمان‌های آپارتمانی در مناطق مسکونی اختصاص یافته است (گلی پور و شهبایان و امین زاده گوهرریزی، ۱۴۰۰: ۱۳۲).

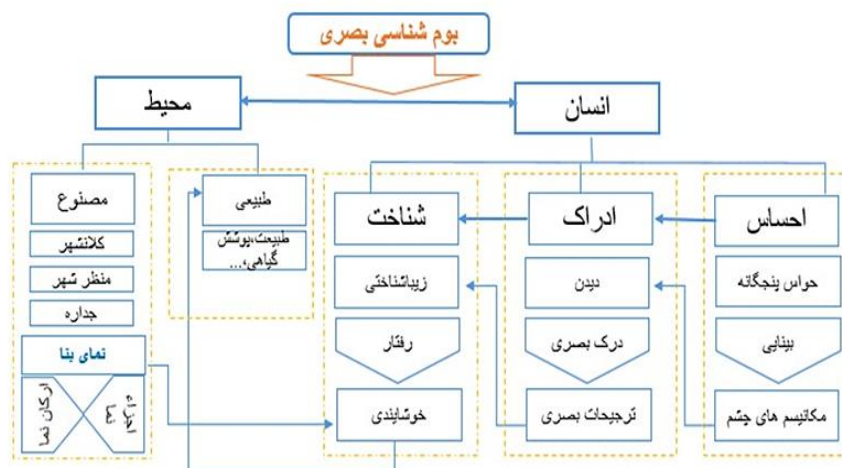
زنده‌یاد مزینی (۱۳۷۷) در قالب پژوهشی تحت عنوان «مطالعه کالبد شهر تهران از نظر بصری و زیبایی‌شناسی» به تعریف دقیقی از مفاهیم بصری و زیبایی‌شناسی شهری پرداخته و بخش‌هایی از تهران را با این مفاهیم مورد مطالعه و مشاهده قرار داده و ضوابط و مقرراتی را که می‌تواند در سلامت بصری و زیبایی شهر تهران مؤثر باشد، ارائه نموده است. عباس تشکری (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان (تأثیر نماهای شهری بر بعد بصری شهر و شهروندان: نمونه موردی نماهای شهر یاسوج) با بررسی مفهوم نمای شهری در معماری و آرایش زیبایی‌شناختی آن و طبقه‌بندی نماهای شهری و سلسله‌مراتب توقعات عام از نما و همچنین بررسی پیکره‌بندی شهر یاسوج نتیجه گرفت که می‌توان اندکی از معضلات نماهای شهری یاسوج و سایر شهرهای ایران را با طراحی و معماری ایده آل به‌طوری که تکست (متن) و کانتکس (زمینه) باهم همخوانی داشته باشند رفع نمود. در پژوهش کسروی (۱۳۹۶) از پارامترهای کمی اشکال و تناسبات، رنگ، مصالح، تزئینات، سن و سبک نماهای ساختمانی به‌منظور فهم و تفسیر پدیده‌های کیفی در چندین نمونه از بناهای منتخب توسط مردم در منطقه ۱۷ تهران استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که سبک غالب در این منطقه، سبک مدرن ایرانی است اما نوعی دگردیسی به سمت نماهای کلاسیک وجود دارد. نو بودن، استفاده از دو تا سه نوع مصالح، رنگ قرمز و طیف کرم ترجیح داده می‌شوند.

کریر (۱۳۷۶) در کتاب «اجزای معماری» به اهمیت نما در منظر شهری اشاره می‌کند. ترکیب یک نما با در نظر گرفتن نیازهای عملکردی (پنجره‌ها، درهای بازشو، سایه‌بان و سطح مسقف) اساساً باید به دنبال خلق یک کلیت هماهنگ به‌وسیله تناسبات خوب، وزن‌های عمودی و افقی، مصالح، رنگ و عناصر تزئینی باشد. به‌طور کلی نقش تعیین‌کننده نسبت‌های هندسی در هماهنگ‌سازی نما و موضوع پیوستگی شکل‌های نما نکات مورد توجه است. مختارپور و همکاران (۱۳۹۵) در کتاب «نما در سیمای شهر: با رویکردی بر مبانی و ضوابط» بر اهمیت موضوع نماهای ساختمانی و جایگاه آن در ارتقاء کیفی و بصری

18.Kiev



فضاهای شهری تأکید دارند. پاکزاد و طباطبائی (۱۳۹۶) در کتاب «جداره‌های شهری و نقش آن‌ها در فضای شهری (معیارهای نماسازی در فضای شهری)» به مؤلفه‌های بصری محیط شهری در طراحی نماهای معماری همچون ترتیب روزنه‌ها در جداره برای ایجاد وحدت، رعایت تعادل سطوح شفاف و کدر، پرهیز از ایجاد روزنه‌های بزرگ و سراسری، استفاده از تناسب، ایجاد تعادل بصری، شاخص نمودن پنجره‌ها با قرار دادن در محل نبش‌ها و کنج‌ها پرداخته است. واسیلی فیلین (1998) در کتابی تحت عنوان *Videoecology* به بررسی ویژگی‌های فیزیولوژیکی انسان پرداخته شده و با معرفی برخی مکانیسم‌های بینایی، مناسب بودن محیط‌های بصری اطراف انسان تحلیل شده است. پس‌از آن، پورجعفر و علوی (۱۳۹۱) در کتاب «ویدئو اکولوژی: بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری» دیدگاه جدیدتری در ارزیابی محیط بصری ارائه نموده که به معماری تعمیم دادند و از نظر کیفی نمای ابنیه را تحلیل کردند. این مقاله می‌کوشد تا در راستای مباحث مطرح‌شده، با شناسایی معیارهای لازم، علاوه بر روش کیفی، از نظر کمی نیز روی نمونه نماهای مورد مطالعه آزمایش نموده و با استخراج نتایج حاصله، کیفیت محیط سکونت زندگی را مطلوب‌تر و سازگارتر و پایدارتر برای درک انسان نماید و پیشنهادها را مناسبتی را پیش روی طراحان و برنامه ریزان شهری در جهت جلوگیری از اغتشاشات بصری و خوشایندی نماها برای چشم شهروندان قرار دهد.



شکل ۴- مدل مفهومی پژوهش

روش انجام پژوهش



روش تحقیق در مقاله پیش رو از نظر نوع، توصیفی تحلیلی بوده و از حیث روش، آمیخته^۱ (رویکردی پژوهشی که در آن از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی به صورت هم‌زمان استفاده می‌شود) محسوب می‌گردد. روش اعمال شده شامل جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات بوده که به صورت کتابخانه‌ای، میدانی و تهیه پرسشنامه انجام گرفته است و هریک از اطلاعات با توجه به نیاز تحقیق استفاده شده است. در مرحله نخست، تحلیل پایه‌ای از متون، مقالات و منابع اینترنتی برای تدوین مبانی نظری صورت گرفته است. سپس به منظور شناخت بیشتر، منابع مستدل از جمله نقشه و عکس‌های هوایی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تکمیل این اطلاعات، شناخت وضع موجود (محیطی، کالبدی و دید و منظر) از طریق مشاهده، عکس برداری و پرسشنامه انجام گرفت. ترجیحات استفاده‌کنندگان در این پژوهش در بخش کمی، با استفاده از روش طبقه‌بندی کیفیت بصری QSORT صورت پذیرفت.

این روش برای اولین بار توسط ویلیام استیفنسون^۲ (۱۹۵۳) در علم روانشناسی مورد استفاده قرار گرفت که توسعه و بسط این روش در گذر زمان سبب تبدیل این روش به یکی از پرکاربردترین روش‌های اندازه‌گیری در سایر علوم شد (لک و رضانی، ۱۳۹۷:۲۲۸). امروزه این روش به عنوان یکی از رایج‌ترین الگوهای سنجش در مطالعات مختلفی همچون سنجش نظرهای مردم ارتباطات، برنامه‌ریزی و طراحی محیط و منظر، مباحث محیط‌زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش طبقه‌بندی کیفیت در مطالعات منظر برای اولین بار توسط زوب، پیت و اندرسون در سال ۱۹۷۴ از طریق استفاده از عکس به منظور ارزیابی ارزش‌های بصری منظر انجام گرفت. به منظور تفسیر و ارزیابی منظر و همچنین ادراک آن، استفاده از عکس در روش طبقه‌بندی کیفیت رایج شد (Golchin et al., 2012:137). روش طبقه‌بندی کیفیت روش دقیقی است که با تجزیه و تحلیل داده‌های نظرسنجی، مدل ذهنی شرکت‌کنندگان در نظرسنجی را ارائه می‌دهد (Krueger et al., 2001:1).

در بخش کمی پژوهش، شامل برداشت میدانی از منطقه مورد مطالعه و تهیه عکس از پهنه مطالعاتی و سپس انتخاب تعدادی عکس برای نمونه و نشان دادن آن‌ها به شهروندان همان منطقه و همچنین انجام مصاحبه و بررسی معیارهای زیبایی و زشتی هر عکس از دیدگاه ناظران است. بر این اساس، از نماهای مختلف عکس‌های متعددی (۸۰ عکس) گرفته شد، که بعد از حذف تعدادی از عکس‌ها (آن‌هایی که واجد کیفیت مطلوب نبوده و یا مشابه بودند) در نهایت ۲۰ عکس به ترتیبی که ویژگی‌های زیبایی‌شناختی در آن‌ها به طور یکنواخت توزیع شده باشند و ویژگی‌های متنوع نما را نشان می‌دهند و دارای معیارهایی همچون پس‌زمینه و پیش‌زمینه، کیفیت دید و عناصر متنوع بودند، انتخاب شدند. برای انجام مصاحبه، ابتدا عکس‌ها از ۱ تا ۲۰ شماره‌گذاری شده و از تعداد ۱۰۰ کاربر خواسته شد تا آن‌ها را

19. Mixed Method

20. William Stephenson



مطابق خواسته خود، درون جعبه‌ای که دارای ۵ ستون با برجسب‌های خیلی زیبا، زیبا، معمولی، زشت و خیلی زشت بود، قرار دهند. سپس شماره عکس‌های قرار داده‌شده در هر ستون یادداشت شد. در این تحقیق، انتخاب افراد برای انجام مصاحبه از پیش تعیین شده نبوده و به‌طور تصادفی صورت گرفت و سعی شد که توزیع سنی و جنسی در آن‌ها به‌طور یکنواخت انجام گیرد. در مرحله بعد، داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه هر ۱۰۰ کاربر برای هریک از ۲۰ عکس با استفاده از برنامه آماری ۲۰۱۲ Excel، ثبت شد و هریک از عکس‌ها به‌صورت جداگانه، موردبررسی، ارزیابی و امتیازدهی عددی (خیلی زیبا +۲، زیبا +۱، معمولی ۰، زشت ۱- و خیلی زشت ۲-) قرار گرفته و نتایج حاصل در جدول جداگانه‌ای تنظیم شد.

به‌منظور محاسبه و جمع‌بندی امتیازات هر عکس از فرمول زیر استفاده شد:

رابطه ۱.

$$N = \sum_{i=1}^5 ni(3 - 1)$$

{N=مجموع امتیاز هر عکس؛ n1=تعداد افراد انتخاب‌کننده عکس باکیفیت خیلی زیبا؛ n2=تعداد افراد انتخاب‌کننده عکس باکیفیت زیبا؛ n3=تعداد افراد انتخاب‌کننده عکس باکیفیت معمولی؛ n4=تعداد افراد انتخاب‌کننده عکس باکیفیت زشت؛ n5=تعداد افراد انتخاب‌کننده عکس باکیفیت خیلی زشت} که بر همین اساس، میانگین امتیازی که هر عکس از نظر کاربران کسب کرده بود، توسط نمودار میله‌ای ترسیم گردید.

به جهت روایی و اعتبار آن با نظر متخصصین در رشته‌های مرتبط موردسنجش قرار گرفت و پایایی آن با آلفای کرونباخ محاسبه گردید که این ضریب برابر با ۰/۷۸۵ بوده و با توجه به این امر که این عدد بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه را اثبات می‌کند.

سپس به کمک روش تحلیل کیفی، هریک از نماهای مورد مطالعه را در جدولی جداگانه بر اساس معیارهای بوم‌شناسی بصری و مکانیسم‌های هماهنگ با سیستم بینایی آنالیز کرده تا ببینیم چه عواملی در خوشایندی نماها از نظر شهروندان تأثیرگذار بوده و هر کدام نشان‌دهنده چه نوع محیط بصری می‌باشند.

محدوده مورد مطالعه

کلان‌شهر تهران وسیع‌ترین کلان‌شهر در میان سایر کلان‌شهرهای ایران بوده که پایتخت ایران و دارای ۲۲ منطقه می‌باشد. جمعیت آن بیش از هشت میلیون نفر می‌باشد. مساحت این شهر ۷۳۰ کیلومترمربع که با حریم آن دو هزار کیلومترمربع مساحت دارد و به لحاظ مساحت در رتبه بیست و پنجم کلان‌شهر دنیا قرار دارد (سایت شهرداری تهران، ۱۳۹۶). منطقه ۱ تهران، شمالی‌ترین منطقه بشمار می‌رود، به‌طوری‌که

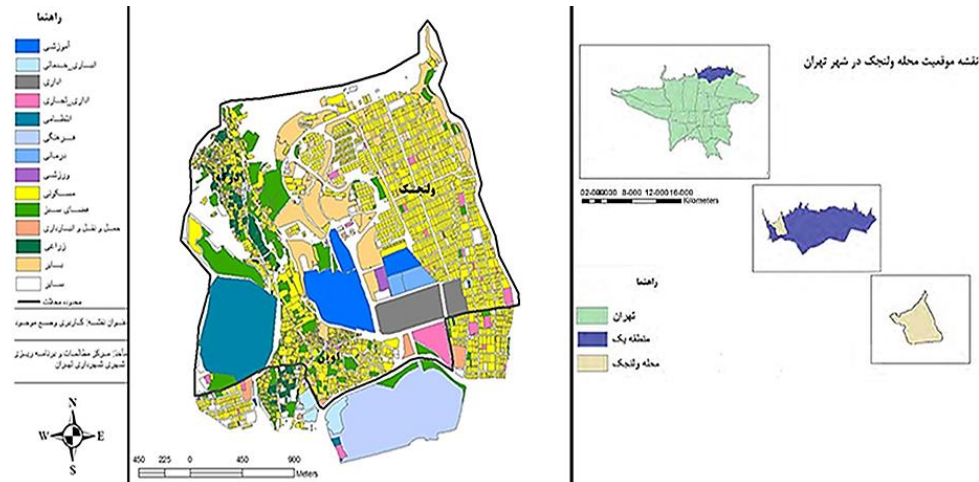


مرز شمالی آن بر مرز شمال تهران (خطوط ارتفاعی ۱۸۰۰ متر) منطبق است. کاربری عمده در منطقه ۱ مسکونی است.



شکل ۵- نقشه هوایی محله ولنجک در منطقه ۱ شهر تهران

نمونه ساختمان‌های مورد مطالعه این پژوهش در «محله مسکونی ولنجک در منطقه ۱ شهر تهران» بوده که از محلات شکل گرفته در دوره معاصر می‌باشد. محله ولنجک در ناحیه ۲ منطقه ۱ شهرداری تهران واقع شده است. این محله از شمال به ارتفاعات توچال و از جنوب به خیابان مقدس اردبیلی و از شرق به رودخانه ولنجک و از غرب به بولوار دانشجو محدود می‌شود. این محله مرتفع‌ترین منطقه مسکونی تهران بشمار می‌رود و دمای هوای آن نسبت به مناطق جنوبی، ۵ تا ۷ درجه خنک‌تر بوده و به بام تهران شهرت یافته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۲: ۵۰۱-۵۰۰). مساحت محله ولنجک ۲۴۳۹۶۵۴ مترمربع می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۹۰ مرکز آمار ایران جمعیت محله ولنجک برابر با ۲۲۷۴۲ نفر و تعداد خانوارهای این محله ۶۹۵۸ خانوار است که ۱۱۲۴۴ نفر زن و ۱۱۴۹۸ نفر مرد هستند (پورتال منطقه ۱ شهرداری تهران، ۱۳۹۶).



شکل ۶- نقشه کاربری وضع موجود و موقعیت قرارگیری محله ولنجک در منطقه ۱ شهر تهران (مأخذ: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران)

یافته‌ها

تحلیل کمی نمای ساختمان‌های مسکونی ولنجک از دیدگاه ترجیحات شهروندان با روش طبقه‌بندی کیفیت بصری: بر اساس موارد شرح داده در روش پژوهش حاضر، با به‌کارگیری روش طبقه‌بندی کیفیت Q، داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه هر ۱۰۰ کاربر برای هر یک از ۲۰ عکس منتخب ثبت شد و میانگین امتیازی که هر عکس از نظر کاربران کسب کرده بود مطابق جدول ۴، محاسبه شده و مورد امتیازدهی عددی قرار گرفت. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بالا بودن میانگین امتیاز هر عکس نشان‌دهنده مطلوب بودن عکس و درنهایت بهتر بودن کیفیت نمای آن از نظر شهروندان بوده و بالعکس پایین بودن میانگین امتیاز هر عکس نشان‌دهنده نامطلوب بودن عکس و درنهایت ناخوشایندی کیفیت نمای آن از چشم ناظرین می‌باشد.

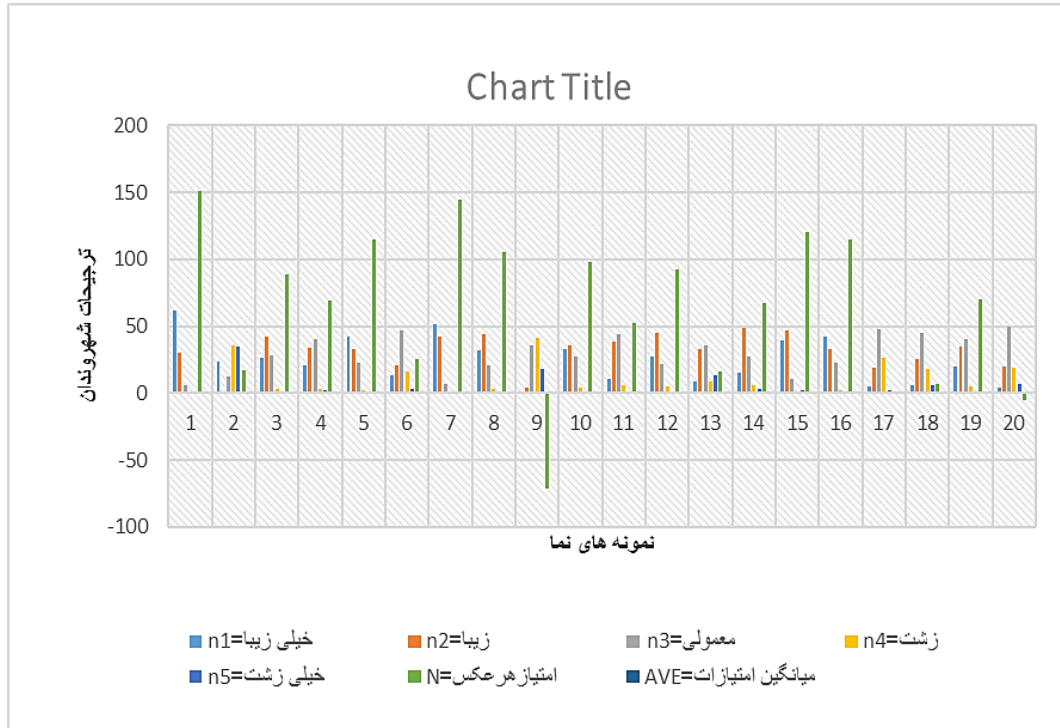
جدول ۴- ارزیابی و امتیازدهی توسط هر عکس {n=100}

شماره عکس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
n1 خیلی زیبا	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵
n2 زیبا	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵	۱۰	۱۵	۱۰	۵



۵۰	۴۰	۵۵	۴۸	۳۳	۱۱	۱۷	۳۴	۱۲	۳۶	۷۸	۳۶	۲۱	۷	۳۶	۲۱	۴۰	۱۳	۶	n3 معمولی	
۱۹	۵	۱۶	۲۷	۲	۱	۶	۵	۶	۱۶	۶	۱۶	۴	۰	۱۷	۲	۴	۴	۳۶	۱	n4 زشت
۷	۰	۶	۲	۰	۲	۴	۱۱	۱	۷	۰	۰	۰	۴	۰	۲	۱	۳۶	۱	۳۶	n5 خیلی زشت
-۵	۷۰	۷	-۱	۱۱۵	۱۲۰	۶۷	۱۴	۹۵	۵۲	۷۹	-۱۸	۱۰۵	۱۴۱	۲۵	۱۱۵	۶۶	۸۶	۱۷	۱۵۱	N= امتیاز هر عکس
-۱/۵۰	۰/۷۰	۰/۰۷	-۱/۰۱	۱/۱۵	۱/۲۰	۰/۶۷	۰/۱۴	۰/۹۵	۰/۵۲	۰/۷۹	-۱/۱۸	۱/۰۵	۱/۴۱	۰/۲۵	۱/۱۵	۰/۶۶	۰/۸۶	-۱/۱۷	۱/۱۵۱	میانگین امتیازات

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از کیفیت هر نما و امتیازات هر عکس در جدول ۴، در نرم‌افزار اکسل، نمودار میله‌ای آن مطابق شکل ۷، ترسیم گردید و با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت عکس‌ها با شماره‌های ۱، ۷، ۱۵، ۱۶، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۳، ۱۹، ۴، ۱۱ از نظر اولویت شهروندان به ترتیب دارای بیشترین امتیاز و در نهایت بهترین کیفیت در خوشایندی آنان هستند. این نماها سازگاری کامل با بینایی افراد را نشان می‌دهند و دارای خصوصیات محیط آسایش بخش می‌باشند، پس به محیط‌های طبیعی مطابقت زیادی دارند.



شکل ۷- نمودار میله‌ای قیاس میزان ترجیحات شهروندان در نمونه نماهای مسکونی محله ولنجک

تحلیل کیفی نماهای مسکونی ولنجک بر اساس معیارهای بوم‌شناسی بصری و میزان هماهنگی با مکانیسم‌های بینایی: در این مرحله، می‌بایست با در نظر گرفتن معیارهای بوم‌شناسی بصری که در جدول ۱ به آن اشاره شد که شامل خوانایی، نقطه عطف، جزئیات و تزئینات، تنوع، تقابل، ریتم و لبه، سیالیت، طبیعی بودن، تناسب، ترکیب و تخلخل حجمی هریک از نماهای مورد مطالعه در محدوده پژوهش را بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده نما (که شامل ارکان و اجزای نما می‌باشند)، تحلیل نموده و مشخصه بارز و پارامترهای موثر در عناصر هر نما را آنالیز نماییم. سپس میزان تطابق‌پذیری آن‌ها را با توجه به توضیحات ارائه‌شده در جدول ۳، با هر کدام از مکانیسم‌های بینایی استخراج می‌نماییم تا در نهایت به سازگاری هر کدام از نماها با محیط‌های بصری همگن، آسایش‌بخش و تهاجمی برسیم.





جدول ۵- تحلیل کیفی نمونه‌های نما با مکانیسم‌های بینایی در محیط‌های بصری

محیط بصری	تناسب با مکانیسم بینایی	اجزاء نما			ارکان نما			نمونه نما	ردیف
		مصالح (طبیعی بودن، تقابل)	تزئینات و جزئیات (تنوع)	بازشوها (پنجره، ورودی، بالکن)	احجام (تخلخل حجمی، ترکیب)	سطوح (سیالیت، تناسب، خوانا)	خطوط (ریتم شاخص، لبه، خط آسمان)		
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس	-تنوع در ترکیب مصالح -مصالح طبیعی سنگ و چوب -وجود کنتراست و تباین تنوع رنگ مصالح	-وجود اطلاعات و جزئیات کافی و تنوع در عناصر تشکیل دهنده در نوع و اندازه و فواصل	-تنوع در پنجره‌ها -دارای بالکن جلو بسته	-تخلخل حجمی -تنوع در ترکیب احجام	-وجود نقطه عطف و تأکید در سطوح و استفاده از سطوح متنوع در شکل و ساختار و رنگ	-ریتم افقی -خط آسمان صاف بدون تنوع -وجود مرزها و لبه		۱
تهاجمی	ناهماهنگی	-استفاده زیاد از مصالح بازتاب دهنده نور در مقیاس وسیع -استفاده مطلق از بافتها و جنس کاملاً مصنوعی شیشه و فلز -عدم وجود تنوع در رنگ و جنس مصالح	-عدم تنوع در اطلاعات و جزئیات -استفاده از عناصر کاملاً مشابه در تمام سطح نما به تعداد زیاد	-عدم تنوع در بازشوها -عدم وجود نقطه عطف و تأکید برای ورودی	-فرم هندسی خشک و حجم صلب -عدم تنوع در ترکیب احجام	-زوایای قائمه در سطوح -سطوح یکنواخت در سطح وسیع -سطح پام صاف و بدون تنوع	-ریتم افقی -خط آسمان یکنواخت -خطوط لبه تیز		۲
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش فرکانس فضایی	-وجود کنتراست در رنگ‌های به کار رفته در مصالح نما -تنوع در ترکیب مصالح	-استفاده از ابزار در نوار طره‌ای بالای بنا و دورتادور پنجره‌ها به عنوان تزئینات -وجود جزئیات کافی و تنوع عناصر	-وجود نقطه عطف در ورودی ساختمان -پنجره راه پله به عنوان تأکید در نما	-استفاده از سطوح کوچک تر در نما -خوانایی	-ریتم عمودی -خط آسمان متنوع -کاربرد خطوط منحنی و نرم در نما -الگوی موج سینوسی		۳	



آسایش بخش	ساکادی روشن خاموش دید دوچشمی فرکانس فضایی تابع انعکاس	- کاربرد مصالح طبیعی سنگ - عدم وجود تنوع در بافت و جنس مصالح - عدم وجود کنتراست در رنگ‌های نما	- استفاده از ابزار در نوار طره‌ای تاج بنا و زیر بالکن‌ها به‌عنوان تزئینات	- تنوع در بازشوها - بالکن‌های مسقف بیرون زده از نما	- تنوع در ترکیب احجام	- شکستن سطوح بزرگ به سطوح کوچک‌تر به‌واسطه بازی با حجم - زوایای قائمه سطوح	- ریتم افقی - خط آسمان متنوع - وجود لبه - وجود خطوط منحنی		۴
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس فرکانس فضایی	- کاربرد مصالح طبیعی سنگ - وجود کنتراست و تباين به‌واسطه تنوع در رنگ و بافت مصالح	- کاربرد ابزار تزئینی در تاج بنا - استفاده از نرده‌های بالکن با ستونک‌های تزئینی - وجود اطلاعات و جزئیات کافی در عناصر تشکیل‌دهنده	- عقب و جلو نشستن پنجره‌ها همراه با ریتم تخلخل - بالکن‌های تورفته در حجم بنا - ورودی در مقیاس انسانی - تنوع در بازشوها	- تخلخل حجمی	- استفاده از سطوح کوچک در نما - خوانا بودن سطح	- ریتم عمودی - خط آسمان متنوع - خطوط برجسته تکرار شونده به‌صورت افقی و عمودی در نما - وجود لبه - خطوط منحنی و الگوی موج سینوسی		۵
همگن	ناهماهنگ	- به‌کارگیری مصالح مصنوعی سیمان - عدم وجود کنتراست در رنگ و بافت مصالح	- وجود عناصر مشابه به تعداد زیاد - عدم وجود جزئیات در عناصر تشکیل‌دهنده	- عدم تنوع در بازشوها - عدم وجود نقطه عطف و تأکید برای ورودی	- فرم هندسی و خشک و حجم صلب	- سطوح یکنواخت در سطح وسیع - زوایای قائمه در سطوح	- وجود لبه‌های تیز - خط آسمان صاف و یکنواخت - ریتم عمودی		۶
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس	- استفاده از مصالح طبیعی سنگ و چوب و آجر - وجود تباين در رنگ و بافت مصالح	- وجود جزئیات کافی در عناصر تشکیل‌دهنده - وجود نرده‌های هندسی فلزی برای بالکن به‌عنوان تزئینات	- تنوع در بازشوها - بالکن‌های تورفته در حجم بنا - داشتن تناسبات انسانی در ورودی	- تخلخل حجمی	- تنوع در سطوح نما - زوایای قائمه در سطوح	- تنوع خط آسمان - ریتم افقی و عمودی - الگوی موج مربعی		۷



آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس فرکانس فضایی	-تباين در بافت مصالح -استفاده از مصالح طبيعي سنگ	-وجود اطلاعات و جزئیات کافی	-تنوع در بازشوها	-تنوع در ترکیب احجام -تخلخل حجمی	-تنوع در سطوح تشکیل دهنده -سطوح نرم و منحنی -سطح بام متنوع	-خط آسمان متنوع -ریتم عمودی -دارای لبه -الگوی موج سینوسی		>
تهاجمی	ناهماهنگ	-عدم وجود تنوع در رنگ و جنس مصالح -عدم وجود کنتراست کافی در رنگ و بافت مصالح نما	-وجود عناصر مشابه به تعداد زیاد -عدم وجود جزئیات و اطلاعات کافی در عناصر تشکیل دهنده	-عدم وجود نقطه عطف و تأکید برای ورودی -عدم تنوع در بازشوها	-عدم تنوع در ترکیب احجام	-سطوح یکنواخت در سطح وسیع	-ریتم عمودی -خط آسمان صاف و یکنواخت		م
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس فرکانس فضایی	-وجود کنتراست و تباين در رنگ مصالح	-تنوع در عناصر تشکیل دهنده نما -وجود اطلاعات و جزئیات کافی	-تنوع در بازشوها -استفاده از بالکن های بیرون زده از نما -طراحی ورودی به عنوان نقطه عطف متناسب با سایر عناصر نما	-تنوع در ترکیب احجام -تخلخل حجمی	-سطح بام دارای تنوع و غیریکنواخت	-استفاده از خطوط منحنی و نرم -تنوع در خط آسمان -الگوی موج سینوسی		ب
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس فرکانس فضایی	-به کارگیری مصالح طبیعی سنگ -وجود کنتراست در رنگ مترپال سنگ با شیشه رفلکس	-اطلاعات بصری کافی	-تنوع در بازشوها -ورودی شاخص به عنوان نقطه عطف -پنجره های راه پله همراه با ریتم تخلخل	-داشتن تخلخل حجمی -تنوع در ترکیب احجام	-تنوع در سطوح تشکیل دهنده نما -خوانا بودن	-ریتم عمودی و افقی -خطوط منحنی -الگوی موج سینوسی -خط آسمان متنوع		=

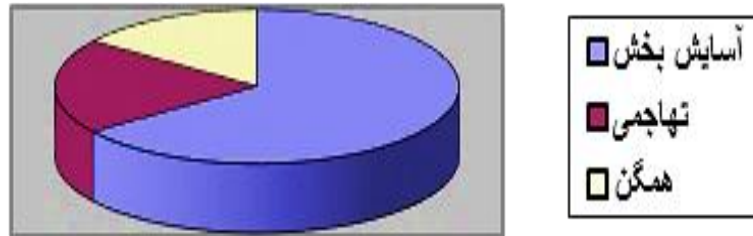


آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش فرکانس فضایی	-استفاده از رنگ روشن به واسطه همساز بودن با اقلیم	-داشتن جزئیات کافی -به کارگیری ستون‌های یونانی به عنوان تزئینات -استفاده از ابزارهای برجسته برای تزئین سردر ورودی	-بالکن‌های بیرون زده از حجم بنا -تنوع در بازشوها -ورودی به عنوان عطف و تأکید و با ابعاد انسانی	-ترکیب حجم کلی بنا با حجم سقف -تخلخل حجمی	-سطوح کوچک در نما	-ریتم عمودی -خطوط نرم -الگوی موج سینوسی		۱
همگن	ناهماهنگ	-عدم کنتراست رنگ و بافت مصالح -به کارگیری مصالح مصنوعی سیمان	-عدم وجود جزئیات -نداشتن نقاط عطف و تأکید در بنا	-استفاده از بازشوهای مشابه در نوع و فواصل	-فرم هندسی با حجم صلب -عدم تنوع ترکیب حجم	-سطوح یکدست و یکنواخت -اشکال هندسی خشک -زوایای قائمه	-استفاده از خطوط تیز -خط آسمان یکنواخت		۲
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس فرکانس فضایی	-به کارگیری مصالح طبیعی سنگ -وجود تباين و کنتراست در رنگ سنگ سیاه و سفید	-وجود جزئیات کافی و تنوع عناصر تشکیل دهنده نما	-رعایت تعادل و تنوع در بازشوها	-تنوع در ترکیب احجام	-سطح بام دارای تنوع و غیریکنواخت	-ریتم افقی و عمودی و لبه خط آسمان متنوع -خطوط منحنی -الگوی سینوسی		۳
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس فرکانس فضایی	-کاربرد مصالح طبیعی سنگ	-داشتن جزئیات و اطلاعات کافی -کاربرد ابزار تزئینی در تاج بنا -استفاده از نرده بالکن با ستونکهای تزئینی	-تنوع در نوع و اندازه پنجره‌ها -طراحی ورودی به عنوان عطف -استفاده از بالکن‌های تورفته در حجم بنا	-تخلخل حجمی	-استفاده از سطوح کوچک در نما	-ریتم عمودی -وجود لبه‌ها -خطوط منحنی -تنوع در خط آسمان -الگوی موج سینوسی		۴
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس	-به کارگیری مصالح طبیعی سنگ و چوب -وجود کنتراست در رنگ و بافت مصالح	-وجود جزئیات معنادار -کاربرد ابزار در تاج بنا به عنوان تزئینات	-تنوع در بازشوها -به کارگیری بالکن‌های داخل رفته در حجم بنا	-تخلخل حجمی	-تنوع در سطوح تشکیل دهنده نما	-ریتم عمودی -وجود لبه‌ها -تنوع در خط آسمان		۵



تهاجمی	ناهماهنگ	-تباين در رنگ مصالح -کاربرد مصالح مصنوعی سیمان	-نداشتن تنوع در جزئیات -به کارگیری عناصر مشابه در تعداد زیاد	-عدم تنوع در نوع و فواصل بازشوها -نداشتن عطف و تأکید	-فرم هندسی خشک حجم بنا	-سطح یکدست و یکنواخت	-خط آسمان یکنواخت -دارای خطوط منحنی و دارای لبه		۱۰
همگن	ناهماهنگ	-استفاده از مصالح مصنوعی سیمان	-عدم وجود اطلاعات بصری کافی و فرکانس کم -یکنواختی در عناصر تشکیل دهنده	-عدم تنوع در بازشوها -نداشتن ورودی شاخص	-عدم تنوع در ترکیب حجم بنا	-سطوح یکنواخت و بدون تنوع -سطح بام صاف	-خط آسمان صاف -استفاده از خطوط تیز		۱۱
آسایش بخش	ساکادی دید دوچشمی روشن خاموش تابع انعکاس	-یکار بردن مصالح طبیعی سنگ -داشتن کنتراست در رنگ متریال	-داشتن جزئیات کافی -استفاده از شیارهای تزئینی دور تادور قاب پنجره	-تنوع در بازشوها -تناسبات انسانی در ورودی -پنجره‌های راه پله به عنوان عطف و تأکید	-تخلخل حجمی -ترکیب احجام	-تنوع در سطوح تشکیل دهنده نما -زوایای قائمه در سطوح	-دارای لبه -ریتیم عمودی		۱۲
تهاجمی	ناهماهنگ	-کاربرد مصالح مصنوعی سیمان در مقیاس وسیع -عدم کنتراست رنگ و بافت در مصالح نما	-عناصر مشابه به تعداد زیاد و فرکانس بالا -عدم وجود جزئیات کافی	-عدم تنوع در نوع و فواصل بازشوها	-فرم هندسی صلب -ترکیب حجم	-سطوح یکنواخت -زوایای قائمه در سطوح	-لبه‌های تیز -ریتیم عمودی -خط آسمان غیر یکنواخت		۱۳

با توجه به تحلیل‌هایی که در جدول شماره ۵ انجام شد، می‌توان گفت که نماهایی که بیشترین تطابق را با مکانیسم‌های بینایی دارند و دارای تنوع و جزئیات کافی در عناصر و ساختار و ترکیب احجام و نقاط عطف و تأکید و مصالح طبیعی هستند از نظر بصری دارای محیطی آسایش‌بخش بوده و نماهایی که هیچ‌گونه هماهنگی با مکانیسم‌های بینایی ندارند و از مصالح فلز و بتنی و شیشه‌ای تشکیل شده و دارای شکلهای صلب و خشک و یکنواخت و بدون تنوع هستند مربوط به محیط‌هایی بوده که از نظر بصری تهاجمی محسوب می‌شوند. چنانچه در نمودار دایره‌ای شکل ۸ مشاهده می‌شود بر اساس محاسباتی که در نرم‌افزار اکسل انجام شد، در حدود ۶۵٪ از نماهای منطقه مورد مطالعه مربوط به محیط‌های آسایش‌بخش و ۱۵٪ یکنواخت و ۲۰٪ آن‌ها مربوط به محیط‌های تهاجمی می‌باشند.



شکل ۸. نمودار pie سنجش درصد میزان فراوانی برای کیفیت بصری نماهای مسکونی در محدوده قلمرو پژوهش

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در این تحقیق در خصوص کیفیت دید بصری نماهای شهری بدان اشاره گردید، با ارزیابی آیتم‌های موثر محیط و با در نظر گرفتن مطالعاتی که واسیلی فیلین در خصوص ویژگی‌های محیط بصری با استانداردهای بینایی انجام داده، به تحلیل تصاویر نماها از نظر خوشایندی یا عدم خوشایندی متناسب با چشم پرداخته شد. امروزه برنامه ریزان شهری در زیر چتر بوم‌شناسی به دنبال این بوده تا محیط‌های شهری سبزتر، سالم‌تر، خوشایندتر و پایدارتر ایجاد نمایند. از آنجایی که هدف ما به‌عنوان معمار و طراح، ارتقای کیفیت نمای ساختمان‌های مسکونی می‌باشد، سعی بر آن داریم تا در برقراری رابطه انسان و محیط، برای خوشایندی انسان‌ها، محیط‌های مصنوع را هرچه بیشتر به محیط طبیعی نزدیک نماییم. می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که یکسری معیارها نمادی از طبیعت را به انسان القاء می‌نمایند مانند خطوط منحنی و نرم و فرم‌های طبیعی، که یادآور امواج دریا و ابرهای آسمان و انرژی باد بوده و همچنین بعضی معیارها مانند جنس و بافت مصالح طبیعی مثلاً سنگ و چوب که از طبیعت استخراج می‌شوند، مصالح بوم آورد منطقه که با اقلیم محیط خود سازگارند، مصالح بازیافتی که به چرخه طبیعت بازمی‌گردند و یا تنوع در عناصر و جزئیات کافی در احجام، تأثیر شایانی از نظر بعد بصری و حس بینایی در نمای ساختمان‌ها بر افراد ایجاد می‌نمایند که با تقویت آن‌ها می‌توان به کیفیت دید بهتری دست یافت. همان‌طور که در تحقیق بدان اشاره گردید، این خصوصیات مربوط به محیط آسایش‌بخش می‌باشد. آلودگی محیط بصری در شهرها و سکونتگاه‌ها توسط میدان‌های بصری همگن و تهاجمی و به دلیل تعداد زیاد خطوط مستقیم، زوایای راست و صفحات بزرگ ایجاد شده است و برای رسیدن به یک الگوواره مناسب و هماهنگ با سیستم بینایی در نمای ساختمان‌ها، باید معیارهای نامناسب برای چشم را که برخلاف خصوصیات طبیعی دارای سطوح هندسی مسطح و خشک، و مصالحی مصنوعی نظیر بتن و فلز و شیشه که سکونتگاه‌ها را تبدیل به محیط‌هایی ملال‌آور و بی‌روح نموده و از محیط طبیعی دور می‌کند، تعدیل نموده و نماها را به مطلوبیت نزدیک کنیم تا جلوه زیباتری برای جداره‌های شهر و در نتیجه سیمای شهر ایجاد کنیم. همچنین با در نظر



گرفتن ترجیحات بصری افراد، به حفظ هویت بخشی به معماری ارزشمند ایرانی با توجه به مبانی زیبایی‌شناسی و ارتقا بخشی کیفیت دید بصری و در نهایت رفتارهای محیطی مطلوب شهروندان کمک شایانی نماییم. با توجه به یافته‌های پژوهش در بخش کمی، ۱۲ نما از ۲۰ نمای منتخب، از نظر شهروندان در اولویت قرار گرفت که مربوط به نمای آسایش بخش می‌باشند و یافته‌ها در بخش کیفی نشان داد که از نماهای محله ۶۵٪ آسایش بخش، ۲۰٪ تهاجمی و ۱۵٪ نمای همگن و یکنواخت را تشکیل دادند. آمارهای به دست آمده نشان‌دهنده این است که محله ولنجک از هماهنگی نسبتاً مطلوبی در نمای ابنیه مسکونی برخوردار بوده و موجبات غنای بصری شهروندان محدوده را فراهم کرده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش، نگاه جدیدی در ارزیابی پدیده‌های بصری بوده و امید است با تحقیقات صورت گرفته در این زمینه بتوان راهگشای معماران و طراحان در زمینه انطباق هرچه بیشتر ابنیه از نظر تناسب با بینایی افراد گشته و موجب هماهنگی بیشتر نماها و خوشایندی شهروندان گردد.

راهکارها

در نهایت بر اساس طبقه‌بندی ارکان و اجزای نما که در جدول تحلیل کیفی بدان اشاره گردید و مصادیق بومی‌سازی راهکارها و پیشنهادهایی در رابطه با معیارهای بوم‌شناسی بصری هماهنگ با بینایی ارائه می‌شود تا شاید بتوان بخشی از نقصان‌های موجود در عدم هماهنگی نمای ساختمان‌ها را از دید شهروندان اصلاح نمود.

بر اساس ارکان نما:

- ✓ هماهنگی ریتم شاخص به کاررفته در نما با نمای ساختمان مجاور
- ✓ تنوع در خط آسمان با استفاده از خطوط منحنی و نرم
- ✓ به کارگیری نقاط عطف و تأکید در خط بام
- ✓ مشخص کردن مرز بین طبقات از طریق تأکید بر مرز بازشوها
- ✓ تنوع بخشی در نما با به کارگیری خطوط و سطوح نرم و منحنی با الگوی موج سینوسی
- ✓ استفاده معنادار و مشخص‌تر از خطوط در سطح نما
- ✓ استفاده از سطوح کوچک و متعدد با شکستن و تقسیم‌بندی سطح کل نما
- ✓ به کارگیری احجام و سطوح متنوع از نظر شکل و هندسه و تناسبات
- ✓ کاربرد سطوحی با زوایای حاده بجای قائمه برای تأکید بر ساختار کل بنا
- ✓ به کارگیری ترکیب و کمپوزسیون احجام در بنا برای خارج کردن بنا از تک حجمی بودن
- ✓ تنوع در حجم‌های الحاقی در نما با رعایت به کارگیری هندسه نرم
- ✓ استفاده از اشکال نرم و منحنی در هندسه پرو خالی‌ها در نما



- ✓ ایجاد تخلخل حجمی و پر و خالی در حجم اصلی بنا با عقب‌نشینی و جلوآمدگی‌ها
- ✓ به‌کارگیری احجام و سطوح متمایز برای تأکید بخشی در نما
- ✓ ترکیب کردن احجام و تخلخل حجمی برای ایجاد کنتراست نور و سایه‌روشن در نما

بر اساس اجزاء نما:

- ✓ رعایت تنوع و تعادل در تعداد و فرم و هندسه ابعاد بازشوها
- ✓ به‌کارگیری تمهید تخلخل و فرورفتگی و برآمدگی در بازشوها
- ✓ قابل تشخیص بودن مرز پنجره‌ها و استفاده از قاب‌ها و چارچوب‌ها در شیشه بازشوها برای خارج کردن از یکنواختی ظاهری در نما
- ✓ به‌کارگیری عناصر الحاقی لبه‌های پنجره
- ✓ ایجاد نقاط عطف و تأکید در نما از طریق چیدمان پنجره‌ها
- ✓ بازشوه‌های متناسب با یکدیگر و سایر اجزای نما
- ✓ تأکید در ورودی‌ها و استفاده از عقب‌نشستگی و پیش‌آمدگی برای وضوح و تمایز در نما
- ✓ طراحی هماهنگ ورودی با سایر اجزاء ساختمان
- ✓ به‌کارگیری عناصر الحاقی مانند سردر و سرستون و اشکال نرم و منحنی برای تنوع و تأکید
- ✓ کاربرد پوشش گیاهی متناسب با طرح نما به‌عنوان جزئیات بصری طبیعی هماهنگ با بینایی
- ✓ استفاده از تزئینات و الحاقات هماهنگ با سطح نما برای ایجاد ریتم و تنوع بخشی
- ✓ به‌کارگیری جزئیات کافی در تناسب با محتوا و مقیاس نما و هماهنگ با کلیت جداره
- ✓ ایجاد تأکید و یا خلق نقاط عطف در نقاط لازم در نما با استفاده از جزئیات و تزئینات
- ✓ به‌کارگیری تفاوت بین رنگ و بافت جزئیات با زمینه نما با ایجاد کنتراست و تباین
- ✓ استفاده از مصالح طبیعی و بوم آورد متناسب با اقلیم منطقه مانند آجر و سنگ و چوب و...

بر اساس بوم‌شناسی:

- ✓ انطباق محیط مصنوع با بستر طبیعی، بوم و اقلیم
- ✓ به‌کارگیری بام سبز و خط آسمان سبز و منظرسازی سبز عمودی در جداره شهری
- ✓ امتداد خط زمین توده‌های ساختمانی در مسیر سطح سبز
- ✓ حداکثر استفاده از تدابیر اقلیمی جهت کاهش مصرف انرژی مثل سایبان خورشیدی
- ✓ نموده‌های استفاده از هر نوع انرژی تجدید پذیر در جداره و سطوح
- ✓ وجود عناصر کالبدی و نمادهایی جهت ارتقای حس تعلق به مکان در شهروندان در بوم شهر از طریق احیای آداب و سنن بومی، فرهنگ و تاریخ شهر



- ✓ معماری و طراحی ساختمان‌های همساز با اقلیم و فرهنگ در شهر
- ✓ به‌کارگیری مصالح زیست‌محیطی و قابل بازیافت در نمای ساختمان‌ها در شهر
- ✓ هماهنگی نماهای مسکونی با یکدیگر در ساختار شهری

سپاسگزاری

از اهالی محترم منطقه ولنجک شهر تهران که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند صمیمانه تشکر می‌نماییم.



منابع

- احمدی، سید یوسف. (۱۳۹۰). راهنمای طراحی نما. تهران: موسسه علمی دانش پژوهان.
- احمدی، سید یوسف. (۱۳۹۰). راهنمای طراحی نما. تهران: موسسه علمی دانش پژوهان.
- اخگری سنگ آتش، زهره، میر کریمی، سید حامد، محمد زاده، مرجان و سلمان ماهینی، عبدالرسول. (۱۳۹۸). تبیین معیارهای کیفیت بصری منظر خیابانی با روش طبقه‌بندی کیفیت بصری و ماتریس دستیابی به اقدامات (مطالعه موردی: مسیرهای پیاده مشهد و گرگان). دو فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۲۰(۲)، ۵۷-۷۶.
- اخگری سنگ آتش، زهره، میر کریمی، سید حامد، محمد زاده، مرجان و سلمان ماهینی، عبدالرسول. (۱۳۹۸). تبیین معیارهای کیفیت بصری منظر خیابانی با روش طبقه‌بندی کیفیت بصری و ماتریس دستیابی به اقدامات (مطالعه موردی: مسیرهای پیاده مشهد و گرگان). دو فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۲۰(۲)، ۵۷-۷۶.
- اردکانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). اکولوژی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (۱۱).
- اردکانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). اکولوژی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (۱۱).
- براتی، ناصر، سلیمانی نژاد، محمدعلی. (۱۳۹۰). ادراک محرک‌ها در محیط کنترل‌شده و تأثیر جنسیت بر آن نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. فصلنامه باغ نظر، (۱۷)، ۱۹-۳۰.
- بنتلی، ای یین، الکک، آلن، مورین، پال، گلین، سومک و اسمیت، گراهام. (۱۳۹۵). محیط‌های پاسخ‌ده. مترجم: مصطفی بهزاد فر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۲). پدیدارشناسی نماهای مسکونی و سیر تکوین توقعات از آن. نشریه هنرهای زیبا، (۱۴).
- پاکزاد، جهان‌شاه، بزرگ، حمیده. (۱۳۹۸). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه، طباطبائی، ملک. (۱۳۹۶). جداره‌های شهری و نقش آن در فضای شهری (معیارهای نماسازی در فضای شهری). تهران: انتشارات آرمان شهر، چاپ دوم.
- پورتئوس، جی داگلاس. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی محیط‌زیست نظریه‌ها سیاست‌ها و برنامه‌ریزی. مترجم محمدرضا مثنوی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- پورجعفر، محمدرضا، علوی بالمعنی، مریم. (۱۳۹۱). استخراج معیارهای هماهنگی و ناهماهنگی نماهای ساختمان با دستگاه بینایی انسان با توجه به اصول بوم‌شناسی بصری. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، بهار و تابستان، (۴).



- پورجعفر، محمدرضا، علوی بالمعنی، مریم. (۱۳۹۱). ویدئو اکولوژی: بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری. تهران: انتشارات آرمان‌شهر، چاپ اول.
- پینل، جان. (۱۳۸۷). روان‌شناسی فیزیولوژیک. ترجمه: مهرداد فیروز بخت، تهران: نشر ویرایش، (۶).
- تشکری، عباس. (۱۳۹۲). تأثیر نماهای شهری بر بعد بصری شهر و شهروندان (بررسی موردی نماهای شهر یاسوج در سال ۱۳۹۱). بوکان: همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری.
- حسین‌آبادی، عطیه، عرب بنی شیبانی، محمد. (۱۳۹۵). ارتقاء کیفیت بصری خیابان شهری با تأکید بر بوم‌شناسی بصری: نمونه موردی خیابان خسروی مشهد. سومین کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی، دبی و مصدر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات.
- خاک زند، مهدی، محمدی، مریم، جم، فاطمه و آقازرگی، کوروش. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر طراحی بدنه‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی (مطالعه موردی: خیابان ولی‌عصر شهر قشم). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۱۰): ۱۵-۲۶.
- دبده، محمد. (۱۳۹۹). وجودیت‌مکان، اولین کنفرانس ملی عمران، معماری و فناوری اطلاعات در زندگی شهری، مشهد-ایران، ۱۴-۱.
- دبده، محمد، صدیق، مرتضی، رضوان‌پناه، مجید. (۱۴۰۱). نقد و بررسی کتاب «طراحی براساس ادراک و رفتار انسانی»؛ از مجموعه آثار معمار دبده، فصلنامه علمی پژوهشی-معماری و شهرسازی؛ معمار شهر، دوره ۱، شماره ۴، ۹۸-۱۱۷.
- دبده، محمد، و رضوان‌پناه، مجید. (۱۳۹۹). تأثیر اقلیم بر روی بافت‌های تاریخی از نظر پویایی درجهت معماری پایدار (مطالعه موردی: شهر تاریخی یزد)، نخستین کنفرانس بین‌المللی معماری و شهرسازی طراحی پایدار و فراگیر برای همگان، شیراز ۱۳-۱.
- دویران، اسماعیل، خدایی، داوود، غلامی، سعید و دانش‌دوست، مهرداد. (۱۳۹۱). سنجش مؤلفه‌های آسایش بصری در منظر شهری با تأکید بر محله حسینیه اعظم زنجان. نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، (۳): ۴۵-۶۰.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۵). چارچوب استراتژیک مدیریت بصری شهر. مجله آبادی، شماره ۵۳.
- رضوان‌پناه، مجید و [دیگران]. (۱۴۰۲). فرایند شناخت و تفحص به‌کارگیری خدمات طراحی منظر در اکوسیستم تالاب میانکاله با رویکرد برنامه‌ریزی و توسعه پایدار در بهبود گردشگری و رشد اقتصادی، چهارمین کنفرانس ملی شهرسازی و معماری دانش‌بنیان، تهران، ۱۲-۱.
- زندیه، مهدی، زندیه، راضیه. (۱۳۸۹). در جستجوی کردورهای دید راهبردی شهر تهران. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، (۱): ۲۷-۳۶.
- ساج، مایک، وارد، آلن. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی شهری. مترجم: ابوالقاسم پور رضا، تهران: انتشارات سمت، ۲۱.



- شاهچراغی، آزاده، بندر آباد، علیرضا. (۱۳۹۴). محاط در محیط. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- شاهین راد، مهنوش، رفیعیان، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۴). ارزیابی ترجیحات بصری زنان از فضاهای شهری تهران. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۷(۱): ۲۴-۱۰.
- قربانی، رضا، آل ابراهیم، محمدمتقی. (۱۳۸۸). اکولوژی عمومی. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کارلسون، نیل آر. (۱۳۷۹). روان‌شناسی فیزیولوژیک. ترجمه: اردشیر ارضی و دیگران، تهران: انتشارات رشد، (۱).
- کامور شلمانی، آمنه، حناچی، سیمین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل بصری فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (مطالعه موردی: میدان شهرداری رشت). نشریه هویت شهر، ۲۴(۹): ۷۸-۶۵.
- کریر، راب. (۱۳۷۶). اجزای معماری. ترجمه: زهرا اهری، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- کریر، راب. (۱۳۸۰). گونه‌شناسی عناصر پایه در معماری. مترجم: عباسعلی شاهرودی، احمد خوشنویس، قزوین: انتشارات سایه‌گستر.
- کسروی، رضا. (۱۳۹۶). از زیباشناسی تا زیبایی‌شناسی نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران. هنر و تمدن شرق، ۱۸(۷-۱۴).
- گایتون، آرتور. (۱۳۶۲). فیزیولوژی پزشکی. ترجمه: فرخ شادان، جلد سوم، انتشارات شرکت سهامی چرم.
- گلچین، پیمان، ناروئی، بهروز و مثنوی، محمدرضا. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفیت بصری فضاهای آموزشی بر اساس ترجیحات استفاده‌کنندگان: دانشگاه سیستان و بلوچستان. نشریه محیط‌شناسی، ۳۸(۶۲): ۱۳۵-۱۵۰.
- گلی پور، مرجان، شهبابیان، پویان و امین زاده گوهر ریزی، بهناز. (۱۴۰۰). خوانش عوامل مؤثر بر ارتقاء نماهای مسکونی شهر تهران از دیدگاه کنشگران. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای (علمی)، ۱۷: ۱۱۹-۱۴۶.
- لاوسون، برایان. (۱۳۹۴). زبان، فضا. مترجم: علیرضا عینی فر، فؤاد کریمیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لک، آزاده، رضانی، مینا. (۱۳۹۷). ترجیحات محیطی مردم برای طراحی فضای رهاشده زیر پل‌های شهری. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۲۳: ۲۲۵-۲۳۵.
- لینچ، کوین. (۲۰۰۸). سیمای شهر. ترجمه: مزینی، منوچهر. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- محمودی نژاد، هادی، صادقی، علیرضا. (۱۳۸۸). طراحی شهری از روانشناسی محیطی تا رفاه اجتماعی. تهران: انتشارات هله/طحان.
- مختار پور، اکبر، بابا حیدریان، سیمین و مصلح آبادی، فاطمه. (۱۳۹۵). نما در سیمای شهر: با رویکردی بر مبانی و ضوابط، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- مدیری، آنوسا، نوراللهی اسکویی، نیکو. (۱۳۹۳). ارزیابی ادراک بصری فضایی میدان امام حسین (ع). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۱.



- مزینی، منوچهر. (۱۳۷۷). مطالعه کالبد شهر تهران از نظر بصری و زیبایی‌شناسی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی شهر. تهران: انتشار، ۱۲۴.
- موحد، سپیده، طبیبیان، منوچهر. (۱۳۹۷). تحلیل نگرش‌ها و بهره‌گیری از دانش بوم‌شناسی شهری در برنامه‌ریزی با نگاهی بر نمونه‌های موردی از برنامه‌های ملی تا محلی. نشریه علوم تکنولوژی محیط‌زیست، ۲۰(۲):۱۷۰-۱۸۹.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۹۲). دانشنامه تهران بزرگ. جلد دوم شمیرانات، تهران: مرکز نشر دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- میر کریمی، سید حامد، سعیدی، سپیده، محمد زاده، مرجان و سلمان ماهینی، عبدالرسول. (۱۳۹۳). کاربرد روش PCA در ارزیابی کیفیت بصری سیمای سرزمین: حوزه زیارت استان گلستان. محیط شناسی، ۴۰(۲):۴۵۱-۴۶۲.
- هاریس، سیریل ام. (۱۳۹۳). فرهنگ تشریحی معماری و ساختمان. مترجم: محمدرضا افضلی، مهردادهاشم زاده همایونی، تهران: انتشارات دانشیار.
- ویر، ماکس. (۱۳۷۰). شهر در گذر زمان. مترجم: شیوا کاویانی، تهران: سهامی انتشار، ۵۱.
- وحدت طلب، مسعود، یاران، علی، محمدی خوش‌بین، حامد. (۱۳۹۹). ارزیابی ترجیحات بصری در نماهای مسکونی، مورد مطالعاتی: دوازده خانه تاریخی تبریز. نشریه معماری شهرسازی آرمان شهر، ۳۲(۳):۱۷۵-۱۸۷.

- Coren, S. M. Ward Lawrence, T. Enns James, (1994). Sensation and Perception; 4th; Fort Worth: Harcourt Brace College.
- Filin, A. vasilii. (1998). Videoecology, Published by TASS-REKLAMA, Moscow.
- Golchin, P., Narouie, B., & Masnavi, M. (2012). Evaluating Visual Quality of Educational Campus Based on Users Preferences: The Case of Sistan and Balouchestan University, *Iran Environmental Studies*, 38(62), 135-150.
- Grimm, N. B., Grove, J. G., Pickett, S. T., & Redman, C. L. (2000). Integrated Approaches to Long-Term Studies of Urban Ecological Systems Urban ecological systems present multiple challenges to ecologists pervasive human impact and extreme heterogeneity of cities, and the need to integrate social and ecological approaches, concepts, and theory. *BioScience*, Vol. 50(7), pp.571-584.



- Krueger, R.A., Casy, M.A., Donner, J., Krsch, S., and Maack, J.N. 2001. Social Analysis Selected Tools and Techniques. Social Development Department the World Bank, Paper Number 36, June.
- Lee, J. H., & Ostwald, M. J. (2021). Fractal dimension calculation and visual attention simulation: assessing the visual character of an architectural facade. *Journal of Building*. (11), 1-22.
- Li Zongtao (2018). Architectural Visual Modeling Element Design Creativity. *Science Forum*, (10): 372-372.
- Park, R.E., Burgess, E.W., McKenzie, R.D. (1925). *The City*. University of Chicago Press, Chicago.
- Perovic, S. & Kurtovic Folic, N. (2012). Visual Preception of Public Open Spaces in Nicsic. *Procedia-Social & Behavioral Sciences*, 68, 921-933.
- R. Kandel Eric and etal. (2000). *Principles of Neural Science*, 4th Edition; New York: McGraw-Hall.
- Stephenson, W. (1968). The contribution of Q to attitude research. Chicago: American Marketing Association, pp. 160-171
- Tabatabaie, M. (2010). *Urban Facades and Their Role in Urban Space (Facades Criteria in Urban Space)*. 1st Edition. Tehran: Armanshahr.
- Tavassoli, M., Parsi, H. (2000). *Urban Design, Kargar Street, Tehran, Tehran*: Civil and Urban Improvement Company.
- Xinlu L, Hong Z, Shiqiang X (2019). On the modeling design in architectural design [J]. *Orientation to become rich through science and technology*, (03): 166-167.
- Yammiyavar, A. P., & Roy, M. (2019). Influence of visual elements in building facades in the formation of experiential perception. In *Research Into Design For A Connected World*. Springer.
- <http://abadis.ir>
- <http://www.zistyaran.ir/>



Investigation of socio-cultural factors affecting the physical transformation of the house according to the change of lifestyle in the contemporary era (case example of contemporary houses in Tabriz)

Farnaz asgari¹, sahar toofan*², lida balilan asl³
(Received date:2023/09/23-Accepted date:2023/11/13)

Abstract:

Architecture as a whole can be considered as a dress of life size, and naturally, according to any quality of life, a dress should be created that fits that life. So, according to the changes that happen in the quality of life, it should be expected that there will be changes in the quality of architecture. The transformation of the lifestyle during different historical periods and the direct relationship between it and the form of housing provides the possibility of studying and investigating the course of its impact on the house in different historical periods. This research seeks to find the effective factors on the change of the spatial organization of Tabriz houses through the study of the change of lifestyle in the contemporary era. The method of this research is descriptive-analytical. The first part of the research is with library studies, literature on the subject, and in the next phase with field studies and collection of samples in the city of Tabriz from the early revolution period and contemporary. Finally, based on interviews and questionnaires, data is obtained that determines the impact of lifestyle on body structure. The results show that the transformation of the lifestyle has a direct relationship with the body of the house and the lack of knowledge and studies in this field has caused that the houses are not suitable for the lives of the users in recent years.

Keywords: Lifestyle, housing, physical structure, evolution, socio-cultural factors, historical houses of Tabriz.

¹ PhD Architecture student, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran
Asgari.farnaz.archi@gmail.com

² Associate Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran (corresponding author): Sahar.toofan@iaut.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran lida-balilan@iaut.ac.ir



بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی تاثیر گذار بر دگرگونی کالبدی خانه با توجه به تغییر سبک زندگی در دوران معاصر (نمونه موردی خانه‌های معاصر تبریز)

فرناز عسگری^۱، سحر طوفان^۲، لیدا بلیلان اصل^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳)

چکیده:

معماری را در کل می‌توان لباسی به قامت زندگی در نظر گرفت و طبعاً متناسب با هر کیفیت از زندگی، باید لباسی متناسب با آن قامت پدید آورد. پس با توجه به تحولاتی که در کیفیت زندگی اتفاق می‌افتد، باید انتظار داشت که در کیفیت معماری هم تغییراتی ایجاد شود. دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تاثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی را فراهم می‌کند. این پژوهش به دنبال یافتن عوامل مؤثر بر تغییر سازمان فضایی خانه‌های تبریز از طریق مطالعه سیر تغییر تحول سبک زندگی در دوران معاصر می‌باشد. روش کار این پژوهش شیوه توصیفی-تحلیلی است. که بخش نخست پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و در فاز بعدی با مطالعات میدانی و برداشت نمونه‌های موجود در شهر تبریز از دوره اوایل انقلاب و معاصر می‌باشد، بدست آمده است. در نهایت بر اساس مصاحبه و پرسشنامه، داده‌هایی بدست می‌آید که تاثیر سبک زندگی بر ساختار کالبدی مشخص می‌کند. نتایج حاصله نشانگر این هستند که دگرگونی سبک زندگی ارتباط مستقیمی بر کالبد خانه دارد و عدم شناخت و مطالعات کافی در این زمینه باعث شده است که در دوره‌های اخیر خانه‌ها متناسب با زندگی کاربران نباشد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، مسکن، ساختار کالبدی، سیر تحول، عوامل اجتماعی-فرهنگی، خانه‌های تاریخی تبریز.

Asgari.farnaz.archi@gmail.com

Sahar.toofan@iaut.ac.ir

lida-balilan@iaut.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

^۲ دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول):

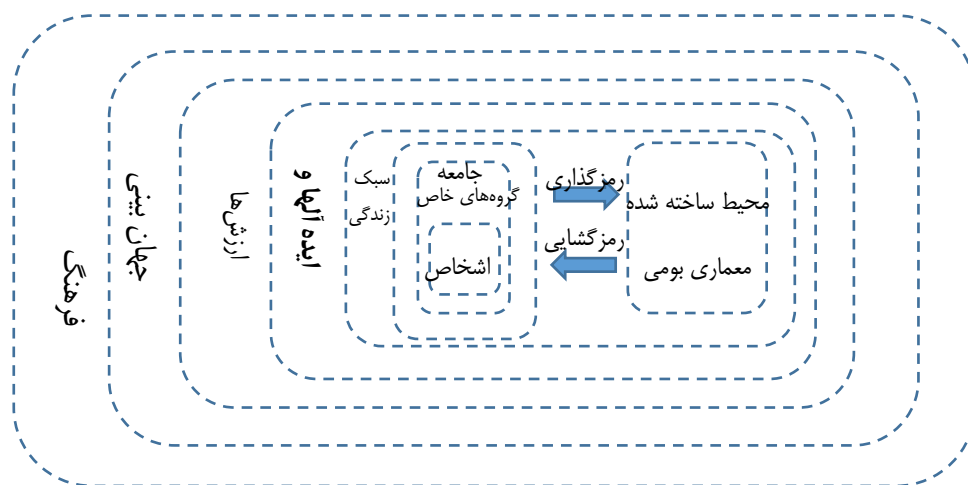
^۳ دانشیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران



مقدمه

به طور کلی شیوه زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره است که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نیازهای جاری او را برآورده سازد (روحانی و دیگران، ۱۳۸۹). پژوهش در سبک زندگی از آنجا که درباره رفتارها و فعالیت‌های واقعی است این امکان را فراهم می‌کند تا تغییراتی را که در طول زمان تحقق یافته‌اند، مطالعه کرده و به این نکته پی ببریم که میان آنچه نظام ارزشی در گذشته یاد می‌شد با آنچه امروزه تحقق مییابد چقدر فاصله وجود دارد (زارع و فلاح، ۱۳۹۱، ص ۱۸). شیوه زندگی اغلب بیان روش زندگی مردم توأم با طیف کاملی از ارزشها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است که میتوان گفت از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد و افراد به طور روزمره آنها را در زندگی خود به کار می‌برند (یزدان فر و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

سبک زندگی خروجی تصمیم‌هایی است از آنکه چگونه منابع را تخصیص دهیم (میشلن و رد، ۱۹۷۰، ۲۲۱). تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما همزمان در خانه و مسکن به هم گره خورده‌اند، چنانکه مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نیست، بلکه الزامات و اقتضات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل نموده است (فاضلی، ۱۳۸۶، ۱۲). خانه برای اکثر افراد بزرگترین و با ارزش‌ترین شی شخصی است که به وسیله آن اشخاص می‌توانند هویت خود را نشان دهد. این مورد برای آن استفاده می‌شود که به دیگران نشان داده شود. طبقه اجتماعی، سبک زندگی و سلايق او چگونه است (دانکن، ۱۹۸۵). جنبه‌های دیگر فرهنگ که به طور مشخص درباره آنها بحث نکردیم (مانند: تحصیلات، نژاد، قومیت، مذهب و...) تنها زمانی به مسکن مرتبط می‌شوند که بر سبک زندگی اثر بگذارند. در غیر این صورت تقریباً بی ارتباط با هدف ما می‌شوند (راپاپورت، ۲۰۱۰). مهمترین نکته برای توجه در حال حاضر، زمینه مشترک از انتخاب‌ها در سبک زندگی و طراحی است. به عنوان مثال، محیط‌ها را به گونه‌ای به وجود بیاوریم که با انتخاب‌ها مقابله یا اینکه به آنها جهت دهند.



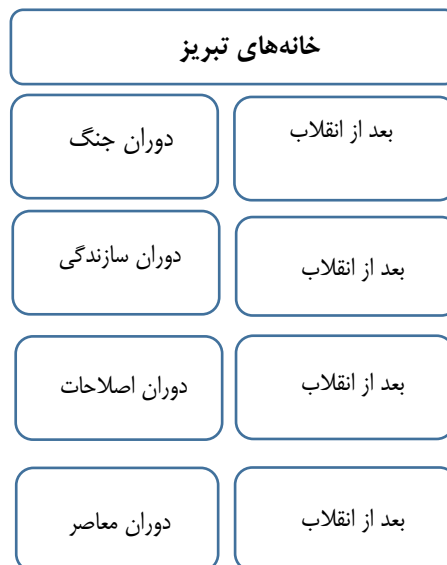
شکل ۱: ارتباط چند لایه میان فرهنگ و محیط ساخته شده، ماخذ نگارنده



در خانه ایرانی تا اواسط قاجار ایده معماری مبتنی بود بر راه حل‌های متنوع و مختلفی که تا آن زمان برای تامین آسایش و آرامش پیدا کرده بودیم. اما از زمانی فکر غربی وارد حوزه فرهنگی ما می‌شود. ابتدا از طریق کارت پستال‌ها، سفرهای محدود اشراف به اروپا و وارد کردن دستاوردهای آن‌ها. تمام این عوامل به شکل نامحسوسی معماری خانه را دچار تغییرات عمده کرد (مهری و سهیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

تا اواخر دوره قاجار همچنان تلاش می‌شد تا سبک زندگی غربی از هاضمه فرهنگی ما عبور کند و این لباس به قد و قواره ما درآید. اما به تدریج، تغییر سبک بدون تلاش برای هضم محصولات وارداتی در حال انجام است. ابتدا طبعاً خانه اشراف و متمولین و کسانی که ارتباط بیشتری با دنیای غرب دارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آغاز قرن اخیر و مخصوصاً در دوره پهلوی دوم این تغییر در سبک زندگی عمومیت پیدا می‌کند و در خانواده‌های متوسط و زیر متوسط هم شاهد حضور عناصر سبک غربی زندگی به مثابه الگوی آسایش در خانه هستیم. تا به دهه چهل و پس از آن می‌رسیم. طی این سیر، آرامش رفته رفته از خانه‌های ما رخت برمی‌بندد.

هدف پژوهش مورد نظر بازگشت به گذشته و یا تکرار آن نیست، سوابق تحقیق در زمینه موضوع مورد نظر، نشان دهنده اهمیت موضوع و گستردگی مطالعات انجام شده در این حوزه می‌باشد، اما بیشتر دغدغه پژوهش‌های مذکور، خوانش و بازخوانی مؤلفه‌ها و شاخص‌های معماری خانه‌های تاریخی ایرانی به خصوص تبریز می‌باشد که عمدتاً در سطح بازخوانی محدود شده‌اند. دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تأثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی را فراهم می‌کند. این پژوهش به دنبال یافتن سیر تغییر سازمان فضایی خانه‌های تبریز از طریق مطالعه سیر تغییر تحول سبک زندگی در دوران بعد از انقلاب اسلامی یعنی از سال ۵۸ به این طرف می‌باشد.



نمودار ۲- خانه‌های تبریز، در دوره‌های تاریخی، ماخذ نگارنده



سوال پژوهش

تغییرات شیوه زندگی در گذر زمان، چه تاثیری بر الگوی مسکن در دوران معاصر در شهر تبریز داشته است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برای پاسخگویی به سوال، پژوهش حاضر در سه بخش تدوین شده است: بخش اول شامل مرور ادبیات موضوع می‌باشد که به بررسی تحقیقات انجام شده در این زمینه و در پایان آن نگارش چارچوب نظری پژوهش است. بخش دوم در برگزیده داده‌های جمع آوری شده از مطالعات میدانی پیرامون خانه‌های شهر تبریز است. در بخش آخر و به منظور جمع بندی و نتیجه گیری، الگوهای کالبدی و شیوه زندگی تمامی دوره‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد و نتایج ارائه می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش. (مآخذ: نگارنده)

عنوان	سال و محل نشر	نتیجه	مؤلفه‌های قابل بازخوانی
بررسی تاثیر سبک زندگی در طراحی مسکن معاصر شیراز (امیان پریسا، پروا محمد، کشمیری‌هادی، ۱۴۰۰)	فصلنامه علمی پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، سال ۱۴۰۰	بین سبک زندگی مردم در دوران معاصر و طراحی معماری مسکن ارتباط وجود دارد. ضریب تعیین تاثیر نیز مشخص کرد که به ترتیب ویژگی‌های کالبدی، ویژگی‌های عملکردی، و ویژگی‌های مفهومی در طراحی مسکن توسط مؤلفه‌های سبک زندگی تعیین میشوند.	ویژگی‌های عملکردی، کالبدی و مفهومی در طراحی مسکن
بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران، مورد پژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار (محیا حق شناس، پیروز حناچی ۱۳۹۹)	دو فصلنامه معماری ایرانی، ۱۳۹۹	مجموعه‌های از تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی از ابتدای قرن سیزدهم در ایران آغاز شد و اگرچه اغلب سرمنشائی خارج از فرهنگ داخلی داشته، پذیرش تدریجی و یا بعضا تحمیل آنها در سبک زندگی مردم، زمینه بروز و ظهور تغییرات کالبدی مسکن در یکصد سال اخیر را به وجود آورد.	مداخلات دولت در نوسازی شهری و ساخت مسکن انبوه، به پشتوانه درآمد نفتی
الزامات کارکردی طراحی مسکن متناسب با تغییر سبک زندگی در دوران بیماری‌های دنیاگیر (مورد پژوهی: دوران همه گیری کوئید ۱۹ در تهران) - احمدرضا کشتکار قلاتی، زهرا السادات	معماری و شهرسازی پایدار، ۱۴۰۰	تغییرات مبتنی بر نیازها و سبک زندگی، معمولا در تغییر کاربری و جا به جایی فضاها و بیشتر در فضای اصلی زندگی رخ میدهد. این نیازهای جدید و تغییر سبک زندگی به دلیل تغییر مکان رفتارهای پیشین شامل تفریح، ورزش، کار، خرید و ... به داخل خانه است. همچنین عمده خواسته مردم افزایش انعطاف پذیری فضاها به جای افزایش تعداد فضاهاست	تدوین الزامات کارکردی طراحی مسکن متناسب با تغییر سبک زندگی در دوران بیماری‌های دنیاگیر



			اردستانی و الهام پرویزی)
بررسی خانه‌های دوره‌های مختلف و انطباق کالبدی	نتایج نشان می‌دهد که دگرگونی سبک زندگی ارتباط مستقیم و قابل مشاهده‌ای بر کالبد خانه دارد و عدم شناخت و مطالعات کافی در این زمینه باعث شده است که در دوره‌های متاخر خانه‌ها متناسب با زندگی کاربران نباشد.	نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک، ۱۳۹۹	تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه (مطالعه موردی: شهرستان کرمان) - (فهیم فاریابی، سید عباس یزدانفر ۱۳۹۹)
تزیینات ورودی از قبیل ستون، نیم ستون، طاقنا، حجم، سنتوری، روزن و پنجره - سلسله مراتب ورودی	تحولات رخ داده در دوره قاجار، در فضاهای ورودی نمود بیشتری پیدا کرده و می‌توان گفت خانه‌های تهران دوره قاجار، سبک‌های گوناگونی در فضا سازی ورودی داشته که هر یک، جلوه‌هایی از سنت، تجدد یا تلفیقی از آنها را به نمایش گذاشته است.	۱۳۸۹ هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی	جلوه‌های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه‌های تهران دوره قاجار (جماعت و نیستانی ۱۳۸۹)
حیاط - طبیعت	حیاط و به تعبیری طبیعت همواره جایگاه مهمی در طراحی‌ها داشته، طوری که انتظام سازمان فضایی خانه‌های تاریخی از فضای باز و حیاط با مرکزیت عناصر طبیعت آغاز گردیده است.	۱۳۸۹ کتاب ماه هنر	بررسی نقش حیاط در سازماندهی خانه‌های تاریخی: مطالعه موردی خانه‌های دوره قاجار تبریز (بیتی ۱۳۸۹)
استفاده از زیرزمین به طور محدود (غالباً در زیر جبهه شمالی) - ترکیب فضای باز، نیمه باز و بسته - ایوان	نقطه اوج معماری قاجاریه که انعکاس دهنده ویژگی‌های آن است در معماری خانه‌ها تجلی می‌یابد که بسیاری از محققین آن را نقطه اوج معماری خانه‌های ایرانی در پرداختن به فضا می‌دانند.	۱۳۸۹ هویت شهر	گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان (قاسمی سیجانی و معماریان ۱۳۸۹)
بازخوانی هویت	عناصر هویت ساز در معماری: تکرار الگوهای گذشته، استفاده از نمادها، معماری بومی، تزیینات و پنج اصل معماری ایرانی (مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی)	۱۳۸۹ مطالعات هنر اسلامی	عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (بمانیان، غلامی رستم و رحمت پناه ۱۳۸۹)
تأثیر فرهنگ، سبک و ساختار زندگی در معماری خانه	معماری خانه‌های دوره قاجار در یک انطباق و هماهنگی کامل با فرهنگ و ساختار اجتماعی خانواده بودند	۱۳۹۲ پژوهش‌های انسان شناسی ایران	معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار (ارمغان، سلطان زاده و ایرانی بهبهانی ۱۳۹۲)
شفافیت و کاستن از توده حجم و افزودن به فضا	کاستن از توده حجم و افزودن به فضا، افزایش و وسعت زاویه دید در بعد افق، افزایش ارتباط فضایی از نوع بصری در بعد عمود، ارتباط بصری بین محیط و درون، حضور طبیعت در داخل بنا، حضور و عملکرد عناصری چون حیاط و حوض و ارسی و ایوان و پله، دعوت کنندگی و شفافیت پلان و	۱۳۹۳ پژوهش هنر	شفافیت در معماری خانه‌های قاجاری تبریز (حیدریان، و غیره ۱۳۹۳)



10.30495/JSCC.2024.20015



	شفافیت بصری		
تناسب و اندازه	با نگاه به شرایط واقعی و الگوی پلان خانه‌های شیراز، مشخص گردید که طراحان و سازندگان این بناها سعی نموده‌اند فضاهای مهم خانه را به مقدار حسابی ((گز)) و ((پیمون)) نزدیک کنند.	۱۳۹۵ پژوهش‌های معماری اسلامی	آزمون دو نظریه پیمون و مستطیل طلایی ایرانی در خانه‌های دوره قاجار شیراز (ذاکری، و غیره ۱۳۹۵)



10.30495/JSCC.2024.20015



Life style, construction, modern constructions	This paper offers a brief enumeration and discussion of the strikingly different environments that are generated as consequences of the diverse architectural practices, techniques and methods carried out by Established (or Cement or Modern) Construction and Earthen Construction	Journal of the HEIA (Home Economics Institute of Australia), 2021	ifestyle in Modern Construction & Earthen Construction environments (Mark Anthony, Emiliano Martinez)
Living environment, human being, humanizing	offer evidence that some activists have moved to a new, more inclusive method that is considered a starting point for challenging the orientation and purpose of architecture towards an end goal of 'humanizing humans'.	2021, The 8th Biannual International Conference At: bandung	Architecture for Living: Do We Design Architecture for Humans? (Rr. Diah Asih Purwaningrum)
Life, architecture, nature, living systems	The investigation is focused on the analogies between nature and architecture. Apart from other principles that are found in living nature, an interpretation of the so-called 'signs of life', which characterize living systems, in architecture is presented	Bio inspiration & Bio mimetics, 2018	The signs of life in architecture, Petra Gruber, 2018
Life style, marketing, architecture	This study also unveil evidence that by adding more facilities in the marketplace, consumers will become more attracted to visit marketplace. A proposed research framework is configured for future research.	seminar national life style and architecture, 2017	Lifestyle and Architecture: A Consumer Perception Study on Well Designed Marketplace in Indonesia, R. Aswin Rahadi1, Alia Widyarini Hapsariniaty, 2017
Housing, culture, environment	The article presents a framework for examining culture in housing environments. Various relationships are examined and discussed.	Housing and Society, 1998	Using 'culture' in housing design, Rapaport, A. 1998.(
Older people, residential design, freedom	<ul style="list-style-type: none"> • Architecture can contribute to the emancipation process in care for older people. • Residents and caregivers balance freedom with support and safety. • Freedom is enhanced spatially by small-scaleness, generosity and accessibility. • Matching care vision with architecture helps realizing them. • Design facilities as private or collective living to address social dynamics. 	Journal of Aging Studies Volume 41, April 2021, Pages 84-92	How architectural design affords experiences of freedom in residential care for older people



Postmodern life style, architecture, urban environment	The difference of the world-view, paradigm, culture and the lifestyle is one of several factors that has impact on Architecture and Urban environment	Seminar national life style and architecture, 2021 fashion and architecture	The Postmodern lifestyle and the impact to Architecture and Urban environment in Indonesia
Traditional architecture, socio cultural factors, transformation, modern houses	The domestic architecture is the prime reflector of the culture of the people of that region. Many developing countries had witnessed a drastic change in architecture towards the middle of 20th century. With the new development, the existing traditional design approaches were replaced rather than adapting.	International Journal of Research (IJR) Vol-1, Issue-5, Page 526 June 2020	The Impact of Socio-Cultural Factors on the Transformation of the Residential Architecture of Kerala

روش شناسی تحقیق

روش کار این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی از نوع هم بستگی با هدف کشف روابط بین متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فردی، تکنولوژی و فرهنگی، مذهبی سبک زندگی با ویژگی‌های عملکردی، کالبدی و مفهومی در طراحی مسکن است. در مرحله اول با مطالعات کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و در مرحله دوم با مطالعات میدانی برداشت نمونه‌های موجود در شهر تبریز که شامل خانه‌هایی در دوره بعد از انقلاب و یا معاصر یا افول، می‌باشد بدست آمده است. سپس خانه‌های هر دوره بر اساس مصاحبه و پرسشنامه‌هایی که از طریق ساکنین آنها جمع آوری شده است، انطباق کالبدی پیدا کرده‌اند، تا تاثیر سبک زندگی بر ساختار کالبدی مشخص شود. در آخر و به منظور نتیجه گیری از طریق تحلیل نمونه‌های کالبدی مبتنی بر سبک زندگی، سیر تغییرات تاریخی آنها معلوم میشود.

و مدل کمی تحقیق، که در این راستا برای انتخاب حجم نمونه با توجه به وسعت جامعه مورد مطالعه در گام نخست برای مشخص نمودن جامعه نمونه از تحلیل عاملی استفاده شد، نتایج آزمون تحلیل عاملی مشخص نمود که انتخاب خانه‌های تاریخی حاصل تعامل چهار مؤلفه شامل فرهنگ (مذهب)، تاریخ (توسعه شهر در گذر زمان)، منطقه بندی اقتصادی و ساختار کالبدی بافت شهر میباشد. که از بین بیش از ۵۰ خانه تاریخی، ۱۰ خانه به شیوه نمونه گیری خوشه‌ای به عنوان خانه‌های نمونه در هر دوره انتخاب شدند. و از بین این ۱۰ خانه، یک خانه به صورت کالبدی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری شامل تمامی افراد ساکن شهر تبریز با شناختی هر چند جزئی از معماری و تاریخ تبریز می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران (جدول مورگان) تعداد ۱۰۰ نفر انتخاب گردید و به همین تعداد ۸۰ پرسشنامه تکمیل گردید.



مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

• نگاهی به مفهوم خانه:

در دیدگاه نوربرگ - شولتز: "سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض است. این پیوند از تلاش برای هویت یافتن، یعنی به مسکن احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. به این ترتیب، انسان زمانی بر خود آگاه می‌شود که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود را در جهان تثبیت کرده باشد. گاستون باشلار نیز معتقد است: "آدمی پیش از افکنده شدن به جهان، در گهواره خانه نهاده شده است." (شولتز، ۱۳۸۱، ۴۵). به همین جهت، او معتقد است که انسان‌ها مدیون خانه‌هایشان هستند چرا که آن‌ها بسیاری از خاطرات را در خود جای می‌دهند، اگر که استادانه بنا شده و ماوایی برای سکونت داشته باشند. خانه از نظر او یکی از بزرگترین قدرت‌های ترکیب‌کننده‌اندیشه، خاطره و رویای آدمی است (باشلار، ۱۹۵۸، ۴۷).

سبک زندگی:

شیوه زندگی نزدیکترین اصطلاح به سبک زندگی است. شیوه زندگی، که در متون قدیمی‌تر دیده می‌شود، مفهومی کلی‌تر از سبک زندگی است و عموماً به معنی چارچوب کلان زندگی است. روانشناسان و جامعه‌شناسان از پیشگامان نظریه پرداز در موضوع سبک زندگی اند؛ درحالی که آدلر بر تیپ شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی در تعریف سبک زندگی تأکید دارد، وبلن در نظریه طبقه مرفه از سبک‌های فراغت، مد و مصرف تظاهری، سبک‌های مدرن زینتی و شاکله نمایشی زندگی و عادات زندگی صحبت می‌کند. وبر به تفاوت‌های مشهود زندگی گروه‌های منزلتی از جمله تفاوت در سبک آرایش موها، پوشاک، عادات تغذیه، تقسیم کار بین زن و مرد و قیافه تظاهری اشاره می‌کند و از اصطلاحاتی همچون سبک زندگی معمول، الگوهای مصرف مادی، سبک سکونت، سبک زندگی اقتصادی، سبک زندگی هنری، سبک زندگی اجتماعی و سبک زندگی نجیب زادگی صحبت می‌کند. وبر به صورت تلویحی سبک زندگی را اصول مصرف کالاها در بین گروه‌های منزلتی تعریف می‌کند؛ بامسامحه می‌توان گفت، درحالی‌که طبقات بر مبنای رابطه شان با تولید و دسترسی به کالاها قشربندی می‌شوند، گروه‌های منزلتی بر مبنای اصول مصرف کالاها، که در سبک‌های ویژه زندگی آنها منعکس می‌شود، قشربندی می‌شوند. (فارابی، ۱۳۹۹)

برای بررسی خانه‌های تبریز ابتدا نیاز است که یک فرد تبریزی را به خوبی بشناسیم. این که او چگونه فردی است؟ در چه مکانی با چه ویژگی‌هایی بزرگ شده؟ نیازهایش کدامند؟ رفتارهای روزمره زندگی او چیست؟ ارزش‌ها، باورها و اندیشه‌های او چگونه هستند؟ آداب و رسوم و سنت‌های او چیست؟ به عبارت دیگر او کجا زندگی می‌کند و صاحب چه فرهنگ مادی و معنوی است و شیوه زندگی متناسب با آن در رابطه با او چگونه است؟ ثانیاً خانه‌هایی که از گذشته تاکنون در آنها زندگی می‌کرده است بررسی شود و فضاها، عملکردها و شیوه سکونت در آنها شناسایی شود.

فرهنگ و مسکن:

محققان مسکن را چیزی بیش از نیاز انسان به سرپناه می‌دانند و معتقدند که از جمله مؤلفه‌های اصلی تاثیرگذار بر شکل و فرم آن فرهنگ است. اما از آنجایی که فرهنگ مفهومی پیچیده و بسیار عام می‌باشد، نیاز است که به مؤلفه‌هایی قابل سنجش و اندازه‌گیری مانند شیوه زندگی بسط پیدا کند. نادیده انگاشتن مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسانه در سالهای اخیر باعث کاهش رضایتمندی و از بین رفتن هویت فرهنگی مسکن شده است. و دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که



میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تاثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم می‌کند. (ایازی، ۱۳۹۹)

نقش خانه به عنوان مهمترین مکان زندگی بشر به منظور فراهم ساختن محیطی سازگار با روش زندگی انسان، بر کسی پوشیده نیست. با این حال در عصر جدید و شیوع سبک ساخت و ساز بی هویت فعلی، کلیه ساخت و سازها در تمامی نقاط کشور به سمت یکسان شدن پیشرفته و به علت نادیده انگاشتن کاربران و یا عدم شناخت کافی نسبت به نیازهای آنان، منجر به بروز مشکلاتی چون کاهش رضایتمندی، از بین رفتن هویت فرهنگی و مکانی، دگرگونی در رفتارهای اجتماعی ساکنین شده است. در حالی که توجه به معماری برخاسته از شیوه زندگی، باورهای جامعه بومی و بستر شهر که طی زمان تحت تاثیر عوامل مکانی و فرهنگی، شکل و محتوای خاصی یافته است، میتواند سبب افزایش رضایتمندی، تعلق به فضا و به طور کلی برآوردن نیازهای واقعی ساکنین شود. (فردانش و دیگران، ۱۳۹۳)

میزان تاثیر سبک زندگی بر طراحی مسکن موضوعی است که از دید پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی و طراحان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یافتن تاثیرات تغییرات سبک زندگی بر طراحی میتواند گامی مثبت در ارائه الگویی مناسب برای مسکن معاصر باشد.

آنچه درباره سکونت انسان اهمیت دارد، این است که سکونت انسان در مراتب و یا مقیاس‌های مختلفی روی می‌دهد. محیط کالبدی و اجتماعی مسکن که زندگی انسان را در بر میگیرد، از نظر کالبدی و اجتماعی در ترکیب با محیطی کلانتر قرار دارد، که بر محیط کالبدی و اجتماعی مسکن تاثیر میگذارد. این تاثیرات حاصل فرایند ادراکی انسان از محیط خارجی پیرامون [متشکل از محیط اجتماعی و فیزیکی] است. ادراک انسان از پیام‌ها و معانی محیط کالبدی و اجتماعی کلان و خرد یا به تعبیری، محیط ادراک شده در ذهن انسان تحت فرایندهای شناختی به بروز واکنش‌ها و رفتارهای مشخص می‌انجامد (افشاری، ۱۳۹۹)

به عنوان نتیجه گیری کسی نمی‌تواند فرهنگ را مورد آزمایش قرار دهد، مگر خروجی‌های آن یا احتمالاً اجزا تشکیل دهنده آن را مطالعه کند.

یافته‌های تحقیق:

در این بخش ابتدا به شناخت مختصری از شهر تبریز به لحاظ جغرافیایی و تاریخی پرداخته شده است. سپس دسته بندی تاریخی خانه‌ها و روش انجام آن مورد تدقیق واقع شده است. پس از آن پلان خانه‌های هر دوره در جداولی ارائه و تطبیق کارکردها به عنوان شیوه زندگی روزانه با خانه منتخب هر دوره (به عنوان گونه غالب آن دوره) صورت گرفته است.

از آنجایی که تنها منبع برای تعیین سال ساخت حدودی خانه‌ها در دوره‌های قاجار و پهلوی اول اسناد و اطلاعات سازمان میراث فرهنگی و مصاحبه با افراد ساکن در خانه‌ها در صورت وجود و داشتن اطلاعات (بوده است) در دیگر دوره‌ها تنها منبع، اطلاعات میدانی بوده است، در ابتدا برای تدوین دوره‌های تاریخی به آنها استناد شده است. در مراحل بعدی از طریق بازدیدهای میدانی، شامل عکسبرداری و نقشه برداری از خانه‌ها و بررسی و تطابق گونه‌ها، عناصر فضایی، انتظام‌های فضایی، مصالح و سازه و تزئینات و... به دسته بندی دقیق تر تاریخی آنها و شناخت عملکرد فضاها پرداخته شده است.



خانه‌های معاصر و شیوه زندگی در آنها

خانه‌های این دوره به دو بخش اوایل انقلاب و دوره دوم خانه‌های کاملاً معاصر تقسیم بندی می‌شوند. خانه‌های دوره اول به دو دسته دوران جنگ یعنی سال‌های ۵۸-۶۸ و دوران سازندگی یعنی سال‌های ۶۸-۷۶ می‌باشد که با قدمتی حدود ۳۰ سال ساخت انتخاب شده‌اند و به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ هجری شمسی برمی‌گردند. سازماندهی فضایی و الگوهای ساخت خانه‌های این دوره تا حد زیادی به دوره قبل از خود (پهلوی دوم) شباهت دارند. از فضاهای بارز خانه‌های این دوره می‌توان به‌هال، گلخانه (پاسیو) و حیاط خلوت اشاره کرد. در دسته دوم از این دوره که خانه‌های معاصر هستند، تنوع زیادی در الگو و شیوه‌های ساخت آنها مشاهده می‌گردد. که در دو دسته بندی دوران اصلاحات یعنی سال‌های ۷۶-۸۴ و دوران معاصر یعنی ۸۵-۱۴۰۰ قابل تقسیم بندی هستند.

معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (دوران جنگ سالهای ۵۸-۶۸)

جدول ۱: معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (دوران جنگ، سالهای ۵۸-۶۸) (ماخذ: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا	نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا
۱	ابراهیم زاده	صدر	۶	علمداری	صدر
۲	تاریوردی	اهراب	۷	افخم	صائب
۳	گلیادیان	لاله زار	۸	سهراب نو	پاستور
۴	زارع	صدر	۹	قائم مقامی	ششگلان
۵	قهرمانی	گلزار	۱۰	لطفی وند	ششگلان



• تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه علمداری)

جدول ۲: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها در دوره اوایل انقلاب (دوران جنگ، سالهای ۵۸-۶۸) (ماخذ: نگارندگان)

کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا
محل تهیه غذا و شست و شوی ظروف	آشپزخانه و انبار	خوابیدن، غذاخوردن، جمع شدن اعضا آشنایان نزدیک	اتاق دم دستی (نشیمن)
فضاهای دسترسی	راهرو و دهلیز	خوابیدن و نماز خواندن، برگزاری مراسم	اتاق
فضای شست و شو و رفع حاجت	مستراح و حمام	پذیرایی از مهمان	هال یا پذیرایی
فضای سبز خانه، پهن کردن لباس، خشک کردن مواد خوراکی و محل استراحت در تابستان	حیاط اصلی و خلوت	محل قرار دادن وسایل اضافی	انباری



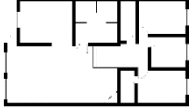
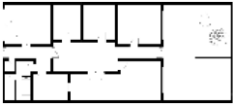
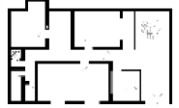

تعداد طبقات خانه‌های این دوره به نسبت دوره‌های پیش بیشتر، مصالح استفاده شده متنوع تر و سازمان فضایی غالبی بر آنها مشاهده نمی‌گردد.

• معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (دوران سازندگی سالهای ۶۸-۷۶)

جدول ۳: معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (دوران سازندگی، سالهای ۶۸-۷۶) (ماخذ: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا	نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا
۱ صابری	صدر		۶ افتخاری	صدر	
۲ روحی	اهراب		۷ نیا پاک	صائب	



	پاستور	جابری	۸		لاله زار	خاضری	۳
	ششگلان	هاشم زاده	۹		صدر	الفت نیا	۴
	ششگلان	دبیح کار	۱۰		گلزار	صادق پور	۵

• تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه صابری)

جدول ۴: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها در دوره اوایل انقلاب (دوران سازندگی، سالهای ۶۸-۷۶) (ماخذ: نگارندگان)

			
کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا
محل تهیه غذا و شست و شوی ظروف	آشپزخانه و انبار	غدا خوردن، نماز خواندن، خوابیدن	اتاق (نشیمن)
فضاهای دسترسی	راهرو	خوابیدن و نماز خواندن	اتاق
فضای شست و شو و رفع حاجت	دستشویی و حمام	دور همی خانواده، غذا خوردن، نماز خواندن، خوابیدن	هال یا پذیرایی
فضای سبز خانه، پارک ماشین و محل استراحت در تابستان	حیاط	محل قرار دادن وسایل اضافی و پارک خودرو	انباری و گاراژ



معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (دوران اصلاحات سال‌های ۷۶-۸۴)

جدول ۵: معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (دوران اصلاحات و معاصر، سال‌های ۷۶-۱۴۰۰) (ماخذ: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا	نام خانه	نام محله	شکل کلی بنا
۱ سید عظیمی زعفرانیه	ذوالفقاری ولیعصر		۶ ذوالفقاری ولیعصر	ذوالفقاری ولیعصر	
۲ قابل نژاد گلپاد	ابوریحان		۷ ظهیری ابوریحان	ابوریحان	
۳ صاحبی منظریه	قطران		۸ نوتاش قطران	قطران	
۴ قانع پور میرداماد	صایب		۹ رنجبر صایب	صایب	
۵ تاج بخش پرواز	ولیعصر		۱۰ قربانی ولیعصر	ولیعصر	

تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه ظهیری)

جدول ۶: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها در دوره اوایل انقلاب (دوران اصلاحات، سال‌های ۷۶-۱۴۰۰) (ماخذ: نگارندگان)

کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا



دسترسی به طبقات بالایی	راه پله	خواهیدن، نماز خواندن، انجام فعالیت کاری و شخصی	اتاق
فضاهای دسترسی	راهرو و دهلیز	پذیرایی از مهمان، دور همی خانواده، خواب در برخی مواقع، صرف غذا	پذیرایی
فضای شست و شو و رفع حاجت	دستشویی و حمام	فضای تقسیم و قراردادن مبلمانی مانند کمد	هال
فضای سبز خانه، پهن کردن رختها، قراردادن گل و گیاه	حیاط اصلی و تراس	محل تهیه غذا، صرف صبحانه دور هم جمع شدن خانمها	آشپزخانه

• سیر تغییر کالبدی الگوی پلان

الگوی پلان در دوره بعد از انقلاب یعنی دوران جنگ که امتداد دوران پهلوی دوم می‌باشد، مبتنی بر حیاط است و جهت گیری و دسترسی سایر فضاها از این فضا است الگویی شبیه به صورت سیستم حیاط مرکزی خانه‌های قاجار ولی قرارگیری حیاط در بخش جنوبی یا شمالی. در دوره سازندگی اگرچه باز هم الگوی حیاط قابل مشاهده می‌باشد، اما الگوی غالب خانه‌ها مبتنی بر فضای هال است که هم وظیفه ایجاد دسترسی به سایر فضاها و هم کارکرد دیگری مانند جایی برای نشستن، استراحت کردن، غذا خوردن و مانند اینها دارد. در دوران اصلاحات و معاصر خانه‌ها دارای محوریت خاصی مانند دوره‌های ماقبل نمی‌باشند ولی ارتباطات عمودی مانند راه پله‌ها مهمترین مرکز تقسیم پلان می‌باشند. و در فضای داخلی خانه‌ها، سلسله مراتب فضای از بین رفته و ذون عمومی و خصوصی که ممکن است در ۲ اشکوب یا دو محدوده ایجاد شده باشند، ایجاد کننده این موضوع می‌باشند.

جدول ۷: سیر تغییر کالبدی الگو و گونه‌های پلان (ماخذ: نگارندگان)

دوران جنگ	دوران سازندگی	دوران اصلاحات و معاصر
مرکزگرا با محوریت حیاط	مرکزگرا با محوریت هال	مرکزگرا با محوریت راه پله در کل ساختمان و هال در فضای داخل

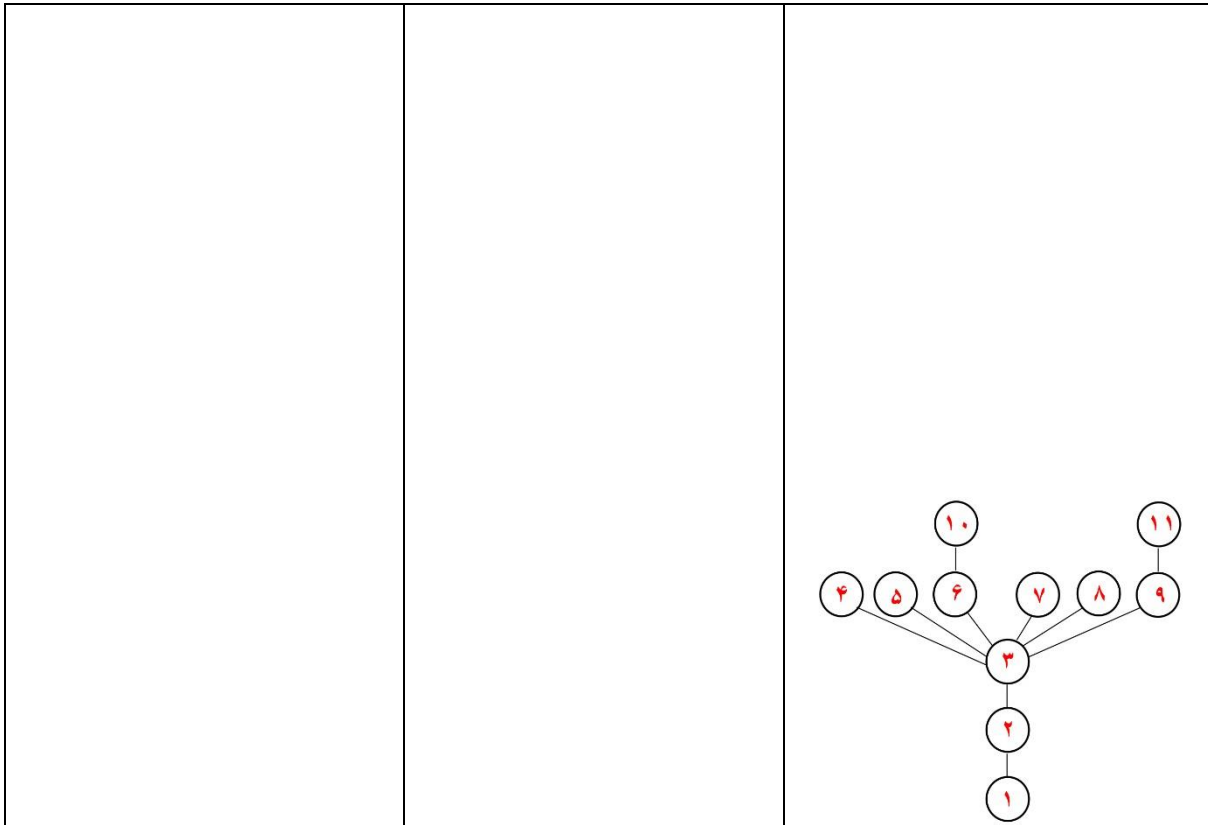
• تطور سلسله مراتب فضایی خانه‌ها



در همه دوره‌ها شروع دسترسی به خانه از فضای کاملاً عمومی (کوچه/خیابان) تا فضای کاملاً خصوصی (اتاق) در نظر گرفته شده است. همانگونه که از دیاگرام‌های زیر معلوم است، از اواخر دوره پهلوی دوم و دوران بعد از انقلاب سیر تنوع فضایی به مرور کمتر شده و امکان دسترسی بی واسطه تر از فضای عمومی به خصوصی ایجاد گشته است. در جدول زیر ابتدا دیاگرام‌های این سلسله مراتب فضایی ترسیم گشته است و سپس این سیر دسترسی فضایی بر روی پلان خانه منتخب هر دوره نشان داده شده است.

جدول ۸: تطور سلسله مراتب فضایی خانه‌ها (ماخذ: نگارندگان)

دوران اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ



• مقایسه فعالیتهای برآورنده نیازهای جسمی و ذهنی و کالبدی وابسته به آن در دوره‌های تاریخی

جدول ۹: فعالیتهای جسمی و ذهنی (ماخذ: نگارندگان)

فعالیت‌های برآورنده نیازهای ذهنی	فعالیت‌های برآورنده نیازهای جسمی
دوره‌می، بازی کردن، ارتباط با همسایگان، پذیرایی از مهمان، وضو گرفتن و نماز خواندن	خوابیدن، خوردن، تهیه غذا، تهیه نان، شست و شوی دست و صورت، انبار مواد غذایی، انبار وسایل، دستشویی و حمام رفتن، شستن ظروف، شستن لباس

• اهمیت فضا

در انتها به منظور جمع بندی و مقایسه اهمیت فضا از نظر شیوه زندگی و کارکرد، فضای کالبدی و ذهنیت ساکنین در دوره‌های مختلف ضمن جدول ذیل ارائه شده است. در یک بیان کلی می‌توان گفت که در دوره جنگ حیا، در دوره سازندگی ایوان و در دوره اصلاحات معاصر فضای‌ها با اهمیت ترین فضاهای خانه است. شاید بتوان گفت سیر تغییر اهمیت فضا از فضای باز و چند عملکردی حیا به فضای نیمه باز و چند عملکردی ایوان و در نهایت فضای بسته و چند عملکردی‌ها می‌باشد.



جدول ۱۰: اهمیت فضا در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

ساکنین	کالبدی	شیوه زندگی و کارکرد	اهمیت فضا دوره تاریخی
حیات	حیات	اتاق، حیاط، آشپزخانه	دوران جنگ
ایوان	اتاق، ایوان، حیاط	اتاق، حیاط، آشپزخانه	دوران سازندگی
حال	حال	حال، پذیرایی، اتاق	دوران اصلاحات و معاصر

تاثیر متقابل تغییرات الگوهای کالبدی خانه و شیوه زندگی در دوره‌های تاریخی هدف اصلی این پژوهش است. در این راستا تغییرات صورت گرفته در کالبد و شیوه زندگی به صورت عینی در شهر تبریز بررسی و در نهایت این شیوه سکونت در ساختار کالبدی مسکن در ابعاد معیشتی، فرهنگی، اجتماعی و زیستی به شرح زیر تجلی یافته است.

• بعد معیشتی

ارتباط نسبتاً مستقیمی میان فضای کار و تجارت و کالبد خانه‌های شهر تبریز در دوره تاریخی قبل از انقلاب مشاهده می‌شود. فعالیت‌هایی مانند قالیبافی، صنایع دستی و... در فضای اتاق صورت می‌گرفته است و کارهایی مانند کشاورزی و دامپروری گرچه بیرون از محیط کالبدی خانه انجام می‌شده‌اند، اما فضاهایی به منظور نگهداری محصولات کشاورزی و دامی در خانه‌ها در نظر گرفته شده است. در دوره بعد از انقلاب این ارتباط خانه با کار با نزدیک شدن به دوران حال، کمرنگ تر شده به طوری که غالباً فضایی برای انجام فعالیت معیشتی در نظر گرفته نمی‌شود.

تولید برخی از مواد غذایی در طول سال در خانه‌های همه دوره‌ها صورت می‌گرفته است. تفاوتی که میان آنها وجود دارد مربوط به حجم و تنوع تولید و تنوع فضاهایی است که این مواد در آن فضاها تولید می‌شده‌اند. در خانه اوایل انقلاب دامنه فضاهایی که مواد غذایی در آنها تولید می‌شده است، از حیاط، زیرزمین تا آشپزخانه بوده که بسته به نوع مواد غذایی و مصرف روزانه یا سالانه آن، استفاده از این فضاها متفاوت است.



جدول ۱۱: بررسی کالبدی بعد معیشتی در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

معیشتی			بعد
تولید برخی مواد غذایی			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
آشپزخانه	حیاط / آشپزخانه	حیاط / مطبخ	

• بعد فرهنگی

برگزاری مراسم مذهبی و قومی مانند مراسم عزاداری، عروسی، ختم، آئینی به دلیل ارتباطات قویتر خانوادگی و قومی دارای وجه غالب تری در خانه‌های دوره پیش از انقلاب و حتی خانه‌های دوره اوایل انقلاب بوده است. در خانه‌های متاخر و معاصر این بعد کم‌رنگ تر شده و فضاهای حیاط و مهمانخانه که در دوره‌های پیشین عهده دار وجه کالبدی این رویدادها بودند، نقش خود را در خانه‌های معاصر از دست داده‌اند.

جدول ۱۲: بررسی کالبدی بعد فرهنگی در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

فرهنگی			بعد
برگزاری مراسم قومی و مذهبی			کارکرد
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه



			فضا
خارج از فضای خانه در مساجد و تالارها	حیاط / فضای مهمان	حیاط / مهمانخانه	

• بعد اجتماعی

ارتباط با همسایگان به دلیل تغییر شیوه زندگی در خانه‌های متاخر دارای وجه کالبدی کمرنگ تری است. به طوری که در خانه‌های اوایل انقلاب شاهد آن هستیم که این ارتباط روی کالبد هر خانه به تنهایی و بافت همسایگی که شامل چند خانه که همسایه بوده‌اند و ارتباط قویتری نسبت به خانه‌های موجود در همان بافت داشته‌اند، تاثیرگذار بوده است. به طور مثال در خانه‌های سنتی هر چندخانه به دلیل همجواری با هم و بافت ارگانیک و در هم تنیده‌ای که با هم داشته‌اند، ارتباط با همسایگان هم در بیرون خانه و هم درون خانه و در فضای ورودی، حیاط، مهمانخانه، اتفاق می‌افتاده است.

جدول ۱۳: بررسی کالبدی بعد اجتماعی (ارتباط با همسایگان) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

بعد	اجتماعی		
کارکرد	ارتباط با همسایگان		
دوره	دوران جنگ	دوران سازندگی	دوره اصلاحات و معاصر
خانه	خانه علمداری	خانه صابری	خانه ظهیری



			فضا
	حیاط / فضای مهمان	حیاط / مهمانخانه	

پذیرایی از مهمان به دلیل نوع ارتباطات فرهنگی مردم کشور ما در همه دوره‌های تاریخی وجه خود را در خانه‌ها حفظ کرده است، اما فضای کالبدی که در زمان گذشته مهمانخانه و در زمان حال پذیرایی نام گرفته است به لحاظ کالبدی از نظر ابعاد، تزئینات، محل قرارگیری در خانه و کارکرد دچار دگرگونی شده است. در زمان گذشته فضای مهمانخانه دارای عملکردهای متنوعی از قبیل پذیرایی از مهمان، خواب، صرف غذا، دورهمی‌های خانوادگی و فامیلی، برگزاری برخی از آئینها بوده است، اما در زمان حاضر این تنوع کارکرد به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است.

جدول ۱۴: بررسی کالبدی بعد اجتماعی (پذیرایی از مهمان) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی	بعد
پذیرایی از مهمان	کارکرد
دوران سازندگی	دوران جنگ
دوره اصلاحات و معاصر	



خانه	خانه علمداری	خانه صابری	خانه ظهیری
فضا			
	حیاط / مهمانخانه	حیاط / فضای مهمان	پذیرایی

بازی کودکان در خانه‌های اوایل انقلاب از همان دوران بچگی با هم سن و سالان خود در محیط اطراف خانه (کوچه و معبر) و فضای داخل خانه، شامل حیاط و اتاقها شکل می‌گرفته است. اما در زمان حال این ارتباطات در صورت وجود، بیرون از فضای خانه صورت می‌پذیرد و در داخل خانه مانند دوران گذشته شاهد استفاده از فضای یادشده برای این امر مانند گذشته نیستیم.

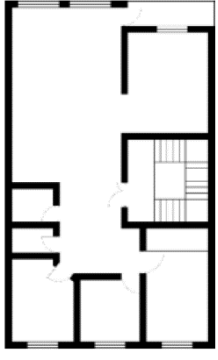
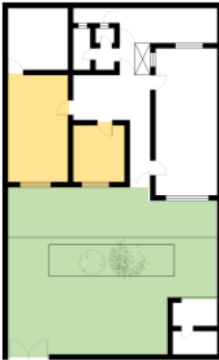

جدول ۱۵: بررسی کالبدی بعد اجتماعی (بازی کودکان) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

بعد اجتماعی	بازی کودکان		
کارکرد	بازی کودکان		
دوره	دوران جنگ	دوران سازندگی	دوره اصلاحات و معاصر
خانه	خانه علمداری	خانه صابری	خانه ظهیری
فضا			
	حیاط / اتاق	حیاط / اتاق	اتاق



اوقات فراغت و بازی‌های دسته جمعی نیز مانند موارد پیشین آنچنان که در دوره‌های قبل شاهد آن بودیم، جایگاه خود را حفظ نکرده‌اند و از آنجا که گرایش به فردگرایی میان اعضای خانواده و به همان نسبت میان اعضای فامیل و آشنایان و دوستان زیاد شده است، قرارگاه‌های رفتاری که این نوع فعالیت در گذشته در آن صورت می‌گرفته است، دیگر تشکیل نمی‌شود. در خانه‌های دوره اوایل انقلاب به طور مثال شاهد آن هستیم که بعد از ظهرهای تابستان خانواده‌ها تخت‌هایی چوبی را در حیاط قرار می‌دادند و تا شب هنگام دور هم جمع می‌شدند و همین دور هم جمع شدن‌ها باعث انجام بازی و سرگرمی‌های گروهی می‌شد. هرچند که در آن دوره بعضی خانواده‌ها اوقاتی را بیرون از خانه برای فراغت سپری می‌کردند، اما به نسبت گذارندن آن زمان در خانه بسیار کم بوده است. به طوری که می‌توان گفت که زمان حال با دوران گذشته از نظر سپری کردن اوقات فراغت و بازی‌های دسته جمعی در داخل و بیرون از خانه نسبتی معکوس وجود دارد.

جدول ۱۶: بررسی کالبدی بعد اجتماعی (اوقات فراغت و بازی) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

بعد اجتماعی	کارکرد		
بازی کودکان	دوره		
دوره اصلاحات و معاصر	دوران سازندگی	دوران جنگ	دوره
خانه ظهیری	خانه صابری	خانه علمداری	خانه
			فضا
	حیاط / اتاق	حیاط / اتاق	

• بعد زیستی

تهیه غذا، استحمام، سرویس از دوران جنگ یا همان اوایل انقلاب که امتداد پهلوی دوم می‌باشد تا دوره معاصر تغییراتی داشته‌اند که شامل مکان قرارگیری آنها در خانه، ابعاد و اندازه و نوع مبلمان فضایی است. تهیه غذا در خانه‌های دوره اوایل انقلاب و پهلوی دوم در مطبخ انجام می‌شده است. مکان قرارگیری این فضا در خانه‌های آن دوره معمولاً در گوشه‌های از حیاط بوده است، اما بعضاً در برخی از خانه‌ها شاهد هستیم که این فضا در زیرزمین خانه تعبیه شده است. در مطبخ برخی از خانه‌ها فضایی برای پخت نان و همچنین پستوها یا انبارهایی برای نگهداری مواد غذایی و دسترسی آسان از آنها به مطبخ برای پخت



غذا وجود داشته است. ابعاد و اندازه مطبخ یا آشپزخانه در خانه‌های این دوره به نسبت سطح اجتماعی و اقتصادی ساکنان خانه متفاوت است، به طوری که در خانه‌های اعیان نشین فضای مطبخ رو به حیاطی باز میشده که کاملاً مخصوص خدمه خانه در نظر گرفته شده است. دوره گذار تغییر نسبی فضای مطبخ به آشپزخانه از دوره پهلوی دوم آغاز می‌شود. در این دوره آشپزخانه به دورن خانه می‌آید و عملکردهای جنبی آشپزخانه تا حد زیادی از بین می‌رود. به تدریج ساختاری که از این دوره برای آشپزخانه‌ها به وجود آمده است وجه غالب ساختار این فضا در دوره‌های بعد می‌شود.

استحمام در خانه‌های دوره پهلوی و بعضاً اوایل انقلاب معمولاً بیرون از خانه و در حمام‌های عمومی شکل می‌گرفته است. هر محله دارای یک حمام بوده است که مجموع چند خانه از آن استفاده می‌کردند. اما برخی از خانه‌ها دارای حمام درون خود بوده‌اند. در آن دوره استحمام مانند زمان حال فواصل کوتاهی نداشته که مهمترین دلیل آن مسائل بهداشتی و کمبود آب بوده و مساله قراردادن حمام درون خانه به دلیل محدودیتهای مالی اهمیت آنچنانی برای خانواده‌های با سطح اجتماعی و اقتصادی پایین تر جامعه نداشته است. از دوره پهلوی دوم که زیرساختهای شهری مانند لوله کشی آب به شهر اضافه می‌شود، قرار گرفتن حمام داخل خانه‌ها وجه غالبتری پیدا می‌کند. و در آخر سرویس در خانه‌های همه دوره‌ها حدوداً در ابعاد و اندازه‌های برابر با مکان قرارگیری متفاوت به چشم می‌خورد. مانند فضای تهیه غذا و حمام این فضا نیز در خانه‌های دوره اوایل انقلاب در گوشه‌ای از حیاط و بیرون از فضای زیست روزانه افراد خانواده تعبیه می‌شده است. از دوره اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ این فضا وارد خانه می‌شود. هرچند از این دوره تا دوره معاصر بعضاً در برخی از خانه‌ها یک سرویس بهداشتی مجزا در گوشه‌ای از حیاط، علاوه بر سرویس بهداشتی داخل ساختمان، به جهت حفظ نظافت و پاکیزگی بیشتر مشاهده می‌شود.

جدول ۱۷: بررسی کالبدی بعد زیستی (تهیه غذا، استحمام، سرویس) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)




بعد	زیستی		
کارکرد	تهیه غذا، استحمام، سرویس		
دوره	دوران جنگ	دوران سازندگی	دوره اصلاحات و معاصر
خانه	خانه علمداری	خانه صابری	خانه ظهیری
فضا			



مطبخ / مستراح / حمام	آشپزخانه / دستشویی / حمام	آشپزخانه / دستشویی / حم
----------------------	---------------------------	-------------------------

محل صرف غذا در دوره‌های مختلف وجه کالبدی متفاوتی داشته است. در دوره اوایل انقلاب یا دوران جنگ، محل صرف غذا درون اتاق‌ها و یا در زمان حضور مهمان، داخل مهمانخانه بوده است. در دوره‌های بعدی محل صرف غذا علاوه بر اتاق و مهمانخانه به درون‌ها نیز منتقل می‌شود، جایی که اعضای خانواده غذای خود را دور هم می‌خورند. در دوره‌های متاخر آشپزخانه نیز علاوه بر کارکرد اصلی خود (طبخ غذا) محلی برای صرف غذا را نیز شامل می‌شود و اتاق دیگر کاربرد آن چنانی برای این فعالیت ندارد.

جدول ۱۸: بررسی کالبدی بعد زیستی (صرف غذا) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

بعد	زیستی		
کارکرد	صرف غذا		
دوره	دوران جنگ	دوران سازندگی	دوره اصلاحات و معاصر
خانه	خانه علمداری	خانه صابری	خانه ظهیری
فضا			
	حیاط / مهمان خانه / هال	حیاط / مهمان خانه / هال	پذیرایی / آشپزخانه

فضای خواب در طی دوره‌های تاریخی دامنه کالبدی محدودتری دارد. به گونه‌ای که در دوره‌های جنگ و سازندگی از اتاق، مهمانخانه و اتاق نشیمن و گاهی حیاط برای خوابیدن استفاده می‌شده است. اما در دوره‌های متاخر این عملکرد تا حد زیادی به اتاق خواب انتقال می‌یابد.

جدول ۱۹: بررسی کالبدی بعد زیستی (فضای خواب و استراحت) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

بعد	زیستی		
کارکرد	فضای خواب و استراحت		
دوره	دوران جنگ	دوران سازندگی	دوره اصلاحات و معاصر
خانه	خانه علمداری	خانه صابری	خانه ظهیری



			فضا
پذیرایی/اتاق	حیاط/ مهمان خانه/هال/ اتاق	حیاط/ مهمان خانه/هال/ اتاق	

• نتیجه گیری

در سطور فوق تغییرات شیوه زندگی از دوره بعد از انقلاب تا معاصر که مؤثر بر الگوی کالبدی بر اساس عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی بودند و به تبع عملکرد فضایی و فعالیتهای وابسته به کالبد خانه می‌باشند توضیح داده شدند. نتایج بیانگر آن است که عنصر حیاط به عنوان فضایی باز که در خانه‌های اوایل انقلاب و حتی پیش از آن دارای نقشی کاربردی بوده است به مرور زمان در کالبد خانه‌ها کمرنگ تر شده است و به تدریج جای خود را با فضاهای نیمه باز (ایوان) و بسته (مانند هال) عوض کرده است. همچنین سیر سلسله مراتب فضایی خانه‌ها کم عمق تر و تنوع فضایی پاسخگو به نیازهای گوناگون کاربران آنچنان که در خانه‌های دوره‌های اولیه مشاهده می‌گردد، از بین رفته است. هرچند نقش تغییر سبک زندگی در موارد بیان شده کاملاً محسوس است اما در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت خانه‌های متاخر مانند خانه‌های پیش از خود منطبق با خواسته‌ها و نیازهای کاربران نمی‌باشند. که به صورت جز به جز می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

بعد معیشتی:

بطور مثال غذا و نان مصرفی روزانه در مطبخ یا آشپزخانه تولید می‌شده است، اما برخی عرقیجات طبیعی در حیاط و تولید کشمش و مانند اینها در زیرزمین (سردخانه) صورت می‌گرفته است. در دوره معاصر تهیه و آماده سازی مواد غذایی تا حد زیادی به آشپزخانه محدود می‌شود.

بعد اجتماعی و فرهنگی:

پذیرایی از مهمان به دلیل نوع ارتباطات فرهنگی مردم کشور ما در همه دوره‌های تاریخی وجه خود را در خانه‌ها حفظ کرده است، اما فضای کالبدی که در زمان گذشته مهمانخانه و در زمان حال پذیرایی نام گرفته است به لحاظ کالبدی از نظر ابعاد، تزئینات، محل قرارگیری در خانه و کارکرد دچار دگرگونی شده است. در زمان گذشته فضای مهمانخانه دارای عملکردهای متنوعی از قبیل پذیرایی از مهمان، خواب، صرف غذا، دوره‌های خانوادگی و فامیلی، برگزاری برخی از آئین‌ها بوده است، اما در زمان حاضر این تنوع کارکرد به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است.



هرچند که در آن دوره بعضی خانواده‌ها اوقاتی را بیرون از خانه برای فراغت سپری می‌کردند، اما به نسبت گذارندن آن زمان در خانه بسیار کم بوده است. به طوری که می‌توان گفت که زمان حال با دوران گذشته از نظر سپری کردن اوقات فراغت و بازی‌های دسته جمعی در داخل و بیرون از خانه نسبتی معکوس وجود دارد.

بعد زیستی و انسانی:

محل صرف غذا در دوره‌های مختلف وجه کالبدی متفاوتی داشته است. در دوره اوایل انقلاب یا دوران جنگ، محل صرف غذا درون اتاق‌ها و یا در زمان حضور مهمان، داخل مهمانخانه بوده است. در دوره‌های بعدی محل صرف غذا علاوه بر اتاق و مهمانخانه به درون‌ها نیز منتقل می‌شود، جایی که اعضای خانواده غذای خود را دور هم می‌خورند. در دوره‌های متاخر آشپزخانه نیز علاوه بر کارکرد اصلی خود (طبخ غذا) محلی برای صرف غذا را نیز شامل می‌شود و اتاق دیگر کاربرد آن چنانی برای این فعالیت ندارد



منابع

- ابراهیمی، غلامرضا، حسین سلطان زاده و غزال کرامتی. (۱۳۹۶). "بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان". نشریه باغ نظر ۴۷: ۲۹-۳۸.
- ارمغان، مریم، حسین سلطان زاده و هما ایرانی بهبهانی. (۱۳۹۲). "معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار". نشریه پژوهش‌های انسان شناسی ایران ۲۹-۵۰.
- اسلامی، سید غلامرضا. (۱۳۹۲). درس گفتار مبانی نظری معماری، عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: علم معمار.
- اسمعیلی، حسین و بهروز عمرانی. تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم. تبریز: انتشارات فروزش، (۱۳۹۳)
- اقا لطفی، آزاده و عیس حجت. (۱۳۹۷). "بررسی تاثیر پذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران". نشریه هنرهای رباب، دوره ۲۳ شماره ۴، ۴۱-۵۴.
- ایازی، رعنا، ارمغان، مریم و خوانساری، شیدا. (۱۳۹۹). "بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بورديو در مسکن معاصر (مطالعه موردی: زوج‌های جوان منطقه دو شهر قزوین)". نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و دوم، شماره ده، ۱۶۳-۱۷۷
- بازایی، محمد و دیگران. ۱۴۰۰. "بررسی تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر کالبد معماری و پیکره بندی فضایی خانه‌های بومی (مطالعه موردی: خانه‌های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز)". فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا (برنامه نویسی منطقه‌ای) سال یازدهم، شماره ۲، ۴۵-۵۸
- بمانیان، محمدرض، نسیم غلامی‌رستم و جنت رحمت پناه. (۱۳۹۷). "عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی". نشریه مطالعات هنر اسلامی ۵۵-۶۸
- بیات، طاهره و سعیده سادات حوائجی. (۱۳۹۵). "مروری بر هویت خانه‌های سنتی در قالب مجتمع مسکونی". نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی ۲۲۷-۲۵۲.
- بیتی، حامد. (۱۳۸۹). "بررسی نقش حیاط در سازماندهی خانه‌های تاریخی: مطالعه موردی خانه‌های دوره قاجار تبریز". کتاب ماه هنر ۵۸-۶۴
- درستکار، احسان و دایع خیری، رقیه. (۱۳۹۸). "سنجش کیفیت زندگی بر مبنای رضایتمندی سکونتی (مورد مطالعه: محله گلشن تهران)". نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و یکم، شماره ده، ۲۴۳-۲۵۵
- جماعت، مینا رمضان و جواد نیستانی. (۱۳۹۸). "جلوه‌های سنت و تجدد در فضاهای ورودی خانه‌های تهران دوره قاجار". نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی ۶۵-۷۶.
- حق جو، امیر و دیگران. (۱۳۹۸). "سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم". فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفا، شماره ۸۶، ۱۲۱-۱۳۰
- حق شناس، محیا و حناچی، پیروز. (۱۳۹۹). "بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران مورد پژوهی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار". نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۱۷، ۱۲۵-۱۴۷



- حسنی، کیانوش، ویدا نوروز برازجانی و محمدرضا نصیرسلامی. (۱۳۹۵). "بازخوانی فرم حیاط و فضاهای وابسته آن با استفاده از دستور زبان شکل در معماری در یک صد خانه دوره قاجار شهر کاشان." نشریه باغ نظر ۶۵-۷۶.
- حیدری، شاهین. (۱۳۹۵). درآمدی بر روش تحقیق در معماری. تهران: فکر نو.
- حیدریان، حمیدرضا، عبدالحمید نقره کار و دیگران. (۱۳۹۳). "شفافیت در معماری خانه‌های قاجاری تبریز." نشریه پژوهش هنر ۶۳-۶۸.
- دلاور، علی. (۱۳۸۹). "روش شناسی کیفی." راهبرد ۳۰۷-۳۲۹.
- ذاکری، سیدمحمد حسین، آرزو قهرمانی و دیگران. (۱۳۹۵). "آزمون دو نظریه پیمون و مستطیل ایرانی در خانه‌های دوره قاجار شیراز." نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۶-۲۸.
- رستم پور، کاوه. (۱۳۹۵). تبیین نقش تعامل مسکن و ویژگی‌های منطق‌های در هویت بخشی معماری مسکونی. رساله دکتری، دانشگاه تهران
- روشندل، زهرا، حسن‌هاشمی زرج آبا و حمیدرضا قربانی. (۱۳۹۵). "بررسی معماری خانه‌های سنتی قاجار در نهبندان با تأکید بر خانه نعمت الله تقوی." نشریه دانش مرمت و میراث فرهنگی ۱-۱۸.
- فاریابی، فهیم و یزدانفر، عباس. (۱۳۹۹). "تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه (مطالعه موردی: شهرستان کرمان)." نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک. سال هشتم، شماره دوازدهم، ۱۹۷-۲۲۰.
- کشتکار قلاتی، احمدرضا و دیگران. (۱۴۰۰). "الزامات کارکردی طراحی مسکن متناسب با تغییر سبک زندگی در دوران بیماری‌های دنیاگیر (مورد پژوهی: دوران همه گیری کووید ۱۹ در تهران)." مجله معماری و شهرسازی پایدار. شماره اول، ۵۵-۶۷.
- قاسمی سیجانی، مریم و غلامحسین معاریان. (۱۳۸۹). "گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان." مجله هویت شهر ۸۷-۹۴.
- مهدوی نژاد، محمدجواد، منصور پور، مصطفی و مصطفی مسعودی نژاد. (۱۳۹۵). "جایگاه اقلیم در ترکیب بندی بناهای معاصر (مطالعه موردی: خانه‌های دوران قاجار در شهر دزفول)." مجله هویت شهر ۶۱-۷۴.
- مهری، سودابه، سهیلی، جمال الدین و ذبیحی، حسین. (۱۳۹۹). "تاثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان نشین دوره قاجار در مازندران." نشریه باغ نظر، ۱۷(۹۳)، ۵۱-۶۶.
- وحدت طلب، مسعود و امین نیک مرام. (۱۳۹۶). "بررسی اهمیت، فراوانی و پراکنش رنگ قرمز در اُرسی‌های خانه‌های تاریخی ایران." هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی ۸۷-۹۷.
- یاران، علی و بهرو، حسین. (۱۳۹۶). "تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل)." نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی ۹۱-۱۰۷.
- یزدانفر، سید عباس. ضرابی الحسینی، مهسا. (۱۳۹۴). تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه در شهرستان ارومیه، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. ۳(۴): ۴۵-۶۱.

• Kim, Yoonjin. 2013. "Recovering sensory pleasure through spatial experience." Cincinnati university.

• Pallasmaa, Juhani. 2012. *The eyes of the skin: Architecture of the Senses*. West Sussex: John Wiley and sons.



10.30495/JSCC.2024.20015



- Pallasmaa, Juhani. 2009. *The thinking hand: Existential and embodied wisdom in architecture*. New York: Wiley.
- Sobchak, Vivian. 1992. *The Address of the Eye, A phenomenology of film experience*. New Jersey: Princeton University Press.
- Thomas Vonderbrink, David. 2007. "Architectural phenomenology: towards a design methodology of person and place." Miami university.
- yorgancioglu, derya. 2004. "Steven Holl: a translation of phenomenological philosophy into the realm of architecture." Middle east university, september.
- zumthor, peter. 2006. *atmospheres*. basel: birkhauser.